﴿ جلد اول ﴾

(کتاب ابی)

خلاصه وقایع ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی

مطابق ۱۳۲۴ هجری

﴿ شهر جمادی الاول ۱۳۳۱ ﴾

﴿ (قیمت هر جلدی هشت قران) ﴾

طهران خیابان ناصریه مطبعه برادران باقر اف

﴿ مطبعه طهران و ناصری بطبع رسید ﴾

کتابخانه عمومی صاحب‌الامر عج
۱۳۸۷ مسجد اعظم قم
موقوفه حاج محمد درمنانی مؤسس کتابخانه

کتابخانه مسجد اعظم
شماره نسخه: ٥٤
شماره کتاب: ۲۵۷
تاریخ ثبت: ۷۷/۱۰/۲۲
شماره سطر:

این کتاب تعلق دارد
به محمد ... آقا خان

1323
سنه ۱۳۲۳

۱۵/۹/۱۱

15/9/11

دیباچه

بسمه تعالی

برارباب دانش پوشیده نیست که در هرعصری چه درزمان ملل قدیمه یاجدیده خواه درایران یاسایر قطعات دنیا حوادث مهمه را علماء فن تاریخ باثروت ومشاهده یابواسطهٔ مخبرین موثق جهة حدوثرا پی برده برای آگاهی اذهان عموم وآثارا مضبوط ومدون نموده‌اند چنانچه مشاهده میکنیم که ازتدوین آن مطالب که درصفحات تواریخ مندرج است پی بحالات وکیفیات مردم آن زمان میبریم و زحمات آثار آنارا مثل این است که ما خود حاضر بوده رأی‌العین مشاهده مینمائیم بالجمله وقایعیکه بیشتر جالب انظار و اذهان است عمده وقایعی است که مردم دورهٔ خودرا گرفتار زحمات و دوچار بلیات فوق الطاقه کرده ومایه عبرت وتنبه خواهد شد ـ در تواریخ ایران ازابتدا تاکنون انقلابات سخت و اتفاقاتی را که مورخین نگاشته اند بنا برعقیده ملکه مسلّمی مردمان بصیر عالم مانند حوادث این دوره اخیر یعنی از سنه **۱۳۲۴** که روز بروز بحال و مردم ایران وارد شده نبوده

اگرچه درعرض این شش سال اخیره مخبرین وخبرنگاران ایرانی هریك علی قدر مراتبهم باندازه وسع خود استخبار کرده و

دیباچه

شطری از وقایع این چند ساله را مرقوم نموده اند ولی خبرنگاران ونمایندگان دولت بهیه انگلیس آن به آن خبر واقعات ایرانرا بوسائل مختلفه بدست آورده هرهفته بلکه همه روزه بسفارت طهران راپورت داده و انهاء داشته اند و سفارت بدربار انگلستان ارسال نموده و وزارت امور خارجه انگلیس آن اخبار و وقایع را بامراسلات و مخابراتی که فیما بین دولتین انگلیس و روس و ایران تبادل یافته و ارسال ومرسول گردیده به پارلمان مشهود وباجازه اعلیحضرت پادشاه انگلستان سال بسال تدوین وچاپ کرده برای اشاعه و اطلاع عموم باسم کتاب آبی وغیره انتشار داده اند

دراین هنگام حضرت اشرف آقای سردار اسعد مد ظله العالی چون میخواستند ابناء وطن را از کماهی و حقیقة انقلاب این چند ساله آگاه ودرحال ایقاظ وانتباه آورند لهذا تمام کتابهای آبی را از بدو مشروطیت ایران تاآخرین مجلد آن بترجمه وطبع رسانیده اند وترجمه این کتابهرا بعهده آقای میرزا سید ابوالقاسمخان واکذار فرمودند ابتدای این کتاب را ایشان ترجمه نموده ولی چون در ترجمه قسمت آخر آن تعطیل روی داد لهذا حضرت اشرف معظم له دامت شوکته اتمام ترجمه کتاب را بمساعدت واهتمام آقای میرزا محمود خان ولد جناب آقای نصیرالدوله محول فرمودند و از نمره ۱۰۵ الی آخر را معزی الیه باتفاق آقای میرزا حسن خان اصفهانی دیپلمه مدرسه امریکائی ترجمه نمودند

بیق ۹۹ / ۹۰
نام کتاب: کتاب آبی ۱/
تاریخ ثبت دفتر
شماره عمومی ۷۹۵۷
شماره مخصوص

مراسلات مربوط بامور ایران

نمره – ۱

تلگراف سراسپرنیک *رایس به *سر ادوارد گری – (وصول ۱۷ دسامبر)

از طهران مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶

تاکنون شاه *زنده است – و دیروز حالش بهتر بود – دیشب ولیعهد وارد طهران گردید

نمره – ۲

تلگراف سراسپرنیک رایس به سر ادوارد گری – (وصول ۲۹ دسامبر)

از طهران مورخه ۲۹ دسامبر ۱۹۰۶

مجدداً حالت شاه رو به بهبودی نهاده ولی اکنون ولیعهد به نیابت سلطنت متصدی امور است

---

*سراسپرنیک رایس — سفیر انگلیس مقیم طهران * سرادوارد گری وزیر امور خارجه دولت انگلیس

*مقصود از شاه مظفرالدین شاه وغرض از ولیعهد محمد علی میرزا است

نمره ـ ۳

خلاصه وقایع ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۴ هجری

سال ۱۹۰۶ مبدء مهم تاریخی ایران شمرده میشود ـ چه در این سال اساس مشروطیت برپا و مجلس مبعوثان منعقد و این مملکت در عداد ممالک مشروطه معرفی گردید

مدتی وضع ایران حالتی پیدا کرده بود که هیچکس تحمل آنرا نمی توانست نمود ـ پادشاه بکلی آلتی بود در دست عده از درباریان بیعلم فاسدی که ممر و مدخل معاش خویش را از چپاول ملت و غارت مملکت قرار داده بودند ـ و آنچه را که شاه از پدر خود بارث دریافته بود باسیاری از ذخایر و اموال سلطنتی و ملی را تبذیر نموده لهذا مجبور باستقراض از خارجه شد ـ پس از وصول آن تمامی را چه صرف مسافرت فرنگ و چه بذل به درباریان کرده وچون همه ساله مالیه مملکت کسر و نقصان مییافت و بر قروض داخلی همه روزه افزوده می گشت در این صورت چارهٔ بنظر نیاوردند جز اینکه مجدداً از خارجه بقرض دیگر استعانت جویند و چنانچه معروف بود آنرا نیز در همان وامهائی صرف خواهند نمود که قروض سابقه را بمصرف رسانیدند و قروض هم داده نمیشد مگر بشروطی که باعتقاد عامه سبب اضمحلال

استقلال مملکت می بود

کسانیکه ازاین مسائل اطلاع داشتند فقط جمعی ازجوانان باستقلالی بودند که دولت آنهارا برای عقد معاهدات قروض وقبول شروط آن اختیار نامه بخشیده بود و جـز معدودی از اشخاص که از رموز مطالب مستحضر بودند و نمی توانستند مکشوف سازند اکثر ایرانیان خاصه علما وقایع را بطور مبهم میدانستند

علمای نجف در زمان صدارت *اتابک سابق هیجان سخت نموده در جلو گیری اعمالیکه پادشاه و درباریان می نمودند و نزدیک بود بواسطه سوء اعمالشان مملکت بخارجه فروخته شود اقدامات مجدانه کرده عاقبت اتابک استعفا داد و بجای او *صدر اعظم جدیدی منصوب شد ـ ابتدا وی باصلاح مالیه کوشید تابواسطه مرتب شدن آن شاید مملکت از آن ببعد محتاج باستقراض نشود و از مساعدت مالیه خارجه مجانی یابد ولی همینکه اقتدار یافت ودر دولت نفوذ پیدا نمود معلوم شد که قصدش نه چنین بوده بلکه غرضش اندوختن مال و مقصود عمده اش پر کردن کیسه خود بوده است ـ *نصیحت گوی بزرگ شاه را باخویش متحد نمود که

---

* اتابک سابق (میرزا علی اصغر خان امین السلطان)

* صدر اعظم جدید (عین الدوله)

* نصیحت گوی بزرگ (امیر بهادر)

انجه غارت کنند بالسویه مابین خود تقسیم نمایند ـ حکومتها متاع خرید و فروش گردید ـ محتکرین غله و گندم را احتکار نموده به قیمتهای گزاف میفروختند ـ اثاثیه سلطنتی و اسباب دولتی یا به سرقت برده می شد و یا محض اینکه سودی بدو متحد مذکور عاید شود برایگان فروش میرفت ـ متمولین را بطهران احضار و از هریك مبلغ کثیری وجه نقد بزور و جبر میگرفتند ـ ظلم بانواع مختلفه شیوع تامه یافت ـ هیچکس صاحب اموال خود نبود و از جان خویش اطمینان نداشت ـ تصرف اموال مردم و ریختن خون ایشان سنه بود رحم اولیای امور بالاخره بواسطه این بیعدالتیها نزدیك بود اهالی شورش نموده پادشاه بیقدرت را که از او سلب اختیارات شده بود از سلطنت معزول و ولیعهدش را نیز مجبور باستعفا نمایند و در این موقع برخی بخیال افتادند که شعاع السلطنه پسر دویم شاه را که در ظلم و اجحاف حتی در خود ایران ضرب المثل است بولیعهدی منصوب نمایند

تمام طبقات ایرانیها وجمعی از دانایان وطن دوست که میدانستند مملکت گرفتار چه مخاطرات خواهد گردید وهمچنین علما وپیشوایان مذهب که اضمحلال استقلال خویش و وطن خود را آشکار میدیدند و نیز اغلب اهالی وکلیه طبقات تجار وکسبه که قربانی ظلم ظالمین و مستبدین غنیم بودند از رفتار و فشار اتابك (عین الدوله) و رفقایش بستوه آمده بمخالفت و ضدیت وی

برخواستند تا در ماه دسامبر طوفان انقلابات وزیدن گرفت ـ حاکم طهران سید پیری را بدون تقصیر و جنایتی که سزاوار تنبیه باشد امر نمود بچوب بستند و باکمال بیرحمی ویرا تازیانه زدند ـ جمع کثیری از علما و مجتهدین که این گونه بیرحمی را مشاهده نمودند خود داری نتوانستند نمود از طهران هجرت نموده در زاویه حضرت عبدالعظیم محض داد خواهی مظلومین متحصن شدند ـ دولت چه بدادن رشوه و چه بواسطه تهدید هر قدر کوشش کرد که ایشانرا از حضرت عبد العظیم بطهران عودت دهند و جلو گیری از اقداماتشان نموده مجامع آنها را متفرق سازد فایده نبخشید بلکه در پافشاری و استقامتشان افزوده گشت و اگر کسی از علما وغیره موافقت باخیالات دولت مینمود و از آن طرفداری میکرد فوراً بجهات معروف و مطرود عامه گشته داغ باطله میخورد ـ شاه که علما و تجار و کسبه و سایر طبقاترا متفق و ثابت قدم دید از اقدامات خویش مایوس گشته سر تسلیم پیش آورد و بدروغ وعده ها داد که عدلیه را اصلاح و وزارتخانها را مرتب نماید و بلکه اجازه داد که از طرف خود نماینده بعدلیه و سایر ادارات بفرستند ـ اما متحصنین حضرت عبدالعظیم تظلمات خویش را با عباراتی بسیار ساده و مهیج بطبع رسانیده انتشار دادند و مردم را بوطن دوستی و پیروی احکام الهی و متابعت عقاید اسلامی دعوت میکردند واز وضع

سلطنت شاه و بد سلوکی درباریان که مسؤلیت خرابی مملکت و صدمات اهالی آن درعهده ایشان است آشکارا بنای مذمت و سرزنش را نهادند این بود اول عملیکه ملت اقدام کرد — و در آخر ماه ژانویه ختم شد باین معنی که متحصنین زاویهٔ حضرت عبدالعظیم را در کالسکه های سلطنتی بطهران عودت داده در حالتی که جمع کثیری ازاشخاص باحرارت وطن دوست اطراف آنها را محض حفظ از مخاطرات احاطه داشتند

دولت گمان کرد که بواسطه معاودت ایشان رفع فتنه شده دیگر بهیچگونه خطری نخواهد بود — بعضی از ملاها که میدانستند اگر تنظیمات جدیده روی دهد هرآینه تسلط واستقلال ایشان گرفتار مخاطرات و دچار محذورات خواهد گردید بنای نفاق را باروسای ملت نهادند — ولی این حرکات اثری نبخشید و آنها را ازاین مسلك فایدهٔ حاصل نگردید

جمعی از مقدسین و کسانیکه گمان میرفت میتوانند از اغتشاشات جلوگیری نمایند بامر شاه احضار شدند که با ایشان مشورت و مصلحت نمایند ولی شاه بهیچوجه اقدامی درمشورت و ایفاء بمواعید خود ننموده از آن همه نویدها که داده بود هیچ یك را بموقع اجری در نیاورد مگر مجدداً بدادن یك دستخط مبهمی که دایر کردن عدلیه ها و اعطای قانون جدید و منعقد نمودن مجلسی را که ممیز اصلاح امورات باشد وعده میداد — پس

ازچند روزی معلوم شد که اجزا و کسانیکه در این مجلس بایستی وضع قوانین اصلاح و تنظیم امور را نمایند در تحت حکم واقتدار دولت خواهند بود — ومدتی نگذشت که نیز فهمیده شد بعضی از مجتهدین باطناً مانع از پیشرفت مقاصد ملت میباشند — باری در طهران از ترس و خوف آرامی وسکون روی داد ولیکن در سایر ولایات مانند شیراز ورشت اهالی جداً به ممانعت برخواسته متفق القول اظهار داشتند که پسران شاهرا بحکومت نخواهند پذیرفت و قدری استقامت ورزیدند تابمقصود خویش نائل آمدند

اگر چه در بازارها و کوچه های پای تخت هیچ صدائی شنیده نمی شد سکوت و آرامی غلبه داشت ولی در مساجد همه روزه واعظین و ناطقین مردمرا موعظه می نمودند چنانچه یکی از طرفداران عامه باکمال قوت قلب به مردم خطاب نموده بود که ای مردم « آنچه را که قدرت تصورش را نداشتیم در سال گذشته باکمال آزادی و آشکار بزبان راندیم » — و نیز یکی از شاهزادگان که از معاریف وعاظ و ادبا است همه جمعه در منابر و مساجد از فساد اعمال درباریان و ظلم دولتیان ومظلومیت ملت نطقها می کرد و مردم را موعظه می نمود — از طرف دولت حکم صادر شد که ویرا نفی بلد نمایند — علما و مجتهدین بزرك به تحریك مردم به ممانعت برخواستند ودولت فشار سخت وارد

آوردند که از گرفتاری وی صرف نظر کند ومزاحم او نگردند دولت مجبور شد قبول نماید و نیز در ضمن این واقعه مطلب تازهٔ کشف گردیده معلوم شد واعظ مذکور دراتحاد کلیه مسلمین سعی نمایندگی دارد وبدین واسطه وزیر مختار دولت عثمانی باوی دوستی داشته کمال حمایترا از وی می نماید

در این اوقات دولت چارهٔ ندید جز اینکه مجلسی را که سابق وعدهٔ انعقادش را داده بود منعقد ساخته در خصوص اصلاح امورات مشاوره شود ـ لهذا وزرا و اعیان بامر شاه در دربار حاضر شدند ولی درباریان و کسانیکه شاهرا در چنگال خود داشتند هنوز امیدوار بوده اعتنائی باین گونه اقدامات نمی کردند زیرا کسی جرات نداشت عقاید خودرا درآن مجلس ظاهر سازد وبطور واضح و آزاد سخن بگوید مگر احتشام السلطنه که روزی بازبانی فصیح وبیانی بلیغ و کافی شدید اظهار داشت که منشاء ویرانی مملکت و سبب خرابی دولت صدر اعظم ورفقای او است ـ مذلت ومسکنت دولت نیست مگر بواسطه ایشان ـ درهمانوقت سخنان وی در شهر انتشار یافت ـ اما * وزیر دربار که خودرا از ملازمین ونوکرهای مخصوص صدر اعظم می دانست پی در پی بیانات احتشام السلطنه را قطع کرده می گفت « هرکس چنین بگوید خائن و نمک بحرام است » ـ بواسطه این

* وزیر دربار (امیر بهادر)

سخنان نگذاشتند این ناطق دلیر در پایتخت بماند فوراً اورا بیکی از نقاط بعیده مملکت بماموریت فرستادند و نیز وزیر تجار را که در مواقع واوقات مختلفه از زشتیات ادارهٔ مسیو نوز رئیس گمرکات اشکار عیب جوئی مینمود و بر ضد او حرفها می زد نفی بلد نمودند و بدین جهات در طهران ظاهراً انقلابات فرو نشست

در اواسط ماه مه شاه مبتلا بمرض فلج گردید و طوری از حس افتاد که هیچ کاری از وی ساخته نمی شد ـ دوست یگانه ورفیق شفیق صدر اعظم یعنی وزیر دربار مستبد کهنه پرست اخبار را تغییر و تبدیل میداد و هرگز نمیگذاشت عین وقایع بعرض شاه رسد واگر کسی ازحقیقت مطالب اظهاری بشاه می نمود فوری اقوالش را تکذیب می کردند

چون موقع رفتن به ییلاق شد شاه را در اواسط ماه ژوان بصاحبقرانیه که مقر ییلاق سلطنتی است حرکت دادند و بدینواسطه هیجان اهالی شهر بیشتر تسکین یافت ولی مدت زمان این آرامی وسکوت تا هفته اول ماه ژوییه بیشتر بطول نیانجامید ـ عمداً علما وناطقین در مساجد بنای موعظه ونطق را گذاشتند ـ رفتار زشت درباریان را تقبیح میکردند و مردم را بدفع اهل ظلم و فساد بر می انگیختند ـ در یازدهم ماه ژوییه وزیر اعظم امر به قید یکی از وعاظ معروف نمود ـ مامورین از دور و کنار در اطراف خانه و کوچهٔ که محل آمدو رفت وی بود بکمین نشست

منتظر بودند که اورا دیده دستگیر نمایند ـ اتفاقاً همان وقت که اورا مقید ساخته میخواستند ببرند یك زنی که از آن محل عبور میکرد چون از کیفیت واقعه مستحضر شد مردمرا از گرفتاری وی مطلع ساخت ـ جمع کثیری از کسبه وغیره برای استخلاص او از هرجانب هجوم آوردند ـ رئیس مامورین که ازصاحبمنصبان نظامی بود سربازهارا فرمان شلیك داد سربازها ازاین حرکت امتناع ورزیده امر صاحبمنصبرا اطاعت نکردند ـ فرمانده خودش مبادرت بشلیك کرده جوان سیدیرا هدف گلوله ساخت و درهمان نقطه هلاك نمود ـ مردم ازکشته شدن سید بیشتر بهیجان آمده بقراولخانه که واعظ مذکور درانجا حبس بود حمله آوردند و در این وقت چهار تیر از طرف سربازها شلیك شد و چند نفر از مردم مجروح گشتند ـ پس ازجنك مختصری سربازها شکست خورده فرار اختیار کردند ـ انگاه جسد سیدرا به مدرسهٔ که در همان حوالی بود انتقال دادند وجمعیت کثیری در انجا اجتماع نموده صورت واقعه را بعلماها و پیش نماز های ان اطراف پیغام فرستاده ایشان را بدانجا طلبیدند ـ طولی نکشید که علما و طلاب بابسیاری از مردم وارد مدرسه گردیدند و در همان وقت بازارها نیز بسته شد

مردم کفن بگردن افکنده در کوچه و بازار ازدحام نموده مثل اینکه بخواهند جهاد کنند و برای کشته شدن

آماده باشند و همچنین زنها نوحه کنان بر سر و سینه می زدند و دولترا بنفرین ودعای بد یاد میکردند ـ چون خبر این حادثه بوزیر اعظم رسید معجلا با گروهی از سواران که اطرافش را احاطه داشتند بطهران آمد وبلا تأمل مجلس منعقد ساخته پس ازمشورت صلاح چنین دیدند کهقوه نظامی استعمال شود لهذا درتمام بازارها سرباز مامور نمودند و بدیوار های شهر اعلان نصب نمودند که مفادش سر زنش و توبیخ از هیجان بود و نیز امر بر طبقه علما که هر تظلمی دارند اظهار نمایند وهمچنین مشعر بود بر استقرار دائمی صدر اعظم و عدم عزل او از صدارت ـ تا ۱۲ ژوئیه هیچگونه تغییر و تبدیل در اوضاع داده نشد ـ محترمین از علما و مجتهدین و بسیاری از تجار و کسبه درمسجد جمعه طهران اجتماع نموده انجا را مأمن خود قرار داده بودند ـ سربازها انجا را احاطه نمودند ـ روز ۱۳ ژوئیه عده از مردم پیراهن خونی سید مقتول را بر سر چوب نصب کرده بدست گرفتند و بحالت سینه زنی و حسین حسین گویان در بازار بگردش درآمدند سربازها که مانع از حرکت ایشان بودند یك مرتبه بطرف جمعیت شلیك کرده جمعی را مقتول و عده را مجروح ساختند ـ اجساد مقتولین را سربازها مخفیانه حمل کردند و در چاهی که نزدیك شهر است فرو ریختند ـــ وقتی خبر این واقعه باقا سید عبدالله مجتهد که در مسجد جمعه موعظه می نمود رسید قرآنرا بر سردست

گرفته مردمرا قسم داد که متفرق شوند ودر مسجد توقف نکنند وضمناً پیغامیکه کتباً از طرف شاه فرستاده شده بود در حضور جمع قرائت نمود و پس از آن گفت « ای مردم آنچه را که در باب عدالت خواهش و تقاضا نمودید عاقبت جز گلوله جوابی نشنیدید »

از سیزدهم تا پانزدهم ژوییه علما ومجتهدین از مسجد نتوانستند خارج شوند و چنان محاصره شده بودند که آذوقه و نان باکمال اشکال وبطور مخفی بآنها میرسید — بالاخره دولت علما را اجازه داد که از طهران خارج شوند و بهر جا مایل باشند عزیمت نمایند بشرط اینکه مردم باآنها مسافرت نکنند

روز پانزدهم ژوییه مجتهدین و علما از طهران عازم قم گردیدند و شب در مسجد بین راه توقف کردند و از آنجا اعلام نمودند که اگر شاه ایفاء بمواعید خود ووضع قوانین اصلاح و تنظیم را ننماید و صدر اعظم را معزول نکند هرآینه اجماع علما و مجتهدین باماکن مقدسه هجرت خواهند کرد بطوریکه نه پیشوائی دربای تخت باقی بماند و نه امور شرعیه از این ببعد در آنجا اجرا شود

در این وقت ظاهراً دولت فاتح و غالب آمد — و شهر را در تحت قوهٔ نظامی در آوردند — رؤسا و محرکین ملت از ترس فرار کردند — حکومت باستفسار احوال طرفداران ملت

و تجسس آنها برآمده و باکمال دقت مواظب رفتار ایشان بود درباریان و مدعیان هوا خواهان ملت نفوذ تامه در شاه حاصل کرده اورا بکلی در حیطه تصرف خویش در آوردند — و بر مردم معلوم شد که بی حرمتی به معبد مسلمین و قتل اولاد رسول در نزد مدعیانشان هیچ امر قبیح و فعل شنیعی نیست — اگر چه دولتیان بمسجد حمله نیاوردند ولی بقدری سخت آنجارا محاصره کرده بودند که کسی نه جرئت داشت و نه اجازه می یافت که آذوقه برای محصورین ببرد — تمام بازار در تصرف سرباز ها بود و مردم مأمنی که بدانجا پناهنده شوند در نظر نداشتند ناچار رجوع بعادت قدیمه نمودند یعنی بفکر این شدند که در نقطهٔ بست اختیار نمایند — این عادت را ایرانیان از دیر زمان مشروع و مقدس میدانستند و معلوم نیست از چه وقت در ایران رسم شده است

در ۱۸۴۸ میلادی اعیان و بزرگان مملکت ایران از ظلم و ستم حاجی میرزا آقاسی وزیر محمد شاه ملتجی بسفارتین انگلیس و روس شده در آنجا بست نشستند و عزل اورا از شاه خواستگار گردیدند — از آنزمان ایرانیانرا عادتی شد که هر وقت ستم سختی از دولت میدیدند بیکی از سفارتخانهای خارجه متحصن می شدند — چنانچه (قبل از محاصره مسجد و رفتن علما بقم) شیخ الرئیس که از معاریف وعاظ است از خوف دولت بسفارت

عثمانی پناهنده شد واز آنجا خارج نگردید تاوقتیکه بتوسط سفارت
تامین نامه از دولت برای او گرفته ودر دفتر سفارت ضبط نمودند
خلاصه مردم خودرا منحصر به پناه بردن بیکی از سفارتخانه
دیده در [illegible] ژوئیه یعنی قبل از کشته شدن سید و گرفتاری * و عده
دیگر در دوم ژوئیه [illegible] داد آقا سید عبدالله مجتهد که [illegible]
[illegible] مجتهدین صاحب [illegible] است [illegible] و [illegible] از گرفتن [illegible]
مکتوبی [illegible] دولت شارژدافر سفارت انگلیس فرستاده
همراهی [illegible] و [illegible] آن سفارت را خواهش نمود ولی شارژدافر
مزبور در جواب اظهار داشت که سفارت انگلیس هیچ وجه
حاضر نیست همراهی با جهت [illegible] نماید که [illegible]
حکومت [illegible] باشد

در [illegible] ژوئیه آقا سید عبدالله در شرف حرکت از
طهران مجدداً به [illegible] دولت مکتوبی نوشت بدین مضمون
که [illegible] و مجتهدین [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible] که در [illegible] و [illegible] همراهی خود [illegible]
[illegible] در قلهك که ۷ میلی شهر واقع است
سفارت [illegible] که [illegible] سفارت
[illegible] شارژدافر [illegible] خواهند [illegible]

* مقصود از واقعه [illegible]

و باینکه مانع از ورود آنان خواهد شد — شارژدافر اظهار
داشت که امید وارم اقدام بان عمل نشود و باینکه سنت تشبث
و نگهداری و حفاظت بستیان در مملکت ایران امریست مشروع
ولی در صورت اقدام باین کار باز مجبور است بواسطه قوه قهریه
شمارا مانع از دخول شوم — مشار الیه بفوریت وزیر امور
خارجه ایرانرا از این واقعه مستحضر نمود ووزیر [illegible]
کمال امتنانرا حاصل کرد لکن [illegible] سفارت اطلاع
داد بهیچوجه اقدامی در جلوگیری از [illegible] نموده نشد

عصر [illegible] ژوئیه [illegible] از [illegible] و [illegible] سفارت
[illegible] در [illegible] موقف شدند و [illegible]
[illegible] که در [illegible] قریب به
چهارده هزار نفر [illegible]
[illegible]
[illegible] در سفارت
[illegible] و [illegible] در
سفارت [illegible] و امور شام و نهار متحصنین
[illegible] که بهیچوجه [illegible]
[illegible] مصارف و [illegible]
کمیل بودند — [illegible] و [illegible]
سفارت بود باوجودیکه بهیچوجه [illegible]

متحصنین پیش از پیش رعایت نظم و قانونرا مینمودند

جواب مستدعیات مردم را دولت ارسال داشت و ضمنا از مستر گرنت دوف خواهش نموده شد که برای مردم قرائت کند ولی دستخطهائیکه از طرف دولت صادر میگردید ملت وقعی بآنها نمیگذاشت و از قبول آن امتناع داشتند عاقبت چون دولت ملاحظه کرد که مردم بدستخط متقاعد نمیشوند حاضر شد که ملت جمعی را از میان خود انتخاب کند تا بحضور وفد شاه مستدعیات خودرا بگویند و در آن باب گفتگو و مذاکره [illegible]

این متحصنین باکمال ثبات قدم جواب دادند مادامی که دولت مستدعیات ایشانرا موقع قبول نگذارد از سفارت خارج نخواهند شد زیرا بهتر از آنجا مأمنی ندارند و نیز اظهار داشتند [illegible] استحصار کامل از حالات ملت حاصل نکند در خصوص مستدعیات ایشان جواب مناسب نخواهند داد

از طرف شاه به مستر گرنت دوف اظهار شد که بوزیر امور خارجه تاکید مخصوص نموده در چگونگی مطالب مرقومه ملت [illegible] و مذاکره شود اگرچه اعتقاد مجلس [illegible] زود مقرر شد ولی [illegible]

یکی از [illegible] که حتی از اوائل [illegible] و صرف [illegible] صدر اعظم [illegible] دولت [illegible]

و بدخواه ایشان [illegible] و [illegible] است که خودشان بر سفارت متحصن شوند و [illegible] واقع آن اعلامی بود [illegible] و موجب [illegible] صدر اعظم و وزیر [illegible] شد

[illegible] مجبور به تسلیم شدند و ناچار صدر اعظم استعفا داد و عضد الملک رئیس [illegible] قاجاریه بقم [illegible] شد تا [illegible] متحصنین قم اطلاع دهد که شاه مستدعیات [illegible] در خصوص مجلس شوری ملی و تاسیس عدالتخانه ها پذیرفت

اما اشکال عمده که در آن وقت [illegible] مستر گرنت دوف دچار شد [illegible] اطمینان [illegible] بود [illegible] دولت اعلان اصلاح امور [illegible] متحصنین سفارت جواب دادند [illegible] اطمینان [illegible] دولت ندارند و قبول نخواهیم نمود مگر اینکه دولت انگلیس ضمانت کند و [illegible] ضامن [illegible] دهد [illegible] مستر گرنت دوف [illegible] دستور العملیکه از دولت متبوعه خود [illegible] که دولت انگلیس [illegible] ممکن [illegible]

[illegible]

[illegible]

- مستر گرانت دوف - شد و بمصلحت مشارالیه درخانهٔ وزیرامور خارجه که بنازک بجای صدر اعظم منتفی منصوب شده بود مجلسی مرکب از رجال دولت وامنای ملت منعقد گردید ولی - مستر گرانت دوف - در گفتگوی ایشان مداخله نمیکرد مگر وقتی که از او سؤالی میشد — پس از مذاکرات بسیار و مباحثات طولانی اتفاق آراء براین قرار گرفت که فرمانی از شاه درخصوص تأسیس مجلس مبعوثان وانتخاب وکلای ملت صادر شود — پس ازصدور دستخط آنرا بسفارت برده در حضور متحصنین قرائت شد ومردم بکمال رضایت پذیرفتند

در همانروز قرار شد علما از قم مراجعت نمایند و نیز متحصنین ازسفارت خارج گشتند عصر روز شانزدهم اوت مهاجرین قم یعنی علما و طلاب وارد طهران شدند مردم باستقبال ایشان شتافته از ورود آنها اظهار مسرت و خوشحالی میکردند

روز هیجدهم اوت دریکی ازعمارات جنب قصر سلطنتی یك مجلس عالی که مقدمه مجلس شورای ملی را ظاهر می ساخت منعقد گشت و حاج شیخ محمد واعظ که در حقیقت گرفتاری او مقدمهٔ آزادی عامه شد برفراز سکوی مرتفعی ایستاده خطبه خواند ومردمرا بافتتاح مجلس شورای وانتخاب وکلای ملت بشارت داد - روز نوزدهم اوت مجتهدین وعلمائی که از قم معاودت نموده بودند بملاقات شاه رفتند آقا سید عبدالله و آقا سید محمد در حضور طلاب

نسبت بشاه دوستانه و بطور مصری رفتار نمودند واعلیحضرت شاه خطاب بحاضرین کرده گفت بر شماست که در خدمتگذاری بمن غفلت نورزید و خاطر ما را همواره از خود خورسند و مشعوف سازید

در جواب گفتند در حقیقت نه این است که خدمت به اعلیحضرت خواهیم نمود بلکه خدمتی است بخویشتن و ملت خود

اما طرفداران استبداد بهیچوجه از پیشرفت خیالات خویش مأیوس نبوده منتظر وقت بودند که مقاصد فاسدهٔ خودرا در موقع بکار برند — و هفتهٔ نگذشت که از مواعید شاه رفته رفته کاسته شد و در مضامین دستخط تصرفات نمودند بطریقی که مقصود اصلی که اعطای مشروطه بود از آن مفهوم نمی گشت - وبعلاوه شاه بکلی از امضای قانون انتخابات وکلای مجلس شورای ملی امتناع ورزید - از این حرکت اهالی شهر بی اندازه متغیر گشته دوباره به هیجان آمده و به - مستر گرانت دوف - اطلاع دادند که بواسطه این دسایس و حیل که مشاهده میشود ناچار بزودی به سفارت تحصن جسته واگر هم جلو گیری شود بزور بدانجا داخل خواهیم شد — پس از این اخطار قریب به ۲۵ نفر از [illegible] ملت بسفارت وارد گشته منزل اختیار کردند نزدیك بود دوباره اغتشاش تجدید یابد - لهذا - مستر گرانت دوف - برحسب دستور وتعلیماتیکه از لندن باو داده شده بود با وزیر مختار دولت روس

وقته اورا دعوت بهمراهی نمود که متفقاً مطالبرا بدولت ایران اظهار دارند دفع رجال دولترا در اصلاح امور جلب نمایند

اما وزیر مختار روس از هر گونه همراهی فعلی با حضور یکدیگر امتناع داشت فقط راضی شد که آنچه بیان نامه و یاد داشت فرستاده شود هر دو امضا کنند — و نتیجهٔ که از اقدامات جداگانهٔ این دو سفارت حاصل آمد همین تعهد عین الدوله بود به حرارت و بامضا رسیدن قانون انتخابات و حکم شدن جمع و نشر آن — و در ولایات حکم رفت که قانون انتخابات را انتشار داده فوراً مشغول انتخاب شوند — ولی حکام عملی در این امر نکرده و نگذاشتند مردم بانتخاب پردازند بدین واسطه رؤسای اهالی تبریز و رشت و مشهد مصمم شدند بقنسولخانهای انگلیس رفته بست اختیار کنند

در این احوال سر اسپرینگ رایس از لندن وارد طهران گردید — بنا بر توصیهٔ که باو شده بود بتمام قنسولهای انگلیس مقیم ایران تلگراف نمود که مردمرا حتی الامکان از دخول به قنسولخانهای خود منع نمایند — ضمناً بطور مخفی ... های غیر رسمی در خصوص رفع اغتشاشات و اصلاح امور مردم و غیره بدولت ایران ارسال داشت

خلاصه متدرجاً انقلابات روی بتخفیف و آرامی نهاده به انتخاب وکلای ولایات شروع نمودند — بملاحظه اینکه افتتاح مجلس

بتاخیر نیفتد و طرفی بعیان نیاید قرار دادند همین که وکلای طهران انتخاب شوند بدون انکه منتظر ورود منتخبین سایر ولایات باشند در مجلس نشسته بمذاکرات پردازند

اولین جلسهٔ مجلس جدید یعنی شورای ملی توسط شخص شاه با حضور علما و رجال دولت و درباریان و سفرای خارجه منعقد گشت — در روز بعد فوری وکلا مشغول کار شدند و اول کاریکه نمودند دولترا از قبول مساعدت مالیهٔ روس وانگلیس و قرض کردن از آن دو دولت مانع گردیدند و ... رسمی داشتند که آنچه را بخواهد دولت میبایستی اجرا کرده وعطلی نکند

مجلس

چنانچه مذکور شد در هفتم اکتبر شاه شخصاً مجلس را مفتوح ساخت و در این وقت اعضای مجلس عبارت بود از شصت و چهار نفر وکلای طهران که بموجب نظامنامه انتخاب شده بودند و وکلای سایر ولایات پی در پی انتخاب شده بطهران می آمدند و اینکه قانون عده وکلا را تمام ... و ... ولایت و ایالات بوده است ... عده ... مجلس هنوز باقیست — طولی نکشید که مجلس استقلال و قوهٔ خود را ظاهر ساخت و یکی قرض از روس و انگلیس را منع نمود و بیکمشت مالیهٔ ملترا ... گذاشت

وکلا معجلا بوضع قوانین پرداخته در تعدیل مالیه مملکت خیلی دقت داشتند و تهیهٔ سرمایهٔ که مملکترا از استقراض خارجی بی نیاز نماید بتشکیل بانك ملی دانستند ولی قرار شد تاقانون اساسی نوشته نشود و بامضا نرسد باین گونه کارها اقدام نکنند — لهذا هیئتی معین شد که مواد قانون اساسیرا وضع نماید —

این هیئت بمشورت جمعی که از طرف دولت معین شده بود قانون اساسیرا ترتیب داده تسلیم مجلس کردند — نتیجه این آنکه بیشتر مجلسیان و عامهٔ مردم بواسطهٔ بعضی از مواد آن به هیجان آمدند و بگمان آزادی می کشیدند رعایت حقوق ملت نشده بلکه خیانت کرده اند بالمواجهه بعضی از وکلای عمده و عمدهٔ امضا نمودند* رؤسا و علما باصلاح کوشیدند بالاخره میان دولت ومجلس اتحاد برقرار بود وجه بجهه معروفست شخص ولیعهد کوشش کرده قانون اساسی را بامضای شاه رسانید و صدر اعظم آن را به مجلس آورده قرائت شد و سپس صدای زنده باد شاه بلند گشت — بوجود یک مجلس قدرت ونفوذ تامه حاصل گردولی

* استعفای وکلا بصحت تمامه هیجان ملت و وکلا در خصوص چند ماده از قانون اساسی و تعویق امضای آن بود چنانچه در روز ۱۱ و ۱۲ دسامبر مشیرالدوله نایب و محتشم السلطنه از طرف ولیعهد بمجلس آمده موادی را که موجب اختلاف واقع شده بود تصفیه نموده و بصحه شاه رسانیدند

از عهدهٔ اصلاحات عمل و تنظیم امور بطور شایسته بر نیامد و همچنین نتوانست که سرمایهٔ کافی جمع کند که بانك ملی را تشکیل دهد — پس معلوم می شود مملکت نمی تواند چنانچه وکلا عقیده داشتند بدون استقراض از خارجه اصلاح گردد و کارها در مجرای خویش قرار بگیرد — رؤسا نجات و حفظ استقلال مملکترا ملتزم و مربوط بتعدیل مالیه می دانستند

در این وقت حالات ضدیت باخارجه خیلی احساس می شود — مجلس وبایست بلژیکیهارا در گمرکات ابراد می نماید و بر بریگاد قزاق تاخت آورده همچنین متعرض سایر اجنبیان که بخارجه داده اند می باشد — در اینصورت هیچ جای تردید نیست که بانك شاهنشاهی بسبب داشتن امتیاز اسکناس بزودی مطرح ایرادات سخت واقع خواهد شد — البته طولی نمیکشد که بواسطه حرکات مردم امور واوضاع رعایای خارجه دچار سختی واشکالات خواهد گردید

نمره — ۴

تلگراف سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

طهران ۳ ژانویه ۱۹۰۷

دیروز صدر اعظم قانون اساسیرا که بامضای شاه و ولیعهد بود بمجلس آورد — در قانون اساسی مقرر شده که ماليه و قروض باید در تحت نظارت مجلس باشد

نمره ـ ۵

تلگراف سر سسیل اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۹ ژانویه)

از طهران ۸ ژانویه

دیشب بین ساعت ده و یازده شاه رحلت نمود

نمره ٦

تلگراف * سر نیکلسن به سر ادوارد گری

از پطرزبورغ ۱۲ ژانویه ۱۹۰۷

بدنشنی در خصوص جلوس پادشاه ایران از وزیر امور خارجهٔ دولت روس مذاکره نمودم دریافت کردم که وزیر مختار روس مقیم طهران قرار شده است باتفاق سر اسپرینگ رایس به دربار ایران اطلاع دهند که دومین پسر شاه بولیعهدی می نشینند

خواهش می نمایم از * مسیو ایسوولسکی در خصوص مراسله که فرستاده است تشکر نموده و همراهی خود را نیز اظهار دارید ـ و نیز مسیو ایسوولسکی مدعی است که این حرکت متحدانه بلاشک مانع و رفع خیالات دولتی را که دربارهٔ اولاد دودمان ایران شده است مستحکم خواهد نمود

* سر نیکلسن ـ سفیر انگلیس مقیم پطرزبورغ
* مسیو ایسوولسکی ـ وزیر امور خارجه دولت روس

نمره ـ ۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت امور خارجه ۱۵ ژانویه ۱۹۰۷

تلگراف شما مورخه ۱۲ شهر حال در خصوص شناختن دومین پسر شاه را بولیعهدی واصل گردید

در طریقه که وزیر امور خارجهٔ دولت روس پیشنهاد کرده است ما اتفاق خواهیم داشت و این مطلب را وزیر مختار مقیم طهران نیز توصیه نموده ام شما این مضمون را بجناب وزیر امور خارجه اطلاع داده و از مراسلهٔ ایشان تشکر نمائید

نمره ۸

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۲۱ ژانویه)

بنده عرض میرساند ـ در ۱٦ ماه گذشته حضرت اقدس ولیعهد بطهران وارد شد ـ مدتی در قصر سلطنتی دوشان تپه و حسب معمول ـ مخصوصاً شعاع السلطنه و وزیر دربار ... حرکت نکردن والاحضرت از جریان ... زدند و چه حیله ها که در این خصوص بکار بردند

مقدر بود که روس و انگلیس خیال مساعده فرموده بدهند صدر اعظم در طرفیت آن اصرار زیاد داشت ـ تا کنون حقوق قشون پرداخته شده است زیرا آن مقدار پولی که ...

حقوق ایشان را بعهد موجود ندارند — مردم بقدری از شعاع السلطنه متنفر بودند که رنجش از ولیعهد را فراموش کرده‌اند و ولیعهد رؤسای ملت پیغامهای متملقانه فرستاده [illegible] را گذاشته است .

[illegible] انگلیس و روس از حرکات [illegible] هیچگونه [illegible] نخواهند [illegible] ولیعهد را جانشین بلاواسطه شاه [illegible] .

چون مرض شاه شدت نمود و معلوم شد [illegible] [illegible] نخواهد شد [illegible] که قبل از این بواسطهٔ ورود [illegible] دانستند [illegible] ممنوع [illegible] شعاع السلطنه از اقدامات خویش مأیوس شده [illegible] — [illegible] موقع بودن ولیعهد را در طهران لازم دانستند [illegible] شاه را [illegible] او وادار نمودند .

همین که حکم شاه بولیعهد رسید [illegible] روز (٤) دسامبر از [illegible] عازم طهران شد — [illegible] سوار مسلح که می توانست جمع کند و عدهٔ آنها بچهار صد نفر میرسید باعده ملازمین ایرانی و [illegible] قطار فرانسوی [illegible] همراه خویش نمود

در وقت ورود طهران سفیر روس خواست بدیدن او برود و ورودشرا تهنیت بگوید — ولی حضرت ولیعهد بوزرا [illegible] دستور العمل داد بسفرا اخطار نماید که حاضر است هر یك از سفرا را باجتماع سفارتخانه ایشان برحسب قاعده دیپلوماسی

جداگانه بپذیرائی نماید

وقتی که من باعضای سفارت محضور [illegible] قدیم خیلی بطور دوستانه باما ملاقات کرده صحبت داشت — در صورتی که من باکمال جدیت از مذاکرات پلتیکی احتراز می جستم باز دو اشارهٔ [illegible] آمیز نسبت بمجلس جدید و قواعد پارلمان که بدرش امضا داشته بود نمود

اما در خصوص وضع و سلوك خویش نسبت بمشروطیت خیلی دقت [illegible] و مواظب بود که خود را هوا دار و حامی مشروطیت در [illegible] جلوه دهد — اگر چه اعتقاد کافهٔ مردم است [illegible] عمومیت و محقق [illegible] احساسات [illegible] در قوه داشت از قوت ترین [illegible] و [illegible] وسایل [illegible] قوت اهالی بکار برد —

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۹

مکتوب [illegible] (نمره ۱۲ از [illegible])

[illegible] ۱۹۰۷

مجلس ملی ایران بطور کامل تشکیل نیافته فقط از وکلای طهران عده قلیل وارد شده اند — حکام ولایات خیلی مخالفت می نمایند — و در همه مواقع اسباب سستگی و ممانعت فراهم می وظیفهٔ خود سستی و تسامح می ورزند و [illegible] موانع و صعوبت [illegible] هیچ [illegible] نمی شود — [illegible] مجلس [illegible] زمین [illegible] نشسته و رئیس در آخر اطاق [illegible] قرار می گیرد — [illegible] که [illegible] حاضر شده [illegible] امور و مشارکت در مذاکرات می نمایند در صدر اطاق [illegible] وکلا می نشینند — هر یک از اعضا می تواند در خصوص هر مطلب جداگانه مذاکره نماید و صورت اتفاق می [illegible] از مذاکرات [illegible] خود نتیجه اخذ کنند

در اطاق که مشغول مذاکره هستند همهٔ مردم اذن دخول دارند و می توانند مذاکرات وکلا را قطع نموده حتی خودشان هم صحبت بدارند — [illegible] این وضع [illegible] رفته رفته دارد [illegible] پیدا میکند [illegible] شکل منظم بخود [illegible] قرار [illegible] بطور آرامی و شکوه تشکیل می یابد

در این اوقات مذاکرات عمدهٔ مجلس گرفتن قرض [illegible] و اعتبار بانک ملی بود.

چون اولین قدمی که مجلسیان اختیار نمودند منع قرض از خارجه بود لهذا تکلیف خود را در این دیدند که سرمایهٔ [illegible]

دولت فراهم آورند — بنابراین چاره را به تشکیل بانک ملی عنوان نمودند — و [illegible] قرار شد که مردم برای تشکیل بانک [illegible] داده و در عوض اسناد بانک دریافت نمایند و قرار شد پول [illegible] [illegible] چون [illegible] باشد مگر [illegible] و [illegible] — در خصوص این مطلب هنوز [illegible] دولت مشغول مذاکره هستند ولی چیزی [illegible] [illegible] مخصوص ملت [illegible] قرار داده [illegible] تعهد [illegible] چون قرار شد که ملت حق جمع آوری و [illegible] داشته باشند — در این خصوص [illegible] مشغول مذاکره و [illegible] و [illegible] قرار [illegible] داده شده [illegible] مذاکرات در خصوص [illegible] است و [illegible] از دولت گرفته شده هیچ [illegible] صورت [illegible] [illegible] و [illegible] مجبور

در [illegible] که ولیعهد [illegible] بود که [illegible] آنچه [illegible] در [illegible] از اعضای [illegible] و ولیعهد [illegible] یکی از [illegible] و [illegible] مکتوب از [illegible] که [illegible] مردم بود [illegible] [illegible] و این [illegible] از [illegible] — [illegible] طهران [illegible] از اعضای مجلس [illegible] چون [illegible] گردید [illegible] که [illegible] ملاطفت و مهربانی [illegible] همراهی می [illegible]

در این وقت چون به جناب شاه وعده کرد امور می نمود
[illegible] تعهد کرد دولت معین کرد که ملاحظه که مجلس چنین [illegible]
بود در خصوص قانون اساسی مذاکره نماید این دو هفته پس
از مذاکرات تعلق آراء خودشان در مجلس اظهار داشتند
[illegible] که معلوم شد که مجلس ثانی مقرر خواهد گشت که
دولت می نماید بیشتر از اعضای [illegible] مجلس [illegible] هیئت و
عوض عظمی روز داد که سعدالدوله مهیج عمدهٔ آن بود و ایراد
می گرفت — رئیس مجلس نصرت بسیار نمودند و دشنام دادند
در آخر رئیس راضی شد که جلسه مذاکرات را استماع نماید و
بعضی از دوستانش از مجلس حرکت کرده اظهار استعفا نمود.
در اطراف عامه چنین [illegible] شده بود و من هم واسطه
بعضی [illegible] متواتر یقین کردم که بعضی اشخاص [illegible] عثمانی
خارج مجلس بود و [illegible] پول خرج می زدند که مقصود خود
[illegible] شد و واسطهٔ [illegible] [illegible] مقصود داشتند
[illegible] اعلانات [illegible] نشد — در این موقع [illegible] بعضی از
وکلای وطن پرست [illegible] نمودند که رئیس [illegible] به [illegible]
استعفا [illegible]

[illegible] اتفاق و اتحاد [illegible] دولت و ملت روز [illegible] روز
[illegible] — صدر اعظم [illegible] که شاه [illegible] وعده [illegible]
[illegible] کرده بودند وارد مجلس شده و در حضور مجلسیان و

ملاحظه قرائت کردم (امضا) سیسل اسپرینگ رایس

نمره — ۱۰

تلگراف سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

از طهران ۶ نوامبر ۱۹۰۷

اگرچه [illegible] شورش و اغتشاش موجود است کلیه [illegible]
این اوقات [illegible] [illegible] [illegible] دولت [illegible] و [illegible]
[illegible] دو کرور قدمت نمایند — و [illegible] را [illegible] [illegible]
و امتیازات [illegible] و قطع نمود بانک [illegible] می کنند —
ولی در این حال [illegible] [illegible] برای [illegible] [illegible]
می رود — و [illegible] عامهٔ [illegible] اظهار [illegible] و مخالفت می
کنند — [illegible] چند [illegible] برای [illegible] [illegible] [illegible] وی
[illegible] در امور داخله [illegible] مداخله [illegible] [illegible] در
این صورت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد شد
من [illegible] می دانم که دولت [illegible] روس نمی
تواند از مداخله در این [illegible] دوری نماید ولی بعضی
دولتی [illegible] و [illegible] اقدامات [illegible] و [illegible] [illegible]
محافظت اروپائیان اگر [illegible] به لازم شود [illegible] و [illegible]

نمره — ۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر [illegible]

از وزارت امور خارجه مورخه ۱۶ نوامبر ۱۹۰۷

در ششم همین ماه سر اسپرینگ رایس تلگرافی در خصوص عدم مداخله در پلتیك ایران مخابره کرده است – و ما رای او را در مداخله نکردن بامور داخلهٔ ایران پذیرفته و با عقیدهٔ او متفق و شریکیم – این مسئله را شما بوزیر امور خارجهٔ دولت روس عنوان نمائید – ملاحظهٔ را که دولت اعلیحضرت انگلستان نموده است اینست که هر اقدامی که بواسطه قوای نظامی بشود مخالف با اصول عدم مداخله خواهد بود

نمره – ۱۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری

از پطرسبورغ مورخه ۱۲ فوریه ۱۹۰۷

وزیر امور خارجه روس امروز شرح ذیل را در خصوص دول متبوعه خود بیان نمود

عدم مداخله در امور داخله ایران – عدم استعمال قوهٔ نظامی مگر در صورت لزوم آنهم با کمال [illegible] و محدود بحدود [illegible] – متفق بودن در هر امری با مسلك دولت اعلیحضرت انگلستان – و اقدام نکردن بهیچ کاری مگر باصلاح و مشورت یکدیگر

همچنین اظهار داشت که امید است دولت انگلستان این مسلك را قبول دارد – من باو اطمینان دادم که یقینا سلوك ما همین نحو خواهد بود

نمره – ۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت امور خارجه ۳ فوریه ۱۹۰۷

رفتار و پلتیك دولت روسیه که تلگراف دیروز شما [illegible] از آن بود دولت انگلیس موافقت و منظور خواهد داشت – رضایت ما را در این خصوص بمسیو ایسولسکی اظهار دارید

نمره – ۱٤

تلگراف سر سپرینگ رایس به سر ادوارد گری

از طهران ۱٤ فوریه ۱۹۰۷

بوزیر امور خارجهٔ (ایران) را ملاقات نموده گفتم که هیچ دولتی حق مداخله در (ایران) ندارد مگر وقتی که [illegible] میکردند [illegible] و خواهش نمودم [illegible] مسئله را برؤسای [illegible] اطلاع داده و توضیح نماید

من و سفیر [illegible] و همیشه تصریح می [illegible] و متشکرم که [illegible] نموده اند

نمره – ۱۵

از جوف نمره (۱۵) [illegible] انگلیسی بود [illegible] از ترجمه [illegible]

نمره — ۱۶

مستر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری — وصول ۱۸ فوریه ۱۹۰۷

از طهران بتاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

تلگرافاً بشما اطلاع داده شد که شاه در هشتم همین ماه قریب به نصف شب از دنیا رفت

چون معلوم بود که می دانستند آن اعلیحضرت علاج‌پذیر نیست و مأیوس از حیوة او شده بودند و در بستر بیماری بسر می‌برد لهذا در رحلت وی هیچ اغتشاش و بی نظمی در شهر روی نداد

روز دیگر جسد او را به تکیهٔ دولت که ایام محرم تعزیه داری می کنند برده امانت گذاردند چه که در دم آخر وصیت کرده بود که نعش ویرا بکربلا برده آنجا دفن نمایند ولی چون مردم ویرا پدر آزادی ایرانیان میشناسند راضی نمیشوند جسدش از ایران خارج شده و علاوه مبلغ کثیری پول برای مخارج حرکت جنازه اش صرف شود

روز دهم ژانویه ۱۹۰۷ هیئت دیپلوماتیک خارجه ازطرف دول متبوعهٔ خویش بصدر اعظم تبلیغ تعزیت وتسلیت نمودند و روز سیزدهم همان ماه ایشانرا با لباس رسمی برای تبریک و تهنیت جلوس پادشاه تازه بدربار دعوت کردند — و

قرار شد احتراماتی که میخواهند بجنازه شاه متوفی بنمایند بر در همان روز بشود — در همان روز ما سفرا در یک اطاق کوچکی که با تصویرات سلاطین دول خارجه زینت یافته بود پذیرائی شدیم — هیئت سفرا بواسطه تنگی محل و ضیق مکان در یک دایرهٔ بسیار کوچکی ایستاده شدند — اعلیحضرت که داخل اطاق گردید و در جای خود قرار گرفت سفیر عثمانی زبان به تهنیت و تبریک گشود و صدر اعظم* وزیر دربار سفرا را یکان یکان معرفی کرد و هر کدام که معرفی میشد شاه بحرکت سر برای اظهار التفات می نمود — وقتی که شاه از اطاق خارج شد ما بیرون آمده به تکیهٔ دولت که شاه متوفی را در آنجا دفن کرده بودند رفتیم — سفیر عثمانی پس از چند دقیقه توقف مقابل مقبره [illegible] و [illegible] عصوری در عقب او قرار گرفتیم [illegible] خواندن فاتحه مشغول شد و چون ختم نمود همگی مراجعت کردیم

در پنجم ژانویه ۱۹۰۷ — مطابق پنجم ذیقعده ۱۳۲۴ — رسومات تاجگذاری پادشاه جدید معمول شد و به محمد علی شاه موسوم گردید — از [illegible] سفرا [illegible] در تاجگذاری دعوت شوند و [illegible] مقصود خود [illegible] مقرر شد [illegible] روز حضور

* [illegible] وزیر دربار [illegible]

داشته باشند — وزرای ایران و سفرای خارجه در اطاقی که برای تاج گذاری معین شده بود از هر سمت صف کشیده ایستادند و تختی را که بغلط موسوم بتخت طاوس است در صدر اطاق نهاده و تخت طاوس حقیقی یا چیزی که از آن باقی و موجود است در طرف دیگر اطاق بعکس اینکه بر روی آن بنشینند برای زینت مجلس قرار دادند و جواهراتی که بتخت مزبور مرصع کاری شده بود نظر عموم را بخود جلب نموده از تلألو جواهر خیره و عقل مات مبهوت

[illegible] مدعوین ساعتها در اطراف تختی که شاه بر روی آن جلوس خواهد نمود ایستاده علما و مجتهدین عمده که حاضر بودند بر روی زمین جای گرفتند — شاه و صدر اعظم و رجال دربار وارد اطاق شدند و رفتند بالای آن — علما بر پا ایستادند و اعلیحضرت بر فراز تخت بر آمد — پسرش ولیعهد که پسر دوازده ساله است بر روی یکی از پله های تخت [illegible] جست — مجتهدین پس از ذکر نام خدا و خواندن خطبه او را بپادشاهی ایران تبریک و تهنیت گفتند

بعد صدر اعظم از پله های تخت بالا رفته تاجی را که با جواهرات نادری زینت و آرایش یافته بود و شاه سابق هر وقت تاج گذاری بر سر نهاده بود بسر شاه نهاد

ولی چون تاج بسیار سنگین و بزرگ بود سر وی طاقت

نگهداری تاج را نداشت از این جهت مجبور شد که بعد از دو دقیقه آنرا نگاه ندارد — پس از چند دقیقه مجددا بر داشت و بجای آن کلاه رسمی [illegible] که جقهٔ مدوری داشت بسر گذاشت پس خطیب پیش آمده [illegible] اعلیحضرت و [illegible] و [illegible] مرصع مخصوص خطبه نمود و بعد [illegible] شاعر دربار قصیده در مدح شاه سرود — این رسومات که تمام شد صدر اعظم وزرا و رجال دربار پیش [illegible] و شاهزادگان در اطراف تخت گرد آمده یکی یکی تبریک و تهنیت گفتند

بعد از آن شاه از تخت فرود آمده سفرا و [illegible] که در جنب یک یک معرفی شدند — در این وقت من و سفیر روس موقع را مناسب دیده که از طرف دولتین [illegible] و [illegible] رسماً ولیعهدی سلطان محمد میرزا را باعلیحضرت تبریک بگوئیم — و شاه با کمال رضایت و خوشنودی [illegible] اظهار داشت که [illegible] صحت اعلیحضرت * ادوارد شخصاً تشکر و تبریک [illegible] نموده [illegible]

خلاصه پس از [illegible] از اطاق خارج شد

روز دیگر در قصر سلطنتی سلام عام منعقد گردید [illegible] صاحب منصبان و [illegible] از طبقات [illegible] دولتی حاضر شدند پس از [illegible] شاه ورود نمود و قبل از ورود شاه [illegible] جواهرات معروف را مجلس تجملات مرسومه حاضر کرده بودند — [illegible] که

* اعلیحضرت ادوارد پادشاه انگلستان

شاه بعد از تخت مرمر برآمد و مرصع و بالای تخت جلوس نمود برحسب معمول خطیب و شاعر بقرائت خطبه و خواندن شعر مشغول شدند در صورتی که شاه در بالای تخت در حضور اهل سلام بکشیدن قلیان جواهر مشغول بود — پس از اتمام خطبه و شعر آنکه شاه از تخت بزیر امده بعمارات داخل قصر سلطنتی رفت و صف سلام بر هم خورد — پولهای طلائی که مخصوص این موقع سکه کرده بودند بعضی از اشخاص که از جملهٔ انها خادمهای اروپائی بودند شاه برسم انعام بخشش نمود

(امضا) سیسیل سپرینک رایس

نمره — ۱۷

امضا مکتوب سر اسپرینک رایس به سر ادوارد گری —

(وصول ۱۸ نوامبر)

از طهران تاریخ ۳۰ زاویه ۱۹۰۷

کمال افسوس دارم که تاکنون بین شاه و طرفداران ملت اتفاق و اتحاد معنوی دست نداده

اطرافیان شاه مخصوص ادیب السلطنه بدو روش بعث در حدود حضور عالی و موجود بودن و موجب [illegible] واقع شده اند — و بر ضد اروند هیجان ملت بر ضد شخص شاه گردیده .

از طرف دیگر مجلس در اتحاد قدمی برداشته است و همه قسم اشکال بواسطهٔ اعضاء آن تولید می شود — [illegible] در اصلاح

کار های دولت می پردازند و نه در خیال فراهم کردن سرمایهٔ هستند که بواسطهٔ آن امور مملکتی را اصلاح نمایند — سلوک دولت نسبت بمجلس کلیةً مصروف مخالفت و ضدیت است با این روابط فیمابین ملت و دولت البته به بدترین اوضاع منجر خواهد شد

بعض مردمانی که مربوط بدولت بوده و مطلع از امور هستند اظهار می دارند که بواسطهٔ این اوضاع ناگوار عنقریب نزاع و زد و خوردی روی خواهد داد و من هم این حکایت اطلاع کرده و [illegible] اقوال انها را می رساند چنانچه بعضی از اعضاء طرفداران پارلمنت که من ملاقات کردم ثابت نمودند که دولت جانب دار مجلس را بر هم زند و آن اساس را برچیند — و اینکه این کار [illegible] و عموم مردم صدمهٔ کلی وارد گشته [illegible] دیگر نخواهند بخشید — و مردم را عقیده اینست که قشون [illegible] داشته باشد هرگز [illegible] طرف نخواهد شد.

گذشته از این در این وقت هیجان [illegible] بعضی از نقاط مملکت مخصوصاً در تبریز و رشت شورش و اغتشاشات برپا است و مردم [illegible] بر ضد سلطنت [illegible]

دولت از اقتدار و مرعوب شدن بعضی از مخصوصین اهالی مراکز عمدهٔ مملکت بسیار مضطرب و متوحش است زیرا

حکومت این نقاط را خود انجمنها خیال دارند بوضع مخصوصی اداره کنند و از طرف حکام این حدود قوه و استعدادی ندارند که بتوانند حرکات آنها را جلوگیری کرده نگذارند اقدام به این حرکات نمایند

اکنون آنچه بنظر میرسد آنست که یا باید شاه با ملت متحد شده و نتیجهٔ اتحاد را به اصلاحات عملی ظاهر سازد و یا اینکه علناً مخالفت نموده شروع بستیزه و مجادله نماید

سابقاً دقت شما را درخصوص ازدیاد احساسات ضد اروپائی که مخصوصاً در مجلس قابل ملاحظه است جلب نموده بودم — این احساسات بواسطهٔ ترس از معاهدهٔ جدیدهٔ بین دولتین روس و انگلیس است — در صورتی که استفاده این معاهده و علائم ظاهرهٔ همدردی دولتین بهیئت متفکر برای حفظ استقلال ایران

نمره — ۱۸

مکتوب سر اسپرینک رایس به سر ادوارد گری (وصول ۱۸ نوامبر)

طهران مورخهٔ غرهٔ نوامبر ۱۹۰۷

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

تبریز

در اوایل ژانویه — نظام الملک بحکمرانی آذربایجان

منصوب شده و از طهران به تبریز روانه گردید — امام قلی میرزا را بحکومت ارومیه نامزد کردند — پس از ورود نظام الملک به تبریز چون انجمن ایالتی را مخالف با خیالات خود دید شروع کرد بشکوه و اظهار دلتنگی بنا کردن — این مسئله را آقا سید عبدالله در مجلس عنوان نمود ولی وکلا تصدیق درستکاری انجمن ایالتی آذربایجان را کرده و گفتار نظام الملک را تکذیب نمودند

در حوالی ارومیه اکراد بنای غارت و دزدی را نهاده علیجان نامی را از اهل (جبانلو) بقتل آوردند خانوادهٔ مقتول با چهار صد نفر از اهالی ارومیه بقونسولخانهٔ انگلیس پناهنده شدند برای تظلم و دادخواهی و چهار روز در قونسولخانه جدال طولی نکشید — و جمعی دیگر در تلگرافخانه متحصن شده جواب اصرار به طهران وارد آوردند.

وضع ارومیه در ماه گذشته خیلی بد بوده است که اگر دولت برای آسودگی اهالی سعی ننماید آن ولایت بعد ... و جرئت اقدامی شدید ممکن دارد مردم بحال ... را واگذاشته و عاقبت خلاصی دست دهد.

مثل اینکه در ۲۹ دسامبر اهالی ارومیه سه نفر کرد سولدوزی را که گندم بشهر آورده میخواستند بفروشند بقتل آوردند در صورتی که ظاهراً هیچ گناهی نداشتند و برای اینکه مردم

ملاق و معارضه شان نموده باشند کار خاتمه کردند که سبب هیجان کلی و شدت اغتشاش زیاد شد.

حکومت اردوی نظامی تشکیل داده برای جلوگیری اکراد قره (داغ) روز پنجم همین ماه روانه نمود وچون به (باند) رسیدند آن ده را خراب کرده قریب چهار نفر از اهالی اردو و اکراد بقتل رسانیدند ولی از اکراد جدال کشته شده — ودر نهم همین ماه امام قلی میرزا که عازم اروپه شد (مستر راتیسلا) * را ملاقات نموده اظهار داشت که تلفات اکراد جدال بوده وخیال دارد مستر آینده اردوی مقابل اکراد روانه نماید و اعتقادش است که بر آنها ظفر خواهد یافت — بهر حال خطر حمله کردها موقوف است و دهات [illegible] بهیچوجه اطمینان امنیت ندارند اگرچه بواسطه بودن امام قلی میرزا اندکی امنیت می رود — و مستر راتیسلا ازجانب وی اطلاع نیکو دارد وعقیده اش درباره او اینست که می تواند بخوبی از عهده اصلاحات آن سامان بر آید.

روز هشتم همین ماه وکلای دوازده گانه شهر عازم طهران شدند و هزاران نفر از سکنهٔ شهر ایشانرا مشایعت نموده و در روی پل قرآن را که در ماه سپتامبر گذشته رؤسای شهر بان قسم خورده بودند که حافظ حقوق ملت باشند حاضر نموده و

* مستر راتیسلا قنسول انگلیس

وکلا را از زیر آن قرآن عبور دادند — از این حرکت مردمرا حالت جانسوزانهٔ خیلی مؤثری دست داد

ادارهٔ راه شوسهٔ روسها در وصول باج راه دچار اشکالات و زحمات بسیار گردیده است — مخصوصاً بواسطهٔ سکنهٔ دهات وقراء واقعه در امتداد راه که چون باج اهالی آن دهات افزوده اند ایشان ایراد سخت وارد آورده اند که چرا باید اضافه ازخراج معموله از آنها گرفته شود — لهذا ترک آن راهرا گفته ازجادهٔ قدیمه که برای مقصد خویش ممکن دانسته اند عبور ومرور می نمایند — چون کاروان در دهی نزدیک راه [illegible] می ورود و [illegible] میشود که یکی مکاری مضر میگردد و [illegible] — حکومت یکدسته سوار [illegible] اهالی دهات ایشان [illegible] و [illegible] معاودتشان دادند — خلاصه آنکه هیچیک از طبقات باکیانی همراهی ندارند

رشت

حکومت [illegible] عده [illegible] نموده وگفته است [illegible] در محل باقیست که اخذ وصول آنرا می دهد و حدس میزنند که یک [illegible] واقع خواهد شد [illegible] انتظار آنرا دارد — [illegible] دو [illegible] یکی [illegible] و دیگری [illegible] که دستور آنرا [illegible] که در [illegible] داده میشود

وضع حزب تجدد طلبان رشت مشابه حالت شورشیانست و رفتار ایشان باعث وحشت و نگرانی دولت در طهران گردیده است

اوضاع رشت تا یک اندازه بواسطهٔ ضعف و بی کفایتی وزیر اکرم حاکم آن ولایت است که سابق * وزیر دربار شاه مرحوم بود ... شد او را ملامتهای سخت و سرزنشهای بسیار نموده ویرا معزول و بجای او سپهدار را بحکومت مقرر داشت ولی مجلس حکومت سپهدار را تصویب نمود

اهالی رشت در موقع تاج گذاری شاه از مجلس طهران بایشان امر شد در گرفتن جشن امتناع داشتند — پس از آنکه آقا سید محمد مجتهد مذاکرات نموده ایشان را اطمینان کلی داد و متقاعد ساخت که شاه با مجلس و مشروطه موافقت و همراهی دارد آن وقت اهالی راضی شدند که بازارها را زینت داده چراغان نمایند

اصفهان

* مستر رن هم اطلاع میدهد که انتخاب وکلا باعث ... مطرب بود که منافع شخصی او در مجلس طهران مخلوط شده — و نیز انجمن ولایتی ریاست آقا شیخ نور الله حکومت را تصرف

---

* وزیر اکرم که حاکم رشت بود وزارت دربار را نداشت ولی اشتباه
* وزیر اعظم سلطان علی خان شده است که وزیر دربار بود
* مستر رن هم — قنسول انگلیس مقیم اصفهان

کرده و هفتهٔ دو مرتبه انعقاد می یابد و در هر امری مداخله نموده اغتشاش و انزجار خاطر عموم را فراهم می آورد

شیراز

انجمن ایالتی مرکز از نفوس عمده که از طبقات مختلفه انتخاب شده است دایر گردیده ولی چندان کاری از پیش نبرده است و چون خبر فوت شاه مرحوم رسید اغتشاش وحشی روی نداد

طهران — ۳۱ ژانویه ۱۹۰۷ (امضا) جرجیل

نمره — ۱۹

مکتوب سیر اسپرنگ رایس (وصول ۱۸ مارس)

طهران ۲۴ فوریه ۱۹۰۷

سال گذشته هیجان عامه برضد نوز بلژیکی مدیر ادارات گمرک مخصوص ضدیت با مسیو نوز خیلی سخت شد که مشار اله توقف دوایر عملکرد را خالی از خطر ندانست لهذا بسمت ماموریت عازم اسلامبول گردید — پائیز همان سال که مراجعت نمود مردم خصوصا برضد صدر اعظم و اوضاع مغشوشهٔ گمرک هیجان نموده بودند و اگر چه حرکت وی از طهران یکی از خواهش های عمومی را صورت داد ولی مردم چندان قانع نشدند و مانند سایر مطالبات اصلاح و تجدد از خواستن ... صرف نظر نداشتند — مسیو نوز توانست تحمل حکم نمود دشمن ...

خویش یعنی سعدالدوله را بخواند و خود نیز به طرز دروغ دعوت شد که معاونت نماید در معاهدات قرضی که قرار بود در سپتامبر داده شود ـ دولت ایران امتناع نمود که اختیار معاهدات را بمشار الیه واگذارد لهذا رفتن مسیو نوز موقوف و در ایران متوقف گردید.

سعدالدوله اجازه یافت که بطهران معاودت نماید و حین که مجلس منعقد گردید دوباره بر علیه بلژیکیها و ریاست ایشان در گمرکات مردم را بشورانید ـــ سر کردهٔ اعتدال خواهان یعنی صنیع الدوله که ریاست مجلس را داشت منتهای جد و جهد را در رفع این هیجان بکار برد و حتی حاضر شد که اگر مجلس بکوتاهی این قضیه برآرد از شغل خویش استعفا دهد و اگر چه اعضاء مجلس اغلب با وی هم عقیده بودند ولی مجبور شدند که تسلیم حاضرین باشند.

اولین مذاکره که در مجلس مطرح گفتگو شد این بود که آیا مسیو نوز وزیر مسئول میباشد یا نه ـــ ان صدر اعظم سابق نعیش کلیهٔ مالیهٔ مملکت را بدو تفویض نموده بود و نیز ممیزی صندوق یا بعبارهٔ اخری ریاست خزانهٔ دولتی را که عایدات عموم ولایات مداخل بیتوی داخل شود بدو واگذار کرد و علاوه بر ریاست تامه اش بر ادارهٔ گمرکات که فقط بر صدر اعظم مسئولیت این داشت پست و تلگرافخانه نیز بدو سپرده شده بود ـــ ولی

وقتی که مجلس در باب پیشرفت کلیهٔ امورات مخصوص از اوضاع مالیه بتوسط وزرای شاه از دولت توضیحات خواست مسیو نوز در مجلس حضور بهم رسانید ـ وچون مجلس از ناصرالملک وزیر مالیه سؤالات مربوط بعمل مالیه نمود در جواب چنین رسانید که وی اقتدار اینکه مواد جزئی در کارهای مالیه بداند بهیچوجه نداشته بلکه فقط در حکم یک عاملی بوده است و هم اظهار داشت که مسیو نوز خودرا مسئول او نمیداند حتی صورت محاسبات سه سالهٔ اخیرهٔ ادارهٔ گمرکات را تاکنون تهیه ننموده است که ارائه بدهد.

مجلس از این اظهارات دچار مشکلات و تحیرات گردیده در صدد علاج برآمده و شخصی که مسئول یک چنین ادارهٔ مهم گمرکی بوده باید معلوم شود لیکن بعد خلاف صورت اساسی و وزرای مسئول را خلعت دادند و * صدر اعظم صورتی فرستاد که اسم مسیو نوز در آن مندرج بود لهذا مجلس … مسیو نوز وزیر مسئول نیست بلکه لقب وزارت و شغل … که بر حسب قانون اساسی حق ندارد بوی گرفت.

پس از چند روز جدال و مباحثه که در صرف این مدت هیجان مردم شعلهٔ جدیدی زده بود … نموده مسیو نوز و مسیو پریم را زمام وزارت وزیر گمرک …

* صدر اعظم ـــ میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

جنرالی گمرکات مستعفی نمود و مردم از عزل ایشان اظهار مسرت و شادمانی نمودند (امضا) سسیل اسپرینگ رایس

نمره ـ ۲۰

ایضاً مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

وصول ۱۸ مارس

طهران ۲۲ فوریه ۱۹۰۷

مطالبی را که در مدت ماه گذشته مجلس اهتمام داشت که شاه قبول نماید پذیرفته و مقبول افتاد ـ یکی عزل مسیو نوز و مسیو پریم که هر دو بلژیکی و مستخدم دولت بودند و دیگر شناختن سلطنت ایران را بمشروطه و محدود بودن بحدود معینه .

سبب اینکه شاه نتوانست امتناع از قبول امور مذکوره نماید بواسطهٔ اخبار موحشهٔ تهدید آمیزی دانستم که از هر طرف بخصوص از تبریز رسیده بود ـ و نیز معروف است که بشاه گفته‌اند فدائیانی که مسلک طایفه ادم کشهای قدیم ایران را پیشنهاد خود نموده تشکیل انجمن داده‌اند

مجلس در پیشرفت مقاصد سابق‌الذکر بستادگی بسیار نمود چنانچه وکلا تمام مدت روزی را که مطالب خویش را پیشنهاد شاه نموده بودند منتظر جواب بوده و هیچیک از اعضا اجازه خارج شدن از مجلس نیافت تا وقتی که پس از گذشتن پاسی از شب جواب مساعد بمجلس فرستاده شد ـ در داخل باغ مجلس قریب

سه هزار جمعیت تا کال ظهر آن روز را تا شب توقف داشتند ـ حاضر آماده بستن بازار شده بودند واتصالاً با رؤسای ولایت عبارات تلگرافی می نمودند ـ همین که قاصد شاه وارد گشت تمام جمعیت اظهار شادمانی و مسرت و خوشوقتی نمودند بطوری که صدای زنده باد ایشان در فضای باغ انعکاس داشت .

در ورود وکلای تبریز مردم مستقبل شایان احترامات شایان نسبت بایشان معمول آوردند ـ و شخصی که در آن وقت حضور داشت شرح میدهد که در حوالی منزل ایشان جمعیت کثیری با نهایت اشتیاق منتظر بودند که چون موانع بدست آید دامن واردین را ببوسند

اگرچه عراقی مجتهدین و علمای روحانی را از روز وقعت بعید نموده ولی اینها در این وقت قدامت خویش را بعرصهٔ ظهور در آوردند ـ وعاظ در مساجد و مجالس مردم را به وطن دوستی و اتفاق با مشکلهٔ ایرانیان موعظه و اندرز می نمودند

حرکات و رفتار ملی در عرصهٔ سیاسی و مذهبی خارج بیست و این وضع در همه جا معمول و شایع گشته ـ علمای نجف که تاکنون نسبت بخواسته مشروطه حمایت و همراهی می نمایند ـ و از پیشرفت بانفوذان چند بولایات و اطراف رواه کرده‌اند که مردم را از مقصد اصلی حریت و قوانین آزادی آگاه سازند

ایشانرا بیدار سازند .

حب وطن که علامت ممیزهٔ ایرانیاست همیشه ازصفات متعصبین طریقهٔ شیعه واز اعتقادات این طایفه شمار رفته است — بعلاوه حالیهٔ ایران چون رتبهٔ مذهبی ندارد در انظار رؤسای مذهب شایسته آن نیست که ایرانیان او را مستحق اطاعت و امرشرا مطاع بدانند — چه پادشاه حقیقی را امام دوازدهم می دانند اگرچه از نظر غایب است ولی حی و حاضرش می خوانند و شخص پادشاهرا اولوالامر و مفترض الطاعه میدانند

(امضا) سسیل اسپرینک رایس

نمره — ۲۱

ایضا مکتوب سیراسپرینک رایس به سر ادوارد گری

وصول ۱۸ مارس

طهران ۲۲ فوریه ۱۹۰۷

افتخار دارم ضمیمه خلاصه وقایع و حوادث ایرانرا در ظرف مدت ماه فوریه اتفاق افتاده لفا ارسال نمایم

(امضا) سسیل اسپرینک رایس

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

طهران

در یازدهم همین ماه شخص مجهول الحالی یکی از معاریف

تجار معتبر یزد را موسوم به پرویز شاه جهان در هنگام روز بقتل رسانید — با اینکه عدهٔ پارسیان در یزد خیلی کثرت دارد ولی در حقوق با مسلمانها مساوی نیستند — حتی اینکه اگر مرتکب قتل دستگیر می شد و معلوم می گشت مسلمانست ملاهای ولایتی مانع شده نمیگذاشتند او را مجازات دهند — پارسیان معتبر هند با سفیر اعلیحضرت در این خصوص از هندوستان تلگرافها مخابره نموده و سفیر بدون تامل نزد بعضی از دوستان خویش از علمای مهم طهران طور غیر رسمی بیان مطلب فرستاد — آقای آسید محمد که از فحول مجتهدین است اظهار داشت که اگر اینگونه حوادث مکرر شود و یا مرتکب دستگیر شده به مجازات نرسد البته نتایج وخیمه خواهد بخشید

و تلگراف علمای عمدهٔ یزد نموده ایشانرا در عدم منع از مجازات مقصر توبیخ نمود و هم صدر اعظم سخت گرفته در گرفتاری قاتل اصرار نماید

علاوه راپورتی که از اصفهان رسیده بود راپورت داده شد که آقای نجفی و اخص ولایتی ضد طایفهٔ یهود بعضی اقدامات نموده اند

سفیر اعلیحضرت بعضی همراهی با سفیر فرانسه در جلوگیری از اینگونه اقدامات توصیه نموده اند .

در نوزدهم همین ماه دو سه نفر از تجار عمده درمساجد

وعاظهای دیگر صدای خودرا برضد مجلس بلند کردند ــ مجتهدین گفتند قانون قرآن از برای فرقهٔ مسلمین کافیست وتمام معتقدین قرآن باید برضد دخول قوانین کفر در این مملکت اعتراض و قیام نمایند .

فوراً مجتهدین برای دستگیری وتبعید حضرات که بشاهزاده عبدالعظیم رفته پناهنده شده بودند بدولت سخت فشار آورده و طرد و نفی آنها را جداً از اولیای امور خواستار شدند

در بیست وپنجم همین ماه بیش از هشتاد نفر بزاویهٔ حضرت عبدالعظیم التجا برده و اکنون می گویند عدهٔ متحصنین در آن زاویه بیش از سیصد نفر شده است .

تبریز

بعد از اینکه قشون دولت قریب (ده) محله را در جنگ هفتهٔ گذشته غارت داده شد ویران نمودند عدهٔ از سکنهٔ دهات اروپه برای غارت بدانجا روانه شدند و هرچه ممکن بود حتی تیرهای سقف خانها را بغنیمت بردند ــ دوازده نفر از آنها مدتی در آنجا توقف نمودند و چون اکراد مرحمت نزدند ایشانرا بالتمام کشتند ــ حسیات مابین شیعه و سنی اروپه اکنون خیلی بانحصار است و وضع اکراد بی نهایت موحش است از چه فصل مقدس بهار و چپاول بست ولی سکنهٔ بلد در این وقت بی خانه و زندگی مانده باید تهیهٔ ماوی و منزل برای

خود بنمایند ــ هنوز خویشان و بستگان علیخان یك دو اطراف قونسولخانهٔ انگلیس متحصن و از مراجعت بمنازل خود ترسانند .

مستر پادی در خصوص سلامتی وبی خطری خود واجزای قونسولخانه اطمینان بسیار کامل بمستر راتیسلا میدهد ولی اعضای قونسولخانهٔ امریکا که در مدرسهٔ خود بفاصلهٔ یك میل دور از شهر توقف دارند گرفتار مخاطرات سخت هستند ــ مستر ودیلد امریکایی انجمن ، دربند قونسول خودشانست که تازگی وارد تبریز شده است .

وضعیت انجمن ایالتی مانند سابق رعایت نمیشود ــ و آن طوری که مردمان اول مضبوط می داشتند اینك ندارند ــ و انجمن جدید طرف توجه عموم واقع نیست مانعی خود اعضای انجمن جدید مدتیه راههای سخت روی داده ــ از طرف شیوخ علمای شهر کال میر به محافظت قواعدیکه ایشان را از اهمیت و منافع شخصی محروم می دارد قیام نموده اند ــ ملاکین نیز متغیرند که چرا باسنی انجمن قیمت مده وحکومت را بدل دهد نشان از هواخواه می روند مانند ــ عده از تمام طبقات که خود را هوا خواه انجمن میدانستند حقیقهٔ تحت و مردمی بر سر را اکنون می توان طرفدار وهوا خواه واقعی انجمن دانست .

در یکی از نمرات روزنامهٔ منطبعهٔ تبریز مقالهٔ مفصلی که حمله بر بلژیکهای مستخدم گمرک مینمود مندرج بود — صرافان تبریزی متفقاً قرار داده اند که اسکناس بانک شاهنشاهی را رد کرده داد و ستد نمایند از آن جهة مبلغ بسیار کمی از اسکناس های بانک در میان مردم رواج داشت .

اصفهان

آقا نجفی که مفتی اول قونسولگری را ملاقات نموده بود در ضمن صحبت چنین مذکور داشته بود که یهود وارامنه واروپائی های مقیم اصفهان باید مجبور باختیار کردن عادات و رسومی شوند که برای احترامات مسلمین شایسته تر باشد چنانچه همین هم تکلیف ایشانست .

یهودیهای اصفهان گرفتار مشکلات ودچار زحمات سخت شده اند زیرا انجمن ولایتی در اوایل ژوئیه ایشانرا احضار نموده و امر بامضای حکم ذیل کرده است .

اولا اینکه نباید هیچ یهودی عرق و شراب بمسلمین بفروشد — ثانیاً هیچیک از یهود حق ندارد از فاصلهٔ هشت میل اصفهان برای خرید و فروش اسباب و اجناس عزیمت نمایند — ممکن است در منع فروش شراب حق با انجمن باشد ولی اینکه اجناسرا باید بجلفا ودهات ببرند باعث خرابی وضرر فرقهٔ یهود است زیرا نصف یهود اصفهان شغلشان منحصر به دوره گردیست

و کار دیگر نمیتوانند بکنند — غرض این قانون جدید معروفست آزادی تامی بوده که تاکنون یهودیها داشته و میتوانستند داخل خانهای مسلمین شده و اجناس خود را درحیاط اندرونی ببرند — چون خانمهای ایرانی آنها را انسان ندانسته و مانند سگ فرض می کردند و در حضور آنان صورت خود را نمی پوشاندند و ممکن بود بواسطهٔ این کار تهمت و بعضی گفتگو های قبیح شایع شود — سفیر اعلیحضرتی با سفیر فرانسه چنانچه سابقاً مذکور شد تواماً در این خصوص بادولت ایران مذاکرات نموده و بیان نامهای چند فرستاده اند

بوشهر

حمل و نقل مال التجاره بطور دزدی و قاچاق در بعضی بنادر کوچک فارس رواج و همه روزه این عمل رو بازدیاد نهاده و اشخاصی که متصدی این گونه اعمالند اشیاء ممنوعه و سایر مال التجاره های خویش را حوالی بوشهر وضع و منتشر می سازند .

چهار کشتی کوچکی را که دولت ایران برای ممیزی گمرکات خریده بود بتازگی از هندوستان وارد نموده اند — هم در این اوقات حکومت بهبهان مابه النزاع شیخ محمره و خوانین بختیاری واقع شده — خوانین بختیاری جمعیت کثیری درملازمت گرد آورده، براهی کاروان و بهبهان را تهدید می نمایند

جراید

در وقت تاسیس مجلس و تجدید اوضاع دو روزنامه جدید در طهران ایجاد شده یکی موسوم بروزنامهٔ مجلس که مذاکرات مجلس شورای ملی را درج نموده و گاهی از اوقات نیز مکتوبات و بعضی اخبارات دیگر را می نویسند — و یکی دیگر موسوم به ندای وطن که مدیر آنرا عین الدوله در موقع صدارت خویش به تقصیر یکی در کلات نادری محبوس ساخت — این روزنامه مسلکش رسماً ملی است

در اصفهان دو روزنامهٔ جدید طبع می رسد و مخصوصاً رصد خارجه بعضی جراید و همچنین در تبریز یک روزنامه دایر گردیده — روزنامهٔ مظفری که در بوشهر طبع می رسید مدتی توقیف شده بود در این وقت از توقیف بیرون آمده و دایر است

از جمله جرایدی که در طهران شروع نامه دارد روزنامه حبل المتین است که در کلکته طبع می رسد — این روزنامه از زمان مدت بحث می گوید و گاهی از اوقات برصد خارجه مخصوصاً همیشه بر علیه انگلیسها گفتگو می کند — در یکی از نمرات اخیره که بطهران رسیده است مقاله در تمجید حرکات تجدد طلبان در کمال اشتیاق مندرج بود و در آن مقاله عزیمت تاسیس بانک ملی را نجات دهندهٔ ایران بیان نموده و چنین عنوان مینماید که ایران به حالت جلالت و عظمت قدیمه خود عودت نموده است ؛

مهاجرت غیر مسلمین

از شیراز و بوشهر خبر رسیده است که یهود به بیت المقدس عزیمت نموده اند و عدهٔ از کلدانیها چنانچه از ارومیه اطلاع داده اند به کانادا هجرت می نمایند و جماعت بسیاری از جدید ها یعنی یهودانی که دین اسلامرا قبول کرده و در مشهد متوقفند آنجارا ترک کرده بنقاط دیگر رفته اند — فقط علاوه بر ارامنه طایفه غیر مسلمی که میل ترک این مملکت بواسطه حضرات ... و ملی مسلمین طایفهٔ برسانند — یکی از مخصوصین چنانچه سابقاً مذکور شد در یزد بقتل رسید و از اینگونه حوادث مکرر شود ممکن است آنها نیز از این مملکت هجرت نمایند .

نمره — ۲۲

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۱۵ آوریل)

طهران ۲۰ مارس ۱۹۰۷

افتخار دارم ترجمهٔ بیان نامهٔ مشیر الدوله را که اطمینان می دهد تغییر بعضی اوضاع گمرکات را بواسطهٔ استعفای مسیو نوز و فق صدد ترتیبات حالیهٔ آن اداره ارسال دارم .

شما بخاطر دارید که مسیو نوز و معاون اول مسیو پریم

هر دو در یك موقع معزول شدند واز موافقت دولت ایران در خصوص نصب مسیو بریم وبی بودنش درخدمت گمرك بیان ممنونیت فرستاده شد — معهذا معلوم شد که امکان ندارد عقل را وادار نمود به اینکه از ایرادات بر مدیر بودن مسیو بریم در گمرکات صرف نظر نماید — مدیری گمرکات مسیو مرنارد که در ادوار تغییر مستخدم گمرکات بود تعویض شده است ووعده داده اند که مسیو بریم را مستشار مالیهٔ دولت ایران نمایند — مسیو نوز که در همین اوقات عازم اروپ خواهد شد از قراریکه میگوید پس از یکسال که احتمال میدهد اوضاع تشکیل تغییر کلی خواهد یافت بایران معاودت خواهد نمود.

نتیجه را که بواسطهٔ وزیر مالیه دانسته ام اینست که ریاست ادارات گمرکی با رئیس بلژیکی و اسماً در تحت نظارت و مفتشی رئیس ایرانی خواهد بود — این رئیس به مصاحبت کمیسیون تفتیشی که مرکب خواهد بود از نمایندگان با نفوذ که آنها اطلاع کامل از تمام دوایر و سایر کارهای ادارهٔ بلژیکی دارند خواهد بود.

نمره — ۲۲

ترجمهٔ مکتوب مشیرالدوله صدراعظم به سراسپرینگ رایس

۵ مارس ۱۹۰۷

عرض دوستداری میرساند — چنانچه در سابق حضوراً

اطلاع دادم که عزل مسیو نوز بمجموعه تغییری در وضع گمرکات نخواهد داد و ریاست آن اداره بهر که داده شود موقتی خواهد بود و اقساط قرض باکمال نظم و ترتیب سابق پرداخته خواهد شد — و معلوم است که دولت ایران برحسب تکلیف خودش اقدامات شایسته در ریاست مخصوصهٔ ادارهٔ گمرکات خواهد نمود

نمره — ۲۳

مکتوب سراسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۱۵ آوریل)

طهران ۲۸ مارس ۱۹۰۷

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران که در مکتوبات جداگانه ثبت نگردیده بود بحضور آن جناب ارسال دارم

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

وقایع یکماههٔ ایران در تلو نمرهٔ (۲۳)

شمال ایران

طهران

شاهزاده ظل السلطان در شانزدهم همین ماه از حکومت اصفهان معزول و صمصام السلطنه بجای او منصوب گردید —

اشخاصی که بقونسولگری اعلیحضرتی در اصفهان پناهنده شده بودند
تا هنوز [illegible] ظل سلطان از مجلس طهران باینشان نرسید امتناع می
ورزیدند که از قونسولخانه خارج شوند — و خیال شاهزاده
اینست که در ظرف چند هفتهٔ دیگر باروپا مسافرت نماید .

و در همین هفته [illegible] مشیر الدوله صدر اعظم معزول
گردید — [illegible] در حق وی [illegible] اندازه [illegible] می نمودند و [illegible]
[illegible] اند که تمام اشکالات و [illegible] که [illegible] اعلیحضرت
[illegible] شده است [illegible] صدر اعظم و طرفداری اوست
[illegible] فردای آن روز مشیر الدوله [illegible] عمارت [illegible]
خود حرکت کرده و خیال دارد پس از چندی عزم اروپا شود
[illegible] ملقب بمشیر الملک [illegible]
بود و همراه پدر خویش که [illegible] خواهد رفت —
و مؤتمن الملک دومین پسرش در طهران توقف خواهد نمود .

کابینهٔ جدید وزرا مرکب [illegible] از هشت وزیر که [illegible]
از آنها یعنی [illegible] وزیر [illegible] و [illegible]
مجلس که [illegible] السلطان دورهٔ دنیا را مسافرت نموده [illegible]
[illegible] وزارت نائل شده اند — روز [illegible] یکم [illegible]
بمجلس [illegible] معرفی شدند — وزیر داخله دستخط شاه را که
متضمن بود تعیین و تشخیص ادارات و قرار داد کلیه انتظامات
مملکتی را در تحت ریاست هشت وزیر مسئول [illegible] قرائت کرد

وزیر عدلیه . . . . فرمانفرما
وزیر امور خارجه . . . . علاء السلطنه
وزیر داخله . . . . وزیر اعظم
وزیر مالیه . . . . ناصر الملک
وزیر جنگ . . . . نایب السلطنه
وزیر علوم و اوقاف . . . . مخبر السلطنه
وزیر فوائد عامه . . . . مهندس الممالک
وزیر تجارت . . . . وزیر همایون

بعدا شاه [illegible] السلطان که هنوز در سویس بود تلگراف
کرد که عازم طهران شود و احتمال دارد بمحض ورود وزیر داخله
گردد و [illegible] مانند سابق [illegible] کلیه امور [illegible] بدست آورده ریاست
کابینه [illegible] .

مسیو [illegible] بمستشاری مالیه ملقب گردید و در این وقت
که وزیر همایون بوزارت تجارت منصوب شد ریاست پست را به
معاون الدوله واگذار کردند و بجای علاء الدوله وزیر مخصوص
که حکومت طهران [illegible] وزیر دربار شد .

وزیر مالیه کتابچهٔ مخارج را در یکی از جلسات بمجلس
ارائه داد و آن کتابچه عبارت بود از مخارج یکسالهٔ دولت تا
این تاریخ و معادل سه ملیون و دویست و سی و دو هزار و پانصد و
نود و سه تومان از جمع کل که موافقت بارزی حساب داشت موضوع

ی ساعد که هنوز پرداخته نشده است و صورت بعضی ازمخارج که هنوز پرداخته نشده است ازقرار ذیل است

	تومان
شاهزادگان و مستخدمین حرمخانه و خواجگان وغیره . .	۳۱۵۴۰۰
امرا وخوانین قاجار وسایر خوانین . . .	۱۱۶۷۷۵
امرا ووزرا	۷۷۴۴۶
مستوفیان ومنشیان وغیره	۶۷۷۶۷
وزارت خارجه وهیئت دیپلوماسی وغیره . . .	۴۲۲۹۹۶
نظام [illegible] قزاقی	۵۴۴۷۲
مدارس وغیره	۴۹۳۸۰

نوروز گذشته یعنی ۲۲ مارس مبلغ شش کرور و چهار صد و هشتاد و هشت هزار و سیصد و شصت و شش تومان موافق صورتی که داده شده بود کسر داشته و هنوز پرداخته نشده است .

در شانزدهم مارس حکم قانون ذیل را درخصوص پرداختن حساب مذکور مجلس بوزیر مالیه اعلام نمود .

«مجلس تصویب می نماید که جناب وزیر مالیه معادل چهار کرور تومان از بانک ملی استقراض نموده آنچه را که دولت از بابت حساب یکساله تا آخر یونت ئیل — (یعنی از سنهٔ ۱۳۲۴ تا سنهٔ ۱۳۲۵) — مقروض است بپردازد بشرط آنکه در تمام مواقع دقت و ملاحظه در مخارج لازمه و قروض مهمهٔ دولتی و

رعایت اهمیت ارباب حقوق را منظور داشته مخارج فوری دولترا با حقوق کسانی که کمال احتیاج را دارند پرداخته آنچه از آن مبلغ باقی میماند بطور عدالت و تساوی مابین سایر ارباب‌حقوق تقسیم نماید و شرح پرداختن و ترتیب تقسیم مبلغ مذکور را باید بمجلس تقدیم نماید .»

در بیست و هشتم همین ماه بطهران خبر رسید که در سبزوار جمعی از متعصبین یک نفر ارمنی تبعهٔ روسیه را بجرم اینکه بازن مسلمه مراودهٔ نامشروع داشت بقتل رسانیده و آن زن را نیز دستگیر و مقتول ساخته اند و جسد هردو را در حضور عامه آویزانیده اند و این از حوادث بدبختانه ایست که در این موقع بمملکت اتفاق افتاده است .

تبریز

مستر راتیسلا — خبر داده است که یکنفر از رعیت‌های آلمان را دسته از اکراد در ساوجبلاق بقتل آورده اند .

در اواسط ماه مارس اجزاء پست و تلگراف دست از کار کشیده مدتی امور این دو اداره مختل و در حال تعطیل بود .

مستر راتیسلا در ذیل بیان و تفصیل هیجانهای واقعهٔ ماه فوریه گذشته چنین ذکر می نماید که مجدداً باز شدن بازار و دکاکین تبریز بواسطهٔ تلگراف بود که وکلای آذربایجان از طهران بمضمون ذیل مخابره نموده اند .

«حمد می کنیم خدارا و تشکر می نمائیم هوا خواهان وطن پرست و اهالی هوشمند غیور تبریز را که از اقدامات این قوی صادر گشته است که مواد قانون اساسی را ثابت و کامل می سازد.»

ولی اهالی در باز کردن دکاکین خود اصرار و عجلهٔ مخصوص نداشتند — لهذا رؤسا زحمت افتاده ناچار لازم دیدند که مردم را در باز کردن بازار شاد و مصلحت فریب دهند باینکه دولت خارجه ضمانت مواعید تازهٔ شاه را خواهند نمود — و در بعضی موارد اسم دولت انگلیس را در این خصوص بدون اینکه فایده و ثمری بخشد ذکر می نمودند — با وجود این احوال باقیست و همه کس معلوم شد تعهدی که شاه نموده بود که سلطنت مشروطه را منظور داشته برقرار دارد هیچیک از دول ضمانت آنرا نخواهند نمود.

نکتهٔ خیلی حیرت افزا این بود که با وجود جنبش و هیجان عامه بواسطه عدم اعتماد بمواعید شاهانه مع ذلک بانک طریقهٔ قابل تحسینی در تمام شهر تبریز نظم و امنیت برقرار بود

مشهد

اشخاص عمده مشهد اتفاق نمودند که جلوگیری کنند از تعدیات و مظالم آتیهٔ حکمرانان — و اگر در صدد ایذا و صدمهٔ هریک از اعضا برآیند درآنصورت همگان تحصن اختیار کنند —

خلاصه چون بزبان عموم سخن بگوئیم احساسات آزادی در جو هوا منتشر است.

روز بیست و هفتم فوریه — انجمن ایالتی بازحمات بسیار و دشواری بیشمار تشکیل یافت — سی و پنج تن از ترکان تبریزی که اکنون در مشهد متوطنند قسم یاد کرده اند که در حصول آزادی سیاسی ایران هر قدر مخارج لازم داشته باشد و هر گونه مخاطرات پیش آید بهیچوجه از بذل جان و مال دریغ ننمایند.

انجمن ایالتی که عاقبت بشورای ولایتی تبدیل یافته است بهیچوجه از مداخلات داخله آزاد نیست — تجار و علمائی که در انجمن سمت عضویت دارند اظهار کراهت و بی میلی از آن انجمن می نمایند.

در روز یازدهم مارس — مابین اعضا مجادله و مباحثهٔ مهمی بمیان آمد — علما در سکوت تجار بسیار سعی نمودند ولی تجار ایشان را مخالف ساخته گفتند سعی [illegible] که علما در بارهٔ اینها [illegible] و اطلاعی ندارند — یکی از علما [illegible] جواب داد که رؤسای روحانی از سابق [illegible] در پیش [illegible] هر گونه [illegible] بوده [illegible] که [illegible] آن را [illegible] — بواسطهٔ این مذاکرات [illegible] از تجار منصرف شده از اتفاق شورای [illegible] بیرون شدند.

[illegible] بعضی [illegible] عمل [illegible]

در مشهد مروج ومبهج بوده — بشاه نوشتند که مجتهدین وعلما وسادات آستانه که همگی اولاد و نایب امام بزرگوارند مایل نیستند که پیروی مجلس شورای ملی یا اطاعت احکام دیگری را جز اوامر شخص شاه نمایند وبدین واسطه خود را از هر جهة حاضر خدمات مرجوعهٔ پادشاه نموده هر اقدامی را که او برضد طرفداران مشروطه میل داشته باشد که نموده شود در عهده خواهند گرفت .

گویا مقصود ایشان از فرستادن این نوشته این بود که چون قصد ورود بکردن حاجی شیخ [illegible] که از سر کرده های [illegible] طلاب مشهور است بخادم باشی گری آستانه داشتند او را از این خیال منصرف سازند .

از قراری که ماژور سایکس می نویسد روحانیین که بر مردم مشهد فرمانفرمائی دارند باطنا از ارتجاعیون می باشند و تا کنون هر حمایتی که در تأسیس انجمن ایالتی نموده اند محض طرفداری از تجدد و مشروطه خواهی نبوده است بلکه فقط برای این بود که بدین تدبیر جلوگیری نمایند از حرکات عامه که قدرت ممانعت آنرا نداشته و میترسیدند اگر علما اقدامی کنند عاقبت تسلط و استقلالشان مضمحل شود — این تسلط علمائی در نفوس و قلوب کلیه طبقات ایرانیان که مانع از ترقی آنانست حصن حصینش در مشهد بنا شده است و می توان گفت اینگونه

خود و قوه در طهران وجود ندارد

مرکز و مشرق ایران

اصفهان

روز هفتم مارس مردم برای عزل ظل السلطان بدستور العمل آقا نجفی و آقا نورالله درتلگرافخانهٔ دولتی اجتماع نموده و بر حسب هیجان قونسولگری انگلیس داخل شده [illegible] آن مقصود تحصن اختیار کردند — عقب در شانزدهم همین ماه ظل السلطان معزول و پس از چند روزی اغتشاش و انقلاب اصفهان فرو نشست — درظرف این مدت عدهٔ متحصنین قونسولخانه تقریباً بسه هزار نفر رسیده بود — از قراریکه * مستر بارنهم می نویسد اشخاصی که مسؤلیت انتظامات را بعهده گرفته اند اول آقا نورالله که مسؤل ملاحف است و پس از او حاجی محمد حسین کازرونی که مبلغ بسیاری از ظل‌السلطان طلب دارد و ضمنا هم تصور کرده است که اگر حضرت والا حاکم اصفهان باشد هرآینه بهترین موانع برای وصول طلب او موجود خواهد بود — و بسته و منسوب عدهٔ حاجی [illegible] * [illegible] وکلای اصفهان ودر مجلس شورا عضویت دارد [illegible] از طهران باصفهان او می [illegible]

* [illegible] در اصفهان

* [illegible] که میرزا محمد را وکیل کردیده [illegible]
[illegible] ورود [illegible]

یزد

وبس قنسول انگلیس مقیم یزد در هفدهم گذشته راجع بقتل تاجر پارسی موسوم بپرویز شاه جهانیان چنین می نویسد که در سیزدهم همین ماه یک یا دو ساعت از شب گذشته پرویز مزبور رئیس شرکت برادران شاه جهانیان هنگامی که از حجرهٔ تجارت مراجعت بمنزل مینمود بواسطه شخص نامعلومی هدف گلوله شده و روز دیگر وفات یافت .

در نوامبر گذشته اورا تهدید بقتل نموده بودند

پرویز طرف محاسبهٔ دیوانی بامشیر الممالک وزیر مؤیدالدوله حکمران سابق که اکنون فرمانفرمای فارس است بوده و چند روز قبل از کشته شدن بخصوص صفحهٔ محاسبات بامشیر الممالک راجع و مشاجره مینماید — بعضی مطالب دیگر هم بدست مشیرالممالک افتاده و بدین واسطه حدس میزنند که او محرک قتل بوده و گمان کرده اند شخص جوانی موسوم به فرخ مرتکب قتل پرویز شده — وبس قنسول چنین می نگارد که اجزاء حکومت در تحقیق و دستگیری قاتل گمان میکنم باقدامی نپرداخته باشند

سمنان

وضع ریاست محمد رضا خان پسر بزرگ حشمة الملک را که بنایب الحکومگی برقرار شده میتوان گفت صحیح است — شخصی از اهل قین اورا متهم ساخته است باینکه دخترشرا بجبر ازوی

جدا کرده بخانه خود برده — ونیز شخص دیگررا به [illegible] بهانه و اتهام غیر معقول با کمال بیرحمی در حضور خویش امر به زدن نمود

شیراز

طلاب وتجار وسایر طبقات مردم بعدهٔ پانصد نفر متحد شده انجمنی موسوم بانجمن اسلام منعقد ساخته وقسم یاد کرده‌اند که در حفظ مجلس شوری و اساس مشروطیت از فداکاری جان دریغ ننمایند

چندی گذشته یکنفر سید از کوچه عبور نموده فریاد می زد پاینده باد آزادی — اتفاقا یکی از شاگردان مدرسهٔ یهودیان از پهلوی اوی گذشت سید صدای خودرا قطع کرده طفل یهودرا بضرب کارد از پا در آورد

کرمانشاه

مابین اهالی در خصوص انتخابات مناقشه و مجادلهٔ سخت روی داده عاقبت کار بخونریزی منجر شد — حکومت و پارهٔ [illegible] که آتش منازعه‌را مشتعل ساخته بودند میخواستند بقنسولخانهٔ انگلیس ملتجی شوند و قنسول بکلی از مداخله کردن در امور ایشان امتناع جسته ایشانرا نپذیرفت .

نمره — ۲٤

تلگراف سراسپرینگ رایس بسر ادوارد گری (وصول ۲ مه)

از طهران ۲ مه ۱۹۰۷

امروز امین السلطان به «منشی شرق» اطلاع داده است که رتبهٔ وزارت داخله و ریاست وزراء را بشرط آن قبول کرده است که شاه و مجلس موافقت و همراهی نماید

نمره ــ ۲۵

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۱۳ مه)

طهران ۲۱ آوریل ۱۹۰۷

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران را که در ماه آوریل اتفاق افتاده است اما بکمال افتخار ارسال میدارم

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

شعبهٔ اول

طهران

دوماه گذشته سرقت و دزدی مکرر اتفاق میافتاد ــ و مقصد اینکه مردمرا مخصوصا غارت و [illegible] انجمن [illegible] داده و قوای [illegible] وسیلهٔ پیشرفت مقصد خود قرار داده بودند ــ مجلس شوری که طرف [illegible] مردم واقع شده

* منشی شرقی [illegible] [illegible] در سفارت [illegible] شرقی را [illegible]

بود بوزیر داخله اخطار نمود که اینگونه کارهارا جلوگیری نموده و مجامع مضره را بر هم زند ــ بنا بر این دولت وقترا غنیمت شمرده سعی داشت که تمام انجمنها را برچیند مجلس شوری مقصود دولترا دریافت نموده مجدداً بوزیر داخله اخطار کرد که غرض بر هم زدن تمام انجمنها نبود فقط انجمنهای مضره را باید قدغن نمود ــ عاقبت مجلس مقصود خودرا صورت داد ــ اما در خصوص ناامنی طهران که اتصالا رو بازدیاد می نهاد جواب اظهارات مجلسرا در این خصوص دولت چنین داد که چون مدت یک سال است حقوق پلیس پرداخته نشده نمیتوان توقع خدمت از ایشان داشت و باز خواست نمود که چرا بتکالیف خود عمل نکرده اند .

در این وضع اگر مقصرین واشرار گرفتار پلیس شوند مبلغی رشوه باو داده او هم عجالتاً قبول نموده و ایشانرا رها خواهد کرد .

تبریز

بواسطهٔ ترقی سکه مابین طلاب در سیزدهم [illegible] اتفاق افتاد اغتشاشی رخ داده بازارها و دکاکین [illegible] دو روز بسته شد .

ملای [illegible] شهر چندی سعی و کوشش داشت که اسبابی فراهم نماید که ملای محمد [illegible] آزادی خواهرا از شهر خارج

باید — اتفاقا خودش مطرود و تبعید گردید .

هوا خواهان طرفین در کوچه ها با اسلحه ازدحام و سنگر بندی می نمودند ولی از حسن اتفاق حادثه و اتفاقی دست نداد .

رشت

در ظرف این ماه انجمن ولایتی گرفتار چندین پارتی مخالف گردید بطوریکه وقات وضدیت ایشان با یکدیگر سبب اغتشاش و بی نظمی بسیار گشت .

یکی از اعاظم ملاها با بسیاری از اصحاب و مریدان عازم طهران گردید و دستهٔ دیگری از اتباعش شهر را ترک نموده خارج شهر در چادر ها منزل کردند — اگر چه ظاهرا آرامی حاصل است ولی چندان ثباتی ندارد

اهالی [illegible] ابریشم و سایر مال التجاره را مستهلک نموده [illegible] و [illegible] می [illegible] مستهلک [illegible] [illegible]

اهالی دهات مایل بدادن اجاره صاحبان املاک نیستند — جمعی از ایشان در مسجد پناهنده شده و عریضه ای [illegible] آن است که [illegible] ایشان بصاحبان املاک قرار داده شده بپردازند .

چون دوره [illegible] ملاحین [illegible] و [illegible] از کار

کشیده بودند نامنظمی حرکت کشتی بتعویق افتاد و چندی کشتی های تجار که صاحبانش روسی و معروف به [illegible] هستند [illegible] حرکت می دادند بدون اینکه مسافرین را حمل و نقل نمایند عاقبت [illegible] انزلی نیز محض همراهی با ملاحین باز تعطیل نمودند

کاشان

اهالی بر ضد طایفه یهود که یکی از آنان تبعه انگلیس است هیجان نمودند وطایفهٔ یهود از خوف پناهنده به تلگرافخانه [illegible] شدند بسفیر انگلیس تلگرافا تظلم کرده از وی در حمایت [illegible] نمودند لهذا [illegible] نامهای جد در اینخصوص بدولت فرستاده شد

جنوب ایران

[illegible]

[illegible] انجمن [illegible] حکومت بعدالت وصداقت رفتار می [illegible]

[illegible]

[illegible]* [illegible] که [illegible] مکتوبی فرستاده و [illegible] سرزنش و ملامت نموده اند که [illegible]

مکتوبات [illegible] اهالی [illegible] که [illegible]

* [illegible] انجمن [illegible]

معذوران از ایشان جلوگیری نمود .

در بیست و چهارم ماه مزبور دستهٔ از مردم شهر بقصد غارت بطرف محلهٔ یهودیان حمله برده و محتمل است که این حادثه سبب مهاجرت عدهٔ یهود از ایران شود چنانچه در طرف چند ماه اخیر متجاوز از صد نفر از آنها ترک شیراز را نموده عزم بیت المقدس مهاجرت کرده اند .

از قراری که خبر رسیده است بعضی سرقتهای جزئی در عرض راه اصفهان و شیراز واقع شده ولی در راه پیاده رو بوشهر نظم و امنیت در کمال خوبی برقرار و عابرین از شر سارقین ایمن هستند .

بوشهر

حاکم جدید بوشهر بواسطهٔ فشاریکه امرای کرک در خصوص تنبیه خوانین بندر ریگ و دیر که کار کرده اند بطور دقیق از ساده آن نقاط مال المحروسه داخل می باشد از شیراز تعداد قشون طلب کرده است .

چون خوانین این قصبه اکثر معتقد بواسطهٔ مذاکرات مشروطه بحکومت مرکزی طهران در این باب خبر و شکایت نمودند

الحمد ولایت آرام است ـ ولی در مدت ماه مارس اوراقی که آنرا شب نامه می خوانند مطالبات مهیجه نوشته و بدیوار شهر نصب می نمودند و شبها در نقاط متعددهٔ شهر

می افکندند .

این مسئله حاکم جدید را که تازگی ورود نموده بود بسیار مضطرب و پریشان داشت ـ بی گناهی را بجرم اینکه اوراق مذکوره را وی توزیع می نماید بحکومت جلب کرده آن بیچاره را بچوب بستند و چندان زدند که از خود بیخود شد

مغرب ایران

کرمانشاه

قنسول اعلیحضرتی حالت اهالی و اغتشاش شهر را که در مارس گذشته ـ وقوع یافته بود چنین شرح می دهد که امور و اوضاع آن ولایت تا چهاردهم مارس ـــ بیست و سیم محرم ۱۳۲۵ ـ بحال اغتشاش و بی نظمی باقی بود .

حکومت چنین اظهار می کرد که از طهران برای تفتیش و اصلاح مامور مخصوص فرستاده خواهد شد ولی سفیر اعلیحضرتی از طهران بمن اطلاع داد که فرستادن مامور مذکور صحت ندارد و بکلی این خبر را تکذیب می نمود .

ولی عقیده مردم مخالف این بود که اولیای امور در طهران البته خیال خویش را در خصوص فرستادن مامور تغییر داده باشند و من بر همین عقیده بودم .

خلاصه چون مردم از انتظار خسته شده و بتنگ آمده

بودند ابتدا در چهاردهم ماه فبروری — (ماه موس) — عموم
کسبه ، در تمام شهر حتی عطارها تلگرافخانه رفته تحصن
اختیار نمودند — ، در دو سه روزی که در مناسبت محکمه اداره
تلگرافخانه در آنجا واقع است و همچنین در دکانهای عارفی که
جنب عمارت مذکور است درها را بسته موقت کردند طرفداران
اعیان و شیخ پرستان در خانهٔ یکی از ملاها جمع کرده آنجا را
مامن خویش قرار دادند .

روز هفدهم مارس — از طهران حکم رسید که دو نفر
از اعضای عمدهٔ هواخواهان اعیان را که باعث اغتشاش شده‌اند
گرفته و از شهر تبعید نموده با تلگراف آنها را بحت الحفظ طهران
روانه سازند — چون این خبر منتشر شد دو شخص مزبور شد
و دانستند باعث چگونه خواهد شد مخفی گشتند . . . —
روز هیجدهم مارس یکی از هواخواهان ملت مردم میدان
از منزل خویش بیرون آمد و مشهور بود که او مرتب منظم که
علی الاعلان اعیان بود جلو جمعیت خواهی صد نفر
طرف او حمله کرده مضروبش نمودند مشار الیه از خوف رو فرار
نهاده بطرف منزل این جماعت وارد میدان شده و فریاد
برآورد که همه تنها بکشند ـ اشخاصی که در میدان متوقف
بودند از فرار این شخص بی اختیار زدند بعضاً چوب و
چماق بدست گرفته بطرف خانهٔ ملا هجوم آور شدند و در آنجا

مکوه و شلیک تفنگ دچار گردیدند — طرفداران اعیان گمان
کردند که مرض آن جمعیت از آن هجوم و حمله بر اخراج مابینشان است
و بخیال در صدد این برآمدند که دو شخص مخفی شده در خانه ملا را
بیابند — در تمام آنروز شلیک تفنگ مداومت داشت ولی تیرها
مکرر خطا می رفت زیرا فقط یک مرد هدف گلوله گردید و یک
پسر کوچک نیز بواسطه خطا رفتن تیر مقتول گردید و در قراری
که می گفتند دو نفر دیگر نیز بواسطهٔ زخمی که رسیده بودند و
علاج ناپذیر بود وفات نمودند

سلطان آباد

موافق خبری که بسفیر اعلیحضرتی داده شد عضدی
سلطان الله را ملای بزرگ آن شهر سبب بود که اهالی و دستیاری
اش فتنه و فساد را مدتی امنیت مختل ساخت ـ شده و مجلس
مرقوم سعی کردند که ملای مزبور و اکثر را از آن محل خارج
ساخته اوری گشتند — لیکن بعضی از اهل دکاکین خود را
بسته دست از کسب و کار خویش کشیدند .

مردم را عقیده اینست که از این مصدر بواسطه محکمهٔ
عدالت حاضر بوده احقاق حق مظلومین نشود امنیت و قوام
شهر و مملکت از آن خواهد گردید .

عموم مردم از ملای مزبور متنفر و گریزانند .

هشتم پنجم اوریل ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری

نمره — ۲۹

خلاصهٔ مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری
(وصول دهم ژوئن)

قلهک ۲۲ ماه می ۱۹۰۷

بکمال افتخار شرح وقایع و اتفاقاتیکه در ماه گذشته در این مملکت روی داده و مستر چرچیل ثبت کرده است معروض می دارم .

تاکنون نتوانسته اند وسایلی برای پیشرفت امور دولت مهیا آورند مجلس از اطراف گرفتار حمله واقع شده است — درباریان تماماً مخالفت می نمایند و مردم شهر بواسطهٔ اینکه نان مانند سابق بجهت گرانی قیمت رضایت ندارند از طرف دیگر ضعف مجلس بواسطه مناقشه بین دو نفر از رؤسای آن که عاقبت منجر باستعفا دادن هر دو گردید مکشوف و باب همه گونه تولید برای دشمنانش مفتوح شد — مهمتر مسئله که در آنوقت دست آویز گردید متمم قانون اساسی بود که تمام رعایای ایران را بدون رعایت مذهب در حکم قانون متساوی الحقوق میساخت — ملاها درخصوص معترض بودند وازینسه هر چند نهضت آقا سید محمد حامی و خواهان آن بود ولی دیگران که جمع کثیری از طلاب نیز داشته مدعی شده اظهار نموده اند که در مملکت اسلامی باید قوانین اسلام را مجری و معمول داشت خلاصه

طبقه روحانیین بدو فرقه تقسیم شد — عده بسیاری از طلاب به ریاست آقا سید محمد و آقا سید جمال الدین واعظ مردم را آگاه و متذکر می ساختند باینکه آزادی و مساوات از قوانین اسلام است و هر که جز این بگوید بمملکت خیانت نموده و مسلمان نیست — نمایندهٔ پارسیان در نزد من حتی اظهار امیدواری می کرد که در خصوص تساوی حقوق اقدامات قطعی خواهد شد ولی عطف هنوز دو روبه احتمال باقیست و تصادم مابین عوام الناس و روحانیون که طرفدار عامه می باشند زحمت فراهم خواهد آورد و گمان می رود ملاها ملتفت ضعف خویش شده درک نموده اند که عنقریب اقتدار و نفوذ ایشان زوال خواهد یافت — اما شاه موقع را مغتنم دانسته از امضای متمم قانون اساسی امتناع دارد و مدعی است که مواد آن باید از نظر مجتهدین کربلا بگذرد — از فرستادن آن نزد علمای کربلا چه نتیجه حاصل خواهد شد معلوم نیست . در این روزها از طرف مجتهدین کربلا و ضمناً سید جمال الدین پیغام فرستاده شده و فوراً طبع و بهمه جا توزیع گردید — مقصد آن امر به مردم بود که توسط مجلس از شاه مطالبهٔ مجدد نمایند .

اوضاع ایالات را می توان نتیجهٔ اختلال امور حکومت مرکزی دانست — در هر شهری یک مجلس مستقل منعقد است که بدون مشورت بحکام و مجلس مرکزی طهران متصدی امورات می شوند — حکام به هدف حرف مردم واقع بوده پی در پی

زون شده اند ــ حکومت مرکزی و مجلس طهران مصمم شده اند که قوهٔ ذهنی و حس عسکری را داوند لهذا حضرات ملت ی ملی عمومی سفر حتمی‌الوقوع میباشد ــ آثار هیجان در دفع ظلم و مقاومت با والیان امور در تمام ولایات مشهود است ولی محرکین غیر معلومند و اینچه خطر ماند از طرف شاه و شاید از طرف تحریك می شود ــ این قطعه جنوب مانند سابق و اهالی آن از هر جهت مطیع میباشند برعکس قطعه شمالی که اکثر مداخلات مسافرت باشد چون هر نقطه از آن وارد شوند خواهند دید که زبان مردم آنجا از درز و سلوك ایشان نسبت بپادشاه و حکام آن محل مخالف میباشد ملاحظه با اتباع خارجه و با تنفر از آنها مربوط هم ملاوده و با آمدوشد ایشان با حکومت حصره

حس استقلال و حفظ ملیت مودن و کمك نمی از ظلم و دخالت نوب در اداره کردن امور خویش همه روزه مابین مردم بطور سرعت تولید می شود قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در رشت مشهور است و اگر مخالفین هرگونه عوایق و اشکالات برای مجلس فراهم آورند به قوه و نفوذ خاله آنرا مضمحل نمایند حس آزادی و عقیدهٔ وطن پرستی را که مردم تازگی دریافت کرده اند زائل نتوانند ساخت .

تجمع ... و متحد شدن آنها سبب توحش دولتیان گردیده و عسکروه فدائیان بکو و شمال ایران قسم یاد کرده اند

که جان خود را فدای سعادت مملکت خویش نموده دشمنان وطن را معدوم سازند ــ در طهران نیز انجمنهای بسیار تأسیس یافته که جلسات بعضی از آنها آشکار و بعضی مخفی است و برخی دیگر با آنکه اعضای آنها معروف یکدیگر نیستند مقید بیك نظامنامهٔ عمومی میباشند ــ در افواه است که از حادثه اتفاق افتد تمام آنها متفقاً بدستور کمیته های کوچك مرکزی در دفع آن اشکال ثابت قدم بیك روش خواهند کوشید ــ هرچند اینها را جدا دعوی مینمایند لیکن ظن غالب اینست که فقط حرف باشد

ضمیمه نمرهٔ (۲۶)

خلاصهٔ وقایع یکماهه

شمال ایران

طهران

روز ۲۶ اپریل اتابك اعظم بطهران وارد و در سوم مه ــ رسما ریاست وزرا و رتبه وزارت داخله برقرار گردید ــ پس از دو روز دیگر با هیئت وزرا برای معرفی بمجلس شوری حاضر شد و دستور اقدامات خود را بیان نمود

ملت هر روز بحل طرفداری حکومت ملی (دموکراتیك) بیشتر متمایل می شود و اتصالا روزنامه‌های جدید طبع و بر عدهٔ جراید افزوده میگردد ــ حالیه در طهران قریب سی روزنامه

دایر میباشد که از آنجمله عدهٔ یومیه است و همچنین در تمام ولایات بطبع روزنامجات اقدام نموده اند بعلاوه درباکو یک جریدهٔ زبان فارسی که مسلکش برضد سلطنت و خانواده است نوشته شده و در تمام نقاط ایران رواج دارد — اوراق بدون امضا مانند سابق در طهران پراکنده میشود که بسیاری از آنها را از باکو ارسال می دارند و بواسطه عبارات موحشه خصوصاً ضدیت با اتابک و دولت خیلی قابل ملاحظه واقع گردیده است

مسیو نوز

چون مردم شنیدند که مسیو نوز از ایران خواهد رفت چون هر از آنان که قبوض و بروات دولتی را بامضای وی در دست داشتند برعلیه او قیام کردند — در مجلس ملی مذاکره از رفتن او بمیان آمد و عاقبت رای دادند که از ایران خارج شود و تا مدت یکسال اجازهٔ مرخصی یافته قرار شد مواجب این یک ساله را تماماً عاید دارد — از قراریکه خود مسیو نوز میگوید روز ۲۵ همین ماه از طهران حرکت خواهد نمود و مسیو پریم وکالت داده است که حاضر شده در خصوص سؤالاتی که خواهد شد جواب بدهد — صورت وکالت نامهٔ را که امضا نموده بود بنظر سفیر اعلیحضرتی رسانید و متعهد شده است که حساب ادارهٔ خود را بپردازد

طایفهٔ پارسیان

طایفهٔ پارسیان در خصوص تعرضات مجتهدین راجع به ششم قانون اساسی بیاناتی شدید اظهار نمودند و اصرار داشتند که تمام مردم بدون ملاحظه مذهب بایستی در پیشگاه قانون مساوی باشند — ولی ارامنه و یهود را در این موضوع ناخوشی شرکتی ندادند — رؤسای عمده و آقا سید محمد مجتهد ایشان را از این جهة آسوده خاطر و مطمئن نمودند لیکن طلاب و آخوندها بحث آمده اینمسئله را انکار داشتند و شاه مظفر را رجوع علمای کربلا نمود بامید اینکه وسیلهٔ برچیدن مجلس شود

هنوز اتابک اعظم طرف میل مجلس واقع است ولی او خود اظهار خستگی و تمکول مراجعت از ایرانرا مینماید

وصول و ایصال مالیات در نهایت سستی است

تبریز

اوضاع تبریز در تمام مدت این یکماه پی درپی مورد تنقید واقع گردید. حاکم این ولایت مقتدر نظام الملک که سابقاً وزیر عدلیه طهران بود چون دید مقام خود را نمیتواند حفظ نماید ابتدا روز ششم همین ماه از شهر خارج شد و در دوازدهم اورا بشهر معاودت دادند. پس از مراجعت حکم کرد یکی از مجتهدین بزرگرا نفی بلد نمودند اهالی از این حرکت خشم آمده روز ۱۳ همین ماه بازار و دکاکین را بستند — وکلای انجمن ایالتی

در تلگرافخانه رفته به مجلس شورای طهران اطلاع دادند که اهالی از انتظار حکم مشروطه خواه قانونی خسته شده اند و تا قانون اساسی طبع و توزیع نشود دکاکین را باز نخواهند نمود — چون از طهران جواب مساعدی داده نشد تهدید کردند که اگر تا ده روز دیگر قانون اساسی انتشار نیابد ناچار خود آنان قانون عمومی برای مملکت آذربایجان وضع خواهند کرد — روز یازدهم مستر راتیسلا تلگراف نمود که بروز احساسات در تبریز استمرار دارد و ترس آنست که هیجان و خشم اهالی شدت یابد و آن وقت متوسل به بعضی اقدامات شوند که آذربایجان را قطعهٔ جداگانهٔ مستقل سازند

گمان می رود آنچه تلگراف از طرف اهالی بمجلس طهران مخابره شده است شاه مانع از ارسال آنها گردیده و از خود جواب آنها را داده باشد

روز دیگر اوضاع بیشتر انظار را بطرف خود معطوف داشت و مورد [illegible] اتفاق افتاد — [illegible] اسلحه بر داشتند و در کوچه ها نمایش داده فریاد می کردند که عازم طهران خواهند شد — انجمن ایالتی که احوال را بدین منوال دید از مستر راتیسلا خواهش نمود که در اصلاح این اوضاع همراهی نماید و سفیر انگلیس باطلاع سفارت روس بعضی اقدامات غیر رسمی بعمل آورد و تا روز ۲۲ این ماه سکوت موقتی دست

داد — در این وقت انجمن ایالتی خبر یافت که قشون عسکری مرکب از چریک بطرف شهر گسیل داشته اند و تقریباً تا هشت فرسخی رسیده است انجمن لازم دانست که ابتدا معلوم نماید آیا این قشون بحکم شاه روانه شده است پس از آن بدفع آنجماعت بهر نحو که مقتضی باشد بکوشند — سفیر انگلیس در اینخصوص از صدر اعظم استعلام نمود ولی صدر اعظم بکلی تکذیب کرد و نیز سفیر بی اصلی این خبر را فوراً بمستر راتیسلا اطلاع داد

رشت

در اواخر ماه آوریل والی گیلان همراه اتابک اعظم وارد طهران گردید و روزیکه وارد شد بجوش ساعد الدوله که مردی کهن سال بود زندگانی را بدرود گفت — در ظرف مختصر زمانی که حکومت آن ولایت را داشت [illegible] گذشت که اکنون [illegible] مراجعت [illegible] در ایام سابق که حکومت گیلان با او بود بیشتر ثروت خود را از آنجا فراهم آورد ولی این دفعه انجمن ولایتی و سایر انجمن های محلی دست او را از تعدی و تصرف در اموال مردم کوتاه کرده بودند — [illegible] اصولات [illegible] داشت و [illegible] در [illegible] از پیش برده می شد

روز چهارم ماه مه مهاجین [illegible] تلگرافخانه رشت را [illegible] و تجدید قونسول روس و انگلیس [illegible] های خویش

مخابره تلگرافی — دو روز دیگر قونسول روس مقیم رشت برای اشخاصی که بواسطهٔ بسته شدن بازار از شغل وکار باز مانده بودند بجمع آوری اعانه پرداخته وخود او ازمالیهٔ دولت متبوعهٔ خویش بیست لیره (تقریبا صد تومان) امضا نمود که داده شود — چون طلاب از اعانه جمع کردن قنسول روس اطلاع یافتند بر خلاف این اقدام قنسولگری نطقها نمودند و مردم‌را موعظه کرده می گفتند ایرانیان هیچگاه نباید از روسها قبول صدقه و اعانه نمایند .

از مرز تلگرافات تشجیع آمیز باهالی رشت مخابره شده بسیاری از مردم واز طلاب برای مجاهدت حاضر گردیده و در کوچه ها بگردش در آمدند

[illegible] به شهبندر انگلیس خبر دادند که عدهٔ از مردم در خیال وارد شدن به شهبندری میباشند که هم انجمن را غارت کنند و هم سکنهٔ آنرا بقتل برسانند بتدبیر اینکه دولت انگلیس را مجبور بمداخله نموده از حامیان مشروطه حمایت نماید

چون قنسولهای انگلیس و فرانسه و روس بواسطه تعطیل شدن تلگرافخانه از مخابره باسفارتخانهای خویش باز مانده بودند بتلگرافچیان ولایتی رشت گردند وبدین واسطه تلگرافخانه مفتوح و مجددا دایر گردید

اسلحه و قورخانهٔ که برای دولت در انزلی وارد کرده

بودند بحکم انجمن ولایتی ضبط و توقیف شد

اوضاع شهر روز سیزدهم ماه دوباره در تحت نظم و ترتیب در آمد و دیگر آن اغتشاش وهرج ومرج نمی رود

اکنون حکومت رشت باوزیر اکرم است

کرمان

انجمن ایالتی در اوقات مقرره انعقاد می یابد ولی همین که بی نظم می شود نمیداند چه باید بکرد و بنا براین کاری از آن ساخته نیست

اهالی نه توجهی بانجمن دارند و نه تاکنون فهمیده اند که مقصود از تاسیس آن چیست

جنوب ایران

شیراز

اهالی شیراز بواسطهٔ عدم رضایت ازقوام‌الملک که اورا حامی حکومت اشراف و مجری قواعد استبداد می دیدند مذهب مترصد یک هیجانی بودند تا عاقبت روز چهارم ماه جاری بلو نموده بازار و دکاکین را بستند و در طهران نیز مردم حسیات خود را در همراهی باآنان اظهار داشتند

از طرف هوا خواهان قوام‌الملک متوسل ببعضی اقدامات

شده باشند ... و سعه تمام پست ... را مغشوش و گرفتار هرج و مرج دارند

از اعمال ایشان نتیجه چنین بخشید که بزودی طرق و شوارع نا امن گردیده اموال چندین کاروان را قطاع الطریق بردند از آن جمله مال التجارهٔ انگلیس بود که معادل هشتصد لیره ارزش داشت و همچنین مابین بوشهر و شیراز دزدها از حامل پست انگلیس خورجینهای پستی را بسرقت بردند

قوام الملک تدبیر اینکه خودرا از ملامت وتعرض محفوظ داشته باشد تلگرافی به مجلس طهران وبشاه نموده همهٔ آن بی نظمی و اغتشاشرا بانگلیسها نسبت داد

در خصوص پست و مال التجارهٔ مسروقهٔ انگلیس که از طرف سفارت بوزارت امور خارجهٔ ایران اظهارات مؤکد گردیده بود جواب رسید که در آن باب احکام لازمه بکارگذاران و مأمورین مخصوصه فرستاده شد هم درین اوقات شهرت یافت که ظل السلطان بحکومت شیراز مقرر و از اصفهان عازم آنجا خواهد گردید

بست عامه

اوایل ماه مه تقریباً دویست نفر از اهالی بقونسولخانهٔ اعلیحضرتی پناهنده شده — مقصود شان از این تحصن نظر بحالت آن محال و تحمیلات و تعدیات و بودن قونسول اعلیحضرتی

سفارش شد که در امور ایشان مداخله نماید و متحصنین پس از سه یا چهار روز اقامت از قونسولخانه خارج گردیدند

نمره — ۲۷

مکتوب سر اسپرینگ رایس بسر ادوارد گری (وصول هفتم ژوئن)

از قلهک ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

باکمال افتخار آنجنابرا ازحادثهٔ که وقوع آن سبب نگارش مراسله مفصلی به دولت ایران گردید مستحضر میدارد

تاچندی قبل در کرمانشاه بواسطهٔ منازعهٔ مابین طرفداران عامه و حامیان حکومت اشراف هرج و مرج و بی نظمی باقی بود این دو حزب از زمان تأسیس مشروطیت ایران همواره کوشش می نمودند که هر یک دیگریرا مغلوب خود ساخته استیلا حاصل نماید — حاکم آن ولایت برادر عین الدوله صدر اعظم سابق ارتجاع طلب با طرفداران اشراف متفقه تا این اواخر علنه و در خفی داشتند همراهی دارد و هیچ [illegible] که [illegible] بر آن [illegible] تقویت می [illegible] — [illegible] را که [illegible] مثل فقط [illegible] اسکت مرده تبعید کرده بود [illegible] اجازهٔ مراجعت داده است ، از جمله اغتشاشی [illegible] شد که عادت [illegible] عمومی گردیده مختصر [illegible] روی داد [illegible] طرفین موافقت می نمودند که در وقت شلیک بکدیگر گلوله

ملك سوى عمارت ملك شاهنشاهی منحرف نشود با اینکه عمارات
مزبور جنب خانهٔ یکی از رؤسای عامیون که آنجارا لشکرگاه قرار
داده بودند واقع گردیده بود

گویا رؤسای عامیون سالارالدوله که بواسطه مخالفت
دولت طرف میل ایشان واقع شده است مرده دانسته معتقد
بودند [illegible] قشون دولت که بیشتر آن از طوایف [illegible]
[illegible] حوالی [illegible] شهر وارد گردید [illegible] از [illegible]
که از رؤسای اجتماعیون هجوم آوردند — این حرکت [illegible]
[illegible] دست داد — قشون دولتی [illegible] خود را باجارهٔ
[illegible] آنچه بود غارت کردند — چون طرفداران
[illegible] و خود را در [illegible] او [illegible]
این قصد شخص موجه قونسولخانه انگلیس شدند — در این
هنگام شخص حاکم پنهان گردید — طبیب قونسولخانه [illegible] را
از ورود قونسولخانه جداً منع بود ولی بدون اینکه [illegible]
[illegible] و [illegible] که [illegible] داشت
داخل کرده و در آنجا اقامت نمودند — [illegible]
[illegible] کرده که [illegible] و تهدید [illegible] — و
[illegible] آنها [illegible] که طرف اعتماد
و وثوق عامه است — [illegible] تمام [illegible]
که چون [illegible] دشمنان آنجهت نتوانستند بطهران

[illegible] شرح حال و تظلمات خود [illegible] دولت و مجلس
معروض دارند

مکتوبی بدولت ایران نوشته و در آن تصریح کردم [illegible]
چگونه قونسولخانه بواسطه دخول [illegible] یك فرقه [illegible]
سیاسی در نظر دارد گرفتار اوضاع تحمل ناپذیر شده [illegible]
علاوه اطلاع دادم که دولت متبوعهٔ خود را [illegible]
وقایع منحصر [illegible] در خصوص شخص [illegible]
[illegible] عقیده دارند و در قوه [illegible] هیچ حکمی [illegible]
نگردیده [illegible] و در [illegible]
جواب این اظهارات یکی از [illegible]
درهای سفارت انگلیس [illegible]
خواهش نمود که رؤسای حزب [illegible] مخصوص [illegible] محمد مهدی را
قونسولخانه [illegible] از [illegible]
اخراج [illegible] از قونسولخانه ولی باید [illegible] شد که اخلال
[illegible] انتخصورا [illegible]
[illegible] شده باشد و حتی اگر [illegible] رؤسا
[illegible] که مجبورا
از قونسولخانه خارج شوند — اگر دولت ایران [illegible] آنها را
[illegible] قونسولخانه [illegible] آنچه در [illegible] آن
[illegible] فراهم آورده [illegible] و شخص [illegible]

خارجه بخوبی میدانست که جز این ترتیب هیچ کاری از قوه بـ
عمل نخواهد آمد

روز دیگر مدیر مذکور مجددا مرا ملاقات کرده و در خواهشهای روز قبل بیشتر اصرار داشت ـ در حضور مشار الیه تلگرافی بوزیر امور خارجه نوشتم و بقدریکه توانستم با زبان ساده و صحت حقیقت اوضاع را مصرح و تاکید نموده که دولت مسئول امنیت منازل قونسولهای مقیم این مملکت است و بدانگونه اقدامی در خارج شدن مردم از قونسولخانه اصرار نماید که اطمینان فوری حاصل آید

در این موقع اگر خواهش شاه پذیرفته میشد هر آینه در قونسولخانه کشتار و خونریزی واقع می گردید و در آن صورت شرافت و یکتائی سفارتخانه لکه دار و متزلزل می شد و بعنوان تصدیق بود که اعلیحضرت شاه از چگونگی اوضاع اطلاع داشته است

در همین اوقات مکتوبی بعنوان منشی قونسولخانه رسید و کاپیتن هاورس آنرا باز نموده معلوم شد سالارالدوله باسم منشی مزبور برای ملامهدی نوشته او را بکمک خویش طلبیده است تا بدستیاری یکدیگر مردمرا از چنگال ستمکاران رهائی دهند و تهدیدش کرده بود که اگر امتناع بورزد خائن و بیدین خواهد بود ــ کاپیتن هاورس آن مکتوبرا بدون تامل نزد حاکم فرستاد

و ابداً هیچ تقصیری بر ملامهدی وارد نمی آمد چه از اینگونه مکتوبات بهمه جا ارسال شده بود ــ در این وقت مجلس قدم بمداخله نهاد و از مذاکرات محبانه رئیس مجلس با اتابک نتیجه چنین حاصل گردید که بمتحصنین تلگراف نموده ایشانرا اطمینان خاطر بدهند باینکه در همدان کمیسیونی منعقد بشود تا در این امر بدون طرفداری از احدی تحقیقات بعمل آورده رفتار رؤسای طرفین را رسیدگی نماید ـ ضمناً حاکم رفتار خودرا بطرفداران عامه بملاطفت و خوش سلوکی معتدل داشت

سواد تلگرافی که بحاکم مخابره شده بود بامضای وزیر عدلیه و اتابک نزد من فرستادند که به متحصنین مخابره نمایم ــ چون عمل مختصرا نیکو نمی دیدم لهذا بکاپیتن هاورس توصیه کردم که متحصنین را باین قرار داد راضی نماید و او نیز گمان می کرد که مقبول خواهد افتاد ـ ولی چیزی نگذشت که جمعی از مردم بطرف پناهندگان قونسولخانه از خارج شلیک تفنگ نمودند در این خصوص حکومت نه ترضیه خواست و نه توضیح می داد من هم بدون تامل بفاصله شکایتی سخت بوزیر امور خارجه دادم و از مستر چرچیل تمنا کردم که نزد آن حضرات و اتابک رفته ایشانرا از اهمیت این واقعه آگاه سازد .

مستر چرچیل آن دو وزیر را ملاقات کرد و ابتدا وزیر امور خارجه سعی می نمود که تقصیر را بر سفارت خانه وارد

آورد چونکه از تسلیم رؤسای متحصنین امتناع شده بود — ولی
فوراً متقاعد شدند که اقدام باین کار غیر ممکن بود پس از آنکه
اتابک تحقیق کرد و دانست صدمه وارد آمده است آن وقت
تلگراف ناشمدی بحاکم نموده دراین موضوع ازوی توضیح خواست
و شخص او را مسؤل امنیت قونسولخانه قرار داد — در
همان وقت وزیر امور خارجه پیغام تلگرافی بمن فرستاد که رضایت
خاطر و امید واری بخشید سواد آنرا لفاً ارسال میدارم

مخالفین طرفداران [illegible] چند [illegible]
کردند از آن جمله یکی عنوان سفارت روس بود که مسیو
دوهارتویک [illegible] بمن اظهار داد مبنی بر اینکه ملا مهدی و
همراهانش قونسولخانه را [illegible] و تکیه گاه خود قرار داده هم
[illegible] شرارت میباشند و توقف او در آنجا باعث
سبب مخاطرات و باعث انقلاب شهر خواهد بود و باید سفارت
انگلیس را مجبور نمود که ورا تسلیم نماید — از طرف دیگر
متحصنین [illegible] میشدند که اموال ایشان را ناصر خان غارت
کرده‌اند و [illegible] جانشان در معرض خطر است و از قونسولخانه
خارج نخواهند شد مگر اینکه امنیت جان و مال به ایشان
داده شود

من نمی توانم بگویم که گناه و تقصیر مخصوصاً با کدام
یک از این دو فرقه بوده ورا هر دو طرف آنچه در قوه داشتند

در تعدی و ایذاء یکدیگر فرو گذار نکردند مع‌هذا از وضعیات
است که مارا حق و انصاف نیست متحصنین را بدون ثبوت تقصیر
تسلیم داریم و فرض آنکه حق داشته باشیم قوه نداریم که بدان
واسطه ایشان را مجبور بخارج شدن نمائیم [illegible]
توصیه کرده که خود را [illegible] و در موقعیکه [illegible]
[illegible] لازم شود [illegible] در بابک [illegible]
اخبار [illegible] واز [illegible] طرق خود حاکم را [illegible] متحصنین داشته بوی
بگوید که منتهی میل او استخلاص از دست متحصنین است ولی
تقصیرشان ثبوت [illegible] امکان ناپذیر است [illegible]
در سهول اصلاح خواهد کوشید

دولت ایران [illegible] اطلاع داد که [illegible] حکم
شد طرف کرمانشاه [illegible] شخص دارای [illegible]
[illegible] و در آن نواحی [illegible] و طرف توجه است [illegible]
[illegible] که چون بدانجا وارد شود [illegible] رفع گردد —
[illegible] قونسول [illegible] از [illegible] بسیار خوشوقت [illegible]
نکردند.

در خصوص حرکت حاکم کرمانشاه احتمال که میتوان
داد اینست که با این اوضاع [illegible]
افروده شود ولی [illegible] اظهار [illegible] که [illegible]
در [illegible] حمله قونسولخانه بهیچوجه [illegible]

صورت عزل او را باید خواستار گردید – دولت ایران هم جوابهای با طفره پیشکش را می دهد و وزیر مختار روس هم اطلاع داده که سفارت قبل از رفتن وقار الیه بدولت فشار خواهد آورد که مطالب موقوفه ایشان انجام یابد لیکن من منتظر دستورات آتیه هستم که از آن پس باقدامات قطعی بپردازم – شاید اتابک که دشمن حاکم و خانواده او است اهتمام کافی در عزل وی بنماید – بهر حال ظهیرالدوله حاکم همدان که ورودش را بکرمانشاه تا ۲۱ ماه جاری انتظار دارند چون وارد شود عملا حاکم معزول خواهد بود .

(امضا) سسل اسپرینگ رایس

در طی نمره (۲۷)

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به سر اسپرینگ رایس

مورخه ۱۶ ژوئن ۱۹۰۷

تلگراف شما که حاکی از ملاقات عده مرقومه زجر اراذل کرمانشاه بود الساعه واصل گردید – حضرت اشرف اتابک اعظم را از وقوع این حادثه مطلع ساخته‌ام و جناب ایشان از طرف دولت شاهنشاهی متفقاً ازاین سوء اتفاق اظهار افسوس می نمایند – و جنابعالی را بکمال تعجیل اطلاع میدهم که احکام تلگرافی در نهایت تاکید بحکام کرمانشاه فرستاده خواهد شد تا اشخاصی که جسارت ورزیده نسبت بقنسول جنرال انگلیس تیر

افکنده اند دستگیر و تنبیه نماید

نمره – ۲۸

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۸ ژوئیه)

از قلهک ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷

بکمال افتخار خلاصه اخبار یکماهه طهران و سایر حوادث ولایات ایران را که بتوسط مستر چرچیل اکتشاف شده ارسال آن جناب می دارم .

عمل نفاق و فساد تقریباً یک مرتبه از قزوین صلحی کنون منتشر و جاری است . در سمت مغرب شاهسون سرکشی و شورش را نمودند – طوایف حدود شاهسون مغلوب تاخت و تاز و غارت شدند – اهالی آذربایجان همیشه ندارند مدد سلطنت را دوباره اعضای انجمن کشف کردند بهمین شدید درآمده تحریک سخت شده – در کرمانشاه مابین طرفداران ملت و هوا خواهان حکومت اشراف نزاع در پیوست و چون قشون سلطنتی داشتیم وارد شد حامیان اشراف در طرف مغلوب واقع آمدند .

اوضاع و ترتیب مالیه مملکت از همه وقت بدتر است – دو بانک بلیسها بواسطه نرسیدن داشتن مواجب به تکالیف مرجوعه خود عمل ننموده حتی در حبس رأی جدیت و شروع بافساد می باشند – هرقدر بانک زحمت سعی می نمایند که یک مبلغ پولی

فراهم آورده قشون طهران بپردازند تا شاید بدان واسطه ترغیب یافته بمقاطیکه شورش روی داده عازم ماموریت شوند معلوم شد غیر ممکن الحصول است .

مجلس شورای طهران نفوذی در ولایات ندارد — در ظرف چندین هفته بیهوده به تهدید و تخویف قوام‌الملك شیرازی و ملای دزد غارتگر سلطان آبادی پرداخت و هیچ اثری نبخشید — حمایت مخفیانهٔ دولت از دو شخص مذکور بکلی اقدامات و مساعی مجلس را لغو و بی نتیجه گردانید معهذا شاه و هیئت دولت در چندین مواقع بواسطه فشار عمومی به تسلیم شده ناچار احترام مجلس را رعایت داشتند .

قانونی برای مالیه وضع و از مجلس گذرانیده شد و از اینرو امید است که رفته رفته اصلاح مالیات ولایات بشود — این قانون اعم از اینکه خاطر عموم مردم را مشعوف یا مکدر سازد ناگزیر باید وضع شود و در آنکار نه شاه جرئت مخالفت دارد و نه دولت می تواند مانع از اجرای آن گردد .

معهذا قوانین اساسی که بدون رعایت مذهب تمام اهالی ایران تساوی حقوق بخشیده دست آویز و مستمسك خوبی برای جهه آوردن مجلس کرده — ملاها شاه قانون شرع برای تعرض و مداخله را می برند — نتیجه این صدمت فراهم آمدن اتفاق بود بین رؤسای طرفداران شاه و مدعیان ملاها .

دولت مایل بود که استقراضی از خارجه نموده قروض عقب افتادهٔ خود را طلب حقوق ادا نماید ولی نظر بافکار عموم می ترسید باین کار اقدام کند لابد رجوع بمجلس شورا و از آن استمداد نمود که از طریق اعانه خواستن برای بانك ملی قرضهٔ ادا نماید — مجلس جواب داد که مردم در دادن اعانه آماده و حاضرند در صورتیکه اعیان و اشراف متمول که بداشتن پولهای گزاف معروف می باشند ابتدا نموده وامرا نمایش دهند ولی افسوس که صاحبان ثروت از اقدام به این کار امتناع میورزند

ظاهراً بر مجلس حتم و محقق شده است که اگر بواسطه وضع مالیاتهای جدید پول فراهم کنند و بچنگ دولت دو اند تمامرا بمصرف خرابی مجلس خواهند رسانید پس لازم دانستند که در مخارج دولت نیز بدقت تفتیش شود .

کینه ورزی با شاه و خشم بر او همه روزه ازدیاد می یابد چه عموم را عقیده آنست که مصمم شده هرچه بتواند حاصل کند بلادرنك مشروطه را از ایران بر اندازد هر چند باضمحلال و محو استقلال ممکن باشد .

اندك از مدت حقوق باز مانده کل افسریک و منتهای دلتنگی را یافته حکومت چون از جانب مجلس و استقراض از موجه امتناع ورزید شاه او وی مایوس و ناامید گردید — اما قدرت صدراعظم بداشتن پول است و بودن پول کاری از پیش

وی نخواهد رفت وعلی که بتوان آنرا تحصیل نمود بسی دشوار دیده می شود — باجمله هیچ نتوان حکمت که مردمرا در عدم پیشرفت امور چون او ملالت خاطر حاصل باشد .

این بی نظمی مملکت بیشتر از سنواتیکه امور درتحت قواعد معینه جاری بود روی نداده و در باب اغتشاشات مختلفه که در ولایات اتفاق افتاد اتلاف نفوس چندان بوقوع نه پیوست — مردم در اخراج حکام جابر و استخلاص از اجحاف و ظلم حکومتی اهتمام نموده و در اکثر مواقع بمقاصد خویش نائل گردیدند| بنا بر این از اوضاع کنونی شاکی و دلتنگ نمی باشند — اما دولت مدتی است که در خزانه بهیچوجه دیناری یافت نمی شود و در ولایت هیچگونه خدمتی معمول نماند و سرانجام مملکترا هرج ومرج فرا گرفته است .

بین قطعه شمالی و جنوب تباین و اختلاف کلی موجود است چنانچه در جنوب جنبش اهالی مبنی است بر غلبه و یکنوع دغل بازی مضحک شمرده می شود زیرا هر هیجانی که می نمایند راجع بمسائل شخصی و بملاحظه منافع خویش می باشد — برعکس در قسمت شمالی اهالی مقاصد پلتیکی و سیاسی مهمی در نظر دارند و بنای تمام حرکاتشان بر وطن دوستی است

علائم خصومت و ضدیت باتباع خارجه بهیچوجه مشاهده نمی شود و همچنین آثاری از مداخله اجانب مشهود نیست و

معروفست هرگاه اجانب بخیال مداخله در افتند آن وقت برؤسای ملیه دستوری داده خواهد شد که از آنروی باایشان معامله و رفتار نمایند

(امضا) سسل اسپرینک رایس

نمره — ۲۹

مکتوب سر اسپرینک رایس بسر ادوارد گری (وصول هشتم ژوئیه)

وقلهك مورخه ۲۱ ژوان ۱۹۰۷

باکمال افتخار خلاصه حوادث و اتفاقات عمومی ایران را که در ماه ژوان بوقوع پیوسته لفاً ارسال می دارد

(امضا) سسل اسپرینک رایس

در جوف نمره (۲۹)

خلاصهٔ حوادث یکماهه

شمال ایران

طهران

مجلس ملی — مذاکراتیکه در ظرف هفتهٔ اخیره در مجلس ملی مطرح یافته و استمرار داشت راجع بود به مساوی حقوق افراد مردم در محکمه قانون بدون رعایت مذهب — و در اینخصوص قرار شد که یك ملحقهٔ الحاقیه بقانون اساسی ضمیمه شود

ولی بواسطه اتفاق احزاب برضد دولت دفعة آن مذاکرات بختم انجامید و موضوع دیگر بمیان آمد

در تبریز بازارها تامدتی تعطیل و دکاکین بسته شده بود و بمجلس طهران بدین مضامین اخبار دادند که جمعی از طرف شاه گماشته شده اند که انجمن ایالتی را دچار مشکلات نمایند و قشون مرکب از چریك طرف شهر را محاصره کنند و نیز کار کسان شاه باشخاص معین پول داده اند که بعضی از اعضاء انجمن را بقتل رسانند — دیگر آنکه رحیم خان رئیس سرحدداران قرجه داغ که این وقت در طهران اقامت داشت به پسر خود موسوم به بیوك خان تلگراف نمود که اعمال وی در پیشگاه شاه مورد بسی تمجید واقع گردید .

این تلگراف هم اهالی تبریز را بخشم در آورده و هم مردمان طهران را بهیجان بطوریکه جداً خواهان مقید ساختن رحیم خان شدند که بفوریت انجام یابد — دولت پس از دو روز سر تافتن عاقبت روز ۲۷ ماه مه ناچار بقبول این امر تن درداد — روز ۲۵ و ۲۶ بازارها را در طهران بستند و چندین هزار نفر باحالت هیجان درمجلس اجتماع نموده روز ۲۵ را تقریباً تاساعت پنج از شب در آنجا توقف داشتند — مردم جشن مولود شاه را که بایستی شب ۲۹ چراغان نمود مانع شدند حتی بانك شاهنشاهی را اجازهٔ آئین بستن و چراغان ندادند — اهالی طهران درنمایش

و بروز حسیات خویش وضع انقلاب و شورشرا ایجاد نموده بودند — و نطقهائیکه درصحن مجلس می شد تمام برضد سلطنت بود — اجزاء وزارت امور خارجه اظهار میداشتند که اگر خواهشهای مردم که تماماً صحیح و صوابند پذیرفته نشود همگی بطور اجماع ترك مشاغل خود را از وزارتخانه خواهند نمود و باید دانست که متجاوز از هیجده ماه است بایشان مواجب و حقوق اداری پرداخته نشده است .

در مدت این ماه دسته از معترضین مصمم بریاست برخی از ملاهای مشهور از جمله شیخ فضل‌الله مجتهد ونیز رئیس سیدها ملقب به نقیب السادات در ضدیت و مخالفت با مجلس ملی جدیتی وافی و فعالیتی شایان ملاحظه ظاهر ساختند — نقیب السادات پسر خود را بسفارتین انگلیس و روس روانه نمود تااطلاع دهد که دو هزار نفر میخواهند [illegible] بعنوان ترس وشکایت از اقدامیکه مجلس بتازگی در موقوف داشتن تیولات اختیار کرده است بدان سفارتین وارد شوند — چون مجلس بی اعتنائی دیده دیگر تجری ننموده ظاهراً اینگونه تشبثات و دسیسه کاریرا جداً تااندازهٔ متروك داشته اند

روز ۳۰ ماه مه [illegible] از طهران حرکت نموده [illegible] ورود [illegible] مردم [illegible] را مانع از حرکت گردیده [illegible] از مجلس [illegible] سؤال نمودند که [illegible]

این مملکت خارج می شود یا بدون اطلاع لازم است ؟ — بالاخره پس از حصول اجازه داخل کشتی گردیده روانه شد

بی پولی از شدیدی نموده و دولت بی اندازه اظهار احتیاج می نماید و اتابک اعظم در تمام مواقع بآن خیلی اهمیت می دهد — چندی کمشنه در طرح بانک ملی و تاسیس آن مجدداً اقدام عمیق بعمل آمد و اتابک اعظم پیشنهاد نمود که بایستی مبلغ دویست هزار لیره از بانک شاهنشاهی برای بانک ملی استقراض تجارتی و مساعدت طلبید ولی مسیو راینو (رئیس سابق بانک شاهنشاهی) اظهار داشت که بانک شاهنشاهی بدولت ایران فشار آورده است که تا به همین مقدار قرضی که نموده است نماید و دیگر آنکه بانک ملی هنوز وجود خارجی ندارد — در همین اوقات سربازها در اخذ حقوق بنای فشار را گذاشتند و نیز بلیطهای طهران برای مطالبه مواجب پس افتاده یکساله خویش اجتماعات و سختگیری می نمودند

چندین روز نامه جدید بتازگی ابداع گردیده که مسلک طرفداری عامه (دموکراتیک) و ضد اشراف را اختیار نموده اند .

روز یازدهم همین ماه شخصی موسوم برجب افندی به ضرب گلوله بهنگام روز در طهران بقتل رسید

تبریز

در مدت نیمه اخیر ماه مه بازارها تعطیل و بسته گردید و شهر عملاً بحالت نظامی در آمده بود — دستجات مسلح که در خدمات انجمن ایالتی اشتغال داشتند شهارا به پاسبانی و محافظت کوچها می پرداختند و از همین قبیل پاسبانها تمام معابر و گذرگاه های شهررا نگهبانی نموده از تمام عابرین خواه اشخاصیکه داخل و یا خارج از آن اماکن می شدند اسم شب خواسته حتی هر یک را با کمال دقت تفحص و رسیدگی می نمودند .

روز بیست و یکم ماه مه سه نفر بعزم کشتن جمع معینی از اعضای انجمن ایالتی که در تلگرافخانه متوقف بودند بدانجا وارد شدند — از حرکات و رفتاریکه می نمودند درباره ایشان سوء ظن حاصل آمد بدان واسطه بگرفتاری هر سه تن اشارت رفت — از آنها یکی بمدافعه و پافشاری ایستاد از آن جهة هدف گلوله گردید از پای در افتاد و جراحتی مهلک یافت — آن دوی دیگر را که مجروح نبودند ضربی زدند تا عاقبت اقرار کردند که هر سه از اهل قرجه داغ باشند و یکی از ملازمان شاه ملقب باکرم السلطان بهر یک وعده اعطای صد تومان و یک قبضه تفنگ نموده است که اعضای رئیسه انجمن را بقتل رسانند — آنکه مجروح بود قبل از حالت احتزار با کمال اعتبار بیانات دو همقدم بد اندیش خود را ثابت و تصدیق کرد

روز بیست و دوم انتشار یافت که پیوک خان پسر رحیم‌خان باسوار و جمعیت زیاد بطرف شهر رهسپار است و تمام دهات بین راهرا غارت مینماید — دو روز بعد تلگرافی بدین مضمون اشاعه یافت که یکی از طوایف محلی تمام دهات رحیم خانرا درغیاب پسرش مشغول غارت و چپاول شده و پسر رحیم خان مجبور بمعاودت گردید که املاک پدر خود را از تاراج محافظت نماید لهذا خوفی که از حرکت وی بجانب تبریز همه‌را فرا گرفته بود بواسطه اشاعه این خبر تا اندازه فرو نشست — روز بیست و پنجم مکتوبی از پیوک خان بعنوان حاکم بدست آمد که در آن اظهار داشته بود بسیاری از دهاترا غارت کرده است و اگر حکومت قول بدهد حاضر است بشهر تبریز وارد شود و انجمن ایالتی را تا طهران بدواند — وقایع فوق چنانچه مستر راتیسلا راپورت میدهد بیشتر سبب تنفر و بی اعتمادی عموم مردم از شخص شاه گردیده است .

بعد از آنکه مکتوب پیوک خان بچنگ آمد فوراً حاکمرا بقید حبس در آوردند و بمدت دو روز یعنی از ۲۵ تا ۲۶ مه این مطالب در مجلس طهران مطرح مذاکره بود و عاقبت نتیجه مباحثات این شد که رحیم خانرا گرفتار نمایند چنانچه ازاین پیش مذکور گردید — پس از گرفتاری رحیم خان اغتشاشات تقریب روی به تخفیف و آرامی نهاد و بهمین طریق باقی بود تا پنجم ماه

ژوئن که بواسطه کم یابی نان دوباره تجدید یافت — اهالی تبریز برای مطالبه و حصول گندم بتلگرافخانه که تا آن وقت وکلای انجمن در آنجا متوقف بودند اجتماع نموده و در آن روز یکنفر از تجار معمول شهر را باحتمال اینکه گندم احتکار کرده است ضربی زدند تا هلاک گردید بعد جسدشرا در خارج تلگرافخانه آویختند و تا مدتی اضطراب شدیدی مردمرا فرا گرفته بود چنانچه صاحبان غله وگندم از ترس مصمم شدند که بقونسولخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند — * مستر استه ون . که در غیاب مستر راتیسلا و مسافرتش بلندن امور قونسولخانه را در عهده داشت مردمرا از دوباره تحصن جستن بقونسولخانه منصرف گردانید .

اواخر ماه راپورت رسید که دوماکو از محال شمال غربی آذربایجان اغتشاش و بی نظمی در پیوست و مردم رخت خود را از آنجا خارج نمودند —

در گرفتاری پیوک خان اقدامات بعمل آمده ولی هنوز دستگیری او موفق نشده‌اند .

رشت

روز بیست و پنجم مه کارگذار وزارت امور خارجه از آنجا عزیمت نمود و چون حاکم جدید هنوز وارد نشده است گویا مواظبت در امور حکومتی را با اعیان خود این ولایت واگذار کرده

* مستر استه ون — ویس قونسول انگلیس در تبریز

باشد و بدیهی است که بالنسبه نظم و آرامی اعاده یافته مابینکه طرفداران ملت رشادت خویش همی افزودند — روز سوم این ماه که انجمن ولایتی از اوضاع تبریز مطلع گردید احساسات خود را در همراهی با تبریزیان اظهار داشته و بازار هارا بستند — و با تبریز و طهران مشغول مخابرات تلگرافی شدند و بتوسط سفارت اعلیحضرتی پیغاماتی چند بمجلس طهران فرستادند .

بعد از اینکه دانسته شد که امور تا اندازهٔ موافق رضایت خاطر جمهور انجام پذیرفته است آنوقت بباز کردن بازارها اقدام نمودند .

طوالش که یکی از بلاد سواحل بحر خزر و واقع مابین انزلی و آستارا است مشوش گردید و خبر اغتشاش آن انتشار یافت — چون انجمن ولایتی انزلی بواسطه نزاع داخلی منحل شد بنا بر این روز هفتم ماه مه در آنجا نیز بی نظمی و هرج و مرج روی داد .

مرکز ایران

اصفهان

حضرت والا نیرالدوله بجای نظام السلطنه بحکومت اصفهان منصوب گردیدند — سر دسته های ملیان تبریز به مجتهدین اصفهان تلگراف نموده در فشار آوردن بشاه استمداد طلبیدند و آقا نجفی

بمردم توصیه نمود که تا مواد متمم قانون اساسی بامضای شاه نرسد مالیاترا ادا نکنند و نظام السلطنه که این حکمرا شنید بملاقات وی شتافت و عاقبت گفتگوی ایشان در آن خصوص منجر به تشدد و تغیر گردید — چون متمم قانون اساسی از مواد مهمه است هنوز در تحت نظریات و مذاکرات مجلس طهران باقی است .

آقا نجفی روزی در مسجد شرح مفصلی از فواید متروک داشتن البسه اروپائی بیان نمود و بمتابعت او و سایر علما از این بعد بترک منسوجات فرنگی خواهند کوشید و نیز انجمن ولایتی مکتوبی بحاکم نوشت که در تمامت ایرانیان از فرستادن اطفال خویش به مدرسه دعاة عیسوی ممانعت و همراهی نماید

بختیاری

اخباریکه در موضوع عزل صمصام السلطنه از رتبهٔ ایلخانی عسکری واصل شد تماماً منتشر است بر اینکه سبب عمدهٔ آن تحریکات ودسایس نظام السلطنه بوده که با خوانین این طایفه معاندت و ضدیت را دارد .

مجدداً خبر رسید که مقام ایلخانی عسکری دوباره به صمصام السلطنه تفویض گردید و آن مقارن بود با عزیمت نظام السلطنه از اصفهان بطرف شیراز که مقر حکومت جدید وی است و در آنجا دیگر ارتباطی با این ایل نخواهد داشت .

این تغییرات قبل از ورود امین السلطان بطهران بود که

محتمل است در استقرار صمصام السلطنه اقدام و جدیت نموده باشد .

خلاصه — در اواخر ماه مه مابین حامیان طرفین نزاع در پیوست وسواران صمصام السلطنه بهر سو روانه شده بکاروان و قوافل حمله می آوردند .

سلطان آباد

حاجی آقا محسن که در این نواحی مرتکب بسی شرارتهای بیرحمانه شده هنوز آزاد میباشد ومجلس طهران تاکنون نتوانسته است وسایل گرفتاری اورا فراهم سازد

جنوب ایران

شیراز

اوضاع شهر شیراز تامدت یکماه بواسطه مخالفت فرق مختلفه باغتشاش می گذشت و قوام الملک که ظاهراً مرکز اقلابات شناخته شده بود مردم بقوت مجلس طهران و احکام شاه جداً خواستار حرکت او از شهر بودند ولی او مانند همیشه وقعی بدین سخنان نگذاشته امتناع از پذیرفتن تقاضای ایشان داشت بنابراین اجتماعات متصادمه تشکیل یافت بدینطریق که مردم یکی از مساجدرا مأمن خویش قرار داده در آنجا مجتمع شدند و طرفداران قوام برضد ایشان در مسجد دیگر جمعیت نمودند و بس گفتگوها

که بمیان آمد — خوش بختانه قنسول انگلیس را مانند واقعه سابق در این منازعه مداخلتی ندادند — در همین اوقات خبر داده شد که قوام الملک از شهر خارج گردید

راهها بهمان حالت ناامنی همیشگی باقی است و از قرار راپورتهائیکه می رسد کاروان و پست اتصال دچار سرقت می گردند .

(امضا) جرچیل

از قلهک ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

ضمیمهٔ خلاصهٔ یکماهه راجع به تجارت

خط تجارتی در ایران بهر نحوی که تصور شود امید بخش نیست چه اوضاع سیاسی چنان غیر معلوم و نامعین است که ضرر تجارترا بامنافع احتمالی آن هیچ قدر شناسی مابین نباشد — حالیه بواسطه اختلال امور سیاسی و کسادی پول دربازار و عدم امنیت طرق وشوارع اعمال تجارت بآن طریقیکه اطمینان خاطر حاصل آید اجرا پذیر نیست .

ادارهٔ گمرکات که دچار حملات شدیدهٔ مجلس گردیده و شاید زمانی تماماً بدست ایرانیان بازگشت نماید و البته در آنوقت نتیجه جز بی نظمی بخشیده نخواهد شد هنوز در تحت ریاست بلژیکیها باقی است ولی بر شکایات سابقه افزوده نگشته است

نمره — ۳۰

سر ادوارد گری به سر اسپرینگ رایس

آفیس — از وزارت امور خارجه ۱۷ ژوئن ۱۹۰۷

مکتوب مورخه ۱۸ ماه گذشته شما را که حاکی از ملاقات مخصوص خودتان با اعلیحضرت در کرمانشاه و شایعه زدن [illegible] بتنگ ایشان ازخارج بطرف آنها بود واصل گردید اقدامات شمارا در اینخصوص چنانچه راپورت داده بودید تمجید و تحسین می نمایم

(امضا) ا — گری .

نمره — ۳۱

مکتوب سر اسپرینگ رایس بسر ادوارد گری (وصول ششم [illegible])

قلهک ۱۰ ژوئن ۱۹۰۷

با کمال افتخار عرض می نماید که چون در ششم همین ماه بحضور شاه شرفیاب شدم بجهات معینه مصلحت چنین دیدم که این شرفیابی رسمی را موقع مغتنم شمرده از اوضاع ایران بآن اعلیحضرت بیانات سخت معروض دارم

یکی از مجتهدین عمده با جمعی از اتباع خود برای پرتست نمودن و تعرض بر مشروطه و انکار مجلس شورا بست اختیار کرده و آنچه را که تقاضا می کند مشتمل است بر طرد و نفی

بیشتری از اعضای مجلس و اعاده اساس قدیمه و اجرای قی — دو هر روز یک مبلغ کثیری که تقریباً معادل است با صد لیره برای مخارج باو داده می شود و عامه را اعتقاد آن است که این وجوه را از خزانه شاه عاید می دارد — نتیجه که این حرکت بخشیده است طبعاً افکار عمومرا بطور شدت بهیجان و خشم در آورده و همه روزه خاطر مردمرا از شاه بیشتر منزجر می سازد وعلاوه کافهٔ مردم ایراد میکنند که اطراف شاهرا درباریانی احاطه کرده اند که همان روش قدیمه را اتخاذ کرده و آنها کسانی هستند که جز پر کردن جیب خود از ماحصل دست رنج ملت و باز استقراضهای خارجه مقصود و امل دیگری ندارند و در حقیقت جای مجلسرا روگیری نالایق و مضر پیشرفت مقاصد خویش میدانند

بواسطه اعتماد تامی که شاه باینگونه اشخاص دارد ناصحین وفی و خیر اندیشهای حقیقی مورد توجه نبوده و نیکخواه [illegible] طرف مشورت واقع شود

[illegible] که چندی [illegible] داشته و [illegible] بواسطه اینکه همین اسم وزیر مسئول شده است در چه موقع خطرناکی گرفتار آمده و بمن پیغامی فرستاد بامید اینکه چون من ملاقات با شاه [illegible] شود

علیهذا وقتیکه من مکتوبات پادشاه انگلستان را تقدیم شاه نمودم شرف حضور را از آن اعلیحضرت تمنای خلوت کردم — شاه

مایك کراهت و بی میلی ظاهراً اجازت داد و اشخاصیکه حضور
داشتند خارج شدند مگر من و عباسقلی خان که باقی ماندیم .

من شروع نموده گفتم که از زمان جلوس آن اعلیحضرت
تا کنون بقدری حوادث ناهنجار و اتفاقات مختلفه روی داده که
تکرار شرح آن حوادث پرداخت و اعلیحضرترا از چگونگی
مطلع ساخت از جمله بیت سفارترا در دو موقع دزد بسرقت برده
است – از طرف مردم مجبر داخل قنسولخانه ما میشوند و از
خارج بسمت آن شلیك میکنند – تجار ما گرفتار چپاول شده اند
و علائم قنسولخانه را باینکه لباس رسمی قنسولخانه را پوشیده
بود در ملاء عام زده اند و مقصود من از بیان این وقایع
نیست که خاطر آن اعلیحضرترا مصدع شوم در صورتیکه مبداء
اینگونه مطالبرا باید باوزرا گفتگو نمود ولی خاطر همایونی را از
اوضاع عمومی مملکت که این حوادث از علائم و نمونه های
ظاهره است مسبوق و مستحضر دارم و البته می دانند چنانکه
پادشاه متبوع من سعادت و آسایش شاهرا به منتهی درجه خواهان
است وچون منافع دولت ایران با بریطانیای کبیر پیوسته بهم است
لهذا از تکالیف لازمهٔ خود میدانم که آنچه از خطط مختلفه شنیده
در پیشگاه همایونی آشکار دارم از آنجمله میگویند که آن اعلیحضرت
مجدانه در تخریب تشکیلات و رفع اساس ملی به اعطای آن
بیشتر باراده شاهنشاهی بوده مشغول و درکارند – هرچند دولت

متبوع من هیچگونه نظری در طریقه سلطنت ایران تا آن زمانیکه
در اطوار قوی و محترم است ندارد خواه سلطنت شورای یا غیر
آن باشد لیکن وجود این شایعات باینکه یقین دارم کذب محض و
دروغ صرف است گمان می کنم استحکام سلطنت و حفظ سلطنهٔ
آنرا خطری عظیم باشد — اعلیحضرت می دانند که چه نوع
اشخاص اطراف پدرشرا احاطه کرده خودرا شاه پرست جلوه
داده بودند و بچنگ آوردن ثروت و آبادی خویش پرداخته
دولترا پریشان و محتاج ساختند — هنوز همان نفوذ در اطراف
تخت سلطنت موجود است و در تخریب مشروطیت که پادشاه در
نگهداری اساس آن سوگند یاد کرده سعی کوشش دارند – احتمال
از قبیل اشخاص است که شاهرا طرف انزجار و نفرت مردم
قرار داده و مقصود عمده که اینگونه اشخاص در نظر دارند فقط
اخذ منافع و حرانی شخص شاه است .

شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل باقتدار شاه
می باشند که اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی به آن روی دهد
نظر بحفظ آن البته مداخله خواهند نمود بنا براین من مایلم جدیاً
شاهرا آگاه ساختم — که اگر باید مساعدت و کمك خارجه آن
اعلیحضرترا بمجادله بر میانگیزانند حسنی نخواهد شد – دولتین
انگلیس و روس هر دو مصمم شده اند که بمداخله نپردازند مگر
در موقع محافظت منافع و مصالح خویش و اتباع خود — ولی

هرگاه مملکت بی نظم و اقتدار مرکزی معدوم و منافع خارجه در مخاطره باشند آن وقت هیچ جای تردید نیست که مداخلات حتمی الوقوع خواهد بود و در آنصورت البته موقع از دست خواهد رفت و حتی از موقع مداخله اتفاق افتد آن وقت اختیارات و اقتدارات شاهی بکلی استقلال خواهد یافت — پس چون نه شخصاً میتوانند در مقابل هیجان ملی ستیزه کنند و نه اتکا بکمک خارجه نمایند فقط چاره در این است که باتحاد معنوی پرداخته در پیشرفت امور مجدد واقعاً حاضر شوند تا آنکه ناجی سیاسی کشور و شاه پرستی ایرانیان حشمت و شوکت آن اعلیحضرت عودت یافته اقتدار وی بر اعداوش برتری یابد در خاتمه از آن اعلیحضرت استدعا نمودم گستاخی مرا که مبنی از احساسات خیر خواهانه دولت متبوعهٔ من درباره آن پادشاه وناشی از احساس خاطرنشین آن اعلیحضرت را احاطه نموده معذور دارند

اعلیحضرت شاه با کمال دقت بیانات مرا استماع می فرمود و بهیچوجه اثر کراهت بظهور نرسانیدند بلکه چون اطمینان داشتند که آنچه معروض داشته ام از طریق دولتخواهی صادقانه بوده اظهار امتنان فرمودند و میگفتند که بی نظمی مملکت نتیجه تغییرات ناگهانی و تغییرات شدیدیست که در اساس و طریقهٔ حکومت داده شده و بعلاوه هر مملکتی ممکن است دچار اختلالات داخلی بشود و نیز میفرمودند همیشه عقیده من بر این بوده که برای

هر مملکتی سلطنت مشروطه بهترین ترتیب حکومتها است ولی تمثیل مشروطهٔ کنونی ایران — چه مجلس مشتمل بر جمعیت بی علم ونادانی است که هر یک در فکر مقاصد شخصی بوده اصلاً بمنازعه می پردازند که شاید آنرا گل آلود نموده ماهی بگیرند — ولی برای این مملکت یك مشروطه معتدلی لازم بود که از یکی از ممالک اروپا اقتباس شده باشد — اما مردم متوقعند که همه چیزرا بفوریت به آنها داده شود و بنا بر این لازم است انتخاباترا تجدید نموده مجلسرا دوباره تشکیل داد .

من در اینجا اعلیحضرت را بیاد آوردم که در نگاهداری قانون اساسی بچند قسم ملزم آمده و متعهد شده است تا مدت دو سال مجلسرا منحل نسازد و هم معروض داشتم آن کسانیکه صلاح اندیشی در نقض عهد می نمایند آنها می دانند که شاه و ملت خطر عظیمی که عودت بر آنها متوجه خواهد بود [illegible] از فوت خواسته سر [illegible] و عهد را خود را نقض کرده — چگونه گردانی را پیشوایان کربلا چه خواهند گفت ! — بلکه فقط شهرت این اراده [illegible] کی رای وی خواهد [illegible] چه [illegible] بمحول در عهدات آن — جواب فرمودند که در هر حال [illegible] است از اخبار دروغ که دشمنان ملت جعل و منتشر میکنند چنانچه به تهمت می کوشند من شیخ فضل الله را تشجیع و تشویق نموده ام می [illegible] در صورتیکه بکلی دروغ است — شیخ بواسطه مخالفت با ملاهای هم

این حرکت شخص اعتبار کرده و دست اشتغال او باطل شده نخواهد داشت — زیرا مملکت ... ترقی مابین شاه و رعایای او از متحدات میباشد و نمی توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود چه هریک لازم و ملزوم یکدیگرند .

اما راجع بمالیه — بخوبی میدانم که در زمان پدرم قروض سابقه را بجه راهائی صرف نمودند که بهیچوجه فوایدی بر آن مترتب نبوده و من مراقبت خواهم کرد که دیگر چنین نشود — زیرا کنون ناوور مالیه مشغول طرح ترتیباتی هستم که بودجه را معدل نمایم ، ارا معظم ... و ... اطمینان بدهم که در آینده ... وجوه استقراض شود صرف نخواهد گردید مگر در راه ترقی و آبادی مملکت » — و میفرمودند « موقع از حیث خیلی مشکل و کار از طرف بسیار بزرگ است » — در جواب عرض کردم که کار بزرگ شایستهٔ پادشاه بزرگ است و نیز اظهار داشتم که اعلیحضرت همه وقت می توانند اطمینان باحساسات صمیمانه و همراهی دوستانهٔ دولت متبوعهٔ من بنمایند — در اینموقع مجدداً اظهار امتنان فرموده و مخصوصاً هویدا بود که در طول مدت این ملاقات با کمال مهربانی و طریق محبت رفتار می فرمودند .

(امضا) سسل اسپرینگ رایس

نمره — ۳۲

مکتوب سیر اسپرینگ رایس بسر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

قلهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۷

آقای من

باکمال افتخار راپورت اوضاع مالیه را از قرار ذیل معروض میدارد — تاکنون پیشرفتی در تادیه قروض ملك شاهنشاهی حاصل نگردیده و مسیو رابینو مکتوبی مشعر بر معامله قروض وزیر مالیه نوشته که من سواد آنرا لفاً ارسال میدارم و نیز در مراسلات رسمی عدیده مکرر در این خصوص دولت ایران اظهار نموده شده جواب داده شده که عنقریب از وزیر مالیه خواهش کرده که مسئله راجع باستقلالات دیده شود و همین مطالب را بسفیر روس گفته اند — ولی من بر حسب تعلیماتیکه آن جناب داده اظهار داشتم که اگر کمکی در این باب تمنا نمایند آن وقت دولت متبوعه من ملاحظات دقیقه خود را راجع بآن درج نخواهد داشت معهذا به این اظهار ... شد و به سفیر روس

روش دولت ایران در مقابل تعهداتیکه بادولت روسیه و طلبکاران انگلیسی نموده فقط تجاهل و تسامح باشد و حروف از بابت قروض دولت روس مثلا بمقدار وسیعی می شود آنوقت از کلیهٔ قروض جاری بانك روس مطالبه و منافع می پردازد —

مقدار این قروض جاری چنانچه از وزیر مختار روس اطلاع بهم‌ام تقریباً معادل است با ۴۲۰۰۰۰ لیره (۲۱۰۰۰۰۰ تومان)

تاحال ادارات لشکری و کشوری و همچنین بعضی وزارت امور خارجه حقوق مرسومهٔ خود را دریافت داشته اند حتی مدت دو ماه مواجب بریگاد قزاق بعقب افتاده بود و بانک روس فقط مبلغی در وجه بریگاد برای دو ماهه گذشته مساعدت نمود ومتعذر است که [illegible] مساعدت [illegible] داده خواهد شد مگر [illegible] معظمی استقراض نموده [illegible] را امضا و در محل گرکات [illegible] ـ ولی وزرا از [illegible] این ترس دارند زیرا اگر [illegible] قرار داد استقراض [illegible] باخارجه شود شخصاً مسؤل و مورد [illegible] مجلس خواهند [illegible] از وزیر مختار روس [illegible] شنیده [illegible] عنوان شده است بریگاد قزاق از [illegible] گرکات یک قسمی از عایدات گرکات شمال را بهمان طریقیکه [illegible] قروض دولت روس پرداخته می‌شود [illegible] دارد .

در این اواخر [illegible] برای اخذ حقوق از [illegible] نمودند [illegible] و رفع آن [illegible] بواسطه اعانهٔ مخصوصی گردید که بآنها داده شد — و از جمله مطالبی که موضوع بحث و ایراد واقع شده [illegible] یک هیئتی است با مخارج زیاد دربار های خارجه برای اعلام جلوس شاه که

دولت با این اشکالات و ضیق مالیه آنرا تصویب نموده است

پول در بازار یافت نمی شود و بواسطه تنگدستی یکنوع فشار و زحمت دائمی فراهم آمده اما شگفت در اینست که امور اداری با این حال که مشاهده می شود معهذا در جریان است و ادارات مختلفه با اینکه بهیچیک از اجزای آنها حقوق داده نشده از در زحمات وکارهای خود مشغول میباشند ـ آنچه تهدیداتیکه بیک طریق دهشت آوری گوشزد اتابک می نمودند وماه گذشته راپورتشرا ارسال داشتم تاکنون بموقع عملیات نرسانده اند — آشوب حالیه را نمی توان شورش عمومی نامید بلکه همان هرج و مرج ساکتی است که از شش ماه قبل [illegible] و آنچه از دفاتر و (آرشیو) این سفارت مستفاد می شود اطلاعات اتفاقیه از سنهٔ هزارو هشتصدو نودو دو * [illegible]

از وزیر مالیه راجع باصلاحات [illegible] که [illegible] مسائل مهمه شمرده میشود شخصاً استعلام نموده [illegible] که در [illegible] بالاداره موفقیت حاصل نگشته ولی شکی [illegible] که در [illegible] نمودن قواعد تفتیش می [illegible] شخصاً حواله میدهد بدون [illegible]

[illegible]

* [illegible] ۱۸۹۲ [illegible]

واسطه موقوف داشتن تیولات و تصرف اراضی خالصه و نیز مقطوع نمودن مواجبهای ناشایسته یک مبلغ منافع ثابت معتنا به بدولت عاید شده است — اما مقدمات اصلاح مالیه ناچار باعث نارضایتی مردم خواهد گردید و هیچکس مخصوص وزیر [illegible] جرئت ایستادگی و مقابل را نخواهد داشت و بوجود وزیر مالیه بخوبی معلوم است که اوضاع کنونی بهیچوجه امکان پذیر نیست و بمن جداً گفته است که اگر این وضع تا چندی دیگر استدامه یابد بطور حتم استعفا خواهد داد .

حالیه نظریات او اینست که دولت بایستی تعهد و ضمانت کند که اقساط قرض خارجی منظماً پرداخته شود نه اینکه قرار داد نماید که تادیه اصل یا استهلاک دین در مدت سه سال بطول انجامد — بهر حال اگر دولتین بخواهند قرار داد محدودی نمایند البته مجلس از تعهد مالیه ملی امتناع ورزیده قرار دادی نخواهد بود و نتیجه معوق می ماند — من گفتم شاید دراینصورت دولتین متفقاً عمل عمومی را که در مواقع ورشکستگی معمول است اتخاذ نموده دولت ایران را ملزم ومجبور نمایند که دراین بنها حق اعتراض از جای دیگر نداشته باشد

اظهاراتیکه بطور خصوصی با وزیر مختار فرانسه راجع بخواستن یکنفر خزانه دار فرانسوی برای کسب اطلاع از اوضاع عمومی مالیه و مدیری بانک ملی که اکنون مطرح مذاکره است شده بود

صورت مختصری یافته ولی تاحال درخواست رسمی در آن باب نشده است — البته از مسلمات است که در تعدیل مالیه همه راهی که ممکن است باید رسید اینست که ابتدا از حقیقت و باطن امور کاملا استعلام نموده و پس از آن اصلاحات لازمه معین و منظور نظر آورد از جمله مرتب داشتن بودجه ثابتی از دخل و خرج و نیز مجتمع ساختن قروض عدیده را بقرض واحد و بدین مقصود نائل نتوان شد مگر بایک قوه فعال موثری که آنرا هم فقط می توان ازخارج بکار برد — دولت ومردم ایران تاکنون درصدد تحقیق حالات واقعی امور بر نخاسته اند و چه حیله ها که بکار میبرند تاسلب مسؤلیت از خود نموده انجام و فیصله کارها را بتاخیر اندازند .

[illegible]

[illegible] صادق نموده خواهد رسید .

خلاصه اینکه [illegible] اوضاع [illegible]
در اصلاح مالیه نمی توان داشت — [illegible]

نتواند از آنجاها تحصیل مالیه نماید موجود نیست وقروض خارجهٔ دولت ایران تقریباً معادل است با *۵۰۰۰۰۰۰ (پنج ملیون لیره) که از آنجمله ۹۰۰۰۰۰ (نهصد هزار) لیره قروضی است که از بانکهای خصوصی استقراض شده و مدتی از موعد تادیه بعضی از آنها گذشته است — ازاین نهصد هزار لیره مبلغ چهار صد هزار آن بدهی بانگلیس است و پانصد هزار دیگر آن به بانك روس — وهرگاه نظم و امنیت اعاده شود و بخواهند این قروض خصوصی را از عایدات گمرکات بابانک مجلس جداً از قرار داد و قول آن امتناع دارد بپردازند آن وقت منافع آن تفاوت کلی خواهد یافت .

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

ملفوفهٔ (۱) در تلو نمره ۳۲

مراسلهٔ رئیس بانك شاهنشاهی بوزیر مالیه ایران

طهران ۱۸ ژولای ۱۹۰۷

• کمال احترام صورت قروض دولت ایرانرا موافق فهرستیکه لفاً ارسال داشته بنظر آنجناب میرسانم .

حیث رئیسهٔ ناظر بانک دولت ایران مکرر وعده ها داده که بدون هیچ تسامح وتاخیر بتفریغ حساب خواهد پرداخت و اقدامی نشده لذا مؤکداً با تلگراف نموده که طلب اینجانب را

* پنج ملیون لیره از قرار لیرهٔ پنج تومان معادل است با پنجاه کرور تومان

مطالبه نمائیم — همچنین دقت جناب شمارا راجع بهشتصد و هشت هزار تومان بدهی دولت که *شاه مرحوم سند ذمهٔ سپرده بود و تاکنون مدتی از وعدهٔ آن گذشته است معطوف میداریم — چون این مبلغ علاوه بر آن مقداریست که تهیه آن برضایت خود ما بوده لهذا بایستی در ظرف همین یک دو ماه تادیه شود و الا هم برای دولت ایران اشکالات سخت تولید خواهد شد و هم برای بانك .

علاوه بر آنچه مذکور گردید خواهش می نمائیم مبلغ بیست و سه هزارو دویست و هفتاد لیره وهفت شلینك قسط سالیانه را که ازبابت مساعدهٔ دویست و نود هزار لیره میبایستی در آوریل گذشته پرداخته شده باشد و تا حال عقب افتاده بزودی ایصال دارند

(امضا) رابینو

(عامل بزرگ بانک)

* شاه مرحوم — مظفرالدین شاه

صورت کلیه قروض دولت ایران بانك شاهنشاهی

۳۰ ژوان ۱۹۰۷

	تومان	لیره
مجموع بدهی دولت تا ۳۰ ژوان ۱۹۰۷	۲۰۲۰۶۰۰	۴۰۴۱۲۰
قرض کشاده در تبریز بحساب جاری نموده	۳۶۲۸۳	
بضمانت	۲۷۷۱۵	۵۵۴۳
ازبابت قسط قرضهٔ ۲۹۰۰۰۰ لیره که در ٤ [illegible] تا ۳۰ ژوان . . .	۱۱۷۷۳۵	۲۳۵۴۷
[illegible]		
[illegible]	۲۱۰۰۰۰	٤۲۰۰۰
[illegible]	۱۰٤۰۰۰	۲۰۸۰۰
[illegible] و غیره	٦۵۰۰۰	۱۳۰۰۰
مجموع [illegible]	۲۵۸۱۳۳۳	۵۱٦۲٦٦
قرض [illegible]	۱٤۵۰۰۰۰	۲۹۰۰۰۰
جمع [illegible]	٤۰۳۱۳۳۳	۸۰٦۲٦٦

نمره — ۳۳

مکتوب سر اسپرینك رایس بسر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

آقای من — قلهك ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۷

افتخار دارم مطالبی را که کلنل دگلاس راجع به بریگاد قزاق ضبط و یادداشت نموده لفاً ارسال دارم — مشار الیه اشکالات ایصال حقوق بریگاد مزبور را توضیح داده فنون نتوان برای حفظ اتباع خارجه و نگاه داری نظم به آن اعتماد نمود فقط جهت قسمزا میداند

(امضا) — سسل اسپرینك رایس

در طی نمره (۳۳)

مکتوب کلنل دگلاس به سر اسپرینك رایس

از قلهك هیجدهم ژوئیه ۱۹۰۷

فرمانده حالیه بریگاد قزاق موسوم به کلنل لیاخوف که جوانی است به سن ۳۴ یا ۳۵ مدتی در آذربایجان قبلی مشغول خدمت بوده و چندین نوبت بعمل بازدید حدود آبهای عثمانی مأموریت یافت

در ظرف این ده ماه که در ایران توقف داشته دایمی اشکالات در کشتی و نبرد بوده — تقریباً تا هجده ماه قبل حقوق بریگاد را منظماً تسلیم فرمانده آن می نمودند ولی از آن

بعد حقوقات بنای عقب افتادن را گذاشت و عاقبت دولت ایران که ظاهراً در تحت فشار و تنگدستی گرفتار آمد نتوانست پولی فراهم آورد که مابین صاحبان حقوق تقسیم نماید لهذا دولت روس چون دید عنقریب این قسمت از قشون متفرق و پراکنده خواهد گردید اراده کرده مقدار پولی که برای نگاه داری آن لازم است تهیه ببیند — معذلک بانک روس مبلغ هشتاد هزار تومان جهة همین مقصود قرض داد و دیگر از هرگونه مساعدت امتناع ورزید — دولت ایران ماننگه وعده های بسیار می دهد لیکن [illegible] علائمی در تحصیل پول بطور [illegible] بروز نداده و بنا براین اوضاع مالیه فعلا مختل است.

در مجلس لاینقطع به ویکاد [illegible] آورده اقامه دلایل می [illegible] این عده قشون در صورتیکه به پول ایران پرورش میابد [illegible] روس [illegible] خدمت است چنانچه از صاحبمنصب [illegible] مامور ولایت می شوند [illegible] و جاسوسی [illegible] می کنند [illegible] مرکز ریاست خود اطلاع دهند.

شاهد [illegible] که [illegible] در تحت [illegible] علاوه هشتصد نفر قزاق می دارند [illegible] تشکیل گردید — نتیجه این اعلان [illegible] ۲۲ نفر صاحبمنصب و ۱۶۰ نفر تامین گردید

در این چند سال اخیر از عده دستجات کوچکی که در خدمت و محافظت حکام مامور ولایت می شدند خیلی کاسته گشت — این دستجات چون حمره فوق العادهٔ مرسومه را که در اوقات ماموریت عاید می داشتند اکنون مدت در بدست می دارند غالباً ناراضی و گاهی آغاز سرکشی میکنند

کلنل لیاخوف از زمان ورود بایران جداً سعی نموده که حتی المقدور آنچه از قزاق در طهران باقی ماند که در اوقات لازمه جهة حفظ اروپائیان یک قوهٔ عنصری در تحت فرمان خویش ضرورت حاضر تواند نمود — ولی از کلیه هزار و پانصد نفر قزاق [illegible] هشتصد نفر [illegible] غایب است و پس از طلبیدن دستجات [illegible] را [illegible] در موقع اردوی تابستان که [illegible] شروع به تشکیل خواهد یافت بیش از هشتصد نفر [illegible] جمع آوری [illegible] هشتصد نفر [illegible] حاضر [illegible] توپخانه و [illegible] مستحفظ [illegible] طهران [illegible] دوره [illegible] در [illegible] حقوق [illegible] شود [illegible] خواهد بود.

[illegible] دولت ایران [illegible] داوطلب هیچ [illegible] می [illegible]

وجه سالیانهٔ آن معادل است بدویست و بیست و هشت هزار تومان یک قسمت آنرا بجمعی از موظفین که اکنون عدهٔ آنها ۲۱۲ نفر است می‌دهند و مبلغی صاحبمنصبان خارج از تحت نظام که پس از عزل شاه‌سونها هنوز ۲۰۴ نفر باقی بوده از آنجمله سی نفر دارای رتبه سرتیپی هستند — دولت مستمری فوق با مواجب صاحبمنصبان صف از ثلث ناقص مخارج کل را مشغول می‌کرده — و چون این نفرات را [illegible] موضوع بایستی مصارف [illegible] در سال از صد تومان [illegible] می‌شود

[illegible] قشونیکه در اوقات [illegible] برای حفظ نظم امنیت و نگاهداری [illegible] اتباع خارجه بکار تواند آمد همین قسمت است — پس مانع اروپائیان در این است که این عده قشون باید بیک وضع مؤثری نگاهداری شده و باقی بماند .

دیگر از مطالب راجعه به بریگاد شرح [illegible] [illegible] است — این صاحبمنصب در [illegible] گذشته مأمور تبریز گردید تا در آنجا یک عده سوار برای شاه حالیه که آن وقت ولیعهد بود جمع آوری و مرتب نماید — از آنزمان بریگاد را ترک نموده ولی فرماندهی ۴۰۰ نفر سوار در دولت ایران استخدام یافته — گویا این عده سوار یک قسم گارد همایونی را تشکیل داده است و [illegible] ظاهراً چندان اعتبار و اقتداری بر آنها ندارد و [illegible] مقام کم زحمتی را داراست — بجای او در بریگاد

کاپیتن بلارانوف مقرر گردید

(امضا) [illegible]

[illegible]

مکتوب سر اسپرینگ رایس بسر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

از قلهک ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۷

بکمال افتخار خلاصه حوادث و اتفاقات یکماهه ایران را موافق آنچه مستر چرچل مرتب نموده انفاذ حضور آن جناب می‌دارم

از مندرجات آن مفهوم جنابعالی خواهد گردید که [illegible] نظمی این مملکت یک جزئی افزوده گشته ولی [illegible] که طرفدار [illegible] [illegible] از صورت جلسات مجلس [illegible] ولی منازعه با دولت مخصوصاً [illegible]

(امضا) [illegible]

در [illegible] نمره (۳٤)

نخبهٔ از حوادث یکماهه

اوضاع عمومی

[illegible] تشکیلات دستور حالت [illegible] شده و از مدة گذشته اوضاع عمومی آن بدتر گردیده — مستبدین برای پیشرفت مقاصد خویش دسائس و وسائل متنوعه اغتشاش طهرانرا فراهم آوردند — هر چند دولت اظهار بی پولی میکند و احتیاجات ساختگی همه روزه تشکیل میدهند معهذا [illegible] حصری برآن مترتب نباشد و بالنتیجه در بعضی ولایات مخصوصاً در [illegible] گاهی مرتکب دزدی و سایر شرارتها می شوند لیکن احتمال آشوبی نمی توان داد که بدانواسطه جان و مال اتباع خارجه در مخاطره افتد .

چنانچه مسطور و مندرج نموده اند در سنوات ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ یعنی در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه اوضاع از [illegible] سبب و باعث خیلی باحوال حالیه مشابهت داشته اگر چه در آنوقت نه بدولت روس مقروض بودند و نه مجلس ملی وجود داشت .

در طهران بریاست یکی از ملاهای بزرگ بمخالفت مجلس هیجان و اجتماع نمودند — مخارج آن بواسطه شاه و درباریان مستبد بعضی اطراف [illegible] داده می شد — در یک موقع

نزدیک بود نزاع و خونریزی بوقوع انجامد لیکن رؤسای آزادی خواهان بتدبیر و کیاست طریق آنرا مسدود کردند

کمی پول و احتیاج به آن که مخصوصاً بدولت و قسمتی از طبقات رسمی و تجار اثر شدیدی نموده نماند عجیبه وسیله استقراض خارجی خواهد شد .

منفعت قسط قرض روسرا که موعد آن ۱٤ ژوئیه بود پرداختند و از بابت قروض خارجی دولت (که ببانک روس از قرار صد دوازده پانصد هزار لیره و بانک شاهنشاهی ایز از قرار صد دوازده چهار صد هزار لیره مقروض میباشد) چیزی داده نشده همچنین قروضیکه صرافهای ایران دارد هنوز در بوته تعویق باقی است

[illegible] اخذ حقوق عقب افتاده اجتماع نمودند و معلوم است تحریک و [illegible] بوده و از این قبیل دسایس تازگی دارد — عده از صرافهای ایران که [illegible] طلب هنگفتی از دولت می نمایند و تاحال مدت سه سال [illegible] موعد [illegible] گذشته در خانه اتابک متحصن شده [illegible] شاید مخرج آنها را [illegible] کار دعوت نموده باشد — وجمع کثیری از مستخدمین [illegible] توپخانه اجتماع کرده مطالبه مواجبهای گذشته را می نمودند ولی چون [illegible] اطمینان و مواعید بسیار داده شد که بهمین زودی قراری درحقوق آنها داده شود لهذا بکارهای خود عودت یافتند

آذربایجان

وضع تبریز ظاهراً بحالت سکوت و آرامی میگذرد ولی در زنجان و اردبیل اغتشاش عظیمی اتفاق افتاد — در زنجان مردم عمارات حکومتی را غارت و حاکم را از شهر خارج کردند — و در اردبیل خونریزی شدیدی روی داد و از قراریکه راپورت رسیده متجاوز از صد نفر در اوایل ماه ژوئن در آنجا مقتول و مجروح گردیدند — سبب اغتشاشات در هر دو ولایت ظاهراً عمل اغنات بوده .

رشت

زحمت و مشکلات [illegible] محصولات [illegible] در [illegible] مقدار [illegible] و [illegible]

حکومت [illegible] و [illegible] و در [illegible] محصولات مرتفع و اشکالات خاتمه یافته تمام ولایت را آرامی [illegible]

مشهد

در کلیهٔ ایالت خراسان سکوت تامه موجود و حادثهٔ که قابل ملاحظه باشد بوقوع نانجامیده و راپورت داده نشده است .

اصفهان

روز ۲۹ ژوئن یکی از مستحفظین قونسولخانهٔ اعلیحضرتی را که جنس بروی حمله می بردند کتک زده و محبوسش داشته سه تسلیم نایب نموده ایشان اورا بقونسولخانه فرستادند و معذرت نخواستند — این مطلبرا وزیر مختار اعلیحضرتی البته تعقیب می نمایند و چون باولیای محل فشار آورده شود عاقبت بالاینکه طول خواهد انجامید تنبیه لازمه و ادای خسارت نموده ترضیه خواهند خواست

یزد

در یازدهم ماه جاری دویست نفر از اهالی به تلگرافخانه که نیز محل ویسقونسول است متحصن گردیده از اجحافات نماینده وزارت مالیه که جهة تحصیل وجمع‌آوری مالیات مأمور شده تعرض و شکایت دارند — اکنون مشغول اقدامی هستند که بتاجهدآنرا از تلگرافخانه خارج سازند

کرمان

وضاع عمومی جنوب شرقی در تحت قواعد و انتظامات

معمول است

کرمانشاه

ظهیرالدوله حاکم همدان در ۲۰ ژوئن وارد کرمانشاه شد و همان روز در تفرقه و حرکت دادن دو هزار نفر متحصن قونسولخانهٔ اعلیحضرتی موفق و منصور گردید.

قونسول اعلیحضرتی سالار الدوله را روز ۲۲ ژوئن تسلیم ظهیرالدوله داشت و پس از مختصر زمانی او را بمصاحبت سیف‌الدوله حاکم [illegible] شکایات داشتیم [illegible] داشتند — احتمال دارد حکومت کرمانشاهرا ظهیرالدوله تفویض دارند.

شیراز

کلیه اوضاع عربی بطور متوسط منظم است

نمره ــ ۳۵

مکتوب سر اسپرینک رایس به سر ادوارد گری (۱۲ اوت)

آقای من — ازقلهك ۲۷ ژوئن ۱۹۰۷

راجع بمکتوب مورخه ۱۲ همین ماه که بدولت ایران نوشته بودید [illegible] امور مورخه مراسلهٔ حوالیه [illegible] ۲۳ ماه [illegible] فرستاده [illegible] قروض طلبکاران انگلیسی برای مدت [illegible] افتخار [illegible]

(در عبارت سر اسپرینک رایس) [illegible]

حوالی [illegible] (۱۵۰)

در ملفوف نمره (۳۵)

ترجمهٔ مراسلهٔ حوالیه علاء السلطنه به سر اسپرینک رایس

طهران مورخه ۲۲ ژوئن ۱۹۰۷

جناب شما از اهتمامات مجدانهٔ دولت شاهنشاهی و مجلس مقدس ملی راجع باصلاح امور لازمه و تعدیل مالیه و نیز توسعهٔ تجارت بخوبی مستحضر میباشید ولی واضح است که این اقدامات را وقت شایستهٔ مناسبی لازم خواهد بود تا منتج نتیجه گردند و اقلا مدت سه سال وقت لازم است تا بتوان اصلاحات ومقاصدیرا که در نظر است بعمل آورد.

از آنجا که مجلس شورای ملی دلگرمی بدوستی دولتین و همراهی دولت بریطانیای کبیر در ترقی منافع دولت شاهنشاهی دارد لهذا خصوصاً بوزارت امور خارجه اظهار داشته که بکمك نمایندگان محترم انگلیس وروس مهلتی در تادیه اقساط قروض بانکها داده شود یعنی تامدت سه سال بتاخیر افتد چنانچه در طرف این مدت از بابت استهلاك دین چیزی پرداخته نشود مگر منافع آن- هر گاه در مدت مذکور اصلاحات مالیه به آن وجهیکه در مد نظر است انجام بیابد آن وقت ممکن میشود بیك طریق شایستهٔ براقساط استهلاك افزوده و زود تر باداى دین موفق گردید.

دولت ایران و نمایندگان ملت امیدوارست با این مساعدت دوستانه بتوانند وقت بدست آورده باصلاحات لازمه بپردازند و

خرج و دخل مملکترا بر اساس صحیح مخصوصی قرار دهند
نظر باعتماد تامیکه اولیای ایران بدوستی و نیات حسنهٔ اولیای بریطانیا دارند رجای واثق است که آنجناب این مقصود و خواهش دولت شاهنشاهی را از لحاظ رجال مخصوصهٔ بریطانیا بگذرانیده در اینخصوص مودت آندولترا نسبت بدولت ایران مستحکم سازند و چنانچه همیشه منافع دولت شاهنشاهی‌را منظور نظر داشته‌اند امید است در اینموقع هم که دولت مشغول اصلاحات است بر دوستی دولتین بواسطه پذیرفتن این خواهش ونیز مساعدت در این موضوع زاید بر آنچه بوده افزوده شود

(بامضا ومهر) علاءالسلطنه

نمره — ۳۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر اسپرینگ رایس

از وزارت امور خارجه — (لندن) — مورخه ۲۸ اوت ۱۹۰۷

بدهی دولت ایران بانگلیس

شما مجازید که باولیای ایران بگوئید دولت اعلیحضرتی در تعویق ایصال اقساط دین تامدت سه سال و فقط پرداختن ربح آن راضی گردیده مشروط بر اینکه تعهد کنند در استقراض از خارجه ابتدا دولتین انگلیس و روسرا مقدم داشته و نیز در ضرابخانه سکهٔ نقره را پس از انقضای قراردادیکه نموده اند

دیگری انحصار ندهند .
هرگاه در ظرف این سه ساله از روی جدیت بانتظامات بپردازند دولت اعلیحضرتی اقساط پس افتاده این مدترا ابداً مطالبه نخواهد کرد

نمره — ۳۷

تلگراف سر — سی — اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

(اول سپتامبر)

از قلهک غره سپتامبر ۱۹۰۷

آقا

دیشب در موقعیکه اتابک از مجلس شورا خارج میشد هدف گلوله گردید و چون سه تیر بوی زده شده بود در بین راه که با کالسکه خویش بخانه اش حمل می نمودند وفات یافت — یکی از قاتلین پس از بقتل آوردن سربازی که میخواست اورا دستگیر نماید خود را مقتول ساخته و یکی دیگر از آنها مقید گردید .

نمره — ۳۸

مکتوب سر — سی — اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

(وصول ۳ سپتامبر)

از قلهک تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۰۷

آقای من

با کمال افتخار خاطر آنجناب را مسبوق میدارد که روز ۲۹ ژوئن در اصفهان مردم یکی از غلامهای مستحفظ قونسولخانهٔ اعلیحضرتی را در حوالی جلفا به تهمت مستی کتک زده و شب

محبوس داشتند — صبح روز دیگر او را با یک مکتوب بدون امضا بقونسولخانه فرستادند و شخصیکه غلامرا تسلیم مستر پرنم داشت نوکر یکی از آقایان است که حالیه در اصفهان اختیار و اقتدار کلی حاصل نموده — در این مکتوب تقاضای عزل فوری غلام شده بود

من بفوریت یادداشتهای سخت بدولت ایران فرستاده اظهار داشتم که در مواد معاهده توضیح و آشکار شده مستخدمین قونسولخانه در تحت حمایت انگلیس خواهند بود بدون امضا و رضایت اولیای امور بریطانیا نمی توان آنها را تنبیه و مجازات نمود — چون اتابک و وزیر امور خارجه اهمیت واقعه را دانستند فوراً وعده ترمیم آنرا دادند صد شون سامع و عدالت هیچیک بظهور نپیوست و من هم واضح دانستم که برحسب تکلیف مجبور خواهم شد شرح واقعه را بدولت متبوع خود معروض دارم

در این موقع که دولت ایران میخواهد درخواست معاهده و قرار دادیرا نموده ما واسطه دولت انگلیس را درمسئله سرحدی مداخله دهد تقریباً یک نوع بدبختی دیدم که اهالی اصفهان بضدیت برخواسته از روی خاصیت عهد معتبری را که پادشاه ایران بخاتم صدا امضا نموده متزلزل دارند — وزیر امور خارجه و اتابک هر دو خیلی متاسفند ولی اطوار واضح میگوید که حکومت مرکزی مطلقا دارای قدرت نمیباشد — از آن روزی که ظل السلطان ترک اصفهان را

نمود آقایان و علما امور آن ولایترا بتصرف در آورده و رتق میل خویش هر نتیجه بخواهند صورت میدهند — حاکم قشون و استعدادی ندارد و حرکات اشخاص مذکور منجر به فتنه و آشوب خواهد شد که محتمل است منتهی آنجا دچار خسارات شوند

من اظهار داشته ام که مسئله مجروح اشخاصیکه غلام قونسولخانه را اذیت کرده اند چندان اهمیتی ندارد و همچنین در خاطر خود نمی خواهم داشت ملوث خاطرا از اینکه اظهار تاسف نموده است — چنانچه عرف ملل متمدنه رسم است شخص اول هر مملکتی در موقع اینگونه اهانت شخص دعوی معذرت می طلبد و ایشان این مسئله را هیچ ثمر نیاوردند — ولی حکومت مرکزی آنچه را که میتواند اقدام کند نبایستی کوتاهی نماید

بالاخره قرار شد نایب الحکومه و کارگذار که رتق و فتق امور شهر در موقع حادثه مزبوره و قبل از ورود حاکم بایشان واگذار شده بود بالباس رسمی بقونسولخانه آمده ترضیه بخواهند و مبلغ صد تومان تلافی خسارت به ... بدهند — این مطلب بهمین طریق بختم انجامید

نتیجه این شد که قونسول دیگر در صدد تحقیق و استحقاق کسانیکه بدرفتاری بغلام نموده اند برنیاید زیرا اعلام تلافی خسارات را رضایت خویش دریافت داشته و بعلاوه در آن حکومت مرکزی قرار شده است ترضیه بخواهند لیکن این حادثه را نمی توان مسکوت عنه

کذاشت و مرتکبین را مجازات نداد — کمان میکنم این مسئله وقتی امکان پذیر است که قوای آقایان و علمارا که سوء استعمال نموده درمواقع فاسده بکار می‌برند ازایشان گرفته شود ـ مجلس ازوضع حکومت حاضرهٔ اصفهان بخوبی مطلع میباشد وآشکارا از نقض معاهده و مخالفتیکه جدیداً شده و در آنخصوص معلومات خود را بیان کرده‌ام مذمت می‌نماید — نزدیک است آزووزیرا حکه منتظرند دو وسه ومصلحت نیست ماخویشتن ویااتباک را درمعرض حملات ملاها که منتهای قدرت‌را دارا هستند گرفتار نمائیم وچون نمیتوانیم اردوئی باصفهان گسیل داریم پس نبایستی درتهدیدات از نقطه معینی تجاوز کرد

هم اکنون مستر استووارت کنسول مقیم اصفهان اطلاع داد حکه هیچگونه علامت ضدیتی بدعاة انگلیسی دیگر موجود نیست و بدون هیچ تصدیعی مدارس و مریضخانه ایشان مفتوح و در جریان میباشند .

مستر برنهم درموقع حادثه ناگواریکه اتفاق افتاد کمال احتیاط وبردباری را بخرج داده است من خیلی ممنون میشوم اگر اجازه بیابم ازطرف شما ویرا تحسین وتمجید نمایم — البته بواسطه این واقعه و جسارت مرتکبین عدم ارتوهین وارد آمده واگر این قبیل اتفاقات دوباره تجدید بیابد آنوقت مطلب محتاج بملاحظات دقیقه خواهد بود — آنچه تحقیق وتجربه شده است

آنچه تهدیدات فرقه علما قاعدة بموقع اجرا درنیامده وکمان میکنم تایک مدتی بسکوت خواهد گذشت

(امضا) سسیل اسپرینک رایس

نمره ۴۹

مکتوب سر ـ سی ـ اسپرینک رایس به سرادوارد گری ـ
(وصول سوم سپتامبر)

ترلیک ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۷

آقای من

شرف دارم خلاصه حوادث ایران‌را حکه درظرف ماه گذشته اتفاق افتاده ومستر چرچیل موافق معمول جمع وثبت نموده‌ارسال حضور دارم .

دولت روس هنوز قصدش احتراز ازمداخلات نظامی وورود دادن قشون است باینکه کشتی های کوچک جنگی بانزلی رواه داشته وبر قوای نظامی سرحدی افزوده است — وزیر مختار آندولت بمن اطمینان میدهد حکه هرچند نمایش قوهٔ مسلحه وقشونی لازم میباشد لیکن اقدامات مختصره ضروری نخواهد رسید .

رؤسای طرفداران ملت بخوبی دریافته اند که اگر مملکت وبهانهٔ بدست دول اجنبی بیاید حتماً مداخله خواهند نمود لهذا آنچه میتوانند درمسائل خارجه وتمامت ازهرگونه حمله وتعرض باتباع آنها فروگذار نمیکنند

عمل مالیه ترقی نیافته — کسادی و بی‌پولی دربازار شدت یافته — بانک ملی هنوز سرمایهٔ تحصیل نکرده ولی وزیر مالیه بامید کمک وهمراهی یافتن در اصلاحات مشغول کار شد و مجلس را وادار بقبول خواستن مستشاری از خارجه نموده که اسماً برای بانک ملی ولی معناً مستشار دولت باشد — پس از کوشش بسیار عاقبت دولت راضی گردید که از فرانسه یک نفر مستشار بطلبد

تاکنون بدهی دولت به بانک شاهنشاهی پرداخته نشده ولی از وزیر مالیه شنیدم که در فراهم ساختن ادای اینگونه قروض ساعی میباشند .

وزیر مالیه استعفای خود را از وزارت با اینکه پذیرفته نگردیده داده است وبشرطی آنرا مسترد میدارد که شاه ومجلس تواماً متعهد شوند قانونی را که برای اصلاح مالیه وضع وبهمین زودی تقدیم ایشان خواهد داشت بپذیرند

مجلس هنوز انعقاد میابد — و در ضمنیکه مردم برای جشن اعطای مشروطیت بایک حرارتی مناظر باشکوه ترتیب داده بودند مجلس نیز بگرفتن جشن وتشریفات پرداخت ولی تاحال کار مهمی انجام نداده ونمیدهد — جلساتش بی نظم وهیچوقت از مذاکرات خود نتیجه قطعی حاصل نمیکند — مخالفت محبانه شاه و دوستانش باکمال مهارت و زرنگی بتوسط قسمتی از فرقهٔ

ملاها که پول گزاف دریافت میدارند بظهور میرسد و تا اندازهٔ مظفریت یافته برجرئت وجسارت قوای استبداد افزوده شده ولی رؤسای ملت ازاین دوشمنان در خوف وهراس نه بوده باقلبی مستحکم بیان میکنند که ازاین به بعد ممکن نیست دیگر سلطنت استبدادی درایران اعاده نماید

دشمن عمدهٔ مجلس اعضای خود آنست — انتظامات کلیه و اقتدار و اعمال عمومی ونیز قوه غیر کافی بهیچوجه وجود ندارد .

این مسئله حس شده است که اگر مجلس یک عمل معین مشخصی را نتواند سرمشق خود قرار دهد بی شبهه مردم سلب اطمینان از آن خواهند نمود وحتی دولت و مخالفین هم در معتقدند که اگر شاه سر تسلیم پیش نیاورده موافقت ننماید مسلماً هر اقدامی که در اصلاحات نمایند بی نتیجه خواهد بود وامکان ندارد کاری ازپیش برده شود بنابراین مجلس مصمم گردید یک هیئتی را باسم نماینده حضور شاه برسد و [illegible] تحریر [illegible] که آن اعلیحضرت اعتماد خود را نسبت بوکلای ملت مشهود [illegible] از روی واقع وصمیمیت درنجات ملت مساعدت فرمایند — امور (رئیس مخالفین بمن [illegible] گفته [illegible] دشمن اساس حاضره است وصدیت [illegible] هرگز [illegible] همراهی نخواهد داد مگر اینکه [illegible] اورا [illegible] نکند [illegible]

بنا بر عقیده او اگر دول خارجه ایرانرا بحالت خود باقی گذارند شاه مجبور بمواضعت وتسلیم شده [illegible] وقت مجلس بهر کاری اقدام نماید منتج نتیجه خواهد گردید — یکی از اعضای دولت ودوست صمیمی اتابک همین عقیده را اظهار مینمود

اتابک بواسطه ملول بودن وهراس ازجان خویش ونداشتن اعتماد بشاه بانهایت میل مذاکرهٔ استعفای خودرا مینماید — چون وی واسطه بین شاه ومردم یعنی از حیث مقام دومین شخص و صاحب تجارب کثیره وعالم بر کیفیات مملکت است لهذا میتوان از وجود او فایده حاصل نمود لیکن رفع اشکالات را فقط بفراهم آمدن یکمقدار پول میداند و درحقیقت نبودن پول سبب پیش نرفتن کارها وعدم انتظامات خواهد بود — وزیر جنگ معزول گردید و بجای او شخص دیگر را منصوب ساخته اند — راه اصفهان بتوسط دزدها که سعی درسرقت پست دارند مسدود شده است

ملاها ولایت اصفهان را قبضه نموده بمیل خود حکومت مینمایند ولی تنزل [illegible] اتفاقات سابق روی میداد حالیه زیادتر وباخطر مخصوص [illegible] اتباع خارجه موجود باشد — معهذا اگر این ترتیبها مدتی بطول انجامد واصلاح مالیه را ازعهده بر نیایند احتمال دارد منجر بمداخله اجانب شود وفقط همین کار وسیله خواهد شد که دراستقرار نظم اهتمام نمایند — مردم از

البته شاه مشتاق یکچنین روزی میباشند وحاضرند آنرا استقبال کنند وجهت کثیری برای دفع بهانه ومنع ازمداخله اجانب معین شده لیکن نمیتوان گفت ایشان تاکنون قصد آن باشند که از روی میل واراده منافع ومقاصد شخصی خودرا فدای نیک بختی ملت نمایند — کسانیکه به تماشا ومناظره اوضاع همی مشغولند عقیده شان بالاتفاق اینست که هیجان وطن دوستی ملی اشتعال یافته و آن یك روزه و اساسی [illegible] که بلابك ایرانرا بخطر خواهد انداخت .

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

ملفوف نمره ۳۹

خلاصه حوادث یکماهه

اوضاع عمومی

شمال ایران [illegible] قطعات مملکت ظاهراً ساکت است ودر [illegible] طهران [illegible] روی نداده .

آذربایجان

در تبریز سکوت وآرامی [illegible] لیکن [illegible] گذشته خبر رسید که [illegible] — مردم [illegible] روی [illegible] ودر [illegible]

چون نظام الملک آن قوه را نداشت که از عهدهٔ عاقبت این اوضاع
برآید [illegible] فرمانفرما را که وزیر عدلیه بود موقتاً
بصوب آذربایجان ازراه انزلی روانه داشتند تا حکومت آن ایالت
را از نظام الملک گرفته خود بجز [illegible] ورود آنجا اشتغال ورزد .

رشت

[illegible] در [illegible] اطراف اتفاق افتاد لیکن
شهر آرام بود

اصفهان

مأمور شیخ فضل الله از طهران بدین جا وارد گردید که
برضد مجلس فرقه تشکیل دهد — مشار الیه مجلس را بی دین
میخواند وعلاوه میگوید این اساس پارلمانی که گسترده شده نتیجه اش
برچیدن بساط مذهب اسلام است .

از قرار معلوم مجلس طهران نیز یکنفر نماینده فرستاده
که اقدامات مأمور شیخ را خنثی نماید

آقایان خود را دارا [illegible] که حاکم اظهار میکند
نظر بعداوت آقایان [illegible] است از گرفتاری
اشخاصیکه غلام قونسولخانه را زده اند .

[illegible]

ملاها [illegible] انجمن ولایتی موعظه نموده ودراین
موضوع تلگرافات [illegible] مابین ایشان ومجلس طهران مخابره شده

آنچه معلوم است این جنبش محصور بفرقه علما میباشد درصورتیکه
حاکم علی مخالفت وضدیت میکند .

کرمانشاه

شهر تا آنقداریکه مربوط باخراب است آرام ولی دزدی وقتل دائم
الوقوع است وهنگام شب برای تردد عابرین درشهر امنیت نیست

بوشهر

مدت این چندماه اخیره شیوع بی قانونی در بوشهر طرف
توجه واقع شده و آنرا بعدم کفایت حاکم نسبت میدهند .

دراین [illegible] سپاهیان مأمور مقیم را در دومیلی شهر
در شاه راه لخت نمودند ودرشهر خانه یکی از اعضای کمپانی انگلیسی
را شکسته داخل شده اند و متجاوز از هشتاد لیره اجناس بسرقت
برده اند

(امضا)   جرجیل

از [illegible] یازدهم اوت ۱۹۰۷

ضمیمه خلاصه وقایع ماهانه

قونسول جنرال دولت فخیمه مقیم اصفهان تلگراف می
نماید که بواسطه ناامنی راهها تجارت مفلوج گردیده — دستجات
مسلحی از بختیاریها راه بین [illegible] ونظام آباد را اشغال نموده اند و
درهمان تلگراف میگوید هفته گذشته هر آنکس عبور از آن راه
[illegible] گرفتار دزدها شده است و [illegible] را بسرقت

نموده‌اند و حاکم اظهار عجز می‌نماید

(امضای مختصر) س — پ — س

طهران دوردهم اوت ۱۹۰۷

نمره — ۴۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر اسپرینگ رایس

آقا از وزارت امور خارجه (لندن) ۷ سپتامبر ۱۹۱۷

شما با وزیر مختار دولت روس مایتی متفقاً مکتوبی بمضمون واحد وعیناً موافق مطالب ذیل بدولت ایران ارسال دارید .

« چون دولتین انگلیس و روس مایلند از آنچه سبب اختلاف و تصادف بین مصالح و منافع آن دو دولت در قطعات معینه ایران یعنی از طرفی متصل یا مجاور بسرحدات روس و از طرف دیگر محدود ببلوچستان و افغانستان اجتناب ورزند لهذا در این موضوع قرارداد دوستانه امضا نموده‌اند .

« دولتین بواسطه این قرارداد در مقدمه بیکدیگر قول می‌نمایند که استقلال تامه و تمامیت ایران را رعایت نمایند و اظهار میدارند که محض فقط صمیمانه مایل باستقرار دائمی منافع صنعتی و تجارتی سایر ملل بطور مساوی بوده [illegible] خواهان ترقی مسالمت‌آمیز مملکت ایران میباشند .

« علاوه هر یک از دولتین متعاهدتین تعهد میکند که هیچ قسم امتیازی در نواحی متعلق [illegible] دولت [illegible] دیگر تحصیل ننمایند .

« نظر باینکه در آتیه سوء تفاهمی حاصل نشود و بملاحظه اینکه وضعی دولت ایجاد نگردد که [illegible] از حیث دولت ایران را دچار موقع مشکلی نماید [illegible] فقط [illegible] ذکر صراحتاً در قرارداد تعیین شده است .

« مستثنیات [illegible] که متعهدین [illegible] قروض دولت ایران بممالک استقراضی و شاهنشاهی داده شده اعتراف می‌نمایند و تصدیق میکنند که در آتیه کلیه [illegible] های مربوطه تأدیه قروض را نمایند و در صورت مشاهده بی‌نظمی در [illegible] اقساط استهلاک و با منافع قروض مذکوره دولتین متعهد میگردند که و قبلاً قرار دادستی عامة اقدامی که برای تأمین [illegible] لازم باشد معین کرده و دوستانه تبادل نظرات نموده و از هرگونه مداخله که با اصول اساسی قرار داد منافات داشته باشد احتراز خواهند .

« دولتین در امضای قرار داد مذکور [illegible] این اصل اساسی را در نظر داشته که استقلال و تمامیت ایران کاملاً و مطلقاً رعایت گردد — تنها مقصود [illegible] قرار داد [illegible] اجتناب از هرگونه سبب وجوه منازعه بین طرفین متعاهدین در زمینه امور ایران می‌شد — [illegible] دولت شاهنشاهی معلوم و ثابت خواهد شد که قرار داد بین روس و انگلیس [illegible] — بالاخره ترقی و [illegible] ایران [illegible] شکی خواهد بود »

[illegible] دولت ایران خواهش نمود که این اطلاع را [illegible]

ورس کمیته تلگرافیک درایـن — * طبع و نشر شود

اگر تحقیق حدود و معین قطعات متصلهٔ محدود دولتین را به نمایند شرح ذیل را نزد ایشان ارسال دارند

۱ حد روس ابتدا از قصر شیرین شروع و از اصفهان — یزد — وکاخ عبور نموده آن بلاد را شامل و بالاخره در قطعهٔ ازسرحد ایران که در آنجا حدود روس و افغان تقاطع مینمایند منتهی میشود .

۲ حد انگلیس شروعش از سرحد افغان شده از طرف غازیك — بیرجند و کرمان گذر کرده در بندر عباس انتها میرسد .

نمره ۴۱

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری — (وصول ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۷)

آقا   از قلهك مورخه ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۷

موافق دستوریکه آنجناب مورخهٔ ماه گذشته راجع بتعویق تادیه اقساط استهلاك تا مدت سه سال داده بودند یادداشتی بزبان فارسی بوزیر امور خارجه ووزیر مالیه ایران ارسال داشتم سوادیکه اکنون ترجمه آنرا لفاً [illegible] افتخار معروض میدارم . ولی دولت ایران تاکنون از رسید آن اطلاعی نداده است

* مقصود در لندن است

(امضا)   سسیل اسپرینگ رایس

ملفوفه نمره ۴۱

(ترجمه یادداشت)   سر اسپرینگ رایس به پرنس علاء الدوله

حضرت اشرف [illegible]   ازقلهك [illegible] ۱۹۰۷

[illegible] مورخه ۲۳ [illegible] زحمت داده حضرت اشرف را راجع بخواهش دولت ایران از دولت فخیمه انگلیس که در تعویق اقساط استهلاك دین تا مدت سه سال مساعدت شود بدولت متبوعهٔ خودم اظهار داشتم .

دولت فخیمه ازشنیدن اینکه دولت شاهنشاهی و مجلس مقدس ملی مشغول اقدامات مجدانه دراصلاحات لازمه و تعدیل مالیه و نیز توسعهٔ تجارت میباشند مشعوف و خرسند شده است و اینکه بیان نموده اند برای این اقدامات مدت شایسته ممکن اقلا سه سال لازم باشد تا بتوان باصلاحات و مقاصدیکه درمد نظر است موفق گردید مورد توجه افتاد

علیهذا حضرت [illegible] مجلس ملی [illegible] موجوده [illegible] دولت متبوعهٔ [illegible] مکتوب [illegible] دستور دادند که خواهش دولت [illegible] در خصوص تاخیر سه سالهٔ تادیه فروض [illegible] در ظرف این مدت چیزی از

بابت استهلاک دین پرداخته نشود مگر منافع آن تا آنکه دولت ایران ونمایندگان ملت وقت یافته باصلاحات لازمه واجرای آن بپردازند ودخل وخرج مملکت را برپایه صحیحی قرار دهند .

بایستی خاطر نشان نمایم که دولت اعلیحضرتی درازاء قبول این خواهش چنین میفهمد که شروط ذیل ملحوظ خواهد افتاد :

اولا — معلوم است که دولت ایران موافق قانون کلی دائن ومدیون هیچ قرار داد استقراض جدیدی باخارجه نخواهد نمود مگر آنکه حق تقدم را باهمان شروطی که در استقراض با دیگری مینماید به وام خواهان خویش یعنی انگلیس وروس بدهد — وقبول این شرط برشما واضح میباشد زیرا برحسب قانون وعادت مرسومه هر مدیونی که باداین قرار دادی میکند بایستی بدون اینکه ابتدا حق تقدم را بطلبکار اولیهٔ خود بدهد از محل های دیگر استقراض نماید .

ثانیاً معلوم است که دولت ایران نظر بازادی منافع تجارتی حفظ خواهد نمود قولی را که اتابک در بیست وهفتم اکتبر ۱۹۰۱ داده بود واسباب هر آن [illegible] دولت ایران انحصار سکه نقره را در ضرابخانه دولتی بهیچ کس امتیاز نخواهد داد ونیز باتمام اشخاصیکه نقره وارد مینمایند خواه ایرانی باشند وخواه خارجه بطور مساوی و [illegible] تفاوت رفتار خواهد کرد .

ثالثا — دولت اعلیحضرتی خواهش دولت ایران را

پذیرفته و از حقوقیکه برطبق تعهد بر آنها تعلق گرفته صرف نظر مینماید تا دولت و مجلس وقت توانند یافت که باصلاحات لازمه پرداخته خرج و دخل مملکت را بر اساس صحیحی بگذارند معهذا اگر دولت فخیمه انگلیس اطلاع بیابد که سعی و کوشش جدی در اجرای آنگونه اصلاحاتی که میگوئید بعمل آورده نشود آنوقت باکمال افسوس حق مطالبهٔ تادیهٔ اقساط پس افتاده استهلاک دین را در هر موقعی ازاین سه سال آتیه خواهد داشت

سسیل اسپرینک رایس　　　(امضا)

نمره ۴۲

قسمتی از مکتوب سر اسپرینک رایس به سر ادوارد گری
(وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا　　　ازقلهک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

باکمال افتخار معروض میدارم که اتابک درسوم ماه گذشته هنگام شب ملاقات من آمد و مفصلا از اوضاع سیاسی گفتگو نمود

مفهوم بیاناتش این بود که شاه از صدارت دست خواهد کشید ومخالفت را معروض میدارد — مجلس بدولت موافقت خواهد نمود وچیدن [illegible] سلطنتی که سراسر مملکت را فرا گرفته مرجع ندارد — من ویرا چگونه [illegible] .

روز دیگر اتابک و وزرا حضور شاه شرفیاب گشته مقطعاً
استدعا نمودند که یا استعفای [illegible] را بپذیرفته و یا از روی واقعیت
متعهد گردد که [illegible] دولت و مجلس [illegible] و همراهی فرماید —
پس از اخذ تعهد [illegible] همگی بمجلس رفتند و در آن روز مذاکرات
مجلس [illegible] بود — اتابک مستحضر
شاه را [illegible] و [illegible] داخل در کار
شده جداً بعمل اصلاحات بپردازند — حزب [illegible] و مخالفین
خواستند [illegible] ولیکن از آن جلوگیری کردند — اکثریت
مجلس همراهی خود را بدولت ظاهر داشت — خلاصه اتابک از
مجلس [illegible] بیرون آمد
چون [illegible]
یکدیگر اتابک [illegible] — یکی از
کنندگان که [illegible]
و دیگری [illegible] هلاک
نمود — [illegible]
[illegible] کردند و [illegible]
مجلس [illegible]
امضای [illegible]
فراهم آورند [illegible]
[illegible]

اطاعت امر شاه اول ماه جاری بهنگام شب جسد اتابک را با کمال
آرامی و سکوت بیست و پنج ساعت پس از مقتول گردیدن و
چهار ماه بعد از مراجعتش بایران بطرف قم حرکت دادند .

خبر قتل [illegible] ساعت پس از وقوع آن بتوسط یکی از
اجزای بانک شاهنشاهی موسوم به مستر برون اطلاع یافتم — فوراً
مستر چرچیل بطرف خانه ییلاقی اتابک شتافت که خانواده اش را
ازاین حادثه مطلع سازد — من خود نیز بسفارت روس رفته مسیو
دوهارتویک را در آنجا ملاقات کردم — ومتفقاً قرار دادیم که
دراین مسئله اقدامی نشود مگر آنکه منشی های شرقی سفارتین را
بحضور شاه روانه داشته اظهار تأسف ازاین واقعه [illegible] واگر از
ما صلاح اندیشی کند بگوئیم بهتر آنست از آنگونه کارهائی که سبب
هیجان افکار عمومی خواهد گردید مانند منفصل نمودن مجلس و یا مقید
ساختن وکلا اجتناب ورزد و [illegible] است این قضیه را واگذار بوزرا
و مجتهدین و به مجلس نماید .

روز دیگر مستر چرچیل با همقطار روسی خود خدمت شاه
شرفیاب گردید — اعلیحضرت ایشان را بحضور وزیر امور خارجه
فوراً [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

باب سخن نه نموده و این شرفیابی فقط برسومات ساده درگذشت .

تا چندی قبل در جراید محلی وافواه شایع بود که اتابک محرمانه باشاه سازش نموده که مجلس را برچیند و مملکت را بروس بفروشد ونیز از اعضای مجلس اظهاراتی بهمین مضامین رسید .

هیچ شکی نیست که احساسات برضد اتابک منتها شدت را دارا بوده .

یکنفر طبیب فرانسوی که یکی از کسانی که اتابک را چندی قبل از وقوع قتل معالجه نموده بود بمستر چرچیل حکایت و مصر میداشت که آن شخص و دوستانش از مردمان سالم آرام واز متوسطین اواسط الناس وبواسطه حس وطن پرستی چنان مشتعل بودند که جان خود را درخدمت مملکت خویش برای فدا ساختن حاضر داشتند .

تا چندی گذشته تاخت وتاز براتابک معنی موجبه شدتی را یافته جالب دقت عامه گردیده بود —— این مسئله درمجلس موضوع صدا کرده واقع شده آقا سیدعبدالله مجتهد بزرگ درسر رشته سعدالدوله که محرک هیجان ضدیت با اتابک دانسته شده بود نطق آتشینی نمود و رئیس مجلس اظهار داشت که [illegible] هر [illegible] او [illegible] خواهد داد [illegible] اتابک هیچ مدرک [illegible] نخواهد [illegible]

با اتابک همراه بود ولی افکار عامه این همراهی را شاهد طرح یک نقشه و تدبیر سوئی مابین اتابک و اکثریت مجلس که گمان شده بود بگرفتن پول رام شده اند پنداشته چنانچه در مورد آقا سید عبدالله این مسئله را حتمی میدانستند ـ در شهر هیجان مردم رو بازدیاد نهاد ودشمنان اتابک آتش فتنه را برای پیشرفت مقاصد خویش روشن می‌نمودند .

طبیعی بود که در این اوضاع اقدامات شدید تری پیش خواهد آمد .

از قرار معلوم مفتنین بایکی از انجمنهای سری که در طهران عده آنها بسیار است مربوط شده اند وبرخی از کسان خویش را که هم پول فراهم نموده وهم اطلاع از اخبار مهمهٔ دربار میدادند واداره مدخول درعضویت آن بودند —— اکنون معلوم گردید که اعضای انجمن را متقاعد سازند باینکه فقط راه نجات مملکت دراعدام اتابک است که باشاه محرمانه درخرابی کوشش مینماید و عنقریب مجلس را در تحت اقتدار خویش درآورده بکمک رئیس مجلس قرضه دیگری ازخارجه استقراض خواهد نمود —— احکام اعدام وی صادر گردید ودرهمان روزی اجرا یافت که ظاهراً بمظفریت خویش نایل آمده بود .

عموم مردم وقوع این قتل را تمجید میکردند وحمله کنندگان را ناجی مملکت میخواندند —— درتبریز کوچه ها را چراغان نموده

و اثبن سفند .

امیدست که از دولت اتابک منتج خواهد شد حاکمیت شدن رشته امور و بعد از عدم انتظام در قواعد حکومت خواهد بود و افکار عموم قتل اتابک را بطوری استحقاق می پندارند و اکنون در ایران حس وطن پرستی و تصمیم در معدوم ساختن هر ایرانی که فرض شود اقدام در فروش مملکت خویش می نماید چنین اشتعال و قوتی دارد که در این پیش هرگز وجود نداشته و یک عنصر جدیدیست که درحیوان ایرانی پدیدار گردیده — ممکن بود این احساسات را برای برداشتن یک وزیر عمدة بکار برده باشند ولی واضح است که هیچیک از اولیای سیاست نمی تواند این حسیات را به نظر حقارت بنگرد

نمره — ۴۳

مکتوب مستر اسپرینک ... به سرادوارد گری —
(وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا

از قلهک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

اوضاع بدتر گردیده و بی نظمی تمام مملکت بواسطه مرگ اتابک افزایش یافته است — اصفهان در تحت تصرف و اقتدار ملاهای بزرگ که مردم را تحریص واتباع خارجه را تهدید می نمایند درآمده — راه بین اصفهان و فارس را دسته از بختیاریهای مسلح اشغال کرده و قوافل وپستها را سرقت ومسافرین را اذیت مینمایند

وخصوصاً راه تجارت را بواسطه مسدود داشته واحکام و اقتدار دولت را هیچ میشمرند — از قراریکه کاپیتن لورم میگوید انگلیس های مستخدم اداره تلگراف هند در معرض مخاطره عظیمی واقع شده اند .

هنوز در پرداخت وایصال منافع طلب انگلیس هیچ اقدامی ننموده اند — درآمد گمرکات بوشهر را که برای منافع قرضه مذکور تامین داده شده بود دولت بمصرف دیگر میرساند وحتی عوائد گمرکات کرمانشاه که ازابتدا جهة تادیه این مسئله معین شده بود اکنون ماکلی نرینی به بانک شاهنشاهی ایصال میدارند و چون مالیات از ولایات وصول نمی شود بعد از عبر از عایدات گمرکات برای دولت محل عایدی دیگری موجود نیست وشاه بمصرف مخارج شخصی خود را فراهم آورده و ملازمانش اصلاً از خدمت تعطیل می نمایند .

دراین اواخر هیئتی مشیرالدوله را ملاقات و بوی تکلیف بپذیرفتن شغل نموده مشارالیه ازقبول آن امتناع میداشت مگر اینکه پول باو برسانند و میگفت مرکز مسئولیت خطرناک استقراض از خارجه را بعهده نخواهد گرفت واگر اهالی ایران تدارک سرمایه لازمه برای اجرای امور دولت بنمایند معلوم می شود که دولت از نقاط دیگر تحصیل آن عایدات طولی نخواهد کشید که تشکیل مرکزیت غیر ممکن خواهد گردید .

از موافقت با مجلس که البته بدون آن حالت هرج و مرج و مقاومت خواهد یافت هیچ علامت و قرینهٔ مشهود نیست — انجمن‌های سیاسی که در حقیقت حکومت و فرمانفرمائی مملکت را میدانند کامل بی اعتمادی را از شاه و وزرای او دارند و معروف است که شاه با مشروطه جداً مخالف و ضد میباشد — احتمال دارد بواسطه اوضاع کنونی بر منافع انگلیس ضرر وارد آید — شاید یک کابینهٔ موافق اساس مشروطیت تشکیل یابد که دارای قوه و قدرت کافی باشد که رفع بی نظمی را نموده مالیات را جمع آوری کند و گمان میکنم مصلحت است تا چندی منتظر اتفاقات آتیه بشویم چنانچه اگر تا بهار آینده بهبودی حاصل نگردد آنوقت آن دولت‌هائیکه علاقه عمده دارند برای حفظ منافع خویش در صورتیکه خالی از اهمیت نباشد باقدامات لازمه شروع نموده لاکن بعقیده من در آن ضمن نبایستی طوری اقدام کرده که عصبیت عامه بهیجان در آید .

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

نمره — ۴۴

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری —

(وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا	از قلهک ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۷

افتخار دارم خلاصه حوادث یکماهه را در ملفوفه عریضه حضور آنجناب معروض دارم

صنیع الدوله که اتابک را همراهی نموده و مخالفت مجلس را نسبت بمشاورالیه بطور موقتی مرتفع ساخته بود اکنون استعفا داده است و احتشام السلطنه که مامور کمیون سرحدی تسویه حدود ما به النزاع ایران و عثمانی شده بود و بتازگی از موصل مراجعت نموده بجای صنیع الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید — چندی در برلن از طرف ایران وزیر مختار بود و خصوصاً بواسطه رفتار دلیرانه اش که در ماه مه (۱۹۰۶) آشکارا خواستار تجدید گردیده و بدان جهة تبعیدش نموده بودند شهرتی یافته است — و گفته بود که من برای کاریکه بایستی انجام یابد و نیز جهة آزادی مردمان ایران ایستادگی کرده خود را وقف این مقصود خواهم کرد — بلا شبهه مردیست صاحب عزم و جرئت و رياستش در مجلس با اوضاع کنونی دارای اهمیت بوده و یقیناً اسباب پیشرفت خود پارلمنت خواهد گردید .

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

ملفوف نمره — ۴۴

خلاصه وقایع یکماهه

طهران

اتابک اعظم در ۳۱ ماه اوت حادثه مفصلاً در مکتوب جداگانه راپورت داده شده بود بقتل رسید .

مجدداً کابینهٔ موافق ذیل تشکیل یافت

	کابینه قدیم	کابینه جدید
داخله	اتابک اعظم . .	مشیر السلطنه
وزارت امور خارجه .	علاء السلطنه . .	سعد الدوله
مالیه	ناصر الملک . .	قوام الدوله
عدلیه	علاء الملک . .	مشیر الدوله
جنگ	مستوفی الممالک . .	بدون تغییر
تجارت	وزیر همایون . .	مجد الملک
معارف	مخبر السلطنه . .	نیر الملک
فوائد عامه	مهندس الممالک . .	بدون تغییر
حاکم طهران . . .	وزیر مخصوص . .	نظام الملک

تبریز

اوضاع در ظرف سه هفته گذشته هر روزه روی به بهبودی نهاده و اکنون بحالت عادی جاریست — راپورتی که از خوی رسیده اشعار میدارد که اغتشاشات منجر بخون ریزی گردیده است — فرمانفرمای جدید آذربایجان در اجرای امور با اهمیت متین و مساعد

میباشد وچون قیمت نان را ترقی داده لهذا طرف قدرشناسی اهالی واقع شده است

اصفهان

راه های سمت اصفهان بواسطه دزدان بکلی برای مسافرین نا امن گردیده — پستی که اول ماه اوت بطرف طهران روانه گردیده بود مابین اصفهان وطهران درسلام آباد بسرقت رفت — این دومین سرقتی است که در ظرف پنج هفته دومین نقطه اتفاق افتاده — دو نفر روسی را در دوموقع دزد زده ویکنفر کشیش ایطالیائی وحامل رژی توتون که اروپائی و جدیداً فرستاده شده باجی از ارامنه و سایرین نیز گرفتار سرقت آمدند — عدهٔ دزدها از قراریکه گفته میشود سی نفر میباشد و آشکارا در نزدیکی زرق مادر زده و هیچ کاری ویا کالسکه‌ها در آنجا توقف نمینماید فوری برای تحقیق ازحال آنها جاسوس میفرستند — برای تحمل توسط های اشخاصیکه اموالشان را بسرقت میبرند کاغذ ارسال میدارند ودرآن اسامی خود را نوشته عامل را بعاورت مطلع میکند اگر میخواهد آنها را ازآن نقطه مجزا سازد .

عموماً مذکور میشود که این دزدها ... صمصام السلطنه ایلخانی بختیاری میباشند ودست دزدها را به سبب ... در آ... ظل السلطان است میدهند — قنسول جنرال ... برای عبور کاروانهای لینچ از این راه سعی نمود که تحصیل امنیت

نماید — صمصام السلطنه که بحکم اتابک مرحوم مامور نظم
وامنیت این راه گردیده بود معلوم شد مایل باقدام در این کار نیست
وحاکم اصفهان عدم مسئولیت خود را کتباً اظهار داشت — معهذا
مشار الیه چند نفر قزاق بفرماندهی سوار ان در راه فرستاد ودویست
سالاً از آنجا عبور کرده وارد شد — تا اندازه راه مامن است از
اینکه مسترلینچ حمل مال التجاره نماید — در راه های بختیاری
وسلطان آباد غیر سرقتها معمول بوسطه و از قراریکه راپورت
داده‌اند در راه بین اصفهان وشیراز سه پست را دزدهاست از زمین
دزدهاییکه آن راه ها را امنیت کرده‌اند حق داشتند .

شهر اصفهان کاملا بی نظم است — اتباع آقایان همه شبه
در دور در میدان بروزه نمایش میدهند واکثر آنها با اسلحه آتشی
میباشند واتصال بر عده آنها افزوده میشود زیرا از دهاتیکه متعلق
بدیگران است رعایا از برای اینکه در حمایت آقایان بوده واز دادن
مال الاجاره ویا آنچه مدعی ایشان است سرتافته ورهائی [illegible]
[illegible] بایشان ملحق میشوند — این اشخاص را اجزای
انواع [illegible] ظل السلطان تشویق مینمایند که برای [illegible]
مقصود ایشان را در موقع که بوده‌اند تعیین کرده [illegible]
[illegible] اند .

در [illegible]
ولایق گردیده کنند باید [illegible]

به یزد منحصر بخود نموده اند — بحکم آقا نورالله آن جماعت را
زدند و از آنجا خارج ساختند — چون آقایان سعی کردند که
رقیمت نان بیفزایند مردم برضد ایشان احساسات سخت بروز
داده ولی بواسطه انتشار خبر مراجعت ظل السلطان مرتفع گردید
ومسئله آمدن وی باعث شد که بازارها را بستند وبشاه تلگراف
نموده از آمدن وی شکایت کردند .

[illegible] بسمت نمایندگی مقرر گردید که صورت
مکرراً به جنرال قونسولگری آورده خواهش نمایند که بتوسط
سفارت بشاه مخابره شود — چون ابواب قونسولخانه را بسته یافته و
از دخول بدانجا ممنوع آمدند لهذا بجانب قونسولخانه روس رو
آوردند — مسیو لیس آوسکی تلگرافشان را ارسال داشت ولی از
قبول ورود جمعیت بقونسولخانه امتناع ورزید وایشان سه چهار روز
درخارج آنجا توقف کرده ودرظرف آنمدت تلگرافات مخابره کرده
وجواب دریافت میداشتند — روز نوزدهم پس از آنکه ارجاع
اتابک مرحوم تلگرافی رسید که ظل السلطان [illegible]
خواهد آمد جمعیت از آنجا حرکت نموده [illegible]
بازارها را بحالت [illegible]
[illegible]
اشخاص [illegible]
[illegible] — اوائل

انقلاب یك ردو خوردی مابین « فدائیان » و کسان ظل السلطان در چهارسو بازار اتفاق افتاد و از « فدائیان » هشت نفر مجروح گردید ومعلق بودند که دو نفر از آنها بقتل رسیده واجساد شان را که سراپا آغشته بخون بود بطرف میدان بقصد اینکه خشم وغضب مردم را بهیجان آورند حمل نمودند در صورتیکه یکی از آنها هنوز زنده بود — وقتیکه آقایان دیدند نتوانستند قشون روس [illegible] مقاصدشان بعمل نخواهد آمد مردم را بتلگرافخانه ایران فرستاده و تلگرافاتی بعبارات خیلی سخت وبدون امضاء نوشتند که مخابره شود لیکن تلگرافخانه از مخابره آنها امتناع نمود — روز بیست سیم اوت جمعیت درو پنجره های تلگرافخانه را شکسته و تلگرافچی را بقتل تهدید کردند — روز دیگر وی را از اداره اش بانجمن ولایتی کشیده چون لازم الاطاعه تلگرافات بدون امضا را داشت [illegible] فدائیان گفت اورا درمسجد شاه محبوس دارند لیکن حاکم واسطه شد وآقایان برهائی وی اشارت دادند — فردای انروز مشار الیه تلگرافخانه را بست وبجلفا رفت تاروز بیست و ششم اوت که تلگراف اتابك واصل گردید آقایان جمعیرا برای عذر خواهی نزد وی گسیل داشتند پس ازآن تلگرافخانه را باز و دوباره دایر کردانید — هم درین اوقات بازارها بسته بود واجزای کمپانی زینگر بقنسول جنرال راپورت دادند که از طرف ادبان بایشان اطلاع داده شده که اگر اداره خویشرا ممنوع

سازند آنجارا یغما خواهند نمود

یزد

چندین قافله را در حوالی یزد دزد زده است و از قرار راپورت شصت و پنج نفر دزد سواره فارس در راه کرمان توقف داوند — شصت نفر قره سوران تاکنون نگماشته اند آنها دزدی بایند وموافق راپورت واصله پس از انیکه مدت نیم ساعت مابین ایشان جنك درپیوست عاقبت دزدها عقب نشستند

راه مشهد را بخسروخان که سابقاً رئیس [illegible] بود سپردند که منظم سازد — یکی از سوارهای ابواب جمعی وی بازرگانی را که ازنگاهداشتن اسب او سرپیچی کرده بود بضرب گلوله از پای درآورد — جسد مقتول را برای گذرانیدن از نظر ویسقونسول اعلیحضرتی به تلگرافخانه انگلیس درشهر یزد آوردند — اتفاقاً ویسقونسول حاضر نبود ورئیس تلگرافخانه بشخصیکه نعش را آورده بودند اطمینان داد که واقعه را بویسقونسول اطلاع خواهد داد پس ازآن آنها جسد مقتول را از انجا حرکت دادند

(شیراز)

درشاهراه بوشهر دزدی های چند اتفاق افتاد ازآنجمله [illegible] صد مأمور مقیم وبسته ایران وبز کاروان زینگر بود که گرفتار دزدها گردیدند .

دو هزار را منصرف به آوردن برنوکر مأمور مقیم که اکنون
دوشنبه در متوقف است حضور حکومت بردند و از دنبال ایشان جمعیت زیاد و فریادی حرکت می‌نمود — چون آنان را نزد حاکم آوردند نتیجه چنین قرار یافت که در حضور مأمور قنسولگری با نوکر وی صلح نمایند و پیغام دادند که امید است این مسئله بهمین قسم فیصله یابد — لیکن چون این طریقه ممکن نبود عاقبت آن مؤتمر مرتکب را عمدانه درحضور منشی مأمور مقیم تنبیه نمودند .

فرقه ملاها کوشش دارند که کلیه اختیارات را بقبضه تصرف درآورده حاکم را معزول سازند و از قرار معلوم حاکم در حفظ نظم اهتمام را دارد چنانچه اتابک مرحوم وزیر مختار دولت فخیمه اظهار رضایت از وی داشته و گفته بود که از او تقویت خواهد شد .

نمره — ٤٥

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری —

(٧)

از قلهک ١٢ سپتامبر ١٩٠٧

ماکان افتخار معروض میدارم که بهیئت دولت ایران خصوصاً بوزیر مالیه راجع به تادیه طلب بانک شاهنشاهی ودولت انگلیس مکرر اظهار داشته ام .

بر حسب قروض مذکوره را قرار داده بودند که ماهی سی هزار تومان از محل گمرکات کرمانشاه [illegible]

از بعض این سی هزار تومان مبلغ هفده هزار تومان شخص شاه جهت مخارج اداره قشون آذربایجان حواله نمود — همچو معلوم میشود که از محل کرد اداره تلگرافخانه با عایدات صیدماهی بحر خزر (که عنوان وثیقه به طلب کار روسی داده شد) و با همچنین از عایدات گمرک بوشهر چیزی وصول نشده باشد — اگر دولت مالیات و [illegible] را صرف مقاصد خویش ننماید هر آینه فرع و یک مقداری از اصل طلب پرداخته میشد

ماکان افتخار صورت قروض دولت ایران را که مستر راسو مخصوص اطلاع من ترجمه نموده لفاً ارسال میدارم — قروض مذکوره بالغ بر ٥٥٠٠٠٠ لیره است که از آنجمله ٤٩٥٠٠ لیره قرضی است که موعد تادیه آن منقضی گردیده — دین دولت ایران معادل ١٦٣٠٠٠ لیره از حد مقرره در امتیاز تجاوز نموده

ناصر الملک وزیر مالیه امیدوار بود که بتواند نقشه‌ای اصلاح مالیه بموقع اجرا گذارد و اعتقاد داشت که بدان وسیله دولت ایران موفق بادای قروض و تهیه مخارج لازمه خویش گردد — اساس نقشه براین بود که در مالیات داخل اصلاحاتی بعمل آورده شود [illegible] طریق قرض را که فعلا حکام میرسند [illegible] جمع نموده و بمصرف مخارج حکومتهای ولایتی و دوائر رسانند ولکن ناصرالملک استعفا داد — جانشین او [illegible] این است که آن قوه را ندارد [illegible] ناصرالملک از دادن مالیه مملکت در مقابل

حواله‌جات شخص شاه امتناع ورزد

بااین حالات حاضره وهرج ومرج که درحکومت ایران بواسطه قتل اتابک وتغییر جدید کابینه روی داده هیچ امیدی نیست قرار وفیصلهٔ باطوری که رضایت بخش باشد بدهند مگر به تهدید و اجبار — چون ظاهراً محل نقدی دولت ایران فقط منحصر بعایدات گمرکات است نتیجه این شده که به پلیس وقشون ولایتی که هنوز دربعضی ازنقاط مملکت صورتی ازنظم را نگاهداری مینمایند حقوق نرسیده است

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

ملفوف نمره — ۴۵

یادداشت راجع بقرض دولت ایران ببانک شاهنشاهی

قرض بلا واسطه دولت ایران موافق محاسبات صورت تابیستم سپتامبر گذشته — تومان

معادل بود با ۱۸۷۲۸۵۲

منافعیکه درحساب آنها تاحال نوشته شده وآنچه تابیستم سپتامبر آتیه محسوب شود — تومان

جمعاً معادل است ۲۲۹۸۳۸

وازآن بابت نقد داده اند ۱۷۷۷۴۰

الباقی ازبابت منافع ۵۲۰۹۸

تومان

مجموع بدهی ایشان ۱۹۲۴۹۵۰

اضافه برمبلغ متنبه دوامتیاز بانک گرفته شده ۸۴۱۶۲۰

بعلاوه ازبابت قروض سایرین که دولت عهده گرفته ۹۷۷۷۶۲

قرض شخصی اعلیحضرت ۷۷۵۱۷

وازبابت حساب ۲۹۰۰۰۰ لیره (فقط ربح)

۱۳۹۱۵ لیره و ۱۸ شلینگ و ۲ پنس سکه معادل است با ۶۹۵۸۰ تومان .

اگر دولت همانطور که قول داده بود از عایدات گمرکات وشمال می پرداخت نه فقط ازبابت فرع وقسط استهلاک قرضهٔ ۲۹۰۰۰۰ لیره منظماً پرداخته میشد بلکه ربح وحتی قسمتی ازاصل طلب مانیز ادا میگردد .

نمره — ۴۶

تلگراف سراسپرینگ رایس به سرادوارد گری —

(وصول دوم اکتبر)

از طهران مورخه دوم اکتبر ۱۹۰۷

اعضای مرکب ازشاهزادگان — رؤسای لشکری وکشوری وعلمای عمده وتمام مرتجعین معروف بیک اعلامیه شاه نمودند که اگر آن اعلیحضرت از مشروطیت نگاهداری نماید وبامجلس دراجرای امور همراهی نکند هرآینه ایشان دیگر ازهواخواهی وحمایت سلطنت آن پادشاه کناره خواهند نمود — اعلیحضرت جوابهای معمولی که تماماً مبنی بر اطمینان بود بایشان فرستادند — وزیر

امور خارجه که مقامش بواسطهٔ تعطیل عمومی اجزای آن وزارتخانه خیلی متزلزل است مخالف حضرات میباشد ولی رئیس الوزرای جدید وعده داده که ایشانرا تائید نماید .

اعضای این انجمن حمایت وحفظ مشروطیت را در مجلس که برای همین مقصود رفته بودند قسم یاد کرده و عهد یمین تعهد نمودند .

اکنون قطعاً حامی وهوا خواه شاه وزیر امور خارجه است و با این حال معروف است که هنوز نظریات ارتجاعیه خود را دارا میباشد .

سفارت در کلیه این وقایع رفتار و حالات طبیعی را از دست نداد .

نمره — ۴۷

تلگراف سر اسپرینک رایس به سر ادوارد گری —

(وصول سوم اکتبر)

از طهران بتاریخ سوم اکتبر ۱۹۰۷

سعدالدوله از مقام وزارت امور خارجه معزول گردید

(رجوع نمائید به تلگراف دیروز من) .

نمره — ۴۸

مکتوب سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

۴۱ وزارت امور خارجه (اصل) ... ۱۹۰۷

مکتوب مورخه سیزدهم ماه گذشته سر اسپرینک رایس را دریافت داشتم ودر جوف آن سواد مراسلهٔ که بدولت ایران راجع به تعویق تادیه اقساط استهلاک نوشته بود نیز واصل گردید هرگاه تا مدت شایستهٔ وصول مراسلهٔ مزبوره را دولت ایران اعتراف ننماید آنوقت شما بایستی باز در این موضوع اظهارات دیگر بنمائید

(امضا) ای - گری

نمره - ۴۹

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری —

(وصول ۲۵ - اکتبر)

از طهران بیست و پنجم اکتبر ۱۹۰۷

هیئت وزرای جدید در تحت ریاست رئیس الوزرائی ناصر الملک که نیز دوباره بوزارت مالیه منصوب گردید تشکیل یافت - مهم ترین اعضای این هیئت عبارتند از مشیر الدوله پسر مرحوم مشیر الدوله که بمقام وزارت امور خارجه برقرار و صنیع الدوله بوزارت داخله منصوب و مخبر السلطنه برای وزارت عدلیه معین گردیده اند .

نمره - ۵۰

مکتوب سر اسپرینک رایس به سر ادوارد گری —

(وصول بیست و هشتم اکتبر)

۵۰

از قلهك بتاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷

امروز صورت قرار داد انگلیس و روس را که یك ترجمهٔ از آن بفارسی (بدون ضمانت صحت مفهوم آن) باتفاق همکار روسی خودم ترتیب داده وبان ضمیمه کرده بودم نزد دولت ایران فرستادم — وسواد مکتوبی که بموافقت مسیو دوهارت ویك بدولت ایران در جوف صورت قرار داد ارسال داشته‌ام لفاً حضور آنجناب تقدیم میدارم .

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

ترجمه

آقای .... وزیر طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۷

بر طبق تعلیمات واصلهٔ ازدولت متبوعه خودم من باکمال افتخار صورت قرار دادیکه در هیجدهم ماه اوت فرنگی مطابق سی و یکم اوت روسی ۱۹۰۷ مابین دولتین بریطانیای کبیر وروس منعقد شده تا انجائیکه مطالب آن مربوط بدولت ایران است ارسال خدمت میدارم .

محض تسهیل قرائت قرار داد مزبوره یك ترجمهٔ بفرانسه بان ضمیمه ساختم تا آنکه سوء تفاهم واشتباهی حاصل نگردد وخاطر نشان مینمایم که البته ترجمه که فرانسه شده است اصل و معتبر میباشد .

صورت قرار داد رسماً بدول معظمه ارسال وناممکن است

بزودی طبع وانتشار خواهد یافت .

زیاده

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

نمره — ۵۱

قسمتی از مکتوب مستر مارلینك به سرادوارد گری —

(وصول بیست و هشتم اکتبر)

از طهران نهم اکتبر ۱۹۰۷

عزل سعدالدوله از وزارت امور خارجه که شاه را بواسطه احساسات عامه مجبور بان کرداند ضربه شدیدی باقتدار ونفوذ شاهنشاهی وارد آورد .

باوجود خدمات حقیقة که سعد الدوله اوایل امر در هوا خواهی مشروطیت انجام داده بود طرف بی اعتمادی وتنفر مجلس واقع گردیده وچنین دانسته اند که جناب ایشان قول بشاه داده اند که در ازاء نیل بمقام وزارت امور خارجه اعلیحضرت شاهنشاه را از قید مجلس مستخلص سازند — ابتدا شروع بمخالفت از ادارهٔ خود وزیر مزبور گردیده چنانچه یکی دو روز بعد ازآنکه بمقام وزارت بر قرار گردیدند رؤسای ان اداره استنکاف داشتند از اینکه در تحت ریاست ایشان بخدمت اشتغال ورزند وبنا برقول اجزای غیر مطلع آن وزارتخانه فقط بواسطه حسادت ومنافع شخصی بمخالفت برخواسته بودند .

در حقیقت زمان وزارت بی حالهٔ علاء السلطنه حکمفرمای کارهای وزارت امور خارجه بتصرف رؤسای شعب آنوزارتخانه درآمده بود که با چند نفر دیگر تشکیل یک کمیتهٔ داده مختار تمام مشاغل گردیدند و از غارت ادارهٔ تذکره تمتع میبافتند — سعد الدوله همینکه مقام وزارت را حاصل نمود بدون هیچ تسامح باین آقایان فهمانید که در کار ادارهٔ خویشتن قادر و فرمان روا خواهد بود و علاوه شروع نمود که برخی از دوستان مخصوص خود را درکارها و مقامات مهم [illegible] مسئولیت آن وزارتخانه بگمارد — از همان روزیکه داخل وزارتخانه گردید مناقشات بظهور پیوست و اعضا مصمم شدند که برای استخلاص از یک چنین وزیر قادر با عزم واشخاص مهمی که از طرف وی منصوب شده‌اند دلیرانه استقامت نمایند — قول دیگر چنین بیان میکند که این اعضاء مخالف کسانی باشند از وطن خواهان مخصوصه که حاضرند هرگونه مشاغل و خدمت خود را فدا نموده در تحت ریاست وزیریکه باعتقاد ایشان قسم یاد کرده که آزادی تازه تحصیل شدهٔ مملکت را خراب و برهم زند خدمت ننمایند .

محتمل است که هر دو قول صحیح و بر حق بوده ولی در هر صورت فریاد وطن خواهی فوراً همراهی عموم را بطرف مخالفین جلب و معطوف داشت .

معهذا سعد الدوله با قوت تمام به تکمیل اجراءات جدید پرداخت

لکن این اهتمامات مجانی ترسیده و ماموران آنگونه معطلهٔ را دیدند که باب وزارتخانه بر روی یک وزیر خارجه مسدود و از اشغال مقام وزارت ممنوعش داشتند .

روز ۳۰ ماه گذشته رئیس مجلس و سعد الدوله حضور شاه شرفیاب شدند — و احتشام السلطنه [رئیس مجلس] مصالحت وزیر امور خارجه را درخواست داشت ولی وی مطلوبا چنانچه استنکاف نمود و میگفت این هیجان شدیدرا علاء الدوله که سخت ترین دشمنان او است فراهم آورده و تا آنوقتیکه مجلس نتواند تقصیر معنی برخطاء الیه ثابت بسازد و چون وزیر قانونی شاه میباشد تکلیفش اینست که مقام وزارت خویش را نگاه و باقی دارد —— روز دویم ماه جاری سعد الدوله بمجلس شورا رفت و هرچند دلیرانه مقابل نمود ولی واضح بود که حتماً معزول خواهد گردید —— بعد از ظهر همانروز احتشام السلطنه حضور شاه شرفیاب شده معروض داشت که مجلس نمیتواند متحمل ابقاء وزارت سعد الدوله در مقام وزارت بشود — پس از چند ساعت بجناب سعد الدوله خبر رسید که (استعفای آنجناب قبول گردید) — علاء السلطنه دوباره بمقام وزارت امور خارجه برقرار شد — ولیکن منصوبین سعد الدوله مقامات خویش را در وزارتخارجه مستمر [illegible] و رتبه اعضاء قدیمه [illegible] را گذاردند و علاء السلطنه [illegible] وزیر [illegible] در [illegible] همین تشکیل شده بود از اشغال مقام ممنوع [illegible]

نمره ــ ۵۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری ــ

(وصول ۲۸ اکتبر)

آقا — از طهران نهم اکتبر ۱۹۰۷

قرارداد انگلیس و روس در مجلس که صبح پنجم ماه جاری انعقاد یافته بود قرائت گردید و مختصر مذاکره‌ای در آن خصوص بمیان آمد ــ طرز گفتگوی غالب از ناطقین بطریق معتدل بود .

(امضا) چارلس ــ م ــ مارلینگ

نمره ــ ۵۳

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری ــ

(وصول بیست و هشتم اکتبر)

آقا — از طهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

شهر شدیدی که بواسطه گناه جوئی رؤسای ارتجاعیون از هواخواهی شاه حادث شده و در آن خصوص سر اسپرینگ رایس در تلگراف خویش مورخه دویم ماه جاری بشما اطلاع داده بود بعقیده من باندازهٔ قابل توجه است که شرح اوضاع و مقتضیات مربوطهٔ آن واقعه را شایسته است مفصلا اطلاع دهم .

ظاهراً علائم چندانی در دو بر گردانیدن اهالی [illegible] از شاه هویدا ومشهود نبوده باعث عمدهٔ آن ناامنی همان ترس و

خوف شمرده شود ــ قتل اتابک که سبب استعفای فوری صنیع الدوله گردید و هم چنین فوت ناگهانی مشیرالدوله که موجب سوء ظن واقع شد از اینکه بواسطه جهات طبیعی نبوده بدون تردید اثرات خیلی سخت بخشیدند ــ باستثنای قتل ناصرالدین شاه مشکل گفت که طبقات آمرهٔ عالیه معتاد بوده‌اند که از کشته شدن بدست طبقات پست از مردم مصون ومحفوظ بودند ــ اتفاقات فوق الذکر بانضمام آگاهی از ایجاد انجمن های سری که اعضای آنها را موقعا [illegible] جان ومال برای سعادت مملکت خویش حاضر ومصمم داشته‌اند ظاهراً تا نیات مخصوصه نموده اند ــ و بعلاوه شاه که تحقیق قتل اتابک را مجبوراً صرف نظر کرده بود از آرزوی پر مرتجعین واضح شد که از آنها نمی تواند محافظت نماید و بیم آن را دارند که بواسطه تمرد عامه از اساس حکومت مطلقه که پیوسته آن نفرت و انزجار رو بازدیاد است ثروت گزاف را که بسیاری از آنها در تحت اوضاع قدیمه بچنگ آورده اند عاقبت دولت باسم مالیات یک روزی از ایشان مسترد دارد ــ پس با این حالات هیچ جای حیرت نیست که رؤسای ارتجاعیون اظهار موافقت خود را با ملتیان (هم بطریق آشکارا و هم بطور رسمی) از راه حزم و احتیاط دانسته اند ــ معهذا از کارکنان عمده که در طرف مشروطه طلبانند معاونت مقتدر از [illegible] و علاء الدوله و نیز [illegible] اعظم [illegible] زادهٔ [illegible] الدوله که جوان است صاحب عزم و ثبات قدم .

روز بیست و هشتم ماه گذشته بنا بر دعوت اشخاص مذکوره جمعی از اشراف ایران که اعضای آن برخی از طایفه قاجاریه را مشتمل بوده هرچند هیچ یک از آنها منسوبین بلا واسطهٔ شاه نبودند در خانه علاء الدوله واقع در طهران انعقاد یافت که در اوضاع تعمق و مداقه کنند — مذاکرات از چه قبیل بوده و با چه دلایل برای متقاعد کردن مرتجعین اقامه شده بطور صحت معلوم نیست ولی همینقدر بدیده چنین معلوم گردیده است که عریضهٔ مشعر بر عطوفات حسب عموم و احساسات همه موافقت پادشاه حضور آن اعلیحضرت تقدیم داشتند ولیکن بعبارات ساده و صحت .

در آن عریضه بطور وضوح مذکور داشته بودند که اصرار و پافشاری کنونی آن اعلیحضرت در رفتار ضدیت و مخالفت آمیز با مجلس ملت تخت سلطنت و سلسلهٔ آن پادشاه را بمخاطره خواهد افکند و عریضه کنندگان بنا بر وطن خواهی مصمم شده اند که با مجلس بطور صمیمیت مشغول کار شوند و اگر آن اعلیحضرت همچنین بموافقت راضی نگردند ممکن است حد متکدری ورا خواهند نمود — شاه جواب حتمی مفصل بایشان ارسال فرمود و با وجود مبهم بودن عبارات هم چه تصور شده بود که مضمونش تسلیم کامل است

صبح همان روز تمام فرقه ارتجاعی ... رد مجلس شده و ریاست جلال الدوله پسر ارشد ظل السلطان قسم یاد کردند که

حافظ مشروطیت و مطیع قانون اساسی بوده باشند — چون هنوز ابتدای کار است نمیتوان پیش بینی نمود که این اتحاد تا چه مدت دوام خواهد کرد — لیکن بنا بر عقیده ایرانیان فعلا در آکسیونها بطریق صداقت همراه گردیده اند و مجلس مظفریت مهم بلندیرا حاصل نموده است .

(امضا) چارلس — م — مارلینگ

نمره — ۵۴

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری —

(وصول بیست و هشتم اکتبر)

از طهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

ماه گذشته بهیچ وجه در اوضاع عمومی ایران بهبودی حاصل نگردیده و موافق اخبار واصله انقلاب حال وطن در ولایات با استثنای بعضی از آنها کثیر موجود باشد — اقتدار مرکزی تقریباً معدوم و اختیارات بدست انجمن های محلی افتاده که هیچ اعتنائی بمرکز ندارند .

معهذا دربای تخت بیشتر امیدواری موجود است — حزب تجدد خواه در اینوقت بطور تحقیق قوتش زیادتر است تا یک سال قبل که مجلس تازه افتتاح شده بود — حزب مزبور تمام فرقهٔ مرتجعین را بطرف خود جلب نموده .

اطلاعات واصلهٔ از شهرهای ولایت و ایالات بمقتضی

مسعودی از آنها مبنی است براینکه امینه حامی ومال کنز اوسابق است درصورتیکه بی قانونی عمومی درمملکت هنوز تخفیف نیافته اقتدار حکومت مرکزی تقریباً صفر باشد واگرهم اقتداری دارند فقط بتوسط انجمن های ایالات میشود و نفوذ دول را در این انجمنها [illegible] ولیکن دربابحث امیدواری قدری بیشتر میباشد ـ فرقه تجدد خواه دراین ایام که یك سال تمام از تشکیل وانعقاد مجلس ملی گذشته است البته قوت یافته اند واین فرقه در جانب تمام [illegible] بطرف خویش کامیاب ومظفر گردیدند وظاهراً میتوان فهمید که چون شاه دراین موقع جز مسعودی او درباریان هیچ حامی وهوا خواهی ندارد خودرا مجبور خواهد دید که آنچه تعهداتیکه بوسیله آنها میخواست اعتبارات مجلس را ضایع وعدم لیاقت آنرا در اذهان مردم بگنجاند ترك نماید ـ اشخاصیکه به جنبش ملی معتقدند به مملکت اعتماد واطمینان دارند .

دلیل اینکه مجلس تاکنون نتوانسته است اصلاحات عملی نماید مسئله باشکالاتی هستند که بآنها برخورده ودشمنان آنرا بسیار دانند ومیگویند نفوذ حکام ولایات (زرکان متنفذ) و شاه وبالاخره علما [illegible] نا آنکه آمال ملت برآورده ومقصودش حاصل گردد ـ [illegible] ومسرانه [illegible] آورد ـ [illegible]

و [illegible] وآصف الدوله معزول شده شاه تنها و بی هوا خواه ماند .

گذشتن متمم قانون اساسی و مذاکرات راجعه به [illegible] علما [illegible] که اساس جدیده البته خودرا از قید خود علما نجات خواهد داد ـــ لکن اشکالات وارده [illegible] [illegible] استعدادی برای حفظ نظم و اجرای [illegible] موجود [illegible] .

اقتدار و [illegible] قدیم [illegible] انجمن [illegible] [illegible] گردیده ومجلس [illegible] اجرا [illegible] برای خود ایجاد واحداث نماید ـــ هیچ وزیری که لیاقت [illegible] [illegible] بنظر می آید .

[illegible] درباب [illegible] ذکر [illegible] [illegible] است درحقیقت کار مجلس [illegible] وخرابی اوضاع قدیمه بوده ودر موقع [illegible] اوضاع تجدد واصلاحات آتیه مصالح و مواد زیادیکه [illegible] [illegible] نبوده [illegible] ـــ [illegible] است که عمل [illegible] اساس [illegible] حکومت ملی [illegible] قدرت وزرای تجدد خواه [illegible] گردد

[illegible]

[illegible]

(امضا) [illegible]

نمره — ۵۵

مکتوب [illegible] به سر ادوارد گری —

(وصول ۲۷ [illegible])

[illegible] ۱۹۰۷

[illegible] وقایع عمومی ایران را که در ظرف چهار هفته [illegible] [illegible] [illegible]

([illegible]) [illegible]

ملفوفه نمره — ۵۵

خلاصه حوادث [illegible] ایران

[illegible]

[illegible] شب [illegible] سپتامبر [illegible] وفات نمود.

[illegible] اظهار داشتند و تهدید نمودند که [illegible] اعلیحضرت ذات موافقت [illegible] ایالات خود را تحت سلطنت مقطوع خواهند داشت [illegible] وقت [illegible] [illegible].

حبل المتین طهران که روز نهم سپتامبر یك رشته مقالاتی راجع [illegible] درج کرده بود همه روزه طور [illegible] سپتامبر مقاله‌ها در این موضوع بطبع میرساند [illegible] اطلاع [illegible] ولی [illegible] های [illegible] نوشته شده بود.

روزنامه دیگر موضوع [illegible] تاریخ [illegible] سپتامبر [illegible] توجه [illegible] وقتیکه [illegible] محمد [illegible] دیگر مفصلا [illegible] طبع رسانید [illegible] ۲۴ سپتامبر [illegible].

[illegible]

[illegible] در [illegible] شده پس از جمع کردن و پیچیدن وی هر قسم
[illegible] که در آن جا بود سرقت بردند — بهتر های
[illegible] مسلحه را بزور بطویله شاه کشیدند و این واقعه که
[illegible] مجملا بدانجا رفت که زنهارا مستخلص
[illegible] ورویدند .

[illegible] علیحضرت در [illegible]
[illegible] بود [illegible] اربوچه های زردوزی قیمتی بسرقت برده
شد — [illegible] خانه دو [illegible]
[illegible]

[illegible] که در
[illegible] ([illegible])
[illegible] و قطاع الطریق در [illegible]
[illegible] از حرکت [illegible]
[illegible] داده شود که در
[illegible] .

[illegible]
[illegible] آزاد [illegible] گردید و متصاور
[illegible] بمدت دو سه ماه بود
که [illegible] ایرانی در آنجا
داخل شده [illegible] مدرسه دو [illegible] آلمانی و یک عده ایرانی

مباشند — یکی از معلمین آلمانی را میگویند خیلی لایق است
و نتایج حسنه از تعلیمات وی مشاهده می شود — برخی از متعلمین
ایرانی زبان آلمانی را قدری میتوانند تکلم [illegible] .

روز ششم همین ماه که چهل روز بعد از قتل اتابک اعظم بود
[illegible] عظمی در سر قبر عباس آقای قاتل که خود را نیز بقتل آورده
بود داده شد — در آنجا چادرها برپا کردند و گویند یازده هزار
نفر حضور [illegible] بودند [illegible] در [illegible] قاتل اتابک [illegible]
که وی از وطن پرستان بوده و در راه سعادت مملکت جان خویش
را فدا ساخته است و مقدار زیادی گل [illegible] مزار وی [illegible] .

دولت فرانسه [illegible]
با [illegible] دولت ایران [illegible] طرف [illegible]
[illegible] امورات [illegible] وزارت [illegible]
استخدامش برای دو سال خواهد بود [illegible] سالی ۵۰۰۰۰ [illegible]
حقوق [illegible] و ۳۰۰۰۰ فرانک برای مخارج سفر [illegible]
۱۵۰۰ فرانک کرایه خانه [illegible] روز [illegible] صورت [illegible]
امورا به مجلس در جلسه خصوصی [illegible]

(امضا) [illegible] جرجل

[illegible]

اوضاع شهر [illegible]
[illegible]

[illegible] شهر [illegible] شود — [illegible]
[illegible]
[illegible] دولت
[illegible]
[illegible]
[illegible] شود .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] .

[illegible]

[illegible]

[illegible] و حکومت [illegible]

[illegible] است .

[illegible] دولت [illegible]
[illegible]
که [illegible]
[illegible] در خصوص [illegible]

مستحفظین برای حفاظت مفتشین خط تلگراف از طرف حاکم
بقشون [illegible] اطلاع داده شده است که او هیچ گونه
تسلطی در امور حکومت ندارد و آقایان کارهای ولایت را قبضه
کرده لهذا وی نمی تواند ضامن امنیت مفتشین مزبور را
بعهده بگیرد .

اداره تلگرافخانه را اهالی مسدود نمودند تا حکومت را
[illegible] که [illegible] زده اند مجبور دارند

بروجرد

دو روز [illegible] دزدها یک قافله را جلوگیری نموده اموال
ایشانرا بسرقت بردند واز مستحفظین [illegible] که با ایشان منازعه [illegible]
[illegible] بودند یکنفر مقتول و [illegible] مجروح گردید .

کرمان

اعانات انجمن [illegible] و مخصوص شدن جمعی
از مردم در تلگرافخانه [illegible] گردید — در اواخر ماه سپتامبر
خاتمه یافت

کرمانشاه

[illegible] شهر [illegible] دارد — [illegible] همه روزه
اتفاق می افتد و مرض [illegible] شیوع پیدا نموده

شیراز

[illegible] السلطنه [illegible] است و [illegible]

تا اندازه از عهده [illegible] خارج [illegible] و اگر [illegible] قرض [illegible] خالص [illegible]
امری دقیق است — [illegible] قصد [illegible] مقیم [illegible]
کردید و [illegible] ورود [illegible] آمده بود [illegible]
نمودم .

بوشهر

[illegible]
شده — [illegible] روسیه [illegible] السلطنه حکم [illegible] را در بین راه
که معروف [illegible] حرکت می‌نمود [illegible] ردند .

(امضا) [illegible]

[illegible]

نمره — ٥٦

مکتوب [illegible] ادوارد گری به مستر مارلینگ

[illegible] از وزارت امور خارجه (لندن) ۲۲ نوامبر ۱۹۰۷

در بین صحبت با مشاور دولت ایران از وضع مغشوشه ایران
[illegible] عموم [illegible] امور [illegible] خصوصاً [illegible] آمد [illegible]
[illegible] گفتم که دولت فخیمه [illegible] عدم [illegible] و
آرامی [illegible] در خصوص [illegible] انگلیس
[illegible] که در آنجا [illegible] و [illegible]
[illegible] شد .

[illegible] دولت ایران [illegible]

امور معطوف سازد .

(امضا) [illegible] — گری —

نمره — ٥٧

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری —
(وصول ۲۵ نوامبر)

آقا از طهران [illegible] ۲۱ [illegible] ۱۹۰۷

افتخار دارم [illegible] این مکتوب سواد یادداشتی را که بدولت
ایران مربوط بعدم ایصال منفعت بعضی از دولت از بابت قرضه
سنه ۱۹۰۳ و ٤ فرستاده شده ارسال حضور دارم .

در این یادداشت تذکار کردم که [illegible] جواب شروط
دولت فخیمه را درخصوص قبول خواهش ایران راجع به تعویق
اقساط استهلاك قرضه مزبوره هیچ داده نشده [illegible]

(امضا) [illegible] مارلینگ

در جوف نمره — ٥٧

مراسلهٔ مستر مارلینگ به علاء السلطنه

خدمت حضرت اشرف [illegible] ۱۹۰۷
[illegible]
[illegible] قروض ۱۹۰۳ و ۱۹۰٤ دولت ایران [illegible] در
صورت [illegible]

شود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
می‌شود و [illegible] دولت فخیمه [illegible] [illegible]
[illegible] مذکور [illegible] [illegible]
دولت [illegible] [illegible] که محض اطلاع از حضرت
اشرف استحضار [illegible] که دولت ایران [illegible] اقدام
[illegible] [illegible] فرصت با انگلیس
مخصوص [illegible] لازمه دیگر مصروف داشته‌اند .

علاوه [illegible] حضرت اشرف را
در خصوص شروط دولت فخیمه [illegible] قبول خواهش دولت
ایران در [illegible] موقع [illegible] فرصت مذکوره یاد
آوری نمایم .

شروط [illegible]
[illegible]
حق [illegible] ایران [illegible]
[illegible]
معاملات [illegible]
که [illegible] پذیرفته شود

اساس آن خواهش [illegible]
فرصه [illegible]
برای دو [illegible] [illegible] موضوع [illegible]

بطوریکه در [illegible] حال امضا نموده

[illegible] خواهش [illegible]
تا محض اطلاع [illegible] در این خصوص [illegible] دولت
فخیمه معروض دارم

(امضا) [illegible]

نمره — ۵۸

مکتوب [illegible] به [illegible] وارد [illegible] —
(وصول ۲۵ نوامبر)

[illegible] ۱۹۰۷

بعد از آنکه قبول دولت [illegible] مقام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] و همچنین [illegible]
[illegible] این چه صورتی میکند
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] اقدام [illegible] دوستانه
[illegible] دولت [illegible] محبوب دارم

جواب [illegible] مجلس شده
[illegible] کرمانشاه بطهران آمده [illegible]
[illegible] ملک [illegible] از شهر [illegible] گردیده از
[illegible] مینمایند — [illegible] مجلس متحیر
بود [illegible] موضوع چگونه معامله [illegible] لکن چون [illegible] الدوله
متعهد شد [illegible] مراجعت [illegible] کرمانشاهان [illegible] این دعاوی را
فیصله خواهد داد [illegible] در خواست [illegible] الیه پذیرفته آمد —
[illegible] الدوله [illegible] بر حسب خواهش سفارت
معزول شده بود [illegible] مأمور گردیده بود که [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] در جواب گفتم
[illegible] دارم [illegible] از طرف ما شده
[illegible]
[illegible] اشد ولی [illegible]
[illegible] در خصوص [illegible]
[illegible] خواهد داشت

جناب ایشان وعده دادند [illegible]
خواهند کوشید وچندروز بعد اطلاع دادند که از حسب [illegible]
وی صرف نظر کردند .

[illegible] ([illegible]) [illegible]

نمره ۵۹

[illegible] سر ادوارد گری [illegible]
(وصول ۲۵ نومبر)

آقا [illegible] بتاریخ ۷ نومبر ۱۹۰۷

[illegible] مجلس
[illegible] ماه اکتبر ۱۹۰۷ [illegible] شاه [illegible]
[illegible] معروض حضور [illegible] میدارم .

از قوه [illegible] اقتدار [illegible]
[illegible] واقع [illegible] اختیارات و
اقتدار محاکم عدلیه است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ملاها [illegible]
[illegible]
[illegible] محاکم [illegible] خواهند [illegible]
[illegible]

می‌شود و [illegible] اجارا [illegible] عدلیه نماینده تا آنکه در محاکم
و در المساواة های غیر رسمی [illegible] و مداول خصوصی خویش با عمل
دیگر [illegible] بوده [illegible] باید دید که
این [illegible] آیا [illegible] عملا خواهند
[illegible] .

از اصل هشتاد و ششم که نیز [illegible] مهم انتقاد گردیده
ظاهراً چنین مستفاد می‌شود که حق استیناف و تجدید نظر در احکام
محاکم [illegible] محکمه استیناف داده می‌شود که تشکیل
آن [illegible] قوانین [illegible] عدلیه [illegible] مقرر شده است
[illegible] که [illegible] صحیح [illegible] واضح است
[illegible] وقوع [illegible] دادن حکم از [illegible]
[illegible] و بدون حق جلوگیری [illegible] مؤثری خواهد شد .

[illegible] قوانین [illegible] نکات دیگر می‌ماند ولی [illegible]
[illegible] دوره جنبش در تجدد است
که بدون [illegible] خصوصی [illegible] اهمیت و قدر آن با کمال
اشکال [illegible] داشته میشود [illegible] قناعت این میکنم که توجه
[illegible] را [illegible] معطوف سازم .

[illegible] اصل [illegible] حق [illegible] که
[illegible] داده شده

اصل هفتم [illegible]

حقوق می‌بخشد ([illegible] صفتهای [illegible] و [illegible] توجه
تقی‌زاده و امام جمعه خوئی که این بحث را مخصوصاً اتابک مرحوم
مطرح نموده و درمیان گذاشت، تقریباً آن [illegible] اسباب هیجان و تزلزل
مجلس گردید) .

اصل یازدهم — ممنوع بودن [illegible] محاکم [illegible] منتظمه
و نداشتن حق آن را

اصل سیزدهم — مصون بودن منزل و مسکن از
تعرض و دخول

اصل هیجدهم — آزادی معارف و تعلیمات

اصل بیستم — آزادی مطبوعات

اصل بیست یکم — آزادی مجامع

اصل بیست و ششم ، ۲۷ [illegible] قوای مملکت که ناشی
از ملت است

اصل سی و یکم — [illegible] در اصلاحات قانون اساسی
[illegible] سلطانی [illegible] وزرا در مورد
دستخطهای پادشاهی

اصل هفتاد و یکم و اصل هشتاد [illegible] محاکم عدلیه را
چنانچه درفوق [illegible]

[illegible]

قانون اساسی که مجلس ملی آنرا تصویب نموده و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری مطابق هشتم اکتبر ۱۹۰۷ بصحه شاه موشح گردیده .

قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیهٔ مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار بصحه مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفر الدین شاه قاجار نور الله مضجعه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است

کلیات

اصل اول مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد

اصل دوم مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و

عامهٔ ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیهٔ آن مخالفتی باقواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه باقواعد اسلامیه بر عهدهٔ علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی نمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هریک از آن مواد معنونه که مخالفت باقواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود

اصل سوم حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون

اصل چهارم پایتخت ایران طهران است

اصل پنجم الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ

و علامت شیر و خورشید است

اصل ششم جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثنا میکند

اصل هفتم اساس مشروطیت جزءاً و کلاً تعطیل بردار نیست

حقوق ملت ایران

اصل هشتم اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود

اصل نهم افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید

اصل دهم غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت باو اعلام و اشعار شود

اصل یازدهم هیچکس را نمیتوان از محکمه که باید درباره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمحکمه دیگر رجوع دهند

اصل دوازدهم حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون.

اصل سیزدهم منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده

اصل چهاردهم هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح میکند

اصل پانزدهم هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تادیه قیمت عادله است

اصل شانزدهم ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون

اصل هفدهم سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون

اصل هیجدهم تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد

اصل نوزدهم تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد

اصل بیستم عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند

اصل بیست و یکم انجمنها و اجتماعاتیکه مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین باخود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در اینخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند

اصل بیست و دویم مراسلات پستی کلیتاً محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثنا میکند

اصل بیست و سیم افشا یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند .

اصل بیست و چهارم اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است

اصل بیست و پنجم تعرض نسبت بمامورین دیوانی در تقصیرات راجعه بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که

رعایت قوانین مخصوصه در اینباب باید بشود

قوای مملکت

اصل بیست و ششم قوای مملکت ناشی از ملت است طریقهٔ استعمال آن قوی را قانون اساسی معین مینماید

اصل بیست و هفتم قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود

اول قوهٔ مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هریک از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحهٔ همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصهٔ مجلس شورای ملی است .

دوم قوهٔ قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات .

سیم قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولتی بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا میشود بترتیبی که قانون معین میکند .

اصل بیست و هشتم — قوای ثلثهٔ مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهند بود .

اصل بیست و نهم — منافع مخصوصهٔ هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه می شود

حقوق اعضای مجلس

اصل سی ام — وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنهارا انتخاب نموده اند

اصل سی و یکم — یک نفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هردو مجلس را دارا باشد

اصل سی و دوم — چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود

اصل سی و سوم — هر یک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند

اصل سی و چهارم — مذاکرات مجلس سنا در غیاب انعقاد مجلس شورای ملی بی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم — سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده

اصل سی و ششم — سلطنت مشروطهٔ ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاه السلطان محمد علی شاه قاجار ادام الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود

اصل سی و هفتم — ولایتعهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب برتبهٔ ولایتعهد نایل میشود و هرگاه در صورت مفروضه اولاد ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهد باو خواهد رسید

اصل سی و هشتم — در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجلسین شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود

اصل سی و نهم — هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزرا بقرار ذیل قسم یاد نماید

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام‌الله مجید و
بآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام همّ خودرا مصروف
حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت وحقوق ملت را محفوظ و
محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق
آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی
عشری سعی وکوشش نمایم ودر تمام اعمال و افعال خداوند عزّ شأنه
را حاضر وناظر دانسته منظوری جز سعادت وعظمت دولت و ملت
ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان درخدمت بترقی ایران توفیق
میطلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم

اصل چهلم همین طور شخصی که بنیابت سلطنت
منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور
فوق را یاد نموده باشد

اصل چهل و یکم در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای
ملی ومجلس سنا لزوماً منعقد خواهند شد وانعقاد مجلسین زیاده از ده
روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد

اصل چهل و دوم هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هردو
یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای
جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق
حاضر و مجلسین منعقد میشود

اصل چهل و سیم شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب
و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت
دیگری شود

اصل چهل و چهارم شخص پادشاه ازمسئولیت مبری است
وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند

اصل چهل و پنجم کلیه قوانین ودستخط های پادشاه در
امور مملکتی وقتی اجرا میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده
باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان
وزیر است

اصل چهل و ششم عزل و نصب وزراء بموجب فرمان
همایون پادشاه است

اصل چهل و هفتم اعطای درجات نظامی و نشان و
امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است

اصل چهل و هشتم انتخاب مأمورین رئیسهٔ دوائر دولتی
از داخله و خارجه باتصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر
در مواقعی که قانون استثنا نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین
راجع بپادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح
میکند

اصل چهل و نهم صدور فرامین و احکام برای اجرای
قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین
را تعویق یا توقیف نماید

اصل پنجاهم فرمانفرمائی کل قشون بری و بحری
با شخص پادشاه است

اصل پنجاه و یکم اعلان جنگ و عقد صلح
با پادشاه است

اصل پنجاه و دوم — عهدنامه‌هائی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعده یکهزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محذور همین که منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورای ملی و سنا اظهار شود

اصل پنجاه و سوم — فصول مخفیه هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود

اصل پنجاه و چهارم — پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر بانعقاد فرمایند

اصل پنجاه و پنجم — ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است

اصل پنجاه و ششم — مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد

اصل پنجاه و هفتم — اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم — هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آن که مسلمان و ایرانی الاصل و تبعهٔ ایران باشد

اصل پنجاه و نهم — شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمی‌توانند بوزارت منتخب شوند

اصل شصتم — وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر

موردی که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموری که محول بایشان است حدود مسئولیت خود را منظور دارند

اصل شصت و یکم — وزراء علاوه بر این که بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند

اصل شصت و دوم — عده وزراء را برحسب اقتضا قانون معین خواهد کرد

اصل شصت و سوم — لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است

اصل شصت و چهارم — وزراء نمی‌توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند

اصل شصت و پنجم — مجلس شورای ملی یا سنا میتوانند وزرا را در تحت مؤاخذه و محاکمه در آورند

اصل شصت و ششم — مسئولیت وزراء و سیاستی که راجع بآنها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل شصت و هفتم — در صورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا باکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود

اصل شصت و هشتم — وزرا موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان درعهده گیرند

اصل شصت و نهم — مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود دیوانخانهٔ مزبوره باحضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائرهٔ خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوی از دائرهٔ ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد

تبصره — مادامی که محکمهٔ تمیز تشکیل نشده است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعدهٔ متساوی نیابت محکمهٔ تمیز خواهد نمود

اصل هفتادم — بیان تقصیر و مجازات وزرا در مواقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور دائرهٔ خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم — دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرائط است

اصل هفتاد و دوم — منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثنا نماید

اصل هفتاد و سیم — تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمهٔ برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید

اصل هفتاد و چهارم — هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون

اصل هفتاد و پنجم — در تمام مملکت فقط یک دیوانخانهٔ تمیز برای امور عرفیه دائر خواهد بود آنهم در شهر پایتخت و این دیوانخانهٔ تمیز در هیچ محاکمه ابتدائاً رسیدگی نمیکند مگر در محاکمی که راجع بوزراء باشد

اصل هفتاد و ششم — انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفا را محکمه اعلان مینماید

اصل هفتاد و هفتم — در مادهٔ تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود

اصل هفتاد و هشتم — احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود

اصل هفتاد و نهم — در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود

اصل هشتادم — رؤسا و اعضاء محاکم عدلیه بترتیبی که

دیوان عدلیه معین می‌کند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند

اصل هشتاد و یکم – هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید

اصل هشتاد و دوم – تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او

اصل هشتاد و سوم – تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است

اصل هشتاد و چهارم – مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هشتاد و پنجم – رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفه دولتی را بنمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد

اصل هشتاد و ششم – در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است

اصل هشتاد و هفتم – محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد

اصل هشتاد و هشتم – حکمیت منازعات در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است

اصل هشتاد و نهم – دیوانخانه عدلیه و محکمه‌ها احکام و نظامنامه‌های عمومی ایالتی و ولایتی و بلدیرا مجری خواهند داشت که با قوانین مطابق باشند

در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نودم – در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است

اصل نود و یکم – اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نود و دوم – انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره

اصل نود و سوم – صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود

در خصوص مالیه

اصل نود و چهارم – هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود

مگر بحکم قانون

اصل نود و پنجم مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود

اصل نود و ششم میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی باکثریت تصویب و معین خواهد نمود

اصل نود و هفتم در موضوع مالیات هیچ تفاوت و امتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهد شد

اصل نود و هشتم تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است

اصل نود و نهم غیر از مواقعیکه قانوناً مستثنی میشود بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی

اصل صدم هیچ مرسوم و انعامی بخزانه دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون

اصل صد و یکم اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود

اصل صد و دوم دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرره تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبات

مختلفه کلیه ادارات دولتیرا نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید منضماً بملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید

اصل صد و سوم ترتیب و تنظیم این اداره بموجب قانون است

قشون

اصل صد و چهارم ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است

اصل صد و پنجم مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود

اصل صد و ششم هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و عبور کند مگر بموجب قانون

اصل صد و هفتم حقوق و مناصب و شئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون

سواد دستخط مبارک همایونی

بسمه تبارک و تعالی

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و [illegible]

[illegible]

۲۹ [illegible] ۱۳۲۵ [illegible]

[illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

عملا در حصول فراهم آوردن ترتیبات تحریم و دعوت ائمهٔ اروپائی میمایند ـ در کرمان شاه خبر مراجعت [illegible] الدوله حاکم بیکفایت سابق باعث شده است که بی‌نظمی واغتشاش تجدید یابد ـ استراباد که [illegible] موقع غارت تراکمه واقع گردیده و [illegible] معروف بین مشهد و طهران میدان جدال [illegible]

[illegible] موجود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کاسه روی هم رفته [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] مجلس تصویب خواهد نمود
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۶۱

[illegible] ۲۵ [illegible]
[illegible] ۷ نوامبر ۱۹۰۷

[illegible] که در ظرف [illegible]
[illegible]
[illegible] ۶۱

قسمتی از ترجمهٔ [illegible] کابینه

طهران

[illegible] کابینهٔ جدید [illegible] توسط مجلس [illegible] [illegible] کابینهٔ جدید [illegible] ذیل است .

وزیر مالیه و رئیس الوزرا [illegible] – جی – سی – ام – جی
وزیر داخله [illegible]
وزیر امور خارجه [illegible] – جی – سی – ام – جی
وزیر عدلیه [illegible]
وزیر جنگ [illegible]
وزیر معارف [illegible]
وزیر [illegible] [illegible]
وزیر تجارت و گمرک [illegible]

[illegible] ۱۹۰۷ [illegible]

[illegible]

[illegible] مرحوم [illegible]

[illegible]

حکومت [illegible] آن که [illegible] اولت قتل [illegible] فلاسون [illegible] حشده است صوت وحکمرانی حتی در موارد قتل را [illegible] مصدی وحکم فرماست ـ یکی ازاشخاص که مرتکب [illegible] درقشولگری شخص احمدرنموده بودمتر [illegible] (فلاسون) ورا دستگیر و [illegible] هر شخص درکوچه ها قتل [illegible]

رشت

[illegible]

[illegible]

کرده و برده اند .

سیستان

قنسول دولت انگلیس [illegible] اطلاع و راپورت میدهد که در [illegible] که بگردش و تفرج [illegible] در [illegible] [illegible]

کرمان

[illegible] کرمان و [illegible] دوباره غارت کردند و [illegible] [illegible] کردند که [illegible] [illegible]

[illegible] که در [illegible] شده بود در [illegible] حکمران [illegible] [illegible] حکومت [illegible] [illegible] مجروح کردند [illegible] مردم [illegible] [illegible] شده [illegible]

حکومت را در خواست و استدعا نموده – این موضوع درطهران و مجلس شورای ملی مطرح گفتگو وعاقبت حاکم معزول گردید ولی تاکنون بجای او حاکمی معین نشده است .

شیراز

برخی از دعاوی دولت انگلیس انجام یافت و خسارت اموال مسروقهٔ قاصد مامور علم را که هنگام سرقت خورجین های پستی قنسولخانه مفقود شده بود پرداختند لیکن هنوز قرار دادی بردعاوی عمده داده نشده است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] که [illegible] و [illegible] در حضور [illegible]

[illegible]

ضمیمه خلاصهٔ وقایع ماهیانه تاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

اصفهان

[illegible]

مشهد

[illegible]

حوالی میاندشت تاخته هفت نفر مقتول و پنجه زن اسیر و نیز عدهٔ کثیری گوسفند یغما بردند و بنا بر اخبار اخیره چپ و لچه‌را هنگامیکه مراجعت میکردند دهبان در محل دیگر عقب نشسته فرار دادند و زنان و گوسفندها را [illegible] جهت آن [illegible] آوردند – محض سپهدار را برخاست اردوئی برای سرکوبی‌اشان مقرر نمود ولی ظاهراً موئی‌الیه اکنون [illegible] امتناع دارد .

نمره ۶۲

[illegible] ([illegible] ۲۵ نوامبر) [illegible] نوامبر ۱۹۰۷

[illegible]

([illegible]) [illegible]

[illegible]

تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ هجری (۲ نوامبر ۱۹۰۷)

مراسله آنجناب جلالتمآب [illegible] شوال ۱۳۲۵ هجری مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی که حاوی و متضمن [illegible] بود [illegible]

[illegible] انگلیس و روس [illegible] و
[illegible] وصول [illegible] .

[illegible] و خاطر [illegible]
[illegible] فرمود که قرار داد [illegible]
[illegible] روس [illegible] آن قرار
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible]

[illegible]

([illegible])

نمرهٔ ۶۳

مکتوب [illegible]

[illegible] . . . از وزارت امور خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۰۷

مراسلهٔ مورخه سی و یکم ماه گذشتهٔ شما که [illegible] بود
بر عدم تأدیه [illegible] ۱۹۰۳ و ٤ دولت انگلیس و [illegible]
دولت ایران راجع [illegible] اسهلاك [illegible] قرضه وصول کردند
[illegible]

[illegible]

([illegible]) [illegible]

نمرهٔ ۶٤

مکتوب [illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

٦٥

[illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

٦٦

[illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

[illegible]

٦٧

[illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

٦٨

[illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

[illegible] صبح [illegible] شاه [illegible] آمده و [illegible] متفرق شدند — [illegible] در [illegible] مجلس و در فرستادن قزاق برای حفظ [illegible]

[illegible] ۶۹

[illegible] — (وصول ۱۵ دسامبر)

[illegible] طهران مورخهٔ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷

[illegible] دوله که ازطرف مجلس حضور [illegible] رئیس مجلس [illegible] آن [illegible] رئیس [illegible]

[illegible] که [illegible] جوهر [illegible] شود که [illegible] حاصل شود [illegible] که [illegible]

[illegible] ۷۰

[illegible] (وصول ۱۶ دسامبر)

[illegible] طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

[illegible] کردند [illegible] که [illegible] کردند که [illegible]

را همراه وی روانه دارم چنانچه با اتابک مرحوم که در سنهٔ ۱۸۹۷ بعم تبعید گردید فرستاده شد — من گفتم حالیه اسکار را متوام شود ولی مجددا دونفر غلام درخدمت ایشان روانه میدارم .

وقتیکه وی گرفتار آمد (رجوع فرمائید به تلگراف مورخهٔ ۱۵ [illegible]) مجلس برهم خورد و انجمنها که جزو حقیقی مجلس [illegible] مجهول [illegible] و [illegible] دادند و [illegible] گردیدند و در انجا علنا [illegible] توقیف بوده تا وقتی که [illegible] کردند .

[illegible] که معموم [illegible] کردند [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] طهران [illegible]

[illegible] طرف مجلس [illegible]

هیچ علامت خطری [illegible]

[illegible]

[illegible] ۷۱

[illegible]

[illegible] مورخهٔ ۱۶ [illegible] ۱۹۰۷

[illegible] رجوع [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲

[illegible] ۱۶ [illegible]
[illegible] ۱۶ [illegible] ۱۹۰۱

[illegible]

[illegible] ۱۳

[illegible] ۱۱ [illegible]
[illegible] ۱۷ [illegible] ۱۹۰۱

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۴

[illegible] ۱۱ [illegible] ۱۹۰۷

[illegible]

[illegible] ۱۵

[illegible] ۱۹۰۱

[illegible]

[illegible]

نمره ۷٦

[illegible] ۱۹ دسمبر ۱۹۰۷

[illegible]

نمره ۷۷

[illegible] ۱۹ دسمبر ۱۹۰۷

[illegible]

با این اوضاع پلتیکی گویی هرچه زودتر شما باشی دولت ایران اطلاع دهید که اکنون مدتی است تادیه منافع قروض بتعویق افتاده و تا ترتیباتی که شما داده میشود مختار خواهید بود که اصرار نمائید آنرا بفوریت بپردازند

علاوه هرگاه مقتضی بدانید بایشان اطلاع بدهید که اگر در پذیرفتن شروط قرار دادها تسامح ورزند بدون هیچ تأخیری مطالبه خواهیم نمود که فوراً قسط استهلاك را اصل دارند .

نمره ۷۸

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری - (واصله ۲۱ دسمبر) طهران مورخه ۲۱ دسامبر ۱۹۰۷

وضع طهران

[illegible]

[illegible] و [illegible] که
وی در خصوص سلطنت دارد تحمل نمائیم

نمرهٔ ۷۹

مکتوب سر [illegible] نیکلسن به سر ادوارد گری — (وصول ۲۳ دسامبر) سن پطرزبورغ بتاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

وزیر امور خارجه — (دولت بهیه روسیه) — راپورتی را که توسط وزیر مختار روس مقیم طهران راجع باقدامات متفقه [illegible] و مستر مارلینگ در خصوص امور ایران وصول نموده بود برای من [illegible] — بنا برعقیده مسیو ایزولسکی اقدامات شان موجه و شایسته بود — [illegible] که [illegible] بود [illegible] [illegible] خویش [illegible] وزیر مختار روس مفصلا شرح داده است — و جناب مسیو ایزولسکی [illegible] آن اقدامات [illegible].

[illegible] که مسیو ایزولسکی میگوید [illegible] کمک و [illegible] نموده ولی [illegible] بی‌طرفی و عدم مداخله [illegible] کردند.

مشار الیه [illegible] در موقع خطر [illegible] و [illegible] کردن [illegible] توسط [illegible] روس و انگلیس [illegible] موضوع [illegible] مسیو ایزولسکی [illegible] مختار روس [illegible] گردیده بود.

من [illegible] دولت [illegible] طهران [illegible] دادم.

نمرهٔ ۸۰

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری — (وصول ۲۳ دسامبر) طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

وزیر مختار روس و من [illegible] اردو دار سلطنتی مراجعت کرده [illegible] آزادی [illegible] وضع [illegible] عرض نمود [illegible] که [illegible] [illegible] نموده [illegible].

[illegible] مشروطه [illegible] [illegible] ملاحظه کند که [illegible] [illegible].

نمرهٔ ۸۱

مکتوب سر ادوارد گری بمستر مارلینگ
وزارت امور خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷

[illegible] دولت روس [illegible] [illegible] در [illegible] و [illegible] سلطنت [illegible] که [illegible] دولتین روس و انگلیس [illegible] و [illegible].

[illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible].

نمرهٔ ۸۲

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (وصول ۲۳ دسامبر)

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۷

[illegible] روزی که مستر گرهم مکتوب [illegible] فرستاده معلوم شد که وضع شیراز [illegible] بتوسط [illegible] مکرری [illegible] که [illegible] [illegible] و [illegible] این موضوع [illegible] مخصوصی [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] و [illegible] در [illegible] مخاطره [illegible] و [illegible] که [illegible] علاء الدوله که [illegible] حکومت [illegible] [illegible] خویش [illegible] گردد [illegible] وقوع [illegible] [illegible] جلوگیری شود و [illegible] آن [illegible] نموده که [illegible] [illegible] رفتن [illegible] ملاقات [illegible] فرمایند ـ [illegible] بتوسط [illegible] [illegible] ملاقات [illegible] مذکور [illegible] موجود [illegible] [illegible] که دولت [illegible] [illegible] شیراز [illegible] [illegible] نموده است .

[illegible] صبح [illegible] در وضع طهران [illegible] [illegible] که ممکن بود [illegible] در [illegible] مشغول [illegible] وی [illegible] کنند که در [illegible] [illegible] علاء الدوله [illegible] [illegible] آن ولایت [illegible] [illegible] [illegible] گردند ـ [illegible] خویش [illegible] [illegible] در صورتی که لازم [illegible] [illegible] جمع آوری [illegible] [illegible] که [illegible]

[illegible] خواهد [illegible] و گفتم اگر آن صورتی که من در [illegible] و [illegible] صحیح باشد پس علاج در این است که [illegible] الملک و [illegible] دولت [illegible] هر دیگر را [illegible] شیراز [illegible] و [illegible] که دیگر [illegible] [illegible] [illegible] خواهد شد ـ جناب ایشان انکار داشتند که این طریق بهترین طریق است ولی ملتفت شدم که دولت قدر کافی آن [illegible] در خود نمی بیند که این کار [illegible] ـ و من گفتم این مسئله خیلی [illegible] است [illegible] [illegible] نمودن [illegible] در [illegible] است [illegible] وحشی ـ این گروه [illegible] و [illegible] و حتی [illegible] اقدام [illegible] [illegible] هرگونه [illegible] جلوگیری نمود . . . . . .

(امضاء) [illegible]

ـ ۳۰ نوامبر ـ [illegible] [illegible] نامه بود که علاء الدوله [illegible] [illegible] که [illegible] برود [illegible] دولت [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible]

[illegible]

نمره ۸۳

[illegible] مکتوب [illegible] گری (واصله ۲۳ نوامبر)

از طهران ۲۵ نوامبر

[illegible] [illegible] جنرال قونسولگری [illegible] که [illegible] [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۸۳

[illegible]

[illegible] اراکه

۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حاکم ظالم اموال وی و برادرش را بغارت برده است و اکنون یکهزار سوار ملی مستعد مهیا اگر دولت پول بفرستد میتواند با برادرش دویست هزار سوار حاضر نماید .

لشکر نویس باشی گفت سوار بسیار است ولی پول نیست وعلاوه ازطرق تعجب اظهار داشت که البته بسیاری ازاین سوارها تنها اسمشان در روی کاغذ موجود است و آن اشخاصی هم که درحقیقت موجودند بیشتر آنها بدل وکم جرئت میباشند — مگر عمل مخصوص الهی شامل احوال ایشان بشود تا بتوانند کاری از پیش ببرند .

بالاخره رای انجمن بر این قرار گرفت که ازدولت استدعای تهیه و فرستادن وجوهات لازمه برای این رؤسا نمایند وایشان آن وقت درعهده بگیرند که سوار صحیح جمع آوری نموده حاضر نمایند — بنا بر این مکتوبی بفرمانفرمای خراسان نوشته ترتیب پیدا نمودن پول لازمه را بوی راهنمائی کردند .

هم در این حال از طهران تلگرافات مؤکده برکن الدوله مخابره شد و بر او فشار آوردند که مشغول اقدامات شود — ایشان مکرر بمجلس شده تلگرافات عرض نموده استدعای کمک ودرخواست دستور العمل میداشت ولی موفق بهیچگونه جواب صریحی نگردید — آنگاه بانوری وسالار مکرم مشورت طولانی نمود ونتیجه چنین بخشید که مخصوصا بانبار ذخیره رفته مقدار معتنابه کمک با مهمات از آنجا بیرون آورند وبرای حاکم سبزوار بفرستند مهیا راپورت رسید که بهیچوجه کمک فرستاده نشد زیرا تمام تفنگها را از این پیش

آصف الدوله و مظفر نظام برای فائده شخصی خود فروش رسانیده بودند — علاوه حکم شد که دو عراده توپ ازمشهد بسبزوار روانه دارند و نیز پانصد نفر سرباز فوج قره پانصد سوار از ترت حیدری عازم آن ولایت شوند لیکن محل تردید است که آیا آنها حاضر خواهند گردید !

نمره ۸۴

مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری — (وصول ۲۳ دسامبر)

آقا — از طهران ۴ دسامبر ۱۹۰۷

وقایع یکماهه ایرانرا که در طرف چهار هفته اخیر اتفاق افتاده وهمچنین خلاصه صورت جلسات مجلس ملی را درطرف همان مدت بانضمام افتخار لفا ارسال میدارم

(مضا) — چارلس — م مارلینگ

ضمیمه ۱ در خلاصه وقایع یکماهه ایران

طهران

مطلب عمده قابل توجهی که در طرف یکماه در طهران وقوع انجامید همانا منازعه بین شاه ومجلس بود که مفصلا راپورتش داده شده است .

روز ۲۱ نوامبر مابین برخی ازسربازهای محلی ابوابجمعی امیر بهادر و بعضی از قزاقها که در تحت فرماندهی کلنل لیاخوف میباشند نزاع سختی در پیوست ودر بیست وهشتم همان ماه عدهٔ از

سربازهای ظفرالسلطنه در حالت مستی دو نفر را در کوچه‌ی طهران هدف گلوله گردانیده بقتل رسانیدند. احمد مقتولین را به خانه آقا سید عبدالله مجتهد انتقال دادند و [illegible] کردند [illegible]

[illegible]

تبریز

[illegible] آمدند [illegible] اطراف. مخصوصاً قره‌چه داغ ـ خوی و سلماس نیز

[illegible]

رشت

[illegible]

[illegible] حکومت مجبور شد که [illegible]
[illegible] که [illegible] دیگر شود [illegible] و [illegible]
[illegible] در گذشت .

استراباد

[illegible] که در اواخر ماه [illegible]
[illegible] سوارهای را که [illegible] نزدیک استراباد تاخت
[illegible] کنند وحتی اردها را [illegible] ورمه
[illegible] بردند

مشهد

در [illegible] کمر [illegible]
[illegible] حمله کردند .
حتی که از حملات و [illegible] [illegible]
[illegible] شهر مشهد [illegible]

اصفهان

وضع اصفهان [illegible] در طرف [illegible] بود .
آن [illegible] کلیه معاملات تجارتی را با کمپانی های اروپائی عقد
ساختند ـ ولی چون بانکی از شرکتهای داخلی که [illegible] احساس

خارجه [illegible] خرید و فروش
[illegible] که کمپانی [illegible]
[illegible] کمپانی دیگر [illegible]
که [illegible] را مشغول کسب باشند ـ تجار
ایرانی که با کمپانیهای اروپائی طرف معامله هستند به آنان شکایت
[illegible] که [illegible] خارجه [illegible]
[illegible] که
در [illegible] خودش [illegible]
[illegible] خارجه ایران [illegible]
و [illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] اصفهان
[illegible]
خودش [illegible]

شیراز

[illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] و
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تلگراف شود که سربازهای مستحفظ بانک امنیه را ترک نموده و
آنهارا بدون محافظ گذاشته اند — در این خصوص سعی دولت
برای اظهار مؤکد میشود .

کاشان

تلگرافچی تلگرافخانه هند و اروپ مقیم کاشان تلگراف
نموده که عثمانی [illegible] وزارت تلگرافخانه
هندی شدت [illegible] که [illegible] واسطه [illegible] خارج
شدن از تلگرافخانه بود — این واقعه بر موضوع اظهارات مؤکد
دولت افزون گردید .

کرمان

در شب دوم ماه اکتبر حوالی سوختهٔ [illegible]
شکست در بیوت و بعضی از کوله‌ها بالای آن [illegible] — عقیده
[illegible] که شکست [illegible] و واداران
ربوده [illegible] که شهر [illegible] آمده و [illegible] واسطه
مانع از معاودت شاهزادهٔ سیف الدوله خود شروع نمودند — ظهیر
الدوله درماه نوامبر بحکومت منصوب گردید .

روز بیست و پنجم ماه اکتبر شخص سیدی به مکتب پیرمرد
یهودی مستخدم مدرسهٔ کلیمیان حمله آورد — برادر امام جمعه که از
اینجا میگذشت بسید ملحق گردید و سربازهای قراول مدرسه [illegible]

[illegible]

بندر عباس

[illegible]

یزد

[illegible]

گردید و ضرب قرار نمود ـ حضرت اعلیحضرتی در این خصوص
بدولت ایران اظهار نموده است .

شیراز

قنسول دولت فخیمه روز سوم دسمبر تلگراف نمود که
در شیراز و نیز در سمت فارس هرج و مرج و بی نظمی مزید داده
و ایلات از تحت اطاعت خارج شده و در شهر منتظر مشکلات و
زحمات سخت تر باید بود ـ رئیس الوزرا بشارژدافر دولت انگلیس
اطلاع داده است حکومت تا حاکم فرستاده شود هیچ کاری نمیتوان
انجام داد ـ وحالیه خبر داده شد که بالاخره علاء الدوله درصورتی
که شروطشرا تماما بپذیرند راضی برفتن گردید ـ عقیده مستر
گرام است که اگر [illegible] از شهر شیراز خارج نشد در
اوضاع بهبودی حاصل خواهد شد لیکن حاکم خالی باقوات قشون
مسلح لازم [illegible] را جمع نمایند و در صورتیکه
علاء الدوله [illegible] برود [illegible] انجام خواهد داد .
مستحفظین قنسولگری بالمضاعف خواهند بود [illegible]
که اوضاع بهبودی حاصل شد .

مشهد

ترکمه قوچان حمله آورده وقشون دولتی را شکست دادند

بندر عباس

مامور مقیم دولت اعلیحضرتی در بوشهر روز اول دسمبر

تلگرافا خبر داد که قنسول دولت فخیمه مقیم بندر عباس راپورت
فرستاده است که بواسطه شرارت ایلات اوضاع آنجا بسختی و در
[illegible] گردیده [illegible] داده است که کشتی اعلیحضرتی
موسوم به لاپینک بدانسمت حرکت نماید .

ملفوفه دوم در لف نمره ۸۴

یادداشت مستر چرچیل راجع بمجلس شوری ملی
از بیست و نهم نومبر تا دوم دسمبر ۱۹۰۷

[illegible] که در [illegible] سرحد
[illegible] بود در ۱۲ نومبر [illegible]
[illegible] و [illegible] هر طبقة
[illegible] و [illegible] حفظ
[illegible] عمل آوردند [illegible]
[illegible] و [illegible] که طرفین [illegible]
[illegible] طرف مجلس [illegible]
[illegible] رئیس مجلس [illegible]
۳۸ [illegible] ملفوفه ۸ [illegible] ۱۹۰۷ [illegible] بود که
[illegible] رئیس [illegible]
[illegible]
[illegible] در این مجلس [illegible] بود
[illegible] و [illegible] مجلس و [illegible]
شده و مجلس موجود بود [illegible] طرف کار
[illegible] که بواسطه مردم

الجهر لا يستوي عند الله حال الصالح والطالح والمحسن والمسيء ومن سوى بينهم [illegible]
[illegible] عظها و

ما هو جواب له كان قائلا قال فإذا قال سلمنا لأنه موضع مقتضى [illegible] ظاهرا
وهو الاشتغال عن الله بأمر الدنيا حتى تفوت الصلاة عن وقتها وهذا إذا ذكرنا [illegible]

[illegible] آمده

[illegible] ۱۱ [illegible]

[illegible] کمیسیون [illegible] مجلس [illegible]

[illegible]

[illegible] کمیسیون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] گردید که [illegible]

[illegible]

[illegible] مجلس [illegible] کرده [illegible]

[illegible] کردند.

[illegible] روز ۱۹ نوامبر [illegible] مجلس [illegible]

[illegible]

و اعانیکه هر یك تعهد کرده بودند مبلغ [illegible] بانك ملی اعانه دهند فشار وارد آمد که [illegible]

روز ۲۱ نوامبر [illegible] دو مخبر [illegible]

[illegible] که [illegible] مردم [illegible] رضایتی از روش مجلس در کارها [illegible] در مجلس چنین اظهار داشت که [illegible] حکومت مشروطه و سلطنت مشروطه [illegible] و مجلس [illegible] که [illegible] هیچ [illegible]

[illegible]

در [illegible] دوم نوامبر [illegible] عده و [illegible] مجلس آمده و در موضوع رفورم و انتظام [illegible] در این خصوص هیچ [illegible] ولی وزیر [illegible] که در ظرف [illegible] طرح رفورم [illegible] مجلس [illegible] رئیس مجلس گفت که [illegible] آن [illegible]

[illegible]

روز ۲۳ نوامبر [illegible] کمیسیون [illegible] که وظیفه آن [illegible] در کارهای آن [illegible] و مجلس [illegible]

[illegible] و [illegible] مجلس انتخاب شوند .

دسایس کارکنان شاه مخصوصا سعد الدوله که اوضاع فتنه و آشوب [illegible] میکرد [illegible] مصنوعی [illegible] که بطرف تهران کشیده بودند و [illegible] روز ۲۱ نومبر [illegible] صبح وشلوغ آمده وموضوع مذاکرات [illegible] در مجلس گردید که [illegible] داده بین شود [illegible] خارج شود ومجلس [illegible] خصوصی [illegible] که [illegible] و [illegible] سعد الدوله و [illegible] و [illegible] و وکلا [illegible] که [illegible] مملکت [illegible] که [illegible] کنند که [illegible] کوشش [illegible] خصوصی [illegible] و کابینهٔ [illegible]

روز ۲۷ نومبر جلسه خصوصی در مجلس [illegible] کردند [illegible] مجلس اعلام نمود که [illegible] مجلس [illegible] و وکلا [illegible]

روز ۲۸ نومبر در جلسهٔ علنی دستخط [illegible] خطاب [illegible]

که روز قبل شرفیاب حضور شده بودند قرائت گردید . اعلیحضرت شاه لزوم تفکیک وظائف قوهٔ مجریه حکومترا از تکالیف قوهٔ مقننه مجلس اصرار فرموده و اوضاع بی نظمی اسف آمیزی که مملکت دچار آمده بسیار مهم شمرده وبالاخره تاکید داشتند که انجمنهائی که بدون هیچ حقی در امور دولت مداخله مینمایند ومحل تشویش عامه هستند بر چیده شوند و مسبوق گردانیدند که [illegible] شده است آنهارا موقوف و منحل سازند . مجلس [illegible] آنکه [illegible] کمال دقت تحقیق شود که چه حوادثی در [illegible] شود [illegible] اعلیحضرتی [illegible] که مجلس [illegible] وظائف هیئت مجریه [illegible] و [illegible] در وضع قوانین و [illegible] ان رجوع [illegible] ۲۱ [illegible] که مجمع [illegible] ولی قول دادند که [illegible] برای [illegible] نوشته شود

(امضا) جی - بی - چرچیل

نمره ۸۵

[illegible] (واصله ۲۳ دسامبر)
از طهران بتاریخ [illegible] دسامبر ۱۹۰۷

[illegible] و بی [illegible] دولت [illegible] درجه [illegible]
ولی [illegible] که [illegible] بوده [illegible]
[illegible] در [illegible] وضع مملکت هر چند

[illegible]

[illegible]

دومین میدان جنگ شدیدی بین نوکرهای دو نفر از اعیان آنجا واقع گردیده و اجزاء تلگراف حاضر شده و اروپائیان مدتی گرفتار مخاطره بودند و لیکن هیچ بنظر نمیرسد که کارگزاران ولایتی هیچ اقدامی در آن خصوص نکرده باشند ـ در اصفهان آقا نور الله و آقا نجفی که یکدیگر را برادرند فراهم آوردن تحریم امتعه اروپائی میکوشند و سه هفته قبل در یزد یکنفر تاجر پارسی مقصد هلاکت حمله گردید و حاکم آنجا نتوانسته است برای بانک شاهنشاهی قراول و مستحفظینی که معمول بوده است حاضر ساخته و در آنجا بگمارد ـ در قسمت شمالی تاخت و تاز راهزنها حکایات شصت سال قبل را در خاطر تجدید میدهد ولی هیچگونه اقدام مؤثری در جلوگیری آنها بعمل نیامده ـ امثال اینگونه وقایع بسیارند ـ لیکن گمان میکنم آنچه را که بیان نمودم کافی باشد برای دانستن اینکه همه جا مقتضیات بی نظمی موجود و حاکم محلی ضعیف است و دولت مرکزی توانائی آنرا ندارد که حفظ نظم را در آنمحل بنماید اینمسئله بواسطهٔ رشت و کردستان ایران که در حال اغتشاش میباشند ثابت میگردد اما چون حکام آندو ولات کافی هستند غالباً راپورتهای مساعد از آنجا میرسد .

سستی و ضعف حکومت جهة عمده اش بلاشک بیحالی فطری اعضای آن است مخصوصا ناصر الملک با این حال از نقطه نظر اهالی مغرب زمین این کابینه از بهترین اشخاص تربیت شده ایرانی انتخاب گردیده ولی بامشکلات عظیمه متصادف آمده اند که عمده آنها خالی بودن خزانه ومخالفت های آشکارای شاه وخدمی

گروه مرتجعین است .

بیپولی دولت از مسلمات است ـ روز دیگر که ناصر الملک را ملاقات کردم ایشان اظهار داشتند که بهیچوجه مالیاتی وصول نگردیده مگر از گمرک که فوق‌العاده ترقی نموده و از عمل کرد تلگراف خانه ومداخل تذکره واینهم کلیه صرف مخارج لازمه شده است ـ و وزرا مشغول مذاکره و گفتگوی طرح نقشهٔ اصلاح جمع آوری مالیات و وضع مالیاتهای جدیده میباشند لیکن تمام اینها طبیعتا منوط بداشتن وقت است ـ پولی نمیرسد که قشون داده شود که مأمور استقرار نظم گردد و بهیچوجه امیدی نیست که باستقراض داخلی موفق شوند و برای آن نیز [illegible] اگر پولی فراهم آید دولت بنابر اوضاع حاضره مجبور است بمصرف بعده برساند .

دوستی حتی سپهدار محتمل در اطوار ایرانیان لشکری خوفناکتر از احتیاج بپول شده ـ هیئت دولت و رؤسای ملت هیچگونه وسائل مسالمت آمیزی نمی‌بینند که بدان واسطه قوای اورا ضعیف ساخته دستش را در کار تخریب کوتاه دارند .

ولی که هنوز صرف اجرای مسائل خویش میباشد معلوم نیست از چه محل جنگ میاورد ـ احتمال قوی میرود که تدارک آن را برخی از مشتاقین وی و بین مرتجعینی که در مدت سیاحت گذشته از طرق تدلیس خواهان و طرفدار تجدد شده بوده می کنند .

نمرهٔ ۸۶

تلگراف مستر اسپرینگ‌رایس به سرادوارد گری – (وصول ۲۳ دسامبر)

[illegible] در تلگراف مورخه ۲۲ [illegible] جاری که [illegible] مخابره فرموده‌اید وزیر مختار روس و من [illegible] بهمین نحویکه در تلگراف خودم بتاریخ ۲۱ همین ماه عرض کرده بودم با [illegible] گفتگو کرده‌ایم.

نمرهٔ ۸۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت امور خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷

درجواب تلگراف مورخهٔ ۲۱ همین ماه شما – [illegible] ولی [illegible] [illegible]

درجواب تلگراف ۲۳ – [illegible] [illegible] حضرتی که مشروط شده و [illegible] شرط [illegible] آن [illegible] [illegible].

در موضوع ولایتعهد [illegible] [illegible] باشند.

نمرهٔ ۸۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارد گری – (وصول ۲۴ دسامبر)

ازطهران بتاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۰۷

[illegible] تلگراف [illegible] وزیر مختار روس و من مکتوبی [illegible] نوشته [illegible] شروط [illegible] خودمان [illegible] کردن [illegible] که دولتین [illegible]

ولیعهد [illegible] ولایت‌عهد [illegible].

نمرهٔ ۸۹

تلگراف سرادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت امور خارجه ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷

شما باید در منازعهٔ شاه و مردمش خودتان کمال بیطرفی را اختیار [illegible] هرگاه اعلیحضرت شاه بخواهد در سفارتخانه [illegible] پناهنده شود شما نمی‌توانید از قبول آن امتناع ورزید [illegible] فقط باحتمال مخاطره [illegible] دیگر [illegible] درصورتی که معلوم [illegible] اعلیحضرت [illegible] خطر [illegible] خواهد بود [illegible] کاملاً [illegible] که [illegible] طرفین و قرار [illegible] [illegible] در موقع [illegible] [illegible] اهمیت داد [illegible] کسی [illegible] که [illegible] [illegible] مشروطه [illegible] [illegible] خارج شود.

نمرهٔ ۹۰

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارد گری – (وصول ۹ ژانویه)

ازطهران بتاریخ ۹ ژانویه ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۶ هجری

خواهشمندم رجوع فرمایید بتلگرافی که در بیست و یکم دسامبر هزارو نهصدو هفت مخابره نموده‌ام.

وزیر مختار روس و من توانستیم دولتین [illegible] پروگرام خودمان را [illegible] از [illegible] بموقع اجرا در آوریم [illegible]

مجلس ملی را از تعهدات و اطمینانی که اعلیحضرت شاه بما داده بودند مستحضر دارم – در همین تاریخ مراسلات متحد المضمونی برئیس مجلس ارسال داشته ایشان را از آنچه اعلام شده بود مطلع ساختیم و یقین ثابت خود را در خصوص این که آن اعلیحضرت عهد خویش وفا خواهند فرمود اظهار داشتیم .

روز چهارم همین ماه مراسلات مذکوره در مجلس قرائت گردید .

نمرهٔ ۹۱

منتخبی از مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری – (واصله ۲۰ ژانویه ۱۹۰۷

از طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

بکمال افتخار وقایع ماهیه ایران را که در ظرف چهار هفته گذشته اتفاق افتاده اینک موافق معمول ارسال میدارم و مذاکرات مجلس نیز در ضمن خلاصهٔ وقایعات سمت ذکر خواهد یافت .

ملفوف نمرهٔ ۹۱

خلاصهٔ حوادث ایران در ظرف چهار هفته گذشته

طهران

مجلس ملی

مجلس منعقد شده و کار کنان ورا در ماه دسامبر درك و بشدت احساس نموده و در این موضوع چنانچه در خلاصهٔ مذاکرات

سابق آن اشارت شد باکمال حرارت بین مذاکرات جریان یافت – این بحران که در پانزدهم دسامبر بمعرض ظهور آمد همانا از اصرار مجلس در تبعید سعد الدوله و امیر بهادر جنگ دوکار کنان مرجع شاه ناشی گردید و مظفریتی که نصیب مجلس شد بیشتر بواسطهٔ انجمنها بود که باقوت اسلحه از آن حمایت نمودند .

مذاکرات مجلس که جلساتش متوالیا انعقاد یافت محتاج به راپورت جداگانه نیست – عمدهٔ آن مذاکرات راجع بحملهٔ ناگهانی شاه بود و کابینهٔ جدید را که فقط سه نفر از اعضای آن تغییر یافتند یعنی نظام السلطنه بجای ناصر الملك و ظفر السلطنه بوزارت جنگ و قائم مقام بوزارت گمرکات و تجارت عاقبت مجلس تصویب نمود ولی در جلسه سی و یکم ماه دسامبر راجع بحوادث جدیده بطور تحقیر مورد استیضاح وکلا گردیدند – حالیه موقع مجلس شاید از سابق قوی تر شده باشد .

کابینه جدید

وزیر مالیه ورئیس الوزرا	نظام السلطنه
وزیر امور خارجه	مشیر الدوله
وزیر جنگ	ظفر السلطنه
وزیر عدلیه	مخبر السلطنه
وزیر معادن وفواید عامه	صنیع الدوله
وزیر تجارت وگمرکات	قائم مقام
وزیر داخله	آصف الدوله

(امضا) جی – پی – چرچیل

منشی شرقی

[illegible]

[illegible] کر [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] روس بوده است.

[illegible] روس [illegible] ۲۵ [illegible]

[illegible] کرده [illegible] ۲۵ [illegible]

روسیه

[illegible] در [illegible] و [illegible] می بودند [illegible] حکومت [illegible] و در ۲۴ [illegible] که [illegible] و [illegible] سنگی [illegible] که [illegible] در ۲۶ [illegible] واقع [illegible] دیگر [illegible] ولایت کردند و [illegible] ادامه دادند.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمرهٔ ۹۲

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری —

(... ۲۰ ... ۱۹۰۷)

از طهران ۳۱ دسمبر ۱۹۰۷

[illegible] که ناصر الملک را ملاقات نمودم [illegible] که روابط [illegible] دولت [illegible] لنگی دلامی [illegible]

[illegible]

درهای مدرسه(خانه) را امر به بستن نمودم و بر دری مختصر اعلام گذاشتم وتوصیه کردم که هرگاه مردم بخواهند داخل شوند مرا مستحضر دارند ولی چنین حرکتی اتفاق نیفتاد

تمام صبح را مجلس منعقد بود و سعی مینمودند که علاء الدوله و ظل السلطان را که هردو در آنجا حضور داشتند [illegible] نزد شاه وادار سازند ولی هردو از پذیرفتن تکلیف مجلس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از سنگچین بالای بامهای عمارات اطراف مشاهده کردم ـ بعضی از
دکاکین چوب مخصوص بار بود و چون از عمدهٔ ورزش ها [illegible] در
[illegible] کاسته شده بود چنین بنظر می آمد که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در عزل و قتل شاه عد دلایل دیگر مختلف کردند ـ درباریان بعضی دوجه افسرده خاطر بودند ـ شاه از جان خویش در خوف وهراس بود ـ اتباع و ملازمانش ازوی کناره نمودند و از هر طرف که میدید که آن علیحضرت بیش از سکینه زنده نخواهد ماند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در کارها اقدام فرموده و در فکر اصلاح مملکت باشند و مصروف مشغول مطالبیکه مخرب اساس مشروطیت است شوند .

[illegible] اطلاع داده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۹۵

[illegible] ۲۰ [illegible]

[illegible] ۱۹۰۸

[illegible]

[illegible]

نمره ۹۶

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴

[illegible] ۱۳۹۰۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خودم .

[illegible] ۱۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

اوامر عده‌را استقلال خواهد کرد ـ ولی اگر رفتن حضرت
اصرار و پافشاری ننمایند البته نتیجه آن جز استقلال حدود شمال
نخواهد بخشید .

میتوانم بگویم که سخنان من خیلی مؤثر واقع شد چه
از وضع و حال ایشان خواستم استفسار کنم لیکن از آن
بعد اطلاع دادم که شیخ و احضار عضدالملک وزیر وزیر مختار
روس موجب آن گردید که سفارت دولت مخصه از اقدام سهل
احتراز کرده شد

رحل شاه بگرفتاری شیخ حضرت و صدرعلام سرگردان
حسین بی مالک وی که در معرض به ... گر [illegible]

[illegible]

ن بعد خواص مردم مخصوص به ... و تصدیق
شیخ حضرت و صدر علام و به حقیق قتل قرمدون زردشتی که در
وزارت عدلیه تشکیل ... متوجه گردید ـ و مذکوراست که ازاین
موضوع پیوسته تدبیری برای قتل آوردن هشت نفر از وکلای
معروف مانند تقی زاده ـ مستشار الدوله ـ احتشام السلطنه و آقا سید
محمد (طباطبائی) نموده شد که محیی السلطان دخیل و عامل
عمده آنست .

[illegible]

[illegible] ۹۹

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

موجب ملال و فتنه گردیده بود [illegible]

[illegible]

و محبوس گردید

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سخت هلاکش نمودند – پس از آن بحاکم اطلاع دادند که هرگاه بعد از این از حد رشد آنان حرکت و اقدامی مشهود گردد نتواند باقی و برقرار باشد – لیکن وی اعتنا داده‌ [illegible] شهر خارج گردند و میگفت [illegible] دویست نفر سوار برای [illegible] فرستاده شود مراتب [illegible] خواهد نمود – شهر در دفعه [illegible] که [illegible]

کرمان

[illegible]

همدان

[illegible]

شیراز

[illegible]

[illegible]

خلیج فارس

بوشهر

[illegible]

بندر عباس

[illegible]

چابهار

[illegible]

موسوم به «پرسپولیس» حکم شد طرف چه بهار حرکت کند
ولی همینکه بدانجا وارد گردید مطلع شد که بلوچها عادات
گمرکخانه جهادار بعهده داشته و کوچ نموده اند ــ در همان وقت
رئیس گوادر بر همین قسم اعمال ارتکاب نمود

(امضا) سی ـ پی ـ ماژور اسنکس

نمره ۱۰۰

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

[illegible] وزارت امور خارجه مورخه ۱۷ نوامبر ۱۹۰۸

در خصوص [illegible] راجع بتلگراف شما مورخه
۲۸ [illegible]

[illegible] در [illegible] ظهور [illegible] و در چهارم
[illegible] سود [illegible] را [illegible] که
[illegible] (وصحیح [illegible]) [illegible].

[illegible] که [illegible] قسط استهلاک [illegible] نموده [illegible]
[illegible] خارجه [illegible]

نمره ۱۰۱

مکتوب [illegible] (وصول ۲۶ نوامبر)
بطهران تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸

برای وصول [illegible] ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ که [illegible]
[illegible] در تلگراف مورخه ۱۹ دسامبر فرموده بودند
آنچه [illegible] کوشش کرده وچون در ۲۷ ژانویه [illegible] الدوله اطلاع
[illegible] خواهد شد [illegible] گردیدم [illegible]

مطلوبه حاصل آمده است ــ روز بعد مسیو مرارد رئیس گمرک
اطلاع داد که دراین خصوص حواله بوی شده و [illegible]
[illegible] تا بدان واسطه بتواند پیش‌بینی کند که در [illegible]
حواله خواهند نمود ــ باین حالات چون لازم است فشار سخت
تری داده شود بدین لحاظ جسارت ورزیده در تلگراف
خود مورخه ۲۸ ژانویه معروض داشتم که اجازه فرمایند بدولت
ایران اطلاع دهم نظر باینکه مدتی است جواب شروط دولت متبوعه
راجع بوصول فوق اقساط استهلاک داده نشده [illegible]
[illegible]

[illegible] اگر [illegible] دولت [illegible]
[illegible] محدود [illegible]
[illegible] کردند [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] واسطه [illegible]
[illegible]
[illegible] عموم [illegible]
[illegible] و لازم [illegible] که
[illegible] شروط [illegible]

روز ۲۶ [illegible] خارجه [illegible] اطلاع [illegible] که
[illegible] خواهد [illegible] ولی [illegible] سؤال [illegible]
[illegible]

[illegible] مسیو مرارد [illegible] گمرک [illegible]
آن [illegible]

معروف است واگذار گردد ومحتمل وجوهیکه برای بدهٔ قرض دولت انگلیس [illegible] شده [illegible] بمصرف اتلاف رساند — مشارالیه [illegible] که مشیرالدوله درموضوع عزل مسیو مرنارد گفتگو مینمودم [illegible] کردم که [illegible] عدم اطلاع میدهند از وجوهات [illegible] مصرف [illegible] آن [illegible] در حوالت [illegible]

[illegible]

مراسم [illegible] از طرف دیگر [illegible] مسیو [illegible] بوده باشد

(امضا) ادوارد گری

مکتوب نمرهٔ ۱۰۱

از سر ادوارد گری به سر مارلینگ

(بدون تاریخ)

[illegible]

[illegible] که وجوه [illegible] و [illegible] که [illegible] اظهار فرموده [illegible] سنهٔ ۱۹۰۳ و ۴ دولت انگلیس [illegible] که موعد آن [illegible] شروط مندرجه [illegible] ۱۳ دسمبر ۱۹۰۷ [illegible] که دولت [illegible] دولت [illegible] دیگر [illegible] خواهد بود [illegible] دستور [illegible] خودم اطلاع میدهم که [illegible] شروطی [illegible] که [illegible] دولت انگلیس [illegible] خواهد بود که [illegible] دارند .

(امضا) ادوارد گری

نمرهٔ ۱۰۳

مکتوب سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت امور خارجه ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

راجع بمکتوب مورخه ۱۰ ماه جاری در خصوص مستحفظین [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمرهٔ ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (وصول ۱۶ مارس)

طهران بتاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

[illegible]

اشان بمن اطلاع دادند که این اقدام را انجام داده و [illegible] داشتند مرا که سواد آن لفا ارسال میشود حضور شما تقدیم کرده‌اند زیرا عریضه [illegible] به آن [illegible]

در همان وقت مستر گراهم راپورت داد که [illegible] و والی امور شیراز سعی دارند با پارسیان دوستی و مراقب رفتار نمایند و او هر تاجری را که کاغذ جات تهدید آمیز بوی ارسال شده بود [illegible] ملتجی گردند پناهش داد

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ بمشیر الدوله

طهران ۵ فوریه ۱۹۰۸

خدمت حضرت اجل عالی ...

چندی گذشته در خصوص وضع زردشتیان [illegible] خصوص شیراز و یزد مطالبی [illegible] مذکور شده ام [illegible] اطلاع دارید [illegible] در طهران [illegible] آورده [illegible].

دولت [illegible] درصورتیکه لازم [illegible] آنجناب می دانم چون [illegible] در آسایش و رفاه زردشتیان [illegible] یزد [illegible] اوضاع را بدون [illegible] لهذا از جناب [illegible] مستدعی هستم که موجب آسایش و [illegible] مردمان [illegible] گونه اقدامی که لازم باشد بالخصوصه فراهم سازند.

آنچه [illegible] راپورت [illegible] که [illegible]

[illegible]

(ضمیمه) [illegible]

نمره ۱۰۴

مکتوب [illegible] وصول ۱۹ [illegible]

طهران [illegible] ۲۹ [illegible] ۱۹۰۸

[illegible] ۱۷ [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] فرستاده [illegible]

[illegible]

[illegible] در تلگراف ۲۸ ژانویه [illegible]

اطلاع دادم که دولت [illegible] دولت ایران [illegible]

است شروط [illegible] قسط [illegible] ۱۹۰۳ و

۱۹۰۴ [illegible] سکوت [illegible] که پذیرفته شده است

[illegible] موجب [illegible] وضع [illegible] خواهد بود

(ضمیمه) [illegible]

[illegible] ۱۰۴

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۸

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۳ و [illegible]

[illegible] ۱۹۰۷ [illegible]

[illegible]

[illegible] سکوت [illegible]

نمره ۱۰۵

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری — (وصول ۱۹ مارس)

از طهران بتاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

با کمال افتخار خلاصهٔ معمولهٔ وقایع و حوادث یکماهه ایرانرا باضمام خلاصه [illegible] از حساب چهار هفته گذشته مجلس ملی لف [illegible]

(امضا) [illegible]

ملفوف نمره ۱۰۵

[illegible] خلاصهٔ وقایع یکماهه

طهران

مجلس ملی . — اوضاع و حالات [illegible] امور که در خلاصه [illegible] داده شده بود بهیچوجه بهبودی حاصل ننموده .

روز ۱۶ فوریه مجلس پس از مباحثات بهیجان عاقبت عزل آصف‌الدوله وزیر داخله را [illegible] که مورد [illegible] محاکمه واقع شده بود [illegible] گرفت — [illegible] این بود که قوام‌الملک را بدون تصویب مجلس اجازه داده بود بفارس مراجعت کند — کابینه را مجدداً تشکیل خواهند داد — وزارت مالیه را صنیع‌الدوله [illegible] نمودند و قرار شد علاءالسلطنه [illegible] رئیس‌الوزرائی [illegible] وزارت خارجه را دارا باشد

احتشام‌السلطنه هنوز بریاست مجلس اشتغال دارد — هیچگونه

اشکال و زحمتی مضاعف حمله و تاختی که روز ۲۸ ژانویه به آقا سید عبدالله آورده بود تولید نگردید زیرا مجتهد مذکور وقعی بان مطلب نهاده بطور بی اعتنائی گذراند .

[illegible] مردم متوحش میباشند که شاه [illegible] دوره [illegible] شروع [illegible] خواهد شود [illegible] که [illegible] حمله [illegible] دیگری [illegible] ولی [illegible] در طرف چهار هفته گذشته آرامی موجود بود [illegible] موقف [illegible] .

[illegible]

انجمن [illegible] برای سفارت برداشته شد که مهمترین آنها انجمن آذربایجان است (بریاست تقی زاده و دارای دوهزار و پانصد و شصت و دو عضو) — انجمن [illegible] میزنند

(امضا) [illegible] — چرچیل

[illegible]

تحریر ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

استراباد

[illegible] که برای حکومت [illegible] گردید [illegible] بود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کاشان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حاکم جنبه برده ومحبوسین را مستخلص نمودند جنگ دوام داشت و از قرار مذکور حاکم عازم طهران است و اهالی از باب حسین طرفداری میکنند از آن وقت تاکنون دولت [illegible] سفارت انگلیسی اطلاع داده که [illegible] و همراهان [illegible] و طهران [illegible] ولی همینکه عزم ورود کردند [illegible] نمودند

سیستان

[illegible] که در ۲۱ نوبه [illegible] برای مشهد فرستاده شد [illegible] و [illegible] بسرقت رفت سواری که همراه آن بود مقتول و مبلغ ۱۰۰۰ تومان [illegible] سرقت شد

کرمان

[illegible] که در [illegible] و حوالی ۲۰۰۰ [illegible] گوسفند بردند

[illegible] در وسط نوبه [illegible] به آن طرف [illegible] و [illegible] حرکت نمودند

شیراز

[illegible] کدخدایان [illegible] و دلکی [illegible] شیراز

[illegible] ۲۷ [illegible] ۲۱ [illegible]

[illegible]

خلیج فارس — بوشهر

[illegible] از طرف [illegible] بوشهر [illegible]

بندر عباس

[illegible] موقوف شده بود [illegible]

شروع گردیده قوافل از کرمان ولار ورود و خروج می کردند قوافل کرمان از راه سیرجان به بم میآمدند راه بفت الی دولت آباد هنوز ناامن است

(امضا) سی بی استوکس ماژور آتشه نظامی

متمم وقایع یکماهه فوریه ۱۹۰۸

سوء قصد نسبت بشاه در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

شاه از ۱۲ نوامبر که بمجلس رفته دیگر تاکنون از قصر سلطنتی بیرون نیامده بود تا امروز ساعت سه بعد از ظهر در حالتیکه بطرف دوشان تپه که در خارج شهر واقعست حرکت مینمود حمله جسورانهٔ بقصد قتل او بعمل آمد

ترتیب حرکت و رفتن شاه [illegible] بود یک اتوموبیل در جلو و یک کالسکه در عقب و مستحفظین سواره و پیاده بطرز معمول موجب بودند [illegible] کمی که از [illegible] قبل از آنکه [illegible] رسید چند نفر از بالای [illegible] شلیک به اتوموبیل که عبور میکرد شاه در آن است گذاردند ظاهراً بواسطه ارتفاع محل اقامت خود توی اتوموبیل و کالسکه‌را نمیتوانستند ببینند دو بمب بطرف اتوموبیل انداخته آنرا بکلی از هم متلاشی نموده دو نفر را مقتول و قریب ۷ نفر را مجروح کردند خود شاه که در کالسکه عقب اتومبیل نشسته بود فوراً بیرون آمده در یک حجرهٔ همان نزدیکی پناه گرفت [illegible] فوراً

اسباب هیجان فوق العاده عده اعلیحضرت شاه پیاده سالماً بقصر مراجعت نمودند

دکتر لیندلی اعلیحضرترا یک حال خیلی مضطربی دیده بود درباریان تماما عرض تبریک تقدیم نمودند شارژدافر اعلیحضرتی عباسقلی خان‌را مأمور نمود که از استخلاص شاه از این بلیه تبریکات تقدیم سازد (جی بی سی)

نمره ۱۰۶

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری واصله ۱۶ مارس

طهران ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

ماه محرم باخر رسید برخلاف تصورات عمومی هیچ قسم اغتشاش رخ ننمود

تشکیل هیئت وزراء که مدتی انتظار آن میرفت در ۲۸ شهر جاری شروع گردیده آصف الدوله تا بتصویب مجلس ظاهراً برای آنکه قوام الملک را برضد میل واضح وکلای فارس برحسب [illegible] داده بود معزول گردید [illegible] عزل او این بود که مجلس [illegible] آنکه مصمم نموده بود در کابینه [illegible] آن میرسد که یکمرتبه دست همه را از کار کوتاه کند و بطور [illegible] که [illegible] شروع کند [illegible] وزارت مالیه دست کشیده بعدم آصف الدوله منصوب گردید [illegible] این تغییرات محتمل آخری و قطعی منظور نمیشود ولی [illegible] مناسب بوده و [illegible] برای وزارت مالیه از نظام السلطنه [illegible] نظم

السلطنه را بی امید نمود که با تجربیات و بصیرتی که از اوضاع مملکت دارد بتواند کابینه اداره [illegible] نظم بدهد ولی مشروطین را به هیچوجه اعتماد حقیقی نداشته چون او یکی از مؤسسین مدرسه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خواهند نمود

[illegible] از مجلس کسب قوت مینماید و مجلس آنکه [illegible] عموم مردم به بهبودی اجراء هر که آن موافقت شده باشد مجلس [illegible] موفق به [illegible] خود وکلای جدید انتخاب نموده است از طرف دیگر مجلس در تحت [illegible] خود نیست [illegible] و [illegible] کارهای مهم در جلسات سری به حالات محرمانه کمیسیونهای مختلفه انجام میرسد [illegible] که بدین وسیله برای وکلای مقتدر خیلی سهل

میکردد که [illegible] مدافع مجلس خود [illegible] خود [illegible]

[illegible]

[illegible] خواهد [illegible]

[illegible] موقع خود [illegible] حکومت [illegible] خواهند [illegible] وصول مالیات [illegible] کرده [illegible] میکند که [illegible] بتوانند [illegible] وحکومت

خواهد گردید وصاحب اختیار که شخص متهوری نیست همین حالا
تا اندازهٔ ترس او را فرا گرفته است
شهر یزد وکاشان درواقع بدست شورشیان افتاده اصفهان جزو ولایتی
ست که بدون حکومت میباشد اهالی کرمان هم به نایب‌الحکومه خود
بهمانی فرستاده اند اورا صحبت رفتن نموده اند

[illegible] ودهات قوافل مابین بوشهر وشیراز محال سکون است
وپسته دولتی از ۱۴ ژانویه تاکنون موقوف‌ شده درراه ازطهران
به یزد هم همینطور اغتشاشات سخت وجود دارد ویک دسته سارقین
قوی دربانی [illegible] عبور ومرور را بعموم مسدود داشته اند درطرف
شرق هم سرقت سختی مابین حضرت آباد وبیرجند بوقوع رسیده
پسته را زده اند منیرالدوله نیز مرا اطلاع داده که در حوالی خرم
آباد اغتشاش سختی ظهور رسیده [illegible] درغمه ملاک
محاصره نموده اند (امضا) چارلز مارلینگ

نمره ۱۰۷

مکتوب سرمارلینگ بسرادوارد گری وصول ۱۳ آوریل

طهران ۲۶ مارس ۱۹۰۸

درباب سوء قصد نسبت بشاه که در ۲۸ ماه گذشته بعمل
آمد کپی مکتوب مفصلی که ذیلا راجع بوقوع آن نگاشته شده
است [illegible]

اعلیحضرت شاه [illegible] در کالسکه [illegible]
بیرون آمده درجلو آن کالسکه دیگری ویک اتومبیل [illegible]
آن شخص فرانسوی بود درجلو آنها عده [illegible]

بعضی ازآنها درجلو کالسکه واتومبیل میرفتند وامیربهادر ومسیو [illegible]
همراه کالسکه بودند که شاه در آن نشسته وجلو اورا محافظت می
نمودند از قرار معلوم اتومبیل جی وقتی که از کوچه باریک ناحیه
مسیو راپینو چند ذرعی مسافت داشته عبور میکرده شخصی را دیده
است که ازیک کوچهٔ بیرون آمده چیزی که باپارچه روی آن
پوشیده بوده دردست داشته [illegible] خوف ووحشت [illegible]
وقوع حمله برشاه فرا گرفته [illegible] اتومبیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
اتومبیل [illegible] خورده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وکالسکه [illegible] خورده [illegible]
[illegible] مجروح گردید
[illegible]
[illegible] مجروح [illegible]
[illegible] گردیده [illegible]
[illegible] گذاردند
وهردوی آنها رولولهای خودرا بیرون آورده [illegible]
[illegible] نبودند [illegible] ولی مسیو [illegible] خودش
آنقدر مضطرب گردیده بود که با آنکه حتی یک [illegible] در [illegible]

جنین میرود که یهودی حاصل نماید درایی تازه‌گی مردم رجاله ها کرمهای بم و کرمان بد رفتاری میکنند آنها ازقونسول اعلیحضرتی استدعای حفظ خودرانمودند ومشارالیه ارباب‌الحکومه وعده گرفت که آنچه بتواند درمنع بدرفتاری ایشان اقدام نماید درماه فوریه کرمان حال مغشوش باقی بود وبمراجعت عدل‌الملك که بحکومت اصفهان معین شد سردار معتضد بجای او منصوب شده است معین و موقر مثل عموم بود ولی بعد بعضی بازارها شد

چند نفر [illegible] سواره درجندبقی [illegible] در ۱۵ فوریه بدو [illegible] زده مقابل [illegible] کوترخان را که [illegible] اخیراً [illegible] نموده و [illegible] را سرقت کرده اند

کرمانشاه

درهفته اول ماه ورود [illegible] که یکی ازملاهای [illegible] طهران است باعث قدری اغتشاش گردید کفیل حکومت اعدام [illegible] نموده [illegible] برحسب امر طهران تبعید به کربلا کردند

بواسطه [illegible] ارباب‌الحکومه های منصورالملك [illegible] موروثی ناحیه گوران [illegible] در حال اغتشاش است [illegible] شاهزاده سالارالدوله اخیراً شهر [illegible] حمله نموده [illegible] و عدم [illegible] حکومت [illegible] کرده [illegible] [illegible]

صحنه عظیم خواهد شد

شیراز

صاحب اختیار فرمانفرمای فارس در ۸ فوریه بمحل اقامت خود رسید ودرضمن ملاقات باقونسول اعلیحضرتی اظهارداشت گمان میکند مراجعت قوام‌الملك بشیراز اسباب اغتشاش خواهد بود قوام در ۲۰ فوریه ازطهران ورود نمود در۷ مارس برقوام در حیاط عمارت خود شلیک شده پنج گلوله باو خورده گلوله ششم یکی از نوکران را که دراستخلاص آقای خودش کوشش کرده بود مقتول نمود قوام [illegible] وقت نمود شخص قاتل [illegible] خود تیرخالی نموده ولی دستگیرومحبوس گردید [illegible] که ازواقعه مستحضر شد بخانه قوام رفت دو پسران قوام (سالار السلطان و نصرالدوله) اطلاع دادند که قاتل شخصی [illegible] الله نام جبراً کالسکه چی ومستخدم معتمد دیوان بوده [illegible] که ارشد دیوان که [illegible] این جنایت تصور میشد اعلام کشیده و قطعه کاغذی که میگفتند ازجیب قاتل درآورده بودند [illegible] بر روی آن نوشته بود قاتل نصرالدوله [illegible] این خط [illegible] ازآنها استدعا نمود [illegible] همراه شان اقدامات [illegible] شخص قاتل چند ساعت بعد مرد وازاقراری که پسران قوام اظهار داشتند قبل ازمرگ اعتراف کرد براینکه معتمد دیوان وسید لاری اغوای قتل او نموده بودند [illegible] پس از

وزیر داخله و صدر اعظم	علاء السلطنه
وزیر عدلیه	مؤید السلطنه
وزیر [illegible]	صنیع الدوله
وزیر امور خارجه	مشیر الدوله
وزیر جنگ	[illegible] السلطنه
وزیر [illegible] و گمرک	مؤتمن الملک
وزیر معارف	مخبر السلطنه

حکام جدید

خبر عمده که داده شده تعیین ظل‌السلطان بحکمرانی [illegible] است و [illegible] مذکور در ۲۰ شهر جاری بطرف شیراز رهسپار گردید علاء الملک بحکومت اصفهان تعیین شده و سردار معتمد (بهمن لیست) بطرف کرمان حرکت نموده است ظهیرالدوله رئیس [illegible] هیئت اخوت درویش که سابقاً حاکم کرمانشاه بود بحکومت [illegible] گردیده است

([illegible]) [illegible]

تبریز

در عرض [illegible] شهر تبریز [illegible] آرام بود [illegible] اشرار [illegible] نموده و خواسته‌اند بکار خود بپردازند و [illegible] در کوچه‌ها گشت و گذار [illegible] نمود

استراباد

[illegible] که [illegible] بطرف [illegible] که [illegible] [illegible] آن [illegible] نگاه کرده است

رشت

وقتی قونسول [illegible] در مراسله دهم مارچ خود می‌نویسد که معتمدالملک و سردار همایون که کفالت حکومت عهده ایشان است هر دو استعفا نموده‌اند انجمن‌های بلدیکی جدید هر روز [illegible] و تجارت موقوف شده [illegible] و مردم همه [illegible] و دکاکین غارت میرود

کرمان

[illegible] کرمان [illegible] داخل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرده و [illegible] مرده است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] خورده بود و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آورده و [illegible] که [illegible] [illegible] بوده

مطلوب داشته ولی اختلال حواس عده زودی برطرف شده وعملا هیچ احتمال میرود که اقدامات سختی برای حبس وحقوق مسئله که منتج به نتیجه خود حاصل آید

از قرار معلوم تاریخچکی که صبح روز سه از حمله اتفاقات شد حمله کنندگان بصحبه مخفی داشتند وسپس دو نفر از نوکرهای صاحب حسن که حال روبه میبردند آنرا پیدا کردند

نمره ۱۰۸

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری وصله ۱۳ آوریل

طهران ۲٦ مارس ۱۹۰۸

(آقا) افتخاراً سواد نوت متحدالمآلی که سفیر روس ومن در خصوص مکان وقوع مسیو در اداره حالیه گمرکات ایران بدولت عرضه داشته ام بضمیمه سواد جوابی که از وزیر امور خارجه برای من رسیده لفا میدارم

جواب آنطوری که میخواستیم مساعد و دلخواه نیست در جواب مذکور نیست که رپورت وقوع مسیو بی اساس است ولی بهیچوجه رفع تهمت آنکه بعض زرنگی مسیو در آن داده نخواهد شد اطمینان حاصل نیست نظر باطمینانات شفاهی که مشیرالدوله بمن و مسیو دوهارتویك داده که دولت قصد اخراج مستخدمین بلژیکی را ندارد لازم نمیدانم که برای اطمینان واصرار کتبی فشار وارد آوردم

(امضا) چالزام مارلینگ

ملفوفه یك نمره ۱۰۸

نوت متحدالمآل روس و انگلیس بمشیر الدوله

طهران ٦ مارس ۱۹۰۸

جنابا اگرچه دولت ایران سابقاً باین سفارت اطمینان کامل داده بودند که در طریقه اداره نمودن گمرکات تغییری داده نخواهد شد باز در رپورتهائی که حالا شیوع دارد معلوم است دولت در خیال بعضی تغییرات در اداره مذکوره میباشند بنا بر این محترماً از جنابعالی مستدعی هستیم که اطمینان سابق خود را تجدید نموده و هرگاه این رپورت از صحت خالی باشد آنرا تکذیب فرمائید

(امضا) چالزام مارلینگ

ملفوفه ۲ در نمره ۱۰۸

ترجمه مکتوب مشیرالدوله بمستر مارلینگ

۱۹ مارس ۱۹۰۸

در جواب مراسله ٦ شهر جاری شما که درخصوص مسیو در اوضاع گمرکات استفسار فرموده بودند افتخاراً اظهار میدارم که اقدامی برای تغییر وضع گمرك نشده و بی خبری نیست

(امضا) مشیر الدوله

مکتوب نمره ۱۰۹

خلاصه وضع ایران درطرف چهار هفته لغایت ۲۷ مارس ۱۹۰۸

طهران مجلس ملی

کابینه وزراء که مجدداً بطرز دیگر تشکیل گردیده در ۲۹ فوریه بمجلس آمدند

خلیج فارس بوشهر

چون هفتهٔ تمبر بانک ملی پیشرفت ننمود وجوهات اعانه که سال گذشته ازبوشهر جمع‌آوری شده وبطهران ارسال شده دو مرتبه ببوشهر فرستاده شده به اعانه دهندگان مرجوع گردید

[illegible]

نمره ۱۱۰

[illegible] مورخه ۲۷ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

رئیس مجلس علاوه اینکه کلیه امورات را مجبوره در کمیسیون ها میگذراند اصل حقیقت خود مجلس را هم سری کرده باین ترتیب که درهر جلسه یك جلسه آن سری است وعلاوه عواملی برای محدود نمودن دخول عموم طبقات مردم مجلس وضع نموده است چونکه حقیقت جلسه خود کاملا بین وکلاء دارد این ترتیب سری نمودن مجلس باعث سوء ظن عموم سبب گردیده ومردم دیگر گمان میکنند که [illegible] رسمی [illegible] مردم [illegible] شخصی خود [illegible] کار [illegible] مردم [illegible] که [illegible] ملی [illegible] که [illegible] ممکن است [illegible] وسطه [illegible] و حکومت [illegible] که دفع [illegible] که [illegible] مشروطه [illegible] کسی [illegible] گردد

وهمچنین [illegible] ملاقات نموده و اطلاع داد که [illegible] حرکت خواهند خود [illegible] ملاقات [illegible] که [illegible] خواهند [illegible] و [illegible] حال واضح گردید

[illegible] که صاحب [illegible] حکومت [illegible] وضع خود [illegible] که کرده [illegible] که [illegible] که [illegible] اسان ملی نخواهد بود که فقط [illegible] (فوسول اعلیحضرتی) وهوز شخصی [illegible] که [illegible] ملی [illegible] عمل آمد [illegible] ممکن است که صاحب [illegible] حکومت [illegible] که [illegible] وخوهب [illegible] که [illegible] که [illegible] (کمك [illegible] حود در حکومت [illegible] وفقط [illegible] که [illegible]

درهرصورت طل [illegible] صاحب [illegible] که [illegible] حود [illegible] که [illegible] محفوظ [illegible] وعلاوه [illegible] واضح [illegible] که [illegible] که [illegible] که حکومت [illegible] خود [illegible] ندارد

(بقیه دارد)

نمره ۱۱۱

مراسله مستر مارلینگ بسر ادوارد گری

آقا

مورخه ۲۳ آوریل از طهران

مفتخر دارم که مجملی از حوادث چهار هفته اخیر در ایران بضمیمه مختصر شرحی از صورت جلسات مجلس شورای ملی ایران بطور معموله لفا ارسال دارم

(امضا) مارلینگ

ملفوف نمره ۱۱۱

وضع حالیه ایران

مجلس ملی پس از اینکه احتشام السلطنه مجبورا استعفا نمود مخبر السلطنه بریاست مجلس انتخاب گردید لیکن او از انجام آن قبول ننموده ودر چهارم ماه آوریل ممتاز الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید رئیس جدید مجلس برادر سفیر ایران مقیم پاریس است و در موقعیکه شاهزاده عین الدوله در سال ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ صدر اعظم بود ممتاز الدوله منشی شخصی ایشان بودند ممتاز الدوله زبان فرانسه را خوب میداند و چند مدت هم در وزارت خارجه بوده وکلای آذربایجان اورا بریاست انتخاب نموده اند و علت آنهم این بود که وکلای مزبور مایل بودند که رئیس مجلس شخصی مستقل الرأی باشد و سبب تنفر از احتشام السلطنه هم همین دلیل بود ذکاء الملک حتی پیشنهاد نمود که هر سه ماه یکدفعه رئیس انتخاب گردد لیکن در اینخصوص رای در مجلس گرفته نشد

اخبار عمومی در ۳ ماه آوریل احتشام السلطنه بی خبر بطرف اروپا حرکت نمود

اشخاصی که متهم بقتل تاجر پارسی موسوم بارباب فریدون هستند چند وقت است که در محاکم عدلیه محاکمه میشوند مجلس محاکمه عمومی است و راپورت محاکمه در روزنامه مخصوصی که اسم آن محاکمات است مشروحا نگاشته میشود بعضی از محبوسین اقرار بقتل نموده اند و خوب واضح است که مقصود آنها دزدی بوده و بهیچوجه مقصود سیاسی بطوریکه بدوا گمان برده میشد در نظر نداشتند حکم قطعی بالاخره با یکی از مجتهدین خواهد بود ظل السلطان پس از اینکه دو هفته در اصفهان توقف نمود حالا بطور حتم بسمت شیراز رهسپار است وزیر همان اشخاصی هستند که در ماه گذشته ذکر شد

(امضا) حرجس

تبریز

در ماه مارس تبریز و اطراف مغشوش بود در خود شهر رئیس نظمیه که یکی از اعضای مهم انجمن است تشکیل استعداد پلیسی داده پلیسهای مذکور که دارای ملبوس فاخر وهرکدام حامل یک تفنگ و پنجاه فشنگ هستند شب و روز در کوچه ها مشغول خدمت واز طرف دولت ماهی سه هزارو سیصد تومان برای مخارج آنها داده میشود

ناحیه اردبیل در ماه مارس مغشوش بود ایل شاهسون دهات را غارت نموده دسته از آنها بشهر اردبیل تاخت ونهب نموده قریب بیست خانه را غارت وعدهٔ از صاحبان آنهارا مقتول نموده اند حاکم

قم

استراباد

مشهد

اصفهان

کرمانشاهان

شیراز

بروند ولی تحویل میشود حکم تعیین ظل السلطان بحکومت فارس از طرف عموم طبقات مردم بخوبی پذیرفته گردید

۲۰ مارس [illegible] سرقت در راه بوشهر روی داد و بموجب راپورتهای واصله مستحفظین راه از مسافرین جبراً اخذ وجوهات مینمایند یک دزدی در راه اصفهان مابین شیراز وزرگان اتفاق افتاد

بندر عباس

مجدداً [illegible] کاروان در [illegible] قوه محسوس [illegible] (۴) که [illegible] مستحفظین [illegible] کرمان بود در [illegible] سرقت برده شد [illegible] عسکری [illegible] برای استرداد [illegible] نموده است (امضا) [illegible]

نمره ۱۱۲

مراسله [illegible] به سر ادوارد گری مورخه ۲۴ [illegible] آوریل ۱۹۰۸ از طهران

(۳) هرچند که [illegible] ظاهر است [illegible] وضع عمومی [illegible] ولی [illegible] که [illegible] و علائم [illegible] که [illegible] و [illegible] نگردیده است در [illegible] که [illegible] مجلس در [illegible] (که در هم [illegible] بود) [illegible] بود [illegible] در مدت ۴۸ ساعت [illegible] نموده و مجدد

[illegible] خود [illegible] کردند کار دیگری ننمودند

مسئلهٔ [illegible] این بود که آن [illegible] کم [illegible] دو با [illegible] را داشتند که بدون حکم وزیر عدلیه اشخاصی را که مظنون [illegible] بوده [illegible] دستگیر نمایند

[illegible] خوب [illegible] است ولی ملاحظه [illegible] بود که [illegible] خوب [illegible]

[illegible] در وضع [illegible] و [illegible] نموده [illegible] دولتی [illegible] و [illegible] آنها [illegible] کارداران [illegible] (امضا) [illegible]

نمره ۱۱۳

مراسله [illegible] به سر ادوارد گری مورخه ۳۰ آوریل ۱۹۰۸ از طهران

([illegible]) در [illegible] ۲۵ [illegible] بدون [illegible] خود کشی [illegible] که [illegible] گمرکی [illegible] و [illegible] گمرکی [illegible] که [illegible] اطلاعات [illegible] گمرکی [illegible]

بعد از ظهر روز شنبه مسیو بیزو ابداً گمان نمیکرد که نقشه معینی ترتیب داده شده است و در آنوقت وزیر مالیه باو اطلاع داد که او میخواهد الساعه بمجلس رفته و بودجه را پیشنهاد نماید در هر صورت با مسیو بیزو ابداً مشورتی در خصوص ترتیب بودجه مزبور نشده بود و حتی سوادی هم از بودجه باو داده نشده بود

و در همان قرار از سفیر روس هم خواهش نمود که مسیو بیزو را ملاقات نموده و اطلاعاتی که او پس از یکماه توقف در ایران از اوضاع مالیه مملکتی حاصل نموده منتشر نمایم برای همین مقصود ما در ۲۸ ماه در سفارت فرانسه رفته و از تقریرات مسیو بیزو در خصوص اوضاع کلیه مالیات ایران من فقرات ذیل را استنباط نمودم

هیچ نوعی محل عایدی برای دولت ایران باقی نمانده و همه روزه عده کثیری از طلبکاران که اغلب آنها از اعیان هستند وزارت مالیه را محاصره مینمایند وزارت مالیه هم بدون اینکه بتواند بطلبکاران رسیدگی نماید و برای اینکه خودرا از زحمت آنها خلاص نماید اصلاً حواله باداره گمرک میدهد اداره گمرک هم بواسطه نبودن وجوهات همیشه دچار زحمت این شخص است

عقیده عموم بر آنست که هر بار دو ملک استقراض خارجی شود و اول خرج عمده پرداخت حقوق [illegible] حقوق است پس از ورود مسیو بیزو یأس فوق العاده به بعضی اشخاص روی داد چه اینها گمان مینمودند که بمحض ورود مسیو پول زیادی خواهد آمد و پس از اینکه او اظهار نمود که دولت ایران نمی تواند باین زودیها قرض فوق العاده بنماید مردم گمان میکردند که او از روی

حیف بدین میماند بواسطه اینکه اگرچه قرض کلی نبود کلی میشود اسنادی که او شروع بکار نمود برای او تحصیل اطلاعات غیر ممکن بود لکن در این ایام اخیر کسب اطلاعات برای او قدری سهل تر شده است هرچند که ادارات عموما و وزارت مالیه خصوصا سعی کاملی دارند که او مربوط باشخاصی شود که توسط آن اشخاص کمکی حاصل نموده [illegible] مقصود ازین اشخاص مثلا [illegible])

[illegible]

هیچ نوع مالیات گمرکی را خواهد نمود و همچنین تا کنون من همیشه
احتیاط کرده و اظهار نموده‌ام که از عقیده دولت اعلیحضرتی دراین
خصوص ابداً اطلاعی ندارم

وعلاوه من اطمینان کامل دارم که دولت اعلیحضرتی هیچ
پیشنهادی را بدون ملاحظه نخواهد داشت در صورتی که طرح آن
با کمک مستشار مالیه ریخته نشده باشد و اینکه صنیع الدوله درمجلس
اظهار داشته بود حقیقةً دولتین حاضر بای تغییر هستند بی اصل
بوده است

صنیع الدوله در جواب اظهار نمود که او از مضمون گفتگوی
... و مذاکرات صنیع الدوله گفته است که ... را تحصیل
رضایت دولتین به تغییر تعرفه گمرکی پیشنهادی در خصوص مجلس
... صنیع الدوله طوری از اطلاعات مالیه خود ... و
... به ... در مجلس ... که ابداً و ... حرف
... و توجه خود را پیشنهاد مجلس نمود و بهتر آن ...
که ... صنیع الدوله ... در این خصوص مجلس مانند هم سفیر
انگلیس و هم سفیر روس در خصوص در ... مورد
توجه مجلس نمودند

روز بعد من صنیع الدوله را ملاقات نموده وباشان اظهار
نمودم در صورتیکه دولت اعلیحضرتی لامحاله هیچ عقیده خودرا در
خصوص اضافه کردن مالیات گمرکات اظهار ننموده و در صورتیکه
جناب اشان مطلعند از اینکه دولت اعلیحضرتی هیچ نوع پیشنهادی
قابل دقت نمیدانند تااینکه از مستشار مالیه در او مشورتی شده باشد

چرا بعد که ایشان پیشنهاد قطعی در انخصوص مجلس کرده بعد
و علاوه مجلس فهمانیده باشند که دولتین این اضافه مالیات را قبول
خواهند نمود

جناب ... در جواب اظهار داشت که گرفتاری مالیه مجلس
است که دولت نمی تواند منتظر شود تا اینکه مستشار ... اطلاعات
کامل از اوضاع حاصل نمایند و برای جلوگیری از خرابی ...
جز اقدام فوری چاره دیگر نبود واضح مطلبی که ... در مجلس در
خصوص ... مالیات گمرکی عنوان نموده بود صنیع الدوله اظهار
داشت که ... و ... طوری ... بود که هیچ
تصور قبول نکردن پیشنهاد را ... و بالاخره گفت که ...
... و ... و ... شده
است که ... مصمم ... بود که ... نمی کنم ...
... که دولت اعلیحضرتی ... که ... لازم
و ... باشد ولی ... که برخلاف منافع
... که ... طوری ... و
... دولت اعلیحضرتی ... خود دولت
... کافی نمیداند

جناب ... اظهار داشت که ... ترجیح می
دهد اگر دولت اعلیحضرتی خود مجلس را ... برای ...
در وضع ... باشد

اگر ... لازم باشد که ... در واقع
... کرده شود ... و در واقع ... خواهد

هیچ نوع مالیات گمرکی را نخواهد نمود وهمچنین تا کنون من همیشه احتیاط کرده واظهار نموده ام که ازعهده دولت اعلیحضرتی دراین خصوص ابداً اطلاعی ندارم

وعلاوه من اطمینان کامل دارم که دولت اعلیحضرتی هیچ پیشنهادی را قابل ملاحظه نخواهد دانست در صورتی که طرح آن بکمک مستشار مالیه ریخته نشده باشد و اینکه صنیع الدوله درمجلس اظهار داشته بود [illegible] دولتین حاضر [illegible] هستند بی اصل بوده است

صنیع الدوله درجواب اظهار نمود که [illegible] مختلف [illegible] صنیع الدوله گفته است که [illegible] دولتین به [illegible] گمرکی پیشنهادی دراینخصوص [illegible] صنیع الدوله [illegible] از اطلاعات مالیه خود [illegible] که ابداً [illegible] های ما نداده و نتیجه خود را پیشنهاد مجلس نمود و بهتر آن است که شما صنیع الدوله شخصا در اینخصوص صحبت نمایند هم سفیر فرانسه و هم سفیر روس در اینخصوص [illegible] وزیر امور خارجه صحبت نمودند

روز بعد من صنیع الدوله را ملاقات نموده وباایشان اظهار نمودم در صورتیکه دولت اعلیحضرتی تاحال هیچ عقیده خودرا در خصوص اضافه کردن مالیات گمرکات اظهار ننموده و در صورتیکه جناب ایشان مطمئن از اینکه دولت اعلیحضرتی هیچ نوع پیشنهادی قابل دقت نمیداند تااینکه از مستشار مالیه در او مشورتی شده باشد

چرا باید که ایشان پیشنهاد قطعی در اینخصوص بمجلس کرده باشند و بعلاوه بمجلس فهمانیده باشند که دولتین این اضافه مالیات را قبول خواهند نمود

جناب ایشان درجواب اظهار داشته که گرفتاری مالیه بحدی است که دولت نمی تواند منتظر بشود تا اینکه مسیو بیزو اطلاعات کامل از اوضاع حاصل نماید و برای جلوگیری از خرابی ممکن جز اقدام فوری چاره دیگر نبود راجع بمطلبی که او درمجلس در خصوص ازدیاد مالیات گمرکی عنوان نموده بود صنیع الدوله اظهار داشت که [illegible] دولتین طوری [illegible] بود که هیچ تصور قبول نکردن پیشنهاد را نمیکرد و بالاخره گفت که امید [illegible] شده است که [illegible] که [illegible] جهتی که دولت اعلیحضرتی [illegible] ولی اگر [illegible] که برخلاف [illegible] خواهم [illegible] دولت اعلیحضرتی [illegible] دولت [illegible] کافی نباشد

جناب وزیر اظهار داشتند که [illegible] ترجیح می دهند که دولت اعلیحضرتی خود [illegible] در وضع مأمور [illegible]

اگر [illegible] که [illegible] در [illegible] گرده بود [illegible] در واقع وزیر [illegible]

گردد و ایران دیگر مسیو [illegible] را لازم ندارد

درجواب من اظهار داشتم که جناب شما از لزوم فوریت تحصیل منابع مالیه صحبت میداشتید در صورتی که اکنون مایل به آمدن یک متخصص مالیه دیگری که او ناچار باید مجدداً شروع بتحصیل اطلاعاتی را که مسیو مرنار در یکساله گذشته نموده است نماید هستید

[illegible]

میرزات علی الاتصال مابین وزراء باعث بهبودی باوضاع میشود و علاوه برای یکنفر شخص اینهم صحیح نیست که فورا پس از پیشنهاد بودجه خود مجلس از وزارت استعفا نماید

نیز لازم است که شرح مفصلی از بودجه صنیع‌الدوله ذکر شود مقصود عمده آن بدست آوردن مالیات معینه است که بتوسط آن دولت ایران بتواند تا اندازه مملکت امنیت داده بعضی طرق و شوارع جدید احداث نماید و همچنین برای مصرف بدهد

[illegible]

نمره ۱۱۴

[illegible]

طهران ۳ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۱۵

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . . (واصله ۳ ژون)

طهران ۳ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف امروز من امیر بهادر جنگ دیشب درسفارت روس بسب اختیار [illegible] دوسه نفر از درباریان شاه اورا ترک نموده اند

نمره ۱۱۶

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (واصله ۴ ژون)

طهران ۴ ژون ۱۹۰۸ شاه امروز صبح از شهر خارج شده با مستحفظین کثیری بمحل اقامت ییلاقی خود که خارج دروازه قزوین است رفت

نمره ۱۱۷

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (واصله ۸ ژون)

طهران ۸ ژون ۱۹۰۸ صبح روز شنبه ششم ژون مابین شاه وطرفداران ملت ظاهراً اصلاح شد ولی صبح روز دیگر باعلیحضرت شاه راپورت داده شد که انجمنها تلگرافی بظل السلطان درشیراز مخابره نموده اورا بآمدن وقبول مقام نیابت سلطنت دعوت کرده اند

همانروز عصر پسر بزرگ ظل السلطان و سردار منصور و علاء الدوله و معتمد الملک رئیس ایل قشقائی که در انقلاب هفته گذشته شرکت نموده از طرف شاه دستگیر گشتند

نمره ۱۱۸

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (واصله ۹ ژون)

طهران ۷ مه ۱۹۰۸ آقا احتراماً سواد جوابی را که

دولت ایران اخیراً در [illegible] اظهارات [illegible] موضوع [illegible] های ایران داده است [illegible] اعتماد [illegible]

(امضا) [illegible]

ضمیمه مکتوب نمره ۱۱۸

مکتوب [illegible]

۲ مه ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۱۹

مکتوب [illegible] (واصله ۹ ژون)

[illegible] ۲۱ مه ۱۹۰۸ [illegible] خلاصه وقایع [illegible]

(امضا) [illegible]

ضمیمه نمره ۱۱۹

خلاصه وقایع [illegible]

[illegible]

و نیز احساس میگردد و ایرانیانی که دوری از امورات واقف تر هستند [illegible] که [illegible] حکومت [illegible] وقع [illegible] که [illegible] مردم [illegible] مشروطه خود که [illegible] تاکنون علامت هیچ از آن ظاهر نبوده اعتقاد دارند

[illegible] در ۱۵ ماه اعلیحضرت یک روز قبل [illegible] مجلس [illegible] احساسات عامه [illegible] آن [illegible] صورت خبری گرفت [illegible] معمولی [illegible] مذکور [illegible] که [illegible] ارتجاعکاراه [illegible]

[illegible] کرده [illegible] دوره [illegible] کرده [illegible] مجلس [illegible] که [illegible] در ۱۶ مه وقع [illegible] که [illegible] و [illegible] شود

[illegible] که [illegible] مورد [illegible] عموم وقع شده بود [illegible] ۱۷ مه هم [illegible]

در ۱۹ مه [illegible] دوسته [illegible] که [illegible] در [illegible] نموده [illegible] و قبول [illegible] دعوت کرده [illegible] ولی [illegible] که آن [illegible] در [illegible] مشکوک است

دو هر شخصی که [illegible] عملاً [illegible] مجبور [illegible] آنکه در محکمه عدلیه از آن محاکمه شد [illegible]

[illegible] طوس محکوم گردیدند [illegible] و [illegible] مجلس [illegible] محکوم [illegible]
۲۱ مه ۱۹۰۸ [illegible]

مشهد

[illegible] مجلس [illegible] در [illegible] ولی [illegible]

تربت حیدری

[illegible] مجلس [illegible] بوده [illegible] حکمی [illegible] نموده [illegible] مردم [illegible] موجوده [illegible] حکومت مشروطه [illegible] که [illegible] نموده بودند [illegible]

یزد

[illegible] روز ۷ [illegible] دولتخواهی [illegible] که ۱۲۰۰ [illegible] کوشیدند و اموال [illegible] و [illegible] آن [illegible] مشروطه کرد از همراهان حکومت

یکنفر مقتول و یکی مجروح گردید

در [illegible] آورل انتظام الملک از [illegible] وارد شد و [illegible] گردید

در ۱۴ [illegible] قریب دو هزار نفر از اهالی دهات [illegible] [illegible] درخواست نموده که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] درخواست کمک و همراهی میکردند که [illegible] [illegible] که مجلس [illegible] [illegible] [illegible] ۱۸ [illegible] عده [illegible] از [illegible] ملاقات کرده درخواست [illegible] نموده از آن میترسیدند که ورود عده کثیری از اهالی دهات [illegible] عدم تامین دکاکین آنها شود [illegible] منتظر جواب مجلس ملی شوند در ۱۹ [illegible] هیئتی بنمایندگی سرکرده آنها ملاقاتی کرده اظهار داشتند که عده زیادی از اهالی دهات که [illegible] از آنجا مسلح بودند اصلا وارد شده و [illegible] بطور عموم شروع داشته و از آن میترسیدند که هرگاه در ارسال جواب تاخیر رود

شود هرج و مرج در بین مردم واقع خواهد شد [illegible] از آنجا آمده و همچنین از عدم وصول جواب و دخول در قونسولخانه مایوس گردیدند [illegible] کردن برق [illegible] اداره قونسولخانه نمودند آن هفت [illegible] [illegible] ملاقات نموده [illegible] و وعده کرد که [illegible] مردم [illegible]

کرمانشاه

[illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرمانشاه [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] موجود [illegible]

شیراز

[illegible] شیراز [illegible] [illegible] [illegible] وقوع [illegible] وقوع آن [illegible]

خصوص قبل قوام‌الملک بود ولی از زمان ورود ظل‌السلطان درامورات تسکین حاصل گردیده است

سه‌صد نفر از فوج چهار محال که یك قسمتی از مستحفظین ظل‌السلطان هستند در بیست‌وششم آوریل وارد شدند

از تلگرافخانه بتاریخ ۱۷ شهر مه از سعدون وثیس . . تلگرافی هند و انگلیس واصل شد مفهوم گردید که قبایل اعراب مابین سعدون وده بید مشغول ارتکاب سرقت و چپاول اموال مردم بوده خط تلگراف را هم صدمه رسانده اند

نمره ۱۲۰

ضمیمه مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری . . . (واصله ۹ ژون)

تهران ۲۱ مه ۱۹۰۸ در ضمن مکتوب سی‌ام ماه گذشته خود اختصاراً راپورت میدهم که کابینه وزرا در دوم شهر جاری از کار استعفا کرده وزیر مالیه معلوم میشود که استعفای او نتیجه قطعی صحبتی است که من در چند روز قبل با ایشان داشته ام اگرچه عقیده عموم براین بود که عمل وزرا برای قرار گرفته که باعث تغییری درتشکیل کابینه وزرا گردیده علاءالسلطنه صدراعظم ووزیرداخله را درآن راه مقصد شکی نیست که اظهاری که صنیع‌الدوله وقتی کرده بوسیله ملاقات مرا آلت رهائی واستخلاص خود ازاین موقع مشکل که جاه طلبی او او را طرف آن سوق داده بود قرارداد تاثیری نموده ودرطرف هفته که بحران وزرا دوام داشت درمجلس چندین نطق ایراد شده برضد قصد اعمال کنترل خارجه بر مالیه پروتست شد و

چند مقاله سخت درهمین موضوع در مطبوعات دیده شد گفتگوی تزیید مالیات چندی وقت در میان بود ودر هفته صنیع‌الدوله پیشنهاد شده بود که جواز دولتین روس وانگلیس قبول این مسئله را بکند مابکند برمالیات احتیاج مذکور افزوده شود وطور سخت اعتراض به طرح شد که ملت باید بواسطه ترك استعمال قهوه‌چای مرا محصور قبول آن نمایند ومشروطه پرست دیگر اظهارداشت که حقوق مستوفیات برای تمام مدتی که خدمت کرده باید پرداخته شود ووزرا [illegible] [illegible] ولی طوریکه خود صنیع‌الدوله نیز اظهارداشت که قبل از ملاقات من تصمیم باستعفا نموده بود من اطلاع [illegible] که [illegible] مراکزی که عوائد مختلف ومعبر او مشکل بود بوئید [illegible] مائد مشتروطه [illegible] آنکه کابینه مجدد تشکیل گردد [illegible] وزرا امور خارجه ملاقاتی نموده [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

گمان میکنم عقیده مشیرالدوله صحیح باشد زیرا که همینکه استعفای اخیر هیئت کابینه افکار عموم را متوجه معقود گردانید ظاهرا جلب نظر موقتی باین قضیه برطرف ومحو گردید از حیثیات دیگر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که دراندك مدتی کارخانهٔ دولت سخت خواهد شد حتی مجبور [illegible] های معوق خواهد گردید

نمره ۱۲۹

[illegible] ۲۲ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

شده که آمده و معنی علاءالسلطنه وزارت [illegible] مسئله مشکل است تصور شود که امکان داشته [illegible] ارتحاب این دو وزیر بعمل آید طهران [illegible] ولی احتساب عموم بسیار از [illegible] وسائل عموم [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۲۲

[illegible] ۹ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۲۳

[illegible]

[illegible] امکان قطعی داشته [illegible]
[illegible] در ایالات وولایات [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] که طرف اعتماد و همراهی تام ارباب [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] که اوضاع بطور طبیعی [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۱ [illegible]

[illegible]

نمره [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۷ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۲۹

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۷ [illegible]

نمره ۱۳۰

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۳۱

[illegible]

نمره ۱۳۲

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۳۳

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۳۴

[illegible] ۲۳ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۷ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۳۵

تلگراف سر ادوارد گری [illegible] مورخه ۲۹ ژوئن [illegible]

رجوع بتلگراف ۲۲ [illegible] و تلگراف ۳۰ [illegible]

خواهشمندم که [illegible] تلگراف مذکوره [illegible]

هرتوبلت اقدام نمائید

نمره ۱۳۶

[illegible] ۲۳ [illegible]

[illegible]

نمره [illegible]

[illegible]

نمره [illegible]

[illegible]

[illegible] دو هر [illegible] مروهین را که [illegible] در شرکت در این هیجان برعلیه شاه [illegible] سوء ظن برده [illegible] توپ [illegible] نموده [illegible] مطور نموده [illegible] های دیگر هم [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۳۹

[illegible]

[illegible] که [illegible] مردم را [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible] خلاف [illegible] آمده [illegible] که [illegible] نمودم که هر [illegible]

[illegible]

[illegible] نمودم که [illegible] که دو هر [illegible] و [illegible] نمودم که [illegible]

[illegible]

[illegible]

داده که ترتیب دیگری جلوگیری شود و دستورالعمل مذکور را تلگرافاً داده ام که تا زمانیکه دستورالعمل از دولت متبوعه خود برای هر رسیده هیچکس را اجازه دخول ندهد

[illegible]

نمره ۱۴۰

تلگراف [illegible] ۲۵ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۴۱

تلگراف [illegible] ۲۵ [illegible]

[illegible] مضمون تلگراف

[illegible] تلگراف فرستاده ام مطلع [illegible]

[illegible]

[illegible] بود که [illegible] غیرممکن بود که [illegible] بالاموقع [illegible] گردد شود [illegible] احتمالی در [illegible] فرستاده شده که

[illegible]

دولت اعلیحضرتی بمجرد قبول [illegible] متعهد میشود که [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت اعلیحضرتی [illegible] که [illegible]

[illegible] خواهد بود [illegible]

دولت اعلیحضرتی [illegible] حفظ شئونات خود [illegible]

[illegible]

درصورتیکه [illegible] خواهد گردید

[illegible]

[illegible]

ماده ۱۴۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دولت اعلیحضرتی بمجرد قبول این را متعهد میشود که [illegible] فنون در اطراف سفارت اعلیحضرتی بگذارد و تقاضا نماید که فوراً آنرا برداشته شود درصورت نکردن این اقدام فوراً اقدامات لازمه از طرف دولت اعلیحضرتی برای جبران این بی احترامی عمل خواهد آمد

ماده ۱۴۳

[illegible]

[illegible]

ماده ۱۴۴

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۴۵

تلگراف [illegible] مورخه ۲۶ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۴۶

تلگراف [illegible] مورخه ۲۷ [illegible]

[illegible] تلگراف ۲۵ [illegible]

[illegible] ملاقی نموده و [illegible]

[illegible] از طرف [illegible]

است که [illegible] در [illegible] شده‌اند عفو عمومی

[illegible] هم نیستند که هیچکدام آنها محاکمه بشوند حرکت

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۴۷

[illegible]

سؤال نموده من عقیده شخصی خود [illegible] اظهار نمودم که [illegible] شخصی [illegible] دیگر [illegible] آن وقت [illegible] خواهد نمود که [illegible] که [illegible] مشروطه [illegible] عمل نموده [illegible]

[illegible] که [illegible] مرکب از ۱۱ نفر [illegible] و [illegible] دو [illegible] عمومی [illegible] دیگر [illegible] دو نفر [illegible] [illegible] و [illegible] مشروطه [illegible] داده است

نمره ۱۴۸

تلگراف [illegible] بسر ادوارد گری مورخه ۲۷ ژوئن [illegible]

(رجوع بتلگراف ۲۵ [illegible])

مستحفظ از طرف سفارت [illegible]

من [illegible] که [illegible] و [illegible] از طرف سفارت [illegible] دولت [illegible] نموده است [illegible] قول دادند که [illegible] خواهند [illegible]

نمره ۱۴۹

تلگراف سر ادوارد گری بسر [illegible] مورخه ۲۷ ژوئن [illegible] لندن

[illegible] خوب است که بمسیو ازوالسکی اطلاع دهید که

ظل السلطان از ما طلب حمایت نموده است (تلگراف ۲۶ ژوئن مستر مارلینگ را ملاحظه نمائید) و همچنین جناب ایشان اطلاع دهید که ما مایل هستیم که در هر اقدامی که خواهیم نمود دولت روسیه با ما همراهی نماید و از ایشان سؤال نمائید که آیا دولت روسیه همراهی خواهند نمود که از دولت ایران اجازه خروج ظل السلطان [illegible] که آرزوی ما [illegible] که [illegible] و [illegible] ظل السلطان [illegible] دولت روسیه [illegible] نموده [illegible] که دولت روسیه [illegible] و [illegible] مذکوره [illegible]

نمره ۱۵۰

تلگراف سر ادوارد گری [illegible] مورخه ۲۷ ژوئن [illegible] لندن

[illegible] خوب است که [illegible] اطلاع دهید که [illegible] عمل کردن [illegible] گذشته [illegible] خواهد بود [illegible] که [illegible] که [illegible] ممکن است خطر عموم را از اقدامات متعدده که جدیداً از طرف دولتین عمل آمده منحصر سازید

نمره ۱۵۱

[illegible]

[illegible] ۲۹ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۵۲

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

که من ظن دارم که دولت اعلیحضرتی [illegible] صرف خواهند نمود مبلغ مذکور بدون [illegible] بکلی لیحوف که حکومت [illegible] [illegible]

نمره ۱۵۴

[illegible] (۲۹ [illegible])

[illegible] ۲۹ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۵۵

[illegible] (۲۹ [illegible])

[illegible] ۲۹ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible] ۲۸ [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

نمره ۱۵۶

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible] تلگراف ۲۷ [illegible]

[illegible] خصوص [illegible] عمومی [illegible]

[illegible] که [illegible]

که [illegible]

[illegible] که [illegible] کاملاً [illegible]

[illegible] خواهد بود

[illegible]

نمره ۱۵۷

تلگراف [illegible] گری [illegible]

[illegible] ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible]

تلگراف ۲۹ [illegible] که [illegible] می

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۵۸

تلگراف [illegible] گری [illegible]

وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ تلگراف [illegible]

[illegible] ۲۶ [illegible] اعلیحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] وجه [illegible] خود [illegible]

[illegible] که [illegible]

ولی ازطرف دیگر مفسدین چنان باعث اغتشاش مملکت شده بودند که دولت و وکلای مجلس شوری (مجلس ملیّ) کاری از ایشان پیشرفت نمینمود بنا براین من اقدامات برای حکومت و تنبیه مفسدین نمودم [illegible] من کمال تأسف را دارم ازاینکه درچنین موقع مهمی سفرای اعلیحضرتی (بترتیب مستر چرچیل و مسیو استوکس [illegible]) علامت خود را که از اعضای انجمنهای مفسد میباشند [illegible] دعوت کرده اند [illegible] دخالت آشکار [illegible] که [illegible] مثل [illegible] آن [illegible] که [illegible] شکایت [illegible] سفیر کامل [illegible] که [illegible] سفارت [illegible] نموده سفارت محترم آن [illegible] مردم [illegible] عمل و [illegible] آن [illegible] و [illegible] خواهد شد

نمره ۱۵۹

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

لطف نموده ترجمه تلگراف ذیل را که ازطرف اعلیحضرت

[illegible]

جواباً بفرستند : ـ

تلگراف ۲۹ شهر جاری اعلیحضرت شما واصل گردید من بهیچوجه من الوجوه میل نداشته وسعی برای خود درنظر ندارم که در امورات داخلی مملکت شما دخالت نمایم وامیدوارم شما در آسایش بروی عدالت واساسیت سلطنت خواهند فرمود لکن را به تحصن در سفارت طهران دعوت ننموده ایم و اگرچه بعضی از رعایای شما برای حفظ خود خواسته اند در آنجا پناهنده شوند اعلیحضرت شما بخوبی آگاه هستند که در مملکت شما مرسوم نیست که از پناه دادن باشخاصی که مقصر جنحه وجنایت باشند امتناع شود وآنهائیکه فعلا درسفارت می باشند همینکه تامینات صحیحه داده شود از آنجا خارج خواهند شد اینکه درتلگراف آن اعلیحضرت اظهار شده که شارژدافر من مفسدین را بسفارت دعوت نموده یکی عدم ملاحظت است چون او برحسب عادات معموله آسایش عمل نموده و تمام مردم را به تحصن درآنجا تشویق و تحریص ننموده است اعمال عساکر شما که سفارت مرا محاصره نموده واشخاصی را که بیرون میامدند دستگیر میکردند توهینی است که نمیتوان تحمل آن کرده وهرگاه اقدامات فوری برای [illegible] اوضاع عمل نشد من و دولت من [illegible] مجبور خواهیم گردید که [illegible] برای حفظ شئونات شرف خود بنمائیم

من مطلب [illegible] خود [illegible] بدبختانه مجبور ازدوسال است که ایران دراندرون سختی داشته که وزیر امور خارجه من [illegible] که مربوط [illegible] دو

مملکت است مذاکره نماید اگرچه در ماه اکتوبر ۱۹۰۸ من حبس سفیر جدیدی را که شما انتخاب نموده بودید قبول نمودم واینکار مفهوم اوضاع [illegible] است

نمره ۱۶۰

تلگراف مستراورن بسرادوارد گری . ـ (واصله ۳۰ ژون)

سنت پطرزبورغ ۳۰ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف شهر جاری شما مسیو دوهارت ویك دستورالعمل رسیده که با مستر مارلینگ ترتیبی داده مذاکره مضمون مراسله متحد المآلی را حسبکه دو نفر سفرای [illegible] شاه تقدیم نموده اند بطوریکه دلخواه شرح دهد

نمره ۱۶۱

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری . ـ (واصله ۳۰ ژون)

طهران ۲۹ ژون ۱۹۰۸ عساکر دور سفارت اعلیحضرتی دولت ایران درمقابل اظهارات من جوابی غیر مکفی ارسال داشته یك کلمه درباب ترتیب خواستن درآن شامل نیست واضح نیست که فرمان را بمحض آن قرارداده اند چنانکه فعلا بطوریکه سفارت کشیك میکشند [illegible] که بالای دیوار های باغ هستند هرکسی داخل وخارج میشود اطلاع میدهند در واقع محاصره عساکر اگرچه مثل سابق چندان نمودی ندارد ولی بهمان طریق مجری است

نمره ۱۶۲

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری . ـ (واصله ۳۰ ژون)

طهران ۳۰ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف قبل ازاین ودیر

امورخارجه حشمت سکرای برای من فرستاده درضمن آن مامرعده
ظهرنمت موقلده ازوقوع حادثه اخیرسوده اظهار داشت ضمنی
و مرمو که مراکز لازمه داده شده ازقراری که اوهد کوردلته علی
وقوع این اقدامات سهوی است که ازطرف مامورین خارج ازاداره
میل بمحکم وطبعیت خود بوده اند درجواب رسمی مذکورداشتم که
توضیحات اورا بدولت متبوعه خود اطلاع خواهم داد ولی درکاغذ
شخصی خود حضرت معظم له را متنبه نمودم که شك دارم از اینکه
[illegible]
[illegible] وارد آمده مکفی تصور نمایند

[illegible]

وقتی اطمینانات صریحه خودرا کرده اند

نمره ۱۶۳

[illegible] (وصله ۳۰ ژوئن)
طهران ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف [illegible]
[illegible]

نمره ۱۶۴

[illegible]

[illegible] ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۳۰ ژوئن
[illegible]

نمره ۱۶۵

[illegible]
[illegible] ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۷
[illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

صریح دهد که پس از تحصیل اجازت فوراً بطرف اروپا رهسپار شود دولت روس اینطور پیشنهاد میکند که خوب است شاهزاده معظم‌الیه در بوشهر که نزدیکترین شهرست بکشتی سوار شود

نمره ۱۶۶

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری . ـ (واصله غره ژوئن)

طهران غره ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۹ شهر گذشته

شما تذکره‌ایکه قانون نظامی مجری است اعتماد حقیقی درمیان مردم وجود نخواهد داشت و اعلان عفو عمومی را عموم تصور میکنند برای آن داده شد که اشخاصی که خودرا مخفی داشته‌اند و شاه میخواهد آنهارا بدست آورد بیرون بیایند

عقیده من براین است بتوان عده کثیری از بستیها را در صورتیکه قانون نظامی موقوف شود تحریص بترک سفارت نمود ولی فعلا از آن مترسند که برحسب مواد اعلان قانون نظامی آنهارا بهانه آنکه در سفارت اعلیحضرتی بست اختیار نموده‌اند دستگیر نمایند

نمره ۱۶۷

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه غره ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۳۰ ماه گذشته من دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده‌اند که مطالبات ذیل را از دولت ایران تقاضا نمایند : ـ

(۱) عساکر و پلیس فوراً از جلو راههای دخول بسفارت برداشته شود و تبعه انگلیس و نوکرها را آسوده گذارده مزاحم آنها نشوند

(۲) پس از آنکه اطلاع لازم داده شد یکی از مأمورین دربار از طرف شاه و وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران بطور رسمی ترضیه کامل بخواهند و هردو ایشان باید لباس رسمی دربر داشته باشند

(۳) استخلاص فوری تمام اشخاصیکه اخیراً در موقعیکه برای کارهای معمولی خود داخل سفارت شده یا از آن خارج میشدند و دستگیر گردیده‌اند

(۴) وثیقه کتبی برای امنیت وجان بستیها داده شود و از طرف شاه ممضی باشد

(۵) از بستیهائی که متهم بجنحه و جنایت بوده و تقصیرات مشکلی داشته‌اند در حضور یکنفر از اعضای سفارت اعلیحضرتی محاکمه حضوری بشود

شما باید این مطالبات را بشاه و دولت ایران عرضه داشته خبر بدهند که دولت اعلیحضرتی طرح این مطالبرا رنجه وموقع مهمی ز که بواسطه بی‌احترامیهای مکرره که از طرف عساکر شاه و پلیس در مدت چند روز نسبت بسفارت اعلیحضرتی تولید گردیده و شارژدافر اعلیحضرتی پروتست رسمی برعلیه آن کرده با دولت تمام در آن مداخله نموده‌اند شما باید این مطلب را علاوه نمائید که اعاده مناسبات حسنه که تاکنون مابین دو مملکت برقرار بوده فقط بقبول فوری این مطالبات امکان دارد وهرگاه مطالبات مذکوره بلا تاخیر قبول و انجام نشود دولت اعلیحضرتی طریق دیگری نخواهد داشت مگر آنکه اقداماتی که اصلح میدانند برای جبران که خودرا

مستحق آن میدانند بنمایند

نمره ۱۶۸

تلگراف سر ادوارد گری بمستر اوبرن

غره ژوئن ۱۹۰۸ از وزارت خارجه لندن شما خوب است از نتیجه‌ایکه مستر مارلینگ در تلگراف امروز من فرستاده شده وزیر امور خارجه را مطلع سازید ما امیدواریم مسیو ایسولسکی مساعدتهای ما همراهی نماید

نمره ۱۶۹

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۲ ژوئن ۱۹۰۸ در باب تلگرافی که در غره شهر جاری از سمت پطرزبورغ رسید ما قصد نداریم که از شاه خواهش تبعید ظل‌السلطان را بکنیم ولی از آن اعلیحضرت باید درخواست شود که اورا رخصت خروج از مملکت دهند چنانکه با اهل خانه و بستگانش در تحت تامین مال و جانشان حرکت کند

ولا بعد ظل‌السلطان‌را اقداماتی که میخواهید بر طبق اراده طریق خودش نمایند منحصر دارند سپس باید سفیر روس مشورت کرده و متفقا شاه مطلع‌را عنوان نمایند تا زمانیکه ظل‌السلطان بایران مراجعت نکند وثیقه راجع باموال او باید معتبر شمرده شود

نمره ۱۷۰

تلگراف مستر اوبرن بسر ادوارد گری . — (واصله ۳ ژوئن)

سنت پطرزبورغ ۳ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف غره ژوئن شما مسیو ایسولسکی بدون آنکه مشروط بشرطی بشود وعده

همراهی و تقویت مطالبی که مبنی [illegible] اعلیحضرتی از دولت ایران بنمایند و فوراً بر وفق آن دستورالعمل بمسیو هارتویک میدهد او بمن اطمینان صریح داد چنانکه کلنل لیاخوف در انجام اقدامات خبره شده و قبول عهده کنترل نظامی شهر طهران (کرچیس کاری کرده است) بدون اوامر و یا اطلاع و مصوبت دولت امپراطوری [illegible] کرده است

نمره ۱۷۱

تلگراف سر ادوارد گری بمستر اوبرن

وزارت خارجه ۳ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible] تلگراف [illegible] شهر جاری [illegible] راه طرحی را که دولت روس در خصوص تحصیل تعهدات از ظل‌السلطان مشروط بر آنکه [illegible] مذاکرات تنظیم کرده است ما با آن موافقت داریم وزیر امور خارجه را از این مسئله اطلاع دهید

نمره ۱۷۲

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۳ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible] تلگراف [illegible] مستر اوبرن شما مخبر هستید که با موافقت همکار روس [illegible] طبق آن اقدام نمائید

نمره ۱۷۳

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . — (واصله ۵ ژوئن)

طهران ۵ ژوئن ۱۹۰۸ نگاه داشتن مستحفظین قونسولخانه در [illegible] — راجع بتلگراف ۲۶ مورخه شما — نظر برآنکه ظل‌السلطان

و حتمی بودن تجدید اغتشاشات این ایالت در تحت حاکم جدید کفیل قونسولگری میخواهد بداند آیا شما تصویب میکنید که دسته مستحفظین انجا بمانند

نایب الحکومه جدید در موقع دیگر سابقاً ابراز بی کفایتی کامل نموده وگمان میکنم اصلح این است که نگاه داشتن آنهارا درآنجا تصویب بفرمائید چرا که برمن یقین است که پس ازحرکت ظل‌السلطان اغتشاشات مجدداً بوقوع خواهد پیوست

نمره ۱۷۴

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری . ـ (واصله ۵ ژوئیه)

طهران ۵ ژوئیه ۱۹۰۸ دیروز باز هم عساکر دور سفارت گردش میکردند مابین ساعت یك وشش بعد از ظهر پنجدفعه ومابین ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر الی ساعت یك بعد از نصف شب سه مرتبه دور زدند محافظت اطراف سفارت محکمتر از سابق است بجهت مناسب و عساکر زیاد درآنجا توقف نمودند

وزیر امور خارجه قرار است که امروز از من ملاقات کند من بحضرت ایشان اشعار نمودهام که باید مضمون ترضیه که کتبی نوشته خواهد شد قبلا بمن ارائه نماید

درباب مطلب در تحت نمره ۳ من دقت زیاد در تمیز اشخاصی که باید مستخلص شوند خواهم کرد چرا که تشخیص آن اشکال دارد

محتمل شاه درخواست نماید که سه یاچهار نفر ازمتحصنین را ازخاك ایران تبعید نماید

نمره ۱۷۵

ملخص مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری . ـ (واصله ۶ ژوئیه)

قلهك ۱۷ ژون ۱۹۰۸ ـ توضیح کافیه علل و اسباب و شاید صحیح تر باشد گفته شود تعیین نسبت اهمیت آنها با علل و اسباب مختلفه بحرانی که باعث انقلاب ایران وخصوصاً انقلاب یکمرتبه جدی روزی دراواخر ماه مه واوایل ژون شده سهل وآسان نمیباشد

از۱۶ شهر گذشته تاکنون مسلك كابینه وزراء مداهنه هیچکس بخارج شدن مشیرالدوله ازوزارت خارجه بمناسبت نصب حضرت امیر و باعث تجدید خشم اهالی برعلیه شاه شده انقلاب شدیدی شروع گردیده ازاعلیحضرت تقاضا شد که امیربهادرجنگ وسایردرباریان مفسد خودرا که بواسطه عدم اعتمادی که شاه برآنها داشت موردسخط ملی شده بودند اخراج نماید

روزسه شنبه طرف عصر (دوم شهرحال) شاه قبول تقاضای آنها نی درداده ومحصور شد که شش نفر ازاطرافیان خودرا اخراج نماید مابین ساعت دو وسه بعد ازنصف شب امیر بهادر جنگ باتفاق بیست نفرازغلامان مسلح خود بسفارت روس در زرگنده رسید

روزبعد که سوم شهرحال بود من ازسفیرروس که بدیدن من آمده بودند پذیرائی کردم مسیو دوهارتویك اظهار داشت که خودرا درواقع ازدست رفته ومشرف بهلاك میداند ومن حیث حفظ جان او هستم وگمان او موقع آنقدرسخت بود که سفارتین لازم است اقدامی نمایند بنا براین او اینطور ارائه طریق نمود که متفقاً ازمشیرالدوله که اگرچه چند روزقبل ازکاراستعفا نموده بود خواهش نمائیم

وزیر امور خارجه برقرار بود ملاقات نموده واورا از نتایج وعواقب مهمی که از حدوث اختلاف برای شاه ممکن است برای ایران بوقوع آید متذکر گردیدم من گفتم مطمئن هستم که در این امر با او اتفاق نظر دارم ولی گمان میکنم از مذاکره این مطلب با مشیرالدوله فقط چندان نتیجه مثبت آید چه که او ممکن است شرح اظهارات وعنوانات مارا بطور مبهم ناقص بیان کند وبطور ارائه طریق نمودم که ممکن است از مشیرالدوله درخواست نمائیم که رئیس مجلس را هم برای ملاقات دعوت کند مسیودوهارت ویلك بامطلب رضا داده وپیشنهاد نمود که چون بمشیرالدوله هم زیادتر از وزیر امور خارجه میتوان اعتماد نمود بهتراست که عضدالملك هم حضور داشته باشد

سپس من فوراً بمشیرالدوله تلگراف کرده از او درخواست نمودم که ترتیب ملاقاتی برای ساعت سه ونیم همان روز مقرر دهد

همینکه منزل مشیرالدوله رسیدم مسیودوهارت ویلك را آنجا یافتم ولی هم مشیرالدوله وهم عضدالملك مجاوز بیست ... منتظر شده وحضور ... آمده خودرا معرفی نموده بودند مسیو دوهارت ویلك ابتدا شروع بمذاکره نموده بوزیر امور خارجه اظهار نمود که ما نمایندگی دودولتی که بی اندازه مشتاق سعادت ایران هستند آمده ایم طریق خطرناکی را که ایران را گذارده اند در آن مشی نموده و رو بهرج ومرج برود نشان دهیم

این مسئله آتیه بسیار وخیمی در پیش دارد وامیدوار است که مشیرالدوله این را جزو مشاغل خود فرض نموده همکاران خود و مجلس را باهمیت تمام از اهمیت موقع متنبه سازد

پس از اختتام نطق مسیو دوهارت ویلك من اظهار داشتم که معتقد بودم اوضاع حالیه ایران موافقت تامه دارم وگمان میکنم که بهترین علاج این است که مابین شاه و اهالی احساس بهتری تولید شده وعدم اعتماد عامه نسبت باین اعلیحضرت مرتفع گردد مخصوصاً ظاهراً هیچکس جرئت نمیکرد که برای دفاع شاه یک کلمه حرفی نزد اعضای مجلس هشت نرمت شده با اطلاعی بیستند وعقاید آنها درمسائل مالی مثلاً مثل عقاید بچها است ولی با اینحال هیچکس در صدد تصحیح عقاید آنها برنیامده ونسبت اعلیحضرت شاه ... نسبت مردم بامجلس است اخبار وشایعات که غیرمحتمل بودن آنها بر همه واضح است برعلیه شاه منتشر گردیده یک مشت مردم جاهل مخالف بواسطه آنکه هیچیک از اولیاء امور زحمت تکذیب آنرا بر خودهموار ننمودند بالتشویق تمام آنرا قبول وتصدیق نمودند

مشیرالدوله وعده داد که بیانات مارا از روی صداقت و امانت بهمکاران خود و مجلس برساند

همینکه اجازه مرخصی گرفتیم مسیودوهارت ویلك گفت گمان میکند مشیرالدوله بیانات مارا بطور صحت آنطوری که دلخواه باشد برساند و عقلا اینطور صلاح دید که هردو از عضدالملك ملاقات نموده ومطالب را بهمین نهج دو عنوان سازیم چون وعده ملاقاتی بمستر رابینو داده بودم نتوانستم فوراً نزد عضدالملك بروم ولی پس ازحرکت مسیو دوهارت ویلك مهم زود خودرا بمنزل رسانیده وهمانطوریکه بمشیرالدوله اظهارات مطالب خودرا نمودم با ایشان هم مذاکره کردیم

عقیده من است و برای آن دلیل دارم چونکه مشیرالدوله مطالب مرا بطور صحت برئیس مجلس اظهارداشت من اقدام نمودم که ملک وکیل متدین بی‌طرفی را که شرح مطالب مارا بطور صحت اظهارمیداشت ازبهبهانی ومقصد خودمستحضردارم میتوانم بگویم که ازاین اقدام نتیجه مطلوبه در راه تولید موافقت و مؤالفت مابین دو طرف بدست آمد ،،

صبح روزسه شنبه (۵ شهرجمادی) همینکه پس ازمراجعت از طهران چونکه برای کارهای شخصی آنجا رفته بودم قلهک رسیدم قریب ساعت یازده ازمجلس بتلفون بمن خبرداده شد که شاه قریب ساعت ده ... خارج شده معلوم نیست بکجا رفته است ازقرار معلوم قریب ساعت ۸ ونیم قبل از ظهر مابین بعضی ازقراولان قصر ردیف دروازه حوالی اداره گمرک نزاعی بوقوع رسیده و فریاد زدند که ... کرد دسته جات سرباز آمده بین طرف وآن طرف شهر تخت ونارنمود ودرحین بحبوحه‌گی که ازاینکار بهم رسید شاه بعده معتبری ازعساکر که دور اورا محافظت مینمودند وباکلنل لیاخوف ومسیوشبتال که این‌طرف وآنطرف کالسکه بودند بطرف باغشاه که در مغرب شهر واقع است رفت همینکه معلوم شد شاه کجارفته نظم اعاده گردید ولی مردم بسیارمشوش ومضطرب بودند

بمجرد آنکه این اخبار بمن رسید درزرگنده بسفارت روس رفته وچون مسیودوهارتویک بسفارت آلمان رفته بود من منتظر مراجعت اوشدم همینکه وارد شد اظهارداشت که این اخبار کمی بعدازساعت ده بوسیله تلفون باورسیده و از ترتیبی که پیش‌آمده بود

اظهار خوشنودی نمود چرا که تصور میکرد در باغشاه برای شاه وسائل امنیت بهتر ازمرکزشهرموجود بود وامید داشت که شاه بزودی بشاوران که در دامنه کوه واقع است عزیمت خواهد نمود

شهرطهران بکلی آرام بود قزاقان درکوچه گردش کرده وبازارها که ازموقعیکه خروج شاه معلوم شد بسته بودند طرف ظهر باز گردیدند اهالی بسیار مشوش بودند ازاینکه شاه پس ازآن چه اقدامی خواهد نمود و غیرمعلومی جریان مسئله سرحدی باشکالات و خوف های حکومت موقتی افزوده دربین دوروز بعد مابین درباریان ووزراء شاهزادگان واعیان سرعت ومشغول هم گفتگوها ومذاکرات بعمل آمده وروزچهارشنبه بعدازظهر (٦ شهر جمادی) وزیرامور خارجه از سفیرروس ملاقات نموده پس از مذاکرات طولانی راجع بمسئله سرحدی با امیربهادر جنگ صحبتی نموده نتیجه این شد که اوفردا صبح آنروز ازسفارت خارج گردید

مسیودوهارتویک مرا اطلاع داد که مشیرالدوله اطمینانات کافی ازبابت امنیت امیربهادرجنگ باوداده وبنا براین دلیل دیگر نبود برای آنکه اوزیاده براین درتحت بیرق روس خودرا محفوظ دارد امیربهادرجنگ فورا بطرف قصر مراجعت نمود

بعدازظهر ۷ ژون کابینه آخرالامر تشکیل گردیده وبرای جلسه مجلس آمدند ولی چون مراسم معرفی آنها بطور محرمانه بعمل آمد مسئله تشکیل آنها بطور عموم برعیه معلوم نگردید

طرف مغرب هرمز میرزا قلهک آمده مرا اطلاع داد چونکه برادرش جلال‌الدوله وعلاء‌الدوله وسردارمنصور وعضدالملک را شاه

دستگیر نموده و بعد از آن شخص دیگری آمد و همان خبر را داده علاوه نمود که سه نفر از دسته‌های اولی را در زرگنده و تجریش گرفته و کسان دیگر هم با آنها دستگیر شده است . هر دو را من تحقیق نمودم که آیا برای استخلاص جلال‌الدوله چنانچه برای نصرالملک اقدام نمودم کاری خواهم کرد یا نه

من اظهار داشتم که موارد مختلف میباشد و برای آنکه از جانب جلال‌الدوله مدافعه نمایم هیچ سبب و علتی ندانسته و چون این‌طور شهرت داشت که او در انقلاب اخیر شرکت مهمی نموده بود این مسئله مسکوک بود و در هر صورت دلیلی برای اینکه جان او در معرض خطر باشد در دست نیست و در حقیقت هر دو میرزا مسئله دستگیری برادر خود را ابتدا بطور شوخی بیان کرد هر دو آنها اشاره نمودند که امکان دارد متحصنین [illegible] داخل سفارتخانه شهر شوند . و از من تحقیق نمودند در اینصورت چه قسم عمل خواهم کرد صبح روز بعد دو هزار علامات مشتبه شهرت دادند که درهای سفارت را سه هفته مواظب باشند و هر گاه کسی بخواهد بست اختیار نماید دخول بمن خبر رسانند

سپس معلوم گردید که شاه علاء‌الدوله و جلال‌الدوله و سردار منصور [illegible] را مقصر محسوب نموده ابتداء آنها حکم اطاعت امر او را نموده لیکن عضدالملک گفته است که او حفظ جان آنها را نظر بمراتب اطمینان بخشی که شاه بعنوان او فرستاده ضمانت مینماید و بعد آنها قبول رفتن حضور شاه را نمودند و دسته از عساکر قزاقخانه بهمراهی آنها رفته بحضور رسیدند شاه آن سه نفری را که تصور مینمود محرکین عمده انقلاب برای اخراج در زندان بوده‌اند توقیف نموده است

عضدالملک در حق آنها بی‌نتیجه بود و اظهار داشت که خود را [illegible] بحث محبوسین خواهد نمود و بعدها در قصر توقف نمود

شکه میگویند در بعضی و در موقع مسافرت بطرف مازندران محبوسین مذکور بطور سخت رفتار شده ظاهراً متکی کذب است

هیچ گفتگوئی نیست که شاه کاملاً حق داشت در مورد علاء‌الدوله و جلال‌الدوله سوء ظن برد ولی دستگیری سردار منصور اسباب تعجب عموم واقع گردید این شخص سال گذشته مدیر کل تلگرافات بود و [illegible] که [illegible] ولی مرا اطلاع داد میتواند حدث بزند دلیل دستگیری [illegible] دومی چه بوده من [illegible] دارای شأن [illegible] است من خود را مجبور میبینم [illegible] بی‌احترامی که باو وارد آمده تحقیق نمایم ولی فعلاً پیشنهاد مینمایم که برای تحقیق یک طریقی فراهم آورم که حمل مداخله از طرف من در مورد او نشود تا آن اندازه که از علاء‌السلطنه من مفهوم شده از قرار معلوم او در اطاقهای ملاحظه عضدالملک در [illegible] نموده و دسته آمدن او قبل از ورود سفارت [illegible] که محرک عمده فتنه بوده او بوده است در انظار ایرانیان داشته شان .... البته من حق میدهد که برای تحقیق مقصر او فشار آورم ولی چون اینکار نمودم برای استخلاص او مضر خواهد شد صلاح دانسته‌ام که از هر اقدامی که صورتاً شبه مداخله در امور داخلی باشد احتراز نمایم من پیشنهاد میکنم که علاء‌السلطنه فهمیدم که من انتظار دارم از باب تقصیر سردار اقناع شوم

[illegible]

[illegible]
محرمانه مختصری دو حالیکه درهای مجلس مسدود بود دسته کوچکی
[illegible] در جلو آن طرف مسجد شدند از مردم
[illegible]

که مخالفت هنوز بانتها نرسیده و سرکردگان هیجان ملی در فکر آن بودند چطور کشمکش را بوسایل موافق قوانین مشروطیت و بطور مسالمت خاتمه دهند از قرار معلوم شاه باطنی سخت حاضر و مهیای اقدامات شدید شده بود و از مخبرالدوله مبلغ گزافی (۱۰۰۰۰ لیرا) گرفته و بواسطه آن سعی داشت که بر دادن اضافه حقوق [illegible] و [illegible] آنها حسن خدمت و وفاداری آنهارا بطرف خود جلب نماید - روزی چهار قران بقزاقها و بسربازان الی یک [illegible] و علاوه شروع نمود که از طبقه پست اهالی شهر تشکیل ستداد دیگری داده و باغ شاه را مبدل بیک اردوگاه عظیم و مستحکمی نمود ولی [illegible] روز دو شنبه (۱۵ شهر جاری) [illegible] نمودند آنوقت [illegible] میرزا رئیس انجمن برادران [illegible] و سایر اعضای مهم آن گرفتار شدند شخص اولی که [illegible] وزارت جنگ است متهم شد باینکه از [illegible] و [illegible] دیگر بیرون داده و از قرار مذکور قرار بود برای محاکمه [illegible] دولت شود

در اینصورت سرکردگان ملی تصمیم اتخاذ رویه مسلک برای خود کرده و از شاه استدعا نمودند که هیئتی مرکب از ۶ نفر از اعضای مجلس را بپذیرد و این هیئت قرار بود بدو دلیل [illegible] [illegible] برای مشروطیت باشد [illegible] و عرضه [illegible] از وی خواهش نمایند که با مجلس موافقت نماید چرا که اگر غیر از این باشد نمایندگان ملت بوظایف ملی و مملکتی خودرا میتوانند عمل نمایند شاه از پذیرفتن این هیئت سر باز زده [illegible]

از ظهر سه شنبه (۱۶ ژون) پس از آنکه مطالب یاد داشت مذکور را بصدای بلند خودش خواند جواب داد همین حالا نمی تواند جواب قطعی بدهد ولی مستمعین را متذکر نمود که مجموعه ارارا بقوه شمشیر بدست آورده و قصد او این است که آنرا بقوه شمشیر حفظ نماید

وزیر امور خارجه را که بعد از ظهر ۱۶ ژون ملاقات نمودم بطور واضح و ساده برخلاف عادت معمول خود صحبت [illegible] اظهار داشت که او موقع را خیلی مهم میداند و مذکور داشت که از تمام نقاط مملکت تلگرافات تهدید آمیز بر علیه شاه می رسد و آنچه وزرا قصد انصراف شاه از تعقیب این طریقه [illegible] خطر [illegible] او اظهار میداشتند بی شبهه بود من اظهار داشتم که [illegible] می هرگاه پس از دستگیری علاء الدوله و دو نفر همراهان [illegible] برای محاکمه بوزارت عدلیه تسلیم نموده بود [illegible] خیلی محکمتر میشد و شاید هنوز هم وقت انکار نگذشته است و هرگاه چنین رفتار نموده بود دلیل واضحی بود بر اینکه شاه میخواهد موافق قوانین مشروطیت عمل نماید و بواسطه دستگیری آنها بمردم واضح نموده است که دارای قوه کافی است که از خودش دفاع نماید علاء السلطنه اظهار داشت که وزرا بهر طریقی که [illegible] رسیده باشد نصیحت نموده اند که اورا بر [illegible] طریقی که من نمودم بکنند ولی نتیجه بخشیده نیست و [illegible] سؤال نمود آیا میتوانم یک وسیله همین [illegible] در [illegible] ما گفتم در اینمسئله غور نموده ملاحظه خواهم کرد [illegible]

[illegible]

در عرض هفته گذشته چندین تلگراف از شهرهای [illegible] [illegible] شده‌اند که مشروطه که اتحاد [illegible] همدردی و [illegible] برخلاف‌های [illegible] شده [illegible] [illegible] تلگراف [illegible] [illegible]

نمره ۱۷۶

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۸ [illegible] [illegible] [illegible] عمومی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کنترات‌های خود [illegible] [illegible] که حقوق [illegible]

را محفوظ دارد [illegible] رئیس اداره تلگراف هند و [illegible] اطلاع میدهد در [illegible] [illegible] [illegible] دو طرف مخالف [illegible] ولی چون [illegible] [illegible] [illegible] نموده است

[illegible] تلگراف [illegible] هند و [illegible] [illegible] طول [illegible] [illegible] [illegible] مردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۱۱۷

[illegible] ۱۹ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

نمره ۱۰۷

[illegible]

وقتی که درعرض چهارهفته گذشته درایران روی داده

درمکتوب ۱۷ ژون مستر مارلینگ مشروحا مذکور گردیده است کابینه جدید که در ۷ ژون بمجلس معرفی شد مرکب از اشخاص ذیل است

وزیر داخله ورئیس الوزراء	مشیر السلطنه
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر امور خارجه	علاء السلطنه
وزیر عدلیه	محتشم السلطنه
وزیر جنگ	مستوفی الممالک
وزیر معارف	مشیر الدوله
وزیر تجارت و فوائد عامه	مؤتمن الملک
بعدا	جرجیل منشی السنه شرقی

اصفهان

در ۱۷ مه نمایندگان انجمنهای پلتیکی مختلفه درمحل اجلاس انجمن محلی برای رفورم انتخاب اعضای آن هیئت وتحصیل امنیت طرق وشوارع وتنبیه اشخاصی که برعلیه مشروطیت صحبتها کرده بودند وهمچنین محکمه عدلیه مرجوع داشتن عدالت بی اعتبار نمودن مساجد وخانه‌های علما رفته پناهنده شدند پس از قدری مذاکره حاکم وانجمن محلی با تقاضاهای آنها موافقت نموده ودر ۲۲ مه متحصنین مذکور ازعمارت انجمن خارج گردیدند این هیجان درحقیقت الامر برعلیه آقانجفی که یکی ازمستبدین است بعمل آمد وازاو نوشته گرفته که با اصلاحات مذکور موافقت نماید

در ۲۸ مه پانصدنفر ازدهاتیان زنان که درنزدیکی اصفهان

واقع است درقونسولخانه انگلیس بست مالیات گزاف حکومه ازآنها مطالبه میشد متحصن شدند آقانجفی آنهارا ترک قونسولخانه تحریص نمود ولی از آنطرف آنهارا تشویق نمود که تا زمانیکه حکومت آنهارا بفرستادن توپ ودعوت شدن تهدید میکند از پرداخت مالیات ممانع ورزند

پست اصفهان را سارقین در ۱۹ مه نزدیک طرق زدند ودرعرض هم چهارصد رأس گوسفند را درنزدیکی قمشه بسرقت بردند

یزد

در ۲۲ مه دهاتین باداره تلگراف خانه آمده خواستند در آنجا بست اختیار نمایند در ۲۰ مه دونفر ازآنها برخود نفت ریخته وخودرا آتش زده بودند وسه نفر خودرا ازبالای یک مناری بزمین انداخته یکی ازآنها تلف شد

تلگرافی ازورزمایه رسید که یک قسمتی از مالیات حکومه مطالبه شده مرفوع شود ولی قبول نگردیده رفتند در ۲۴ مه چون ازطرف مجلس جوابی نرسید زدهم نفر سرکرده ها رسیدند در ۲۶ مه رئیس انجمن بتمام علمای یزد تلگراف نموده آنهارا برای آنکه گذارده بودند باجناب متوسل شوند سرزنش نموده بآنها تعلیم دادند که مردم را وادارند از تلگراف خانه خارج شوند ولی مردم بحرف خود باقی ماندند در ۲۹ مه بعضی ازآنها ازآنمحل خارج شدند ولی سرکردگان واکثریت آنها در آنجا ماندند در ۳۰ مه بازهم دهاتین روبشهر آورده سه چادر برپا کردند در ۳ ژون دسته ازاسرد مخواستند

[illegible] که در کوچه ها اوباش شدند [illegible]
[illegible] حبل مصرف سودند [illegible]
[illegible] مشغول [illegible]
[illegible]
[illegible] خارج شده بودند [illegible] سرکرده [illegible]

[illegible]

دستور العمل داده شود که نسبت بسفارت انگلیس بطور دوستانه سلوک نمایند (امضاء) هیو اوبرن

نمره ۱۷۹

مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (واصله ۹ ژوئن)

طهران ۸ ژوئن ۱۹۰۸ شاه تمام تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول میکند ولی در باب تقاضائی که بر حسب ماده ٤ شده آن اعلیحضرت میخواهد چند نفر از اینها از مملکت اخراج شوند عده آنها از سه یا چهار متجاوز نخواهد بود

گمان میکنم موافقت با میل شاه باعث رفع غالب مشکلات آتیه خواهد گردید مدت غیبت این اشخاص از ایران گمان میکنم بیک سال باید محدود شود و اینطور باید شرط شود که هر یک از آنها تا زمانیکه از هرگونه اقدامی بر علیه شاه احتراز کند در مراجعت پس از انقضای مدت مرقوم کسی مزاحم او نخواهد شد آنهائی که قبل از انقضای این مدت مراجعت کنند البته خود مسئول خطرات وارده خواهند بود هرگاه یک مدت معینی برای آن قرار داده شود متحصنین محکوم به نفی بلد خواهند شد

ممکن است بعضی از متحصنین از قبول شرطی که ما بین دو دولت برقرار شود امتناع ورزیده مخصوصاً آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت مقاصد پلتیکی خود قرار دهند بخروج از آنجا مایل نباشند هرگاه اشخاص مذکوره بدولت ایران تسلیم شوند آن وقت [illegible] برای ما غیر ممکن خواهد بود و از وصول تعلیمات شما در این باب خوشنود خواهم گردید

وزیر امور خارجه سوادی از مضمون ترضیه را که شاه میخواهد فعلا بمن ارائه خواهد نمود که تصویب کنم

اگر اعتراضی ندارید من خوشنود خواهم بود که با میل جناب معظم الیه در خصوص اینکه اشخاص و نماینده شاه علیحده ترضیه بخواهند موافقت نمایم جناب معظم الیه از ابتدا تا انتهای این امر کوشش داشته‌اند که بمن همراهی کنند و من میخواهم اشاره باین وسیله ممنون بدارم

نمره ۱۸۰

مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئن)

طهران ۶ ژوئن ۱۹۰۸ در دو شهر [illegible] موید الدوله که قبل از حدود ۲۳ شهر ماضی بحکومت منصوب بود و [illegible] تاکنون سمت خود برقرار بود دو مرتبه بحکومت معین گردید

نمره ۱۸۱

سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ٦ ژوئن ۱۹۰۸ متحصنین [illegible]

تلگراف ٥ ژوئن [illegible] میتواند ترضیه جداگانه را قبول نماید

دولت اعلیحضرتی پیشنهاد شما را در [illegible] صورتیکه متحصنین از مملکت خارج شوند [illegible] مدت [illegible] قبول [illegible] متحصنین [illegible] شرط [illegible] که در صورتیکه هر یک از [illegible] در مراجعت در مدتهای خود [illegible] کسی مزاحم آنها نشود تصویب مینماید هرگاه مدت یکسال کافی نباشد ممکن است بمدت زیادتری رضا دهم

فرصت از محسنین را که از ترك سفارت امتناع میورزد
اطلاع دهید که میتوان آنها را اجبره توقف داد ولی ترتیبی داده
خواهد شد که در خروج از مملکت آنها مزاحمتی نشود نمی
توان در محبس سفارت بمدت غیر معینی دوام داد و این کار باعث
مناقشه در پلتیك و سوء ذائقه مملکت خواهد شد وفقط درموقعیکه
خطرات جدی عاجل متصور است میتوان بطور موقت برای حفظ
[illegible]

نمره ۱۸۲

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۶ ژوئن ۱۹۰۸ مستحفظین درب سفارت ـ
راجع بتلگراف ۵ ژوئن شما مادامیکه نزدیك سفارت مستحفظین
برقرار هستند ازمبه قبول نخواهد شد و هرگاه آنها را فورت و
دلتنیه بردارند دیگر تصور نمیکنیم هیچ‌وقتی که از طرف ما شده
[illegible] وزیر امور خارجه را از [illegible]
[illegible]

نمره ۱۸۳

تلگراف سرادوارد گری بمستر اوبرن

وزارت خارجه ۶ ژوئن ۱۹۰۸ مستحفظین دور سفارت
طهران شما باید مسیو ایزولسکی را از مضمون تلگرافی که در ۶
ژوئن مستر مارلینك مخابره نموده‌ام مستحضر داشته و از ایشان
درخواست نمائید که تعلیمات جدی بسفیر روس برسانند که با
اظهاراتی که مستر مارلینك باید بکند تقویت نماید

نمره ۱۸۴

تلگراف مستر مارلینك بسر ادوارد گری (واصله ۷ ژوئن)

طهران ۶ ژوئن ۱۹۰۸ آیا امکان دارد که دولت روس
درباب این پیشنهاد که ملاحق اظهاری شاه نموده اورا به انعقاد
پارلمان بهمین زودیها دعوت نماید مذاکره شود باجرات ارائه طریق
مینمایم که چنین اقدامی از طرف ما مستحسن واقع خواهد شد
در عرض سه ماه قبل از انتخابات نامعین شده امید وارم
که بواسطه تشکیل مجلس سنا که در قانون اساسی ذکری از آن
رفته و اجرای قانون جدید انتخابات تغییری در اساس مشروطیت
بدهند گمان نمیکنم که مجلس سنا بالاتر همانها که هیئت
وزرا پیشنهاد نمایند مخالفت کند و هرگاه هیئت که ظاهراً مراعات
قوانین مشروطیت را بنماید و حتی یك پارلمان هم آنرا تصویب
کند زیاده باعث اطمینان اهالی مملکت خواهد شد

نمره ۱۸۵

تلگراف مستر مارلینك بسرادوارد گری . ـ (واصله ۷ ژوئن)

طهران ۷ ژوئن ۱۹۰۸ عساکر دور سفارت اعلیحضرتی
راجع بتلگراف ۵ شهر جاری من عساکر دیگر دور سفارت
گردش نمیکنند مسیو دوهارتویك بطور سخت بدولت ایران
اصرار میکند که ملاحظه‌ای ما موافقت نمایند

نمره ۱۸۶

تلگراف مسترمارلینك بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۷ ژوئن)

طهران ۷ ژوئن ۱۹۰۸ وزیر امور خارجه دست مجلس

اطلاع شخص من سواد جواب مراسله که درباب تقاضاهای دولت اعلیحضرتی باشان نوشته بودم برای من فرستادند

مضامین مسوده مذکور بکلی موافق دلخواه بود ومن اراده طرح نموده ام که بسیاری از آنها را تغییر داده عبارات دیگر بجای آن بنویسند

ابتدای نوت جوابیه اظهار تأسفی است که از وقوع اعمال متمسکه شده و نسبت آنرا بمأمورین جزو داده اند و بعد از آن بطور ساده بیان میکند که دولت علیه بمختصره تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده اند و از طرف شاه اظهار میل میکند باینکه بعضی از متحصنین بعد از ایران اخراج شوند

تلگراف ۶ ژوئن شما متعاقب آن برای من رسید

نمره ۱۸۷

تلگراف مستر اوبرن بسرادواردگری . — (واصله ۷ ژوئن)

سن پطرزبورغ ۷ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۶

شهرجاری شما مسیوایسولسکی مرا اطلاع میدهد که فوراً بطوریکه میل شما است بتلگرافاً بسفیر روس مقیم طهران دستورالعمل خواهد داد

نمره ۱۸۸

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینگ

وزارت خارجه ۹ ژوئن ۱۹۰۸ بی احترامی بسفارت

درباب تلگراف ۸ شهرجاری شما لطف نموده راپورت دهید که تا چه وقت شاه ودولت ایران محتمل است بتقاضاهای ما موافقت نمایند

و ترضیهٔ حقی که از طرف دولت اعلیحضرتی مطالبه شده بخواهند (رجوع بتلگراف نمره شهر جاری من نمائید)

دیگر برای ما ممکن نیست که بیش از این تأخیر در قطع عمل این شرایط را جائز بدانیم

نمره ۱۸۹

تلگراف مسترمارلینگ بسرادواردگری . — (واصله ۹ ژوئن)

طهران ۹ ژوئن ۱۹۰۸ تقاضاهای دولت اعلیحضرتی

راجع بتلگراف ۷ شهرجاری من وزیرامورخارجه یادداشتی برای من فرستاده تغییرات لازمه را بهمراه آنچه طرح من داده و تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده است

مضمون عبارت ترضیه و وثیقه که شاه برای جان ومال و شخص پناهندگان داده بطرزی موافق دلخواه است ومن تشبث نموده ام که ترضیه بطور رسمی خواسته شود

نمره ۱۹۰

تلگراف مسترمارلینگ بسرادواردگری . — (واصله ۱۱ ژوئن)

طهران ۱۱ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible] وزیرامورخارجه

ازطرف دولت ایران ووزیردربار رجوعات [illegible] که من تصویب نموده بودم رسماً معذرت خواستند

امید من اینست که اکثر پناهندگان تا سکرور دیگر ازسفارت خارج خواهند شد

وزیردربار نیز ازطرف شاه بمن پیغام شفاهی اورا درباب اینکه شرایط مقرره را بدون کم وزیاد مراعات خواهد نمود برای من فرستـ

نمره ۱۹۱

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۱۱ ژوئن)

طهران ۱۱ ژوئن ۱۹۰۸   بستی‌های سفارت شاه همین الان پیغامی برای من فرستاده درضمن آن اعلیحضرت اظهارمیل‌میکند که اولا درمورد شش نفر ازبستیها مدت تبعیدآنها ازپنج الی ده سال مقررشود   ثانیا چهارنفردیگر باید بوطن خودرفته ودیگر بطهران نیایند   ثالثا آن اعلیحضرت بطور دقت مواظب خواهد بود که کلیه اشخاصیکه ازسفارت خارج میشوند دراقدام هیجان‌آمیزی برعلیه شاه شرکت ننمایند

این پیغام شاه بعقیده من بسیار مخالف دلخواه است درباب قسمت اول آن من تادیروز از دادن صورت اسامی شخصیتی سفارت امتناع داشته میترسیدم هرگاه اسامی آنها معلوم شود طرفداران شاه ازخانواده واموال آنها انتقام خواهند کشید   در ۸ شهر جاری یك نفر ازوکلای اصفهان که بمیل خود ازسفارت خارج شد شاه اورا بدرقه و و اسامی تمامی بستیهای معتبررا من باعلیحضرت دادم شاه حال پیشنهاد نموده که درمورد شش نفر ازآنها مدت تبعید طویل باشد ودرضمن تمام مذاکرات اینطور فهمیده‌ام که سه نفر یاچهارنفر فقط بستی مدت شش یاهشت ماه ازمملکت خارج باشند

اما درباب قسمت دوم پیغام آن اعلیحضرت حکم کاملا جدیدی است دونفر که مذکور گردیده وخانه آنها درقراچه داغ که ولایت امیر بهادر جنگ میباشد هست و حکمفرمائی و اقتدار او درآنجا مسلم است

بستیها از ترك سفارت ابراز بی میلی میکنند و هرگاه آنها ازقسمت سوم این پیغام باخبر شوند همه ازرفتن امتناع خواهند نمود

من از مفتاح السلطنه که پیغام آن اعلیحضرت را برای من آورد خواهش نمودم که بشاه اطلاع دهد عفو عموم بستیها بخشش ازمکرمت‌های دولت اعلیحضرتی بوده وفقط محض آنکه فرصتی برای رفع این هیجان ملی باشد آندولت بخواهش اعلیحضرت رضا داده که سه یا چهار نفر برای مدت معینی از مملکت خارج شوند علاوه من اظهار یقین نمودم که این شرایطی‌را که شاه علاوه پیشنهاد نموده که در جزو آنها یکی تنبیه بستیها است که درحقشان عفو اعطا شده و باید تبعید شوند دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول نخواهند نمود و پیغام شاه مخصوصا قسمت سوم آن که بنا بر اطمینانات وزیردربار امروز صبح بمن رسید وبنا برتذکاری که من در قبول طرحه ترغیب نمودم که سایر تقاضاهای ما باید بدون کم و زیاد قبول شود باعث بسیار نامساعدی بروز خواهد داد

اما درباب قسمت اول باحترام ارائه طریق مینمایم که بمن اجازه داده شود که بتوسط وزیر امور خارجه شاه را مستحضر دارم که حد مدت تبعید از ایران یکسال باشد و اینکه دولت اعلیحضرتی قسمت دوم را نمیتواند قبول کند و قسمت دوم و سوم رویهم رفته بهانه است برای عاطل ساختن اثر عفو

نمره ۱۹۲

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۱۳ ژوئن)

طهران ۱۳ ژوئن ۱۹۰۸   پیغامی ازشاه برای من رسیده

مشعر براینکه آن اعلیحضرت شرایط خود را درباب مستبها تغییر خواهد داد

مدت تبعید تقلیل داده و یکی از مقصرین مشروطه خواه یک سال و یک سال و نیم تبعید شده ودر مورد سه نفر دیگر اشکال اسم سنی ششمی حالا از صورت حذف شده و او حاضر است که بمیل خود باروپا برود

در شرایط دومی تغییری داده شده اما درباب سومی شاه مجدداً اطمینان میدهد که بعهود خود وفا خواهد نمود

گمان میکنم در تحت این اوضاع میتوانم به پناهندگان اصرار [illegible] که از سفارت خارج شوند ولی شاه اظهار بی میلی درزمین میکنند [illegible] یکی امتناع ورزند. آیا صحیح است من [illegible] کنم

بموجب تقاضای سوم ما سه نفررا مستخلص نموده اند

بعلاوه مقرر شده که سردار منصور بخراسان فرستاده شود و جلال الدوله و علاء الدوله باروپا بروند

اشخاصی که در سفارت پناه گرفته بودند رفته اند

با وجود این آثار و علامات اطمینان بخش خوف عموم مردم [illegible] گرفته و آنهائی که تصور میکنند جانشان درخطر است اصلاً میگویند نمیخواهند بمهلکه بیایند امیدوارم آنهارا ازاینکار باز دارم

نمره ۱۹۳

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۱۳ ژوئن ۱۹۰۸ پناهندگان سفارت راجع

تلگرافات ۱۱ و ۱۳ شهر جاری شما مسئله اول از قراری که فهمیده ام مدت تبعید بروفق دلخواه مقرر شده در باب مسئله دوم ممکن نیست در مورد درخواست اینکه چهار نفر از پناهندگان به ولایات خود روند اعتراض شود و در مورد مسئله سوم هم حکم راجع باقداماتی است برای آنکه پناهندهائی که حفظ جانشان در ایران تعهد شده در موقع توقف خود در عهده دولت حضره کاری نکنند بعنوان اعتراضی شود

برای ما امکان ندارد که شرایط بهتر ازاین [illegible]

ما نمیخواهیم در امورات داخلی ایران دخالت [illegible] باید مرکوز خاطر عموم گردد که در سفارت فقط برای حفظ جان پناه دادهایم و نه برای آنکه برای یك اقدام مهم پلتیکی کمکی داده باشیم و حفظ جان و مال آنها که برایشان متحمل شده ام [illegible] رفتار وکردار مسالمت خواهانه آنها میباشد

و شاه هم باید اطلاع داده شود که درصورتیکه پناهندگان رفتار و حرکات [illegible] مسالمت خواهانه [illegible] کسی مزاحم آنها نشود

نمره ۱۷۳

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۱۳ ژوئن ۱۹۰۸ پناهندگان سفارت [illegible]

تلگراف ۱۳ شهر جاری شما وقتیکه کسی میخواهد پناه برد برای ما ممکن نیست که مسلك آن چیز دیگری را عهده بگیریم مگر آنکه تمام حد مملکت پناهندگان مدرکداری شود و فقط در

وقتیکه جان شخصی در مورد خطر باشد میتوانیم از او حفاظت نمائیم عمده اینستکه باید بطور وضوح مفهوم گردد اگر ما ازحدود مذکور . تجاوز نمائیم سرکردگان هریك از احزاب پلتیکی ممکن است در اوقاتیکه کار برایشان سخت شود سفارترا پناه گاه خود قرار داده محض آنکه هستحکه موقع مساعد تری بدست آورد بتواند تجدید اقدامات بنماید و آنوقت پلتیك عدم مداخله ما در امورات داخلی ایران بوضعیتی که پیدا خواهیم نمود بکلی موافقت نخواهد داشت

نمره ۱۹۵

تلگراف مستر مارلینگ بسرادواردگری . ــ (واصله ۱٤ ژوئن)

طهران ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ دوروزقبل سرکردگان رجاله را که درماه دسامبر گذشته درمیدان توپخانه مقصدی اقدامات نموده وبطور حبس بخراسان فرستاده شده بودند مراجعت داد ودر حسب امر آن اعلیحضرت کالسکه های متعدد باستقبال آنهافرستاده شدند

نمره ۱۹۶

مکتوب مستر مارلینگ بسرادواردگری . ــ (واصله ۱۴ ژوئن)

طهران ۱٤ ژوئن ۱۹۰۸ دیروز قریب سی نفر از پناهندگان سفارت اعلیحضرتی از آنجا خارج شدند

نمره ۱۹۷

تلگراف مستر مارلینگ بسرادواردگری . ــ (واصله ۱۵ ژوئن)

طهران ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ دیشب ظل‌السلطان باصفهان ورود نمود کاپیتان جنرال قونسولگری راپورت میدهد که برای تفریح

بمصیبات حکومت فارس وامورات شخصی خود حضرت اقدس اشان میخواهند چند هفتهٔ درآن شهر بگذرانند وپس ازآن بدون اینکه بطهران روند بطرف شمال مسافرت نموده و از همطریق از مملکت خارج خواهند شد

گمان میکنم اقامت ظل‌السلطان دراصفهان توقف باعث اغتشاشات درمملکت مشکل تر خواهند وسفیر روس هم با من شریك است بکمیل جنرال قونسولگری ما برای ... شده که حضرت اقدس اشرا متذکر سازد که ... درصورتیکه اشان درتوقف خود ادامه دهد خودشان را بهیچوجه محفوظ نخواهند داشت که وثیقه برای اوتحصیل نمایند وبرای‌اشان بهتراست که هرچه زودتر ترتیب حرکت خودرا بدهند

نمره ۱۹۸

تلگراف مستر مارلینگ بسرادواردگری . ــ (واصله ۱۶ ژوئن)

طهران ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸ ... که دم درب بزرگ مشغول قراولی بود ... علام مذکور شش نفر درشب ۱۵ شهر جاری بورود درسفارت موفق شدند و با اشکال زیاد فردا صبح آنروز آنهارا و در مجروح ... نمودیم مجددا دیشب ساعت هشت یکدسته دویست نفری کوشش مجدانه نمودند که ازدرب یکطرف سفارت داخل آنجاشوند قبل از آنکه ازاین درب داخل شوند سربازهارا هم دیده بودند وبالاخره آنها تهدید نمودند که آنهارا داخل شوند با آنکه علامت ... بودن آنها ترك این اقدام کوشش زیاد نمودند ...

عساکر متفرق شدند ولی عساکر مذکور مجبور باستعمال اسلحه شدند
و جمعیت متفرق میشدند وبس قونسول وارد و ... الناس
... [illegible] ... دهد

نمره ۱۹۹

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . — (واصله ۱۶ ژوئن)

طهران ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف امروز من
... از سفارت خارج شده اند دوازده نفر حالا نیز
هستند ... که ... وطن خود محسوب ... کنند ...
که ... خارج ... هستند

نمره ۲۰۰

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸ در باب ظل السلطان
... که شخص جنرال قونسولگری اصفهان ...
مندرجه تلگراف ۱۵ شهر جاری خود داده اید تصویب میکنم

نمره ۲۰۱

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگرافات ۱۶
شهر جاری شما درخصوص وضع عمومی ایران
از تلگرافات شما معلوم میشود که ... اختیار نمودن
در سفارت ... را ... ملاحظه حفاظت ... استفاده
میشود بلکه برای مقصد پلتیکی هم چون مداومت در این کار ...
آن در آینده بهیچوجه خیلی غیرمطلوب خواهد بود شما باید عموم را

از این مسئله متذکر سازید که در آینده یک جنبش ... بشود
... درسفارت داده نخواهد شد
بدون اینکه پناهیانی را که درست اختیار نمودن مقصدشان
صرف پلتیکی بوده و از خروج امتناع میورزند جبرا خارج سازند
شما باید کوشش نموده آنها را ملزم سازید ... از وقت ...
... [illegible] ...

نمره ۲۰۲

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۱۸ ژوئن ۱۹۰۸ در صورتیکه ...
دارید که از ... مردم خوفی داشته ... شما باید
درهای سفارت را ببندید

نمره ۲۰۳

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ مستحفظین قونسولخانه
شیراز در باب تلگراف پنجم شهر جاری شما مستحفظین قونسولخانه
همین عده که هستند میتوانید تا مدت شش ماه دیگر بطور ...
نگاهدارید موعد آن از ۱۹ شهر گذشته خواهد بود

نمره ۲۰۴

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . — (واصله ۲۵ ژوئن)

طهران ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ مردم هنوز هم برای ...
در ... میباشند و عده آنها ... نفر میرسد
یکی از اعضای محکمه که برای محاکمه محبوسین ...

شکیل شده اظهار میدارد که مقصود عمده تحقیقات آن است که
اشخاص مربوط بتوپ بستن مسجد را پیدا کنند و در ضمن
جریان این امر عده زیادی را دستگیر نموده‌اند اکثر آنهائی که
[illegible] شده برده شده‌اند پس از شهادت دادن محتمل مرخص خواهند
شد ولی تفتیش دائمی بیش درجه‌ای مردم تولید حس ناامنی نموده
و [illegible] خود [illegible] میکند [illegible]
[illegible] هیچ طرفی [illegible]
[illegible] مشهود شده [illegible]
[illegible] عده کثیری [illegible] که [illegible] شده
[illegible] خود [illegible]
[illegible] ولی فقط [illegible] دستگیر
شدن [illegible]
[illegible] محتمل است که [illegible] خواهند شد
[illegible] ولی فعلا [illegible] ظاهر است
ومحتمل است که عده کثیری [illegible] شوند

هرگاه [illegible] شدن عده آنها وضع حفظ الصحه [illegible]
[illegible] میکنم [illegible] آنهائیکه [illegible]
[illegible] و آنهائیکه [illegible] هستند [illegible] دخول [illegible]
[illegible] شخص [illegible] کار [illegible]
خواهم نمود

دولت [illegible] هیچ اقدامی برای منع ورود مردم [illegible]
[illegible] است

نمره ۲۰۵

تلگراف سر [illegible] بسر ادوارد گری

وزارت خارجه ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible] دولت
[illegible] وضع [illegible] شهید نموده‌اند [illegible] مورد
[illegible] که [illegible] ترتیب [illegible] که
در تلگراف ۲۵ شهر جاری شما تشریح [illegible] تصویب میکند

درصورتیکه [illegible] که [illegible] هستند [illegible]
[illegible] میشود [illegible] حفظ الصحه [illegible] منع [illegible]
دخول [illegible] اجازه دهد

تلگراف [illegible] بسر ادوارد گری . – (وصله ۲۹ ژوئن)
طهران ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۷ [illegible]
من [illegible] فعلا قریب ۱۵۰ نفر [illegible] در قلهک هستند [illegible]
[illegible] مجروح [illegible]
[illegible] منع [illegible] بوسیله [illegible]
[illegible] عمومی [illegible] پیدا شود

نمره ۲۰۷

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . – (وصله ۳۱ ژوئن)
طهران ۳۱ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۹ شهر جاری
من روز سه شنبه وچهارشنبه ۲۵ نفر دیگر را وادار بخروج از
قلهک نمودم ولی دیشب وامروز صبح ۱۸۰ نفر وارد شدند و فعلا
قریب سیصد نفر در ده هستند عدهٔ در مقابل فشار سختی که بآنها
وارد آورده‌ام راضی بخروج شده‌اند ولی محتمل نیست که بتوانم

قسمت عمده را راغب ساخته مثل سایرین بیرون رود
چه چه خودشان اعتراف میکنند مقصد پلتیکی درنظر دارند
و قصدشان فعلا [illegible] است [illegible] بدست آورده از آنجا
در اقدامات خود مداومت نمایند

[illegible] که [illegible] تحت [illegible] برده شود و
کوشش [illegible] که [illegible] محبوس [illegible] گرچه [illegible] کاملا
معلوم نیست که [illegible] خواهد شد

[illegible] که [illegible] خارج خواهیم کرد
[illegible] که [illegible] قسمت عمده [illegible] فعلا
جهت [illegible] خارج [illegible] و فقط [illegible] در
[illegible] خواهد کرد ولی [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] خواهد گردید علاوه [illegible] بزرگی [illegible] فعلا
[illegible] دولت [illegible] حاصل شود که از دسترسی مردم
[illegible]
[illegible] شود

[illegible] شد که چطور عمل [illegible]
خواهم شد

نمره ۲۰۸

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئن)
طهران ۳۱ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف [illegible]
[illegible] که [illegible] خارج شدند
[illegible] که درهای سفارت انگلیس [illegible]

نمره ۲۰۹

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ

وزارت خارجه ۳۱ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible]
تلگراف ۲۹ شهر جاری [illegible] که در تلگراف
۲۷ شهر [illegible] خود [illegible] طریق [illegible]
[illegible] که مکان [illegible]
[illegible] توضیح [illegible] که [illegible]
[illegible] برای اجرای مقاصد پلتیکی [illegible] علاوه [illegible] که
[illegible] تلگراف [illegible] خواهد [illegible]
[illegible] مطلوب خواهد بود که [illegible]
[illegible]

نمره ۲۱۰

مکتوب [illegible] بسر ادوارد گری (واصله [illegible])
[illegible] ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible]
[illegible] تلگراف [illegible]
[illegible] در آن شهر [illegible] ۲۰۹
[illegible] ملاحظه شد ولی [illegible]
[illegible] که [illegible] شروع [illegible]
[illegible] شرح [illegible] موجود [illegible]
[illegible] که [illegible]
و [illegible] طرح [illegible]
[illegible] خود [illegible]

طرف مصرف [illegible] راپورت نباید جزو خلاصه وقایع معمول ماهیانه فرستاده شود ولی اهمیت شهر تبریز از نقطه نظر مرکزیت عقاید پلتیکی وسیعه اینکه در میان شهر های ایالتی و ولایتی ایران فقط در آنجا بواسطه حوادث اخیر طهران احساسات عامه تا اندازه هیجانی آمده مرا مصمم نموده که در مراسله جداگانه شرح آنرا بنگارم

(امضا) چارلز مارلینگ

منضم در نمره ۲۱۰

مجمل راپورت مستر استیونس راجع به تبریز

در ۲۳ ماه گذشته تبریز خیلی مغشوش وبازارها بسته شد اخبار حوادث درطهران درهمانروز واصل گردید وجنگ مابین طرفداران شاه ومستبدین ومشروطین شروع شد تا سه روز بعد بازارها بسته وجنگ مداومت داشت تا اینکه در ۲۷ ماه طرفین قبول نمودند که قرار ملاقاتی داده وشرائط صلح مذاکره شود طرفداران شاه بقرار داد معهود عمل نمودند و مشروطین آنهارا مقتل [illegible] ازمشروطین متهم نموده وبعد یکی ازآنهارا برای ثبوت [illegible] قونسولخانه اعلیحضرتی آورده وبعد دریك مسجدی بردند مشروطین هم درتلافی برادریکی ازرؤسای علمارا که دستگیر ومحبوس نموده بودند بقتل رسانیدند جنگ مداومت داشت وازارل ازغارت [illegible] سرقت مینمودند

در ۲۸ ماه شش نفر ازرولوسیونرها در ژنرال قونسولگری روس بست [illegible] نمودند وعده زیادیهم ضمن دخول بقونسولخانه اعلیحضرتی نموده ولی قبول نشد ژنرال قونسول روس سعی

نمود که بمذاکرات بطرفین صلح را برقرار سازد ولی موفقیتی باقدامات خود حاصل ننموده تا اینکه در ۳۰ ماه استعدادی ازسوارهای قراجه داغی احضار شده برای برقراری نظم در بیرون شهر حاضر گردید درهمانروز معزز السلطنه فرمانفرما بقونسولخانه روس متحصن وعین الدوله بجای او بحکومت منصوب گردید [illegible] محلات [illegible] جنگ مداومت داشت ودر اول ماه [illegible] [illegible] بشوند

[illegible] ماو فرستاده شد که برونق تصمیم دولت اعلیحضرتی [illegible] داخلی ایران مداخله ننمایند جناب ماشخص مذکور [illegible] در این ضمن ژنرال قونسول روس [illegible] رولوسیونرها [illegible] که بیرق سفید را که علامت تسلیم است برپا نموده و بعد [illegible] سوارها داخل شهر نشوند

قدری بعد دسته طرفداران شاه پیش آمده و [illegible] خانها ودکاکین را غارت مینمودند [illegible] مشروطین [illegible] شدند که مجدداً بنای زد وخورد را گذاشته وشروع بجمع آوری استعداد کردند کوشش ژنرال قونسول روس [illegible] نظم بی ثمر گردید طرفین تا ۱۰ ایماه مشغول جنگ و غارت خانها ودکاکین بودند تااینکه در ۱۰ ماه قشون ازطهران وارد گردید و تادوروز بعد سعی نمودند که مردم را به بازنمودن بازارها

و در [illegible] که دسته [illegible] مشروطه‌طلب [illegible] بوده و [illegible] مردم [illegible] فوق‌العاده [illegible] که کسی دکان خود را باز کند [illegible] در [illegible] [illegible] گرفتند [illegible] که در ۱۲ [illegible] شهر داخل شد وعده قبلی اردکاکی بار بودند

در [illegible] ۱۳ [illegible] ۱۰۰۰ [illegible] و [illegible] شهر کردند [illegible] ورود و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] بود [illegible] [illegible] [illegible] سمت کرده بود [illegible] و حکم [illegible] بود که [illegible] کسی خارج [illegible] شهر نشود

[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] خود خارج [illegible] و [illegible] هم [illegible] شده ولی [illegible]

نمره ۲۱۱

[illegible] مستر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۵ ماه ژوئن از قلهک

[illegible] دارم [illegible] دیلرا که متمم حکایت وقایع راجعه به (کودتا) جدیدیکه ابتدای آن در مراسله ۱۸ ماه ژون شروع شد [illegible]

در آنروز ودر دو روز بعد ظاهراً از انجمنها [illegible]

[illegible] بود درصورتی که مجلس خیلی مایل بود که صلح [illegible] و [illegible] بدست شاه برای بعضی اقدامات [illegible] و [illegible] میشود که از طرف انجمن [illegible]

اتصالاً مذاکرات مابین وزراء ومجلس از یکطرف و [illegible] از [illegible] شاه از طرف دیگر درجریان بود

مذاکرات در خصوص [illegible] که [illegible] خیلی طولانی و [illegible] مجلس که [illegible] مذکور را رد [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] کاملاً [illegible] ۲۳ [illegible] و [illegible] که [illegible] و [illegible] خود [illegible] که [illegible] و [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] بواسطه [illegible] که [illegible] شده بود

[illegible] که [illegible] کسی [illegible] روسی [illegible] تمام [illegible] میگویند که [illegible] از طرف روسا شده بود که [illegible] و [illegible] بمن اطلاع داد که [illegible] یکی از صاحبمنصبان روسی هم [illegible]

[illegible] که آنها ماداملی [illegible] خوب و [illegible]

[illegible] وکلای مجلس [illegible]

[illegible]

[illegible] قبول نمودند که [illegible]

[illegible] که [illegible]

وقتی که در [illegible]

[illegible] قبول نمودند که علاوه بر مذکور فوق [illegible] دستورالعمل

داده شود که شاه را از اطمیناناتی که درخصوص برقراری مشروطه

[illegible]

شخص احمد رسیده مگر اینکه چون او در معرض خطر فوری باشد

مازرانستوکس هرچند ساعت بساعت اخبار شهر را بتوسط تلفون میرسانید [illegible] از راپورتهای او همچنین فهمیده میشود که غارت زیادی کرده شده است چونکه او مشاهده نموده بود که سربازهم از بریگاد قزاق و هم از فوج سیلاخور با غنایم زیاد مختلف بطرف باغشاه حرکت میکردند و حتی غنایم مذکور را در روی گاریهای توپ بار کرده و حرکت میدادند و همچنین در موقعی که او در دکانی که چند قدم از سفارت دور بود برای تلفن زدن رفته بود چهار نفر از سوارهای امیر بهادر قصد دخول برای غارت نمودند [illegible] کمپر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شخص آخر مخصوصا بواسطه حملات مکرر با علیحضرت اعلی [illegible] که صورت حضور شیرا دارا بود مورد تنفر و غضب شاه واقعند

عشقی در شب روی نداد ولی صبح روز بعد کاغذ فوری

از طرف مازرانستوکس بمن رسید مشعر بر اینکه تقی زاده وشش نفر دیگر [illegible] که دو نفر از آنها مدیر روزنامه حبل المتین [illegible] که بواسطه حمله های سخت نسبت بدولت انگلیس خودرا مشهور نموده اند وسایر اعضاء انجمنها بسفارت متحصن شده اند

در همان موقع حسب الوصول کاغذی برای مسیو هرتویك راجع به شمسه فرستادم کاغذی از ایشان برای من رسید مشعر بر اینکه چندین نفر از اعضای انجمن برای تحصن بسفارت میروند و همچنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که او از روی وجدان کلیه دستورالعمل [illegible]

[illegible] را بموقع اجری خواهند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] طهران [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] هرچند که [illegible]

[illegible] بود که [illegible] بود که

[illegible] خواهد شد [illegible]

[illegible] مردم [illegible]

[illegible] که [illegible] خواهد شد

[illegible]

[illegible] ۱۰۰ [illegible]

۲۵ [illegible] داده شد

درمواقعی که [illegible] میکردم [illegible]

[illegible] شده [illegible] توضیح

نمود که [illegible] که [illegible]

[illegible] بوده می‌آورند

آنقدریکه من اطلاع دارم مقاومتی ازطرف [illegible] ولی

گمان کرده میشود که [illegible] ممکن است [illegible] بشود اقدام [illegible]

[illegible] طول کشید بواسطه [illegible] منزل علاء السلطنه صدای انفجاری درآمد [illegible] درمنزل علاء السلطنه دومرتبه معین‌الوزاره را ملاقات نموده ودرحضور [illegible] که مایل بودم بشاه اطلاع گردد باو دومرتبه اظهار نمودم جدی [illegible] که او بطرف باغشاه حرکت نمود

درموقعی که بسفارت مراجعت مینمودم [illegible] را مشاهده نمودم که تقریباً [illegible] ۳۰ [illegible] آنطرف [illegible] دردوطرف درب سفارت [illegible] بودند

ولی من گمان نمودم که [illegible] بوده [illegible] [illegible] که درطرف سفارت [illegible] خواهد [illegible]

[illegible]

[illegible] که ۲۶ [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مردم [illegible]

[illegible] که [illegible]

با وجود این مال پناه در سفارت بودند [illegible] خصوصی شهر بواسطه
حبس مردم بود

اعلان عفو عمومی در ۲۵ ماه منتشر گردید ولی با وجود این
عده از مردم دستگیر شده وحال هم اصلا دستگیر میشوند ودر واقع
مردم تصور میکنند که این اعلان فقط برای این بوده که اشخاص
مظنون از خفیه که بیرون بیایند

در روز دوشنبه ۲۹ ماه اعلانی بامضای خود کلنل لیاخوف در
تمام شهر چسبانیده شد ولی در ۶ ماه ژوئن اعلان ثانی که مبطل اعلان
کلنل بود از طرف مشیرالسلطنه صدراعظم منتشر گردید اعلان مذکور
توضیح میداد که شاهزاده مؤیدالسلطنه حاکم معمولی شهر است و
کلنل لیاخوف حاکم نظامی است (ترجمه هر دو این اسناد ملفوف است)

در ۱۷ ماه ژوئن اعلان دیگری از طرف شاهزاده مؤیدالدوله
منتشر گردید مبنی بر اینکه هرچند مداومت قوانین نظامی در شهر لازم
است ولی با وجود این او شخصا رسیدگی بکارهای معموله خواهد
نمود وهر کس که بخواهد میتواند در ساعت معین حاضر شده تا به
طلبها ودعاوی آنها رسیدگی شود [illegible] و علاوه توضیح میدهد که
جمع شدن در مساجد برای سازش اجتماعات ممنوع حساب میشود

روز بعد دستخطی که از طرف شاه خطاب بصدراعظم صادر
شده بود در تمام نقاط شهر چسبانده شد دستخط مذکور حکم میداد
که وزراء باید درصدد اصلاحات برآمده ومخصوصا ذکری از معارف
تقویت معارف وکارخانجات برده میشود [illegible] دستخط علاوه تأکید
مینماید که وزارت مالیه فورا باید بمطالبات راجع بحقوق معوقه

ادارات دولتی ووظیفه دعاوی رسیدگی نموده وقراری بدهد

مقصود از جمله آخر برای اینست که عده زیادی از ارباب
حقوق را که مجلس حقوق آنها را قطع نموده شاه بخود همراه نماید
البته معلوم است [illegible] وجوهات برای پرداخت مطالبات
فوق العاده که بهمراه حق دارد وجود خارجی ندارد [illegible] که در ۹
ماه ژوئن قهوه خانه که متعلق بیکی از متحصنین سفارت بود که گفته شده
بود که در ۲۴ ماه گذشته از آنجا بومبی انداخته شده بود سربازان
خراب نمودند اقدام دیگری بعمل نیامد هرچند که عده [illegible]
دستگیر شده اند و [illegible]
[illegible]

در ۱۳ ماه [illegible]
[illegible]
[illegible] ۲۱۱
[illegible]

[illegible]

شاه حرکت نمودیم مستحفظین با خط دوهر سوار هندی ودوغلامی
بود که من از قلهك همراه آورده بودم

من دستور العمل کتبی را که در خصوص مذاکرات باشاه بمن داده بودید بمسیو بارلوسکی نشان داده گفتند که دستورالعمل ایشانهم از سفیر روس عینا بادستور العمل من مطابق است [illegible] من از ایشان خواهش نمودم که ترجمهٔ [illegible] که من دو جمله [illegible] نموده بخواند تا آنکه مفاد آنرا حفظ نموده بجهة اینکه ایشان باید تکلم نمایند .

[illegible] شاه [illegible] مرا قبول نموده وهمینکه شاه مارا حضور طلبید مسیو بارلوسکی بعدم مجاز بودن را از خط شاه ابلاغ نمود [illegible] که [illegible] مفهوم خودرا پیش از وقت حاضر نموده درجواب اظهار نمودند [illegible] آنچه را که بمسئله اول راجع است شما میتوانید که وزیر و [illegible] مطمئن سازید که من آنچه را که می توانم [illegible] عمل آورده وخواهم آورد و ایشان میتوانید که [illegible] خود آسوده خاطر باشند

[illegible] کلنل لیاخوف که مانند صاحبمنصب قزاق ایرانی دیگر که [illegible] و [illegible] شاه ایستاده بودند [illegible] نموده وگفته که [illegible] شهر [illegible] کلنل [illegible] شده است و الان مشغول گذراندن [illegible] هستند

و آنچه راجع بمسئله ثانی است اعلیحضرت شاه از ما خواهش نمودند که اطمینانات خود را در این باب بسفارتخانه‌ها ابلاغ [illegible] اینکه شاه [illegible] ندارد و اقداماتی که او بعمل آورده [illegible] اجتماعات رولوسیونر و مفسدین عموما بوده

است و دیگر اینکه خصوصا اعلیحضرت شاه [illegible] داری مشروطیتی است که خود آن اعلیحضرت عطا نموده

سپس من اظهار نمودم که اداره تلگرافخانه هند و اروپ وبانك شاهنشاهی ایران مخصوصا مانند خانه مستحفظین آنها اسبه شود اعلیحضرت شاه قول دادند که فرستاده خواهد شد [illegible] در موقعی که ما خارج شدیم امیر بهادر که در ملاقات حضور [illegible] بمن گفت که خود او عجالتا مستحفظ لازمه خواهد فرستند و بعد صاحبمنصبی را طلبیده و بمن اظهار نمود که هرچه لازم است باو گفته تا بموقع اجرا گذارده شود صاحبمنصب مذکور قول بمن داد که عده مستحفظ همان شب برای نقاط مذکور خواهد فرستاد این قول فوراً بموقع اجری گذارده شد [illegible] نزدیک دروازه کوچکی که بیرون [illegible] است خدمت شده مشرف شدیم [illegible] باغ برای حرم سلطنتی معین شده است

خود باغشاه محل دربار وتازه‌گی محبس شده که [illegible] شده [illegible] از مقصرین سیاسی محبوس هستند

ملفوف ۲ در نمره ۲۱۱

[illegible] مورخه ۲۲ [illegible] ۱۹۰۸

خوشبخته [illegible] ۲۲ [illegible] طهران و شهرهای دیگر مملکت در تحت [illegible] خواهد بود [illegible] و [illegible] هم و آسایش عمومی موجب [illegible] و حکم [illegible] که کلیه اجتماعات درخانه‌ها محلات وغیره وعلاوه جمع [illegible] عده کثیر از مردم بابیرون شهر و یا در مراکز شخصی [illegible]

دونی خواهد بود که اجازه از حکومت گرفته بشود

و بموجب این فرمان ما امر و حکم میفرمائیم که اگر بر خلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها ومحلات ومیدانها بشود قوه نظامی مجتمعین را متفرق خواهند کرد ودر صورت عدم اطاعت و مقاومت بقوه قهریه و شلیک تفنگ آنها را متفرق خواهند نمود محض اینکه این نوع اجتماعات ناگوار بررعایای ما وارد نشود ما نیز حکم میکنیم که حتی در کوچها یامسجدها یااماکن دیگر برای تمت هم جمع نشوند درصورت عدم اطاعت بین احکام

(۱) رؤسای این احزاب و اشخاص دیگر که مربوط باین جمعیتها بوده بحکم حاکم دستگیر و سه ماه محبوس خواهند شد

(۲) درمدت ریاست قزاق کلنل لیاخوف بحکومت شهر معین کرده است رئیس نظمیه و فرماندهی نظامی در تحت امر وفرمان او خواهند بود

(۳) آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تماشاخانه قهوه‌خانه که دائر است پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است

(۴) حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است وهرکس برخلاف این فرمان رفتار نماید مجازات خواهد شد حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید [illegible] داشته باشند

(۵) اشخاصی که بی احترامی بقشون بکنند بطور مذکور تنبیه وهمچنین بسربازان اجازه داده خواهد شد که اسلحه خود را بطرف آنها بکشند

(۶) تعیین تنبیه برای تقصیراتی که در این مواد ذکر شد در ولایات برعهدهٔ مأمورین مسؤل محلی است

(۷) اجرای این احکام از صدور آن خواهد بود

(امضا محمد علی شاه قاجار)

ملفوف ۳ در نمره ۲۱۱

اعلان عفو عمومی بتاریخ ۲۵ ژون ۱۹۰۸

جناب صدر اعظم   مقصود ما اعاده نظم در مملکت است و اقداماتی که برای دستگیری خائنین و مفسدین بعمل آمده محض آسایش و راحتی مردم است و برای اینکه اهالی بی تقصیر و صلح جو از این دیگر دچار زحمات وصدمات نباشند بموجب این دستخط مسروریم که اعلان عفو عمومی بشود وصریحاً [illegible] که ما عفو میفرمائیم تمام اشخاصی که نسبت به آنها سوء ظن برده شده است اما آن اشخاصی که دستگیر شده‌اند محکمه مرکب از اشخاص سالم وبی طرف تشکیل داده خواهد شد و آنها مورد رسیدگی خواهند شد وهرکس که بی تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط براینکه مردم از حدود قانونی که حکومت نظامی مرتب و منتشر نموده تجاوز نکرده و اقداماتی برخلاف قاعده و قانون ننمایند (امضا محمد علی شاه قاجار) ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۶

ملفوف ۴ در نمره ۲۱۱

اعلان کلنل لیاخوف که بتاریخ ۲۹ ماه ژون منتشر گردید

حسب‌الامر اعلیحضرت همایونی محض آسایش مردم واجرای قوانین و قواعد شهری و همچنین برای اطلاع عموم مطالب

عمل شمرده میشود .

(۱) سفر [illegible] در شهر محصور بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی و [illegible] و انواع جمع و ورود ممنوع گردیده است

(۲) شخصی [illegible] برخلاف این قوانین رفتار نماید مورد مؤاخذه سخت واقع خواهد گردید شخصی که مسموم واقع [illegible] گردیده مسموم شده [illegible] خود [illegible] [illegible] قرار دارد

(۳) هرکس که [illegible] دیگر [illegible] مسموم و اطلاع بدهد حکومتی [illegible] خواهد گردید در صورتی که [illegible] شود آن شخص [illegible] [illegible] اطلاع بدهد

(۴) [illegible] و گوشت [illegible] خواهد بود اگر [illegible] فروخته شود جریمه [illegible] فروشنده گرفته خواهد شد

(۵) اگر [illegible] کوچه [illegible] جمع شوند [illegible] خواهند [illegible]

(۶) [illegible] فروش [illegible] هستند [illegible] فروش نخواهند بود و [illegible] خواهد شد

(۷) اگر [illegible] در شهر در ورود [illegible] نقطه [illegible] خواهد شد در صورتی که [illegible] داده شد مرتکب [illegible] محبوس خواهند گردید اگر کسی [illegible] در [illegible]

تیرانداز قزاق باید وارد خانه شده و کسب اطلاع نماید اگر [illegible] داده شد مرتکب سخت مجازات خواهد شد

(۸) اگر از خانه [illegible] کوچه [illegible] شود [illegible] توسط توپ خراب خواهد شد

(۹) اشخاصی که بارگاه و هیزم [illegible] های دیگر در کوچه گذارده و مانع از عبور مردم میشوند [illegible] آن [illegible] نکنند

(۱۰) کالسکه ها باید در دست راست کوچه پشت سر هم باشند درشکه جیهائی که باین ترتیب رفتار ننمایند مورد مؤاخذه سخت واقع خواهند گردید

(۱۱) آب [illegible] کوچه [illegible] عهده [illegible] [illegible]

(۱۲) [illegible] طهران [illegible] [illegible] فرمانده بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی کلنل لیاخوف [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] ۲۱۱ [illegible]

[illegible] ۹ [illegible] ۱۹۰۸ صادر گردید

بموجب این ورقه تمام ساکنین شهر طهران [illegible] که [illegible] قانون [illegible] بریگاد قزاق و [illegible] [illegible] کلنل لیاخوف [illegible] [illegible] کوچه و [illegible] در شهر بوده [illegible] [illegible]

[illegible]ند ولی موارد دیگر حکومتی از قبیل رسیدگی شکایات ورفع تعدیات مربوط بشاهزاده مؤیدالدوله حاکم طهران است واهالی‌شهر هم [illegible] است و [illegible] شهر مخصوصاً مربوط [illegible] درصورتیکه رسیدگی شکایات و کارهای دیگر [illegible]

(امضا صدراعظم) بدون تاریخ

نمره ۲۱۲

مراسله مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ زرگنده

[illegible] تلگراف ۲۹ ماه گذشته [illegible] افتخار دارم [illegible] سکه در [illegible] ۷ [illegible] ۲۳ ماه گذشته [illegible] توسط کاغذی [illegible] اطلاع داد که هرچند آثری نیست که ملیّن قصد تحصن در سفارت عثمانی را داشته باشند ولی او تصور مینمود که ممکن است در عرض شب اقدامی از طرف آنها شود

چون من میدانستم که بواسطه محافظت و حراست قشون [illegible] اطراف سفارت که از طرف شاه فرستاده شده بود تحصن عده زیاد مردم درسفارت اعلیحضرت غیر ممکن و علاوه چون [illegible] از دستورالعمل عمومی که دراین خصوص سفارت باو داده بود کاملا مستحضر بود

مفاد دستورالعمل مذکوراین بود که بهیچوجه تحصن عده کثیری از مردم در سفارت اجازه داده نشود ولی فقط [illegible] ممکن است [illegible] داده شود اشخاصی خواهند بود که حقیقتاً [illegible] آنها درمعرض خطر فوری است

[illegible] ممکن نبودم [illegible] حکام مخصوص برای او بفرستم

[illegible]

[illegible] وفاتش باشند که بسفارت متحصن بشوند چونکه قشون درمحاصره آنها است و هردقیقه ممکن است که آنها دستگیرشوند ودرصورتیکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ابداً مرتکب هیچگونه تقصیری نشده بودند

هرچند که شب بارانی گذشت [illegible] غیر ازانکه عده زیادی دستگیر شدند ولی شهر درروز چهار شنبه ۲۴ در حال وحشت و اضطراب بود وراپورت دستگیری زیاد وقتل عام بثبوت آن درشهر شیوع داشت واگر مایکی ازده آن اخبار وقعی میگذاشتیم خود دلیل کاملی بود که هرکس گاهگاهی میشود اورا در سفارت پناه مدهیم یك مدتی که شاه از تبریز باخود آورده بود ودیگر معلوم الحال بودن خلاق ناصح عمده او (امیربهادر) اساساً باعث اضطراب ووحشت مردم گردیده

درهرحال تا روزصبح هیچکس باور نمیکرد که اگر او به باغشاه برود دیگرازآنجا زنده مراجعت خواهد نمود

نمونه [illegible] نزد همین واقعه کافی است که ممتازالدوله رئیس مجلس ودومرد دیگر پس ازانکه دوروز وقت خودرا درمخفیگاه [illegible] گذرانیدند بالاخره بالباس تکلیف دروشی خود را بسفارت فرانسه که نزدیك بزرگنده است رسانیده ودرآنجا متحصن شدند

دراین طور مواقع اسباب حیرت نیست اگر عده زیادی از مردم مایل به تحصن درسفارت شوند

در موقع من گمان نمیکنم که کسی خیال اینرا داشت که عده کثیری مردم [illegible] در سفارت برای مقصود سیاسی جمع شدند هرکس ترس خود را داشت و میخواستند که ملك وسیله [illegible] دسترسی شاه خارج شوند [illegible] واحتمال کلی برده میشود که اگر قشون از طرف شاه در اطراف سفارت گذارده میشد اغلب مشتبه

در یکی دو روز خود منزلهای خود مراجعت مینمودند

در ۲۶ ماه اعلان قانون نظامی که یکی از مواد آن اشعار میداشت که در صورت بی احترامی نظام اجازه بسربازان داده شده است که اسلحه خود را بکار ببرند منتشر گردیده و بیشتر باعث اضطراب مردم گردید

محض تشریح اضطراب ووحشت همه یکی دومثل بموقع خواهد بود

مفتاح السلطنه رئیس اداره انگلیس در وزارت خارجه که مثل اشخاص دیگر عضو انجمنی بود تامدت دو روز از منزل خود خارج میشد [illegible] وحسینقلیخان نواب برادر عباسقلیخان نواب سفارت انگلیس پس ازانکه بخانه خود رسید تاحال (۱۵) روزه جرئت نکرده است که بطهران مراجعت نماید

عده زیادی ازمردم تقاضای اجازه دخول بسفارت مینمودند وباوجود اینکه تقریبا هرکسیکه از سفارت خارج میشد دستگیر می شودند [illegible] ازدور استوکس هیچکس اجازه دخول نمیداد مخصوص باشخاصیکه براو ثابت میشد که درصورت عدم اجازه دچار خطرات درباغشاه خواهند گردید

یکی دو نفر ازدری که سقاها آب از قنات سفارت انگلیس برای [illegible] انگلیس میبرند داخل باغ سفارت شدند این در هم محکم بسته شد باوجود اینکه بستن این در اسباب اشکال زیاد گردید

یکی دو نفر دیگر هم خودرا داخل باغ نمودند [illegible] بی [illegible] که عقب گاریی که [illegible] که برای عمارت آنجا میبردند

می آورند افتاده و داخل [illegible] شدند این واقعه در ۹ امشب روی داد ولی این اشخاص داخل مسائل سیاسی بوده و فقط برای رفع ظلم شخصی بصدارت آمده بودند

حتی مشکل است پیش بینی کردن که آن عده [illegible] برده قصد شخصی در صدارت اعلیحضرتی و [illegible]

در دو روز اول همطوریکه سابق حکمفرما شد ابداً حمل هیجو [illegible] برای مقصود سیاسی برده میشد وچند روز بعد هم [illegible] که برروی [illegible] ثابت شده بود که هیچ اقدامی از طرف ما قبول نخواهد شد چونکه ما مکرر چه در ماه دسامبر گذشته وچه در اوقات دیگر [illegible] هیچ [illegible] [illegible] سال ۱۹۰۶ [illegible] واز طرف دیگر [illegible] درصدارت مینمودند وهمینکه [illegible] [illegible]

[illegible]

در مهلت تقریبا ۱۵ نفر هستند که ممکن است گفته شود که آنها محض دستگیر نشدن به آنجا آمده اند دو نفر از آنها دو

[illegible] که در منزل خود متوقف [illegible] و البته عرض [illegible] مشود کرده مابقی دیگر باغالهای کوچک اجاره کرده اند وبعضیکه در منزل رفقای خود مهمانند

آنقدریکه من نوشته ام معلوم نمایم فقط یکنفر از تمام این اشخاص علت موجهی برای وحشت خود دارند این شخص قمی است که در ماه دسامبر گذشته سردسته اراذل طرفدار های شاه را محکوم بحبس نموده و از طرف او استدعای عاجلانه از من شد [illegible] که [illegible] شخص محکوم [illegible] به آن شخص [illegible] که موجب [illegible] و مشوق [illegible] که [illegible]

[illegible] نمره ۲۱۳

ملخص [illegible] خلاصه وقایع [illegible]

رشت

[illegible] ۱۹ ژوئن [illegible] که در [illegible] [illegible]

خبر رسید که عده سه نفر از مشروطه خواهان عمده را محبوس نموده
محمد حاکم و کارگذار و مدیر تلگراف را مجبور نمودند که مهرهای
رسمی خود را بایشان بدهند روز ۲۶ ژوئن خبر کودتای شاه رسید و
مستحفظین در جلو منازل عده حاکم قرارداده شد سه عراده توپ هم در
چند محل سوار گردید روز ۲۷ حاکم امر داد مردم بازار ها را باز
نمایند ولی هیچکس اطاعت حکم او را ننمود سپس چند نفر سرباز را
فرستادند که مردم را بقبول آن مجبور گردانند در این بین جنگ واقع
شد سه نفر مقتول و چهار نفر مجروح گردیدند روز ۲۹ بازارها
[illegible] آرامی و سکون عود کردند

بارفروش

بمجرد وصول اخبار حوادث طهران شهر مغشوش شد مردم با
[illegible] طهران مخالف بوده و [illegible] نکاتی سؤال نمودند که
آیا در صورتیکه [illegible] دستگیر [illegible] بما [illegible]
[illegible] جواب گفت که [illegible] بما نخواهند داد [illegible] بعضی
[illegible] بمجرد وصول [illegible] از طرف شاه [illegible]
[illegible] در موقع مراسم تشییع جنازه او دسته بزرگی [illegible]
مخالف بودند

مشهد

مطلع شده از قرار معلوم مورد قبول عموم شده مردم در
مساجد مشغول دعا و شکرگذاری برای آن هستند

[illegible]

شود و [illegible] الدوله بجای او منصوب گردیده است

یزد

روز ۱۰ ژوئن خبر رسید که [illegible] کودکان [illegible] [illegible] دستگیر نموده [illegible]

شیراز

ظل السلطان [illegible] روز ٦ ژوئن [illegible] سرحد [illegible] گردید [illegible] و بواسطه [illegible] آصف الدوله بود در عرض مدت قبل حکومت خود ظل السلطان [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] نمود

در [illegible] ژوئن محمد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شود [illegible] نموده و [illegible] [illegible] خود که [illegible] [illegible] شده بود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible] که در [illegible] و [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] و سلام [illegible] نموده و [illegible] [illegible] خود بیرون آورده و [illegible] شود [illegible] [illegible] کوچک [illegible] [illegible] نمودند و [illegible] [illegible] کمک شود [illegible] محتمل [illegible]

[illegible] در [illegible] فارس [illegible]
[illegible] وصول [illegible] مضطرب [illegible] در [illegible] [illegible]
[illegible]

خلیج فارس — بوشهر

[illegible] [illegible] [illegible] وصل گردید و [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ([illegible]) [illegible] [illegible] [illegible]

نمره ۲۱۴

مکتوب [illegible] [illegible] (اوایسه ۱٤ ژوئن) [illegible] ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ [illegible] [illegible] خود شود [illegible] [illegible] که در آن [illegible] [illegible] [illegible] ژوئن ۲۳ ژوئن الی ۳۰ در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شده [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] نموده ولی در [illegible] که ۲۸ و ۲۹ [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] و (۵ [illegible]) [illegible] ۲۵۰ الی ۳۰۰ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible]

گذشتگان این بود دشت [illegible] ظاهر میشدند که از غروب ۲۴ [illegible] ولی در شب ۲۵ عساکر بطور دقت مواظب سفارت بودند و روز ۲۶ در مواظبت آنها بسیار سستی پیدا شده ولی روز بعد باندازه آمده بطور دقت مواظبت داشتند روز ۲۸ در چهار محل چشمه قرار داده شد بطوریکه در مواقع مکرره دور سفارت سیر مینمودند روز ۲۹ عساکر چندان صبری دور آنجا ننموده و [illegible] بعد دستگیر [illegible] ولی [illegible] بطرف [illegible] طرف میرفتند

در عرض [illegible] روز بعد چیزی که چندان قابل شکایت باشد ظهور نرسید ولی شب سوم ژوئن در نقطه از راه طرف شمال سفارت [illegible] و روز ۴ و ۵ [illegible] و [illegible] بودند [illegible] مستحفظین [illegible] مذکور [illegible] که سفارت [illegible] که عده کثیری [illegible] و [illegible] بود

وزیر امور خارجه برحسب دستور عمل شد کوشش نموده است که [illegible] که [illegible] در جواب میگویم که در هیچ نقطه شهر حتی در حدود مجلس و مسجد هم اسطور [illegible] در مورد سفارت [illegible] و مردم بطوری عموم [illegible] را مطرح صحبت و گفتگوی خود نموده و سفارت مرکز جذب تماشاییان عجیب و غریب گردیده است

شکی نیست که [illegible] نموده است که [illegible] دو

مرتبه عده کثیری جمعیت در سال ۱۹۰۶ واقع شد در سفارت بست اختیار نمایند و شکی هم نیست که احداراتی که باو رسانیده‌اند مشعر برآنکه ما سعی داشته‌ایم که [illegible] را ترغیب به پناه گرفتن نزد خود نمائیم باعث تسریع توهمات او گردیده آنچه من فهمیده‌ام در اقداماتی که ابتدا در ۲۴ عمل آمد هیچ اینگونه تصور نشده بود که [illegible] سفارت خواهند بود

[illegible] که بدون [illegible] در [illegible] سفارت از هجوم [illegible] بود [illegible] که [illegible] واقع شود [illegible] ۲۶ [illegible] گذشته [illegible] را [illegible] وزیر امور خارجه نموده [illegible] که [illegible] نتیجه [illegible] که عساکر روز ۲۸ و ۲۹ طور دیگر در محلات خود قرار گرفته و [illegible]

ملفوف نمره ۲۱۴

یادداشت مستر استوکس درباب مستحفظین دور سفارت انگلیس در طهران از ۲۴ الی ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

۲۴ ژوئن ـ قریب ساعت ۷ بعدازظهر [illegible] عده [illegible] مرکز [illegible] آمده در جلو درب [illegible] سفارت [illegible] ده [illegible] گرفتند و درمحلات متعدده فاصله های [illegible] که [illegible] بواسطه [illegible] که [illegible] نموده بودند [illegible] سفارت [illegible] نموده

بودیم نزدیک درب ایستاده عازم حرکت بودند آن شخص [illegible] درجیب فرنی خود قرارداده وبفاصله دوسه ذرع از درب حیاط برای آنها سبقت نمود مستر چرچیل ومستر اسمارت که مشغول [illegible] طرف [illegible] شخص مذکور در [illegible] و [illegible] که [illegible] بود [illegible] درب سفارت [illegible] درب سفارت [illegible] همکه مستر چرچیل [illegible] فوری [illegible] در کمی بعد [illegible] طرف دیگر سفارت قرار گرفته [illegible] بودند و [illegible] که بدون [illegible] کالسکه [illegible] که [illegible] سفارت [illegible] گرفته بود [illegible] کار [illegible] علامت که علامت [illegible] علامت [illegible] که سرکرده [illegible] بوده [illegible] کالسکه [illegible] که [illegible]

زدن سرکرده پلیس باو گفت میخواستید بسفارت انگلیس بروید خوب رفتید این شخص قصد فرار از کالسکه بیرون جست دراین گیرودار سربازی که درحال عبور بود [illegible] باو گلوله انداخت واورا مجروح نمود ازاین گلوله سرکرده پلیس هم مجروح گردیده دو روز بعد فوت نمود پسر تاجر را بمحبس بردند ولی بعدازآن [illegible] دولت اعلیحضرتی مستحفظ گردید سربازان مذکور و گروهای سفارت را که بیرون میرفتند مزاحم شده واگر غلامی برای استخلاص آنها میرفتند میگذاردند عبور کنند ومانع بودند هر از وگروهائی را که درقهوه خانه مقابل درب سفارت نشسته وچای میخوردند تهدید نموده وآنها بطرف سفارت فرار کردند

۲۵ ژون — درعرض تمام روز این اوضاع دوام داشت در موقعیکه مستر گای ومستر چرچیل ساعت یک بعدازظهر برای ملاقات وزیر [illegible] وارد شدند هشت نفر [illegible] از درب سفارت دیده میشدند چهار نفر آنها بفاصله دو ذرع از درب [illegible] دم درب [illegible] در نزدیک قهوه خانه [illegible] بودند ودیگری که [illegible] بطرف بالا میرفت [illegible] عبور [illegible] ادامه [illegible] که [illegible] طرف بعدازظهر [illegible] بطرف کالسکه و هجوم آورده [illegible] خودرا بطرف [illegible] گرفته [illegible] در موقعی که کالسکه [illegible] توسط [illegible] غلام [illegible] هردو [illegible] در نزدیکی درب [illegible] به آن

همه بوده و همگی بودند [illegible] بودند [illegible]

[illegible]

۲۶ [illegible]

[illegible]

۲۷ [illegible]

[illegible]

بعد از آن دو نفر آنها هم بطرف زاویه رفته بودند و سایرین بطرف زاویه جنوب شرقی سفارت رفته بودند او مجدداً با آنها صحبت نموده و گفت هر گاه نزدیک درب سفارت گشت و گذار نمایند شما را دستگیر خواهیم نمود چند دقیقه بعد آنها توسط یکی از غلامان پیغام فرستاده طلب بخشش نموده اظهار داشتند محافظ سوم و چهل نفر هستیم و رئیس طلبه ما را فرستاده است سپس مستر چرچیل بملاقات و [illegible] رفته پس از او بعد از ظهر آمده و [illegible] سؤال نمود که آنها را دور سفارت گذارده در ساعت هفت و ربع بعد از ظهر این مستحفظین دور گشت و گذار بودند ولی مثل اول روز [illegible] نبوده

۲۸ ژون ـ در ساعت ۹ قبل از ظهر [illegible] دور سفارت گردش نموده مستحفظین [illegible] نموده ـ

۱ ـ یک دسته سوار در تحت یک نفر صاحب‌منصب [illegible] در زاویه جنوب شرقی

۲ ـ یک دسته [illegible] دیگری در زاویه شمال غربی ولی [illegible] ۲۰۰ [illegible]

[illegible] در اطراف سفارت حرکت نموده [illegible] و [illegible] سطح [illegible] و [illegible] یک طرف [illegible] نموده [illegible] که [illegible] طرف [illegible] که درب [illegible] و [illegible] یکی [illegible] صاحب‌منصب [illegible] و [illegible] نموده [illegible] که [illegible] دور سفارت حرکت نموده گشت میکند

در زوایای جنوب شرقی و جنوب غربی و شمال غربی هم

[illegible] [illegible] و [illegible] قرار گرفته بودند علاوه
[illegible] [illegible] بالای درختها دیده میشدند و ظاهراً برای
[illegible] که [illegible] از اشخاص عده کی جزو پناهندگان میباشند

۲۹ ژوئن — اول صبح ۸ ژاندارم مسلح در جاده های دور
سفارت دو بدو گردش میکردند قریب ساعت ده قبل از ظهر [illegible]
[illegible] شد و شش نفر در زاویه جنوب شرقی سفارت [illegible]
[illegible] آمده [illegible] سواره [illegible] گرفتند [illegible] در
[illegible]

۳۰ [illegible] دور سفارت بودند [illegible]
[illegible] که [illegible] سفارت [illegible]
[illegible] که [illegible] شمال سفارت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible] بود [illegible] که
[illegible] مشغول [illegible] هردو [illegible]
[illegible] مذکور [illegible]
که [illegible] سفارت [illegible] بود [illegible]
[illegible] سفارت [illegible]
[illegible] شده و [illegible]
[illegible] که [illegible] پناهندگان [illegible]
[illegible] که [illegible] در [illegible] شود

([illegible]) [illegible]

نمره ۲۱۵

مکتوب [illegible] به سر ادوارد گری — (وصول ۴ [illegible])
طهران ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸ — [illegible] ۱۱ [illegible]
[illegible] علاء السلطنه [illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۱ [illegible]
سفارت [illegible] بطور رسمی [illegible]

[illegible] سفارت [illegible]
[illegible] سفارت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حفظ [illegible]
[illegible] شود

[illegible] که [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] مربوط [illegible]
[illegible] نمودم [illegible]
[illegible] پناهندگان و [illegible]
[illegible] شروع [illegible]

[illegible] که شاه [illegible] توسط
[illegible] و [illegible] آن [illegible] مکرراً [illegible]
[illegible]

افتخار دارم که سواد مراسله که بموجب آن تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را از دولت ایران نموده ام ارسال دارم علاوه سواد مراسله قبولی آن دولت و سواد ترجمه عبارت ترضیه ووثیقه شاه را لفاً انفاذ میدارم

(مضی) چارلز مارلینگ

ملفوف ۱ نمره ۲۱۵

طهران ۲ ژوئن ۱۹۰۸ حضرت اشرفا ـ مضمون تلگراف ۲۹ شهر ماضی را که حضرت اشرف شما برحسب امر اعلیحضرت شاه مخابره نموده از بی احترامیهائیکه در عرض چند روز نسبت بسفارت اعلیحضرت پادشاه بریطانیای عظمی بوقوع رسیده بود اظهار تأسف نموده بودید بدولت متبوعه خود مخابره نمودم

بموجب تعلیماتی که از وزیر امور خارجه امروز برای من رسیده بحضرت اشرف اطلاع میدهم که نظر به بی احترامیهائیکه مکرره نسبت بسفارت اعلیحضرتی باوجود پروتستهای رسمی من از طرف پلیس وعساکر بعمل آمده دولت اعلیحضرتی پس از ملاحظه در اهمیت موقعی که تولید گردیده تقاضاهای ذیل را ترتیب داده اند :ـ

۱ ـ عساکر و پلیس از جوار سفارت برداشته شده و تبعه ونوکرها را مزاحم نشوند

۲ ـ وزیردربار ازطرف اعلیحضرت پادشاه ووزیرامورخارجه ازطرف دولت ایران هردو بالباس تمام رسمی درسفارت انگلیس طهران آمده درحضورمن ترضیه کامل بطور رسمی بخواهند وقبل ازوقت

اطلاعات لازمه ازوقت آمدن خواهند داد

۳ ـ تمام اشخاصیرا که اخیرا در موقع ورود بسفارت یا خروج از آن دستگیر نموده اند وبرای کارهای جاری خود ایاب وذهاب نموده اند فوراً مستخلص سازند

۴ ـ وثیقه ممضی از طرف اعلیحضرت شاه برای جان و اشخاص واموال پناهندگانی که فعلا درسفارت هستند بمن داده شود

۵ ـ درصورتیکه درجزو پناهندگان کسانی باشند که متهم بجنحتی شده وخطای پلتیکی که برای آن عفو عمومی داده شده نداشته باشند بعد از آنهم در روی مواد محاکمه خواهند شد ویکی از اعضای سفارت درموقع محاکمه آنها حضور خواهد داشت

درپیشنهاد نمودن این تقاضاها بحضرت اشرف من مأمور هستم که لازم عرض میکنم که درصورتیکه این تقاضاها فوراً قبول نشده ودولت علیه مجبور شود دولت اعلیحضرتی مجبور خواهند گردید که اقدامات لازمه برای تحصیل جبرانی که تصور میکنند باید بآنها بشود بعمل

موافق تعلیماتیکه ازدولت متبوعه خود بمن رسیده بود فوراً باعلیحضرت شاه پیشنهاد میکنم

(مضی) چارلز مارلینگ

ترجمه ملفوف دو نمره ۲۱۵

مکتوب علاء السلطنه بمستر مارلینگ

طهران ۹ ژوئن ۱۹۰۸ آقای وزیر مختار مراسله دوم ژوئن جنابعالی را مبنی بر شرایط پنجگانهٔ که از قراری که مرقوم داشته اند

[illegible] که [illegible] متوجه [illegible] دولت [illegible]
[illegible] منحصر شده [illegible] عرض اعلیحضرت پادشاهی
[illegible] آن اعلیحضرت [illegible] توجه مخصوص
حفظ واستقرار مودت واتحادمابین دولتین وحصول اثبات مقاصد
[illegible] آن اعلیحضرت تقاضای مذکوره را قبول ومرا مأمور
[illegible] شرایط مندرجه مراسله خودمستحضر [illegible]
خصوص ماده سوم البته دولت ایران اراشخاصیکه خواسته اند
[illegible] شوند مطلع خواهند ساخت تاآنکه اوامر لازمه داده شود
[illegible] جان و مال وشخص پناهندگان درسفارت
[illegible] خواهند [illegible] شده اظهارداشته ام دولت انگلیس
[illegible] اشخاصیکه مذکر [illegible] که لازم [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] خارج سفارت نمایند زیرا که حضور
[illegible] میشود ومفارقت آنها باعث آرامی که مملکت آنقدر
به آن محتاج [illegible] خواهد بود [illegible] لازمه برای اجرای شرایط
[illegible] که [illegible] و
[illegible] خواهد بود [illegible] که [illegible] دولت
[illegible] دولت انگلیس موافقت نماید
آدولت هم [illegible] دولت ایران [illegible] خواهد بود
(محل مهر) علاء السلطنه ـ محمدعلی

ملفوف نمره ۲۱۵

[illegible] وزیر امورخارجه [illegible]
بی احترامی که بواسطه محصوره سفارت [illegible] شده است [illegible]

دولت علیه ایران [illegible] مفهوم گردیده که [illegible]
اقداماتیکه برای استقرار نظم و حفظ [illegible]
گردیده بعضی [illegible]
بعضی اعمال غیر محترمانه که [illegible]
باشان داده شده است [illegible] سفارت محترمه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۹۰۸

ملفوف [illegible] نمره ۲۱۵

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نمره ۲۱۶

مکتوب مستر اوبرن بسرادوارد گری . — (واصله ٤ اوت)

سنت پطرزبورغ ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۸ — آقا در ۲۲ شهر جاری

وزیر امور خارجه از بابت حوادث تبریز مبادرت باظهار تشویش نموده گفت وضع هرج و مرجی که آنجا در پیش است پر از خطر می باشد بطوریکه تاکنون مزاحم جنرال قونسول روس شده واجتماع مردم احتیاط داشتند که براجانب حمله شود ولی وثیقه بدست نیست که چنین اقدامی بوقوع نرسد

مسیو ایسولسکی پس از خسارات عظیمه که بعلت دوام اغتشاشات بتجارت روس وارد آمده مذاکره نمود و اظهار داشت که باآنکه دولت روس نمیخواهد اوضاع ممکن است طوری شود که آن دولت مجبور بمداخله گردد مسیو ایسولسکی تکرار نمود که دولت روس میل مداخله ندارد و انکار را فقط در صورتیکه اوضاع آنرا ناچار نماید خواهد کرد و در هر صورت بدون آنکه قبلا بدولت اعلیحضرتی مشورت نماید عمل نخواهد نمود

دیروز وزیر امور خارجه‌را مجدداً ملاقات نموده درخصوص انقلاب مذاکره نموده اظهار داشتم که آنچه آنجناب در ۱۲ شهر جاری عنوان نموده بودند اسباب تشویش خیال من شده من اینطور فهمیده بودم که در ضمن مذاکراتی که مابین ایشان و وزیر مختار اعلیحضرتی واقع گردید طرفین اینطور قرار داده بودند که تازمانیکه حفظ جان ومال تبعه روس وانگلیس مراعات میشود درامور ایران مداخله نخواهند نمود وجناب ایشان الحال از خساراتی که

بتجارت روس وارد آمده صحبت مینمایند هرگاه دولت روس میخواهد هر موقعیکه خسارتی بتجارتش وارد نماید ازروی اصول مداخله عمل نمایند اینکار عیب وحشی خواهد داشت مسیو ایسولسکی [illegible]

نمره ۲۱۷

[illegible] ۸ [illegible] ۱۹۰۸ [illegible] ۱۲ [illegible]

نمره ۲۱۸

مکتوب [illegible]

[illegible] ۱۳ [illegible] ۱۹۰۸ — آقا [illegible]

[illegible]

زات مراسلات مذکور برای من بسیار سودمند بود ولازم است که شما را مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی اشکالاتی را که درضمن وقوع حوادث مرقومه شمارا دوچار نموده بخوبی شناخته وثبات وتحملی را که شما درمورد اوضاع بسیار ناگواری که مصادف هم پیش‌آمده بخرج داده اید صمیمانه می‌پسندد

(امضاء) گری

نمره ۲۱۹

مکتوب مستر مارلنگ بسر ادوارد گری . — (واصله ۱۷ اوت)

[illegible] ۱۹۰۷ [illegible] که [illegible]
در ۲۶ و مجدداً در ۲۷ شهر گذشته پس از آنکه [illegible] وزیرمالیه مفصلا [illegible] نموده [illegible] سود [illegible] قطعی حاصل [illegible] کم یك نظر عمومی در آن [illegible] خواهد بود

مسیوبیرو مخصوص اصرار برلزوم [illegible] اختیارات وزیرمالیه که فعلا دارای هیچگونه اختیاری نیست دارد درتحت [illegible] موجوده [illegible] که وصول میشود کنترل بسیار کمی [illegible] که هیچ [illegible] گمرکی [illegible] دیگری مفصلا [illegible] وجوهی که [illegible] بهیچوجه [illegible] که [illegible] عایداتیرا که آنها مسئول وصول آن میباشند [illegible] ازوظایف [illegible]

دولترا بیک طریق درهم برهمی که مخصوص خودشان است نگاه داشته ویک قسمتی ازوظیفه آنها این است که عمل معاملات مالی حکومت مرکزی را بامامورین محلی تصفیه نمایند برای انجام این مقصود در هریک از مراکز ایالات وولایات یکنفر مستوفی اقامت دارد واوهم مثل یکی ازهمکاران طهران خود مخصوصاً موظف بتصفیه معاملات مالی [illegible] است ازقرارمعلوم عده آنها متقلب وبدعمل میباشند ولی بدرجه که بکلی [illegible] — که هیچکس نمیتواند میزان خودشان آنرا تعهد یا از صحت وعدم آن واقف شود — ازوجوهیکه تصوراً وصول میشاند میدهند ازآنها تحقق نمیشود درواقع ظاهراً هیچکس قوه اینرا دارد که درمقام تحقیق از آنها برآید مگر اشخاصیکه داخل کار بوده پرده بروی اعمال خود کشیده اند

مسیوبیرو میخواهد خزانه دار ومستوفیان را با النتیجه اخراج نموده [illegible] دهد ولی درواقع قصد نظارت اعمال وزیرمالیه این کمیته را معین [illegible] آنها وزیر اقدامی نمیتواند بکند اما ازباب تشکیل وزارتخانه مسیو بیرو عقیده براین است که از روی یك [illegible] تشکیل دهد [illegible] که هرگاه بروی یك [illegible] فی الحقیقه [illegible] طلب ومنطقه کاری منتوج خواهد گردید [illegible] عایدات [illegible] مختصر مالیات وواردات گمرکی است اگرچه چندمنبع کوچکترهم موجود است مبلغ مالیات هرایالتی معلوم است ووصول آنرا میزان کار [illegible] قرارداد اگرچه [illegible] ممکن است

حتماً ممیزی شده ما بواسطه عادات زندگی و بزرگتری جناحه موجود حسب آمد ما برای انطور معلوم میگردد که در تشکیل یک دسته عادات درصورتیکه مکرر مأمور [illegible] فرد اشکال خواهد بود [illegible] ست شود تاکنون حدی که [illegible]

[illegible]

کمرک و مراجعه باید درجهت [illegible]

[illegible]

[illegible]

مادامیکه دولت ایران برای حصول آن متشبث بهر نوع اقدامات گردیده است مثلا بواسطه مساعده گرفتن از بابت عایدات گمرکی ... و آوردن پول از اشخاص معتبر مشروطه خواه باستقراض از اهل ... در مقابل سود عادلانه خراب کن هیچ اقدامی نمیشود که دولت در معاملات مقدار معلومه بحق خود برسد برای نمونه ممکن است مذکور دارم که اداره ضرابخانه کلیه نقره که باو داده میشود سکه میزند ولی منافع سینیوراژ آن — تحمیل صدی ده — یکباره دولت رفته بلکه بجیب مدیر ضرابخانه که حساب اداره خودرا پس نمیدهد میرود در واقع هیچکس نمیداند که آیا ضرابخانه با ملکیت ضرابخانه از روی قانون اداره میشود یا اینکه باجاره داده میشود وفقط مبلغ جزئی ... عاید ... میشود و آن همین است که بدولت میشود

... دولت آگهی داده شده که سکه‌های روسی و انگلیسی مطلقا ممنوع هستند بلکه حتی بطور موقت محصلات گمرک ... ترتیب ...

... برای آن مقصودی که در نظر دارد ... شود و فقط برای آنکه در مقابل آن پول دست آورند قبول میکنند و ما باید منتظر بوده ببینیم چطور قابول میسر گردد هرگونه تلاش برای نصب کردن آن و احتراز از رفورم حاصل خواهد آمد هرگاه یك نتیجه جدی ازاین اقدام باید گرفته شود وثیقه های بسیار سخت وجدی لازم است واین کار عهده مسیو بیزو خواهد بود که طرح شرائط لازمه را بریزد او فعلا مشغول تحقیق است ببیند اقل مبلغ مساعده که برای رفع اشکالات حالیه دولت

لازم است چقدر خواهد بود بچه نحو بهتری میتوان آنرا بدست آورد که غیر از برای مقاصد مشروعه بطور دیگری بمصرف نرسد

جرج بارکلی

نمره ۲۲۰

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . — (واصله ۱۷ اوت)

قلهك غره اوت ۱۹۰۸ — آقا در تلگرافات خود بطور اختصار راپورت اشکالاتی را که در ترغیب عده از منتهای مشروطه طلبان ... حتی پس از وصول دستخط شاه مبنی بر تامین جان ومال آنها ... آن برخورده ام داده ام عده کمی که قبل از این خارج شدند در واقع بستی بودند بلکه اشخاصی بودند که در موقع ... دور مشروطه برای کار آمده قصد دیگری نداشتند وازترس ... بخواسته بودند از آن محل خارج شوند ولیکن ... قراولان رفتند

[illegible]

آنرا سوء استعمال نمایند ولی از آنجائیکه راه دیگری برای ترغیب آنها برفتن از ایران بنظر نمیرسید من بالاخره مصمم شدم که پول [illegible] را بدهم شده [illegible] خطر می بینند نوشته عبور را بدهم

صورت این نوشته را بطور دقت نوشتم در مضمون [illegible] [illegible] ونفی وبمحل سکونت صحیح هر و پناهندگان [illegible] میبینند قبل از اینکه این نوشته را بدهم باوزیر امور خارجه در این باب مشورت نموده و او اظهار داشت که چنین نوشته بی ترتیب مورد [illegible]

باوجود این بسبب عبور دورهی ایران میلی زیاد مینمودند و [illegible] از طرف مستر اسمدرب و معاضد السلطنه و مستر جرجیل هر [illegible] بدفعات اصرار نمودند و مجاهده مینمودند بانکی [illegible] حدی برای آنها پیدا شد کم میتوان شك داشت از اینکه آنها عبور مینرسیدند ولی پس [illegible] خوش حس شد که مقاصد بانکی هم در اذهان آنها عوری داشته من بایران مستر [illegible] دستورالعمل دادم که [illegible] حدی تری باآنها مذاکره نموده حتی [illegible] اشاره که به آنها اشاره نماید که چون سفارت میتواند آنها را بانکی اجازه توقف دهد من حسب الامکان لزوما اقدامات [illegible] برای خروج آنها خواهم نمود من [illegible] که [illegible] دستور [illegible] خود محدود نموده بیم

من اعلام [illegible] [illegible] آن روز نمود ولی بالاخره صبح تمری کردند وروز ۱۶ فقط [illegible] ده نفر در سفارت [illegible] بودند یعنی همان شش نفری که شاه مخصوصا [illegible]

مملکت خارج شوند و چهار نفر دیگری هم که مناسبتی با در پناهی سفارت نداشتند

اما از بابت شش نفر اول ابتدا شاه درخواست نمود که [illegible] زاده بایستی مدت ده سال و بهاء الواعظین واعظ بمحل یکی از مدارس خراسان ۷ سال و دیگری ۸ سال از ایران خارج شوند ولی چون من با این مدتهای طویل که یك مجازات بسیار سخت نفی از مملکت بود و باشرایط دستخط شاه که عفو عمومی تمام مهاجرین بانکی ومخصوصا به پناهندگان سفارت اعلیحضرتی داده بود مطابق نداشت اعتراض نموده بودم این مدتها بطریق ذیل تخفیف داده شد :—

[illegible] زاده	۱ ½ سال
بهاء الواعظین	۱ ½ «
میرزا علی اکبر خان	۱
صدیق الحرم	۱ «
سید حسن	۱ «

معاضد السلطنه بهانه علت مزاج میل خود از ایران خارج شد و مدتی برای او تعیین نشد چهار نفر دیگر از اول بمنزل خود معاودت نمایند

من لازم نیست از شرح مذاکرات مطول [illegible] که منتهی بحرکت حالی پناهندگان در تاریخ ۱۸ و ۱۹ ژوئن در کالسکه های دولتی برای ارلی [illegible] [illegible] بود

که برای مخارج مسافرت وسایر مخارج آنها ترتیب پولی داده شود که شاه به آنها بدهد و ترتیب این کار آخرالامر داده شد

[illegible] دوباره بیش از حق خود تجاوز کرده و [illegible] درخواست نمودند که شاه باید در مدت غیبت خود از ایران [illegible]

[illegible] در ۱۸ و ۱۹ [illegible] حرکت [illegible] از طرف وزارت خارجه [illegible]

[illegible]

[illegible] وزارت امور خارجه است وسیله مذاکرات باشد [illegible] ترتیب شرایط ترضیه ودستخط توسط او عمل آمد ومذاکرات فوق درخصوص حرکت [illegible] کامل نموده [illegible]

(امضاء) جرج بارکلی

نمره ۲۲۱

تلگراف [illegible] سر ادوارد گری مورخه ۱۹ [illegible]

[illegible]

[illegible] شود که او باید در تاریخ معینی [illegible] و [illegible] که در دستخط خود داده عمل نماید

[illegible]

[illegible]

نمره ۲۲۲

تلگراف [illegible] ادوارد گری [illegible] ۱۹ [illegible]

[illegible]

پیشنهاد نمایند [illegible] تغییر داده است دولت اعلیحضرتی متظرمند که حق او این دیکتاتور در انتخاب شخصی تفوق روی دهند وبنظر اینجانب این حرکت شاه منتها درجه برخلاف ادب است

نمره ۲۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن مورخه ۳۰ ماه اوت

وزارت خارجه [illegible] با پیشنهاد مندرجه در تلگراف ۱۹ [illegible] موافق وشما مختار هستید که [illegible] وزارت امور خارجه خواهش نمایند که مراسله متفقه [illegible] بهمین طرزی که [illegible] ترتیب دهند

نمره ۲۲۴

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۲۲ ماه اوت از پطرزبورغ راجع بتلگراف ۲۰ اسماه شما

مسیو چرکف مرا اطلاع میدهد که او ترتیب مراسله خواهد داد که نمایندگان دولتین روس و انگلیس در موقع لزوم [illegible]

[illegible] خوب میکنم که [illegible] دولتین روس و انگلیس مضمون مراسله را تصویب نمودند آنوقت دولتین در طهران [illegible] خواهند نمود که درچه موقع درصورت لزوم فرستادن مراسله بهتر خواهد بود

نمره ۲۲۵

مراسله سر مارلینگ بسر ادوارد گری ۱۰ ماه اوت از قلهک

[illegible] افتخار دارم که لفا سوادی از یادداشتیکه [illegible]

دستور العمل شما در خصوص توقیف وجه استهلاک سه ساله قرضه ۱۹۰۳ و ۴ بوزیر امور خارجه نوشته [illegible] دارم

(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۱۴

مراسله سفیر مارلینگ به علاء السلطنه بتاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ از قلهک

حضرت [illegible] ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۷ سفیر اعلیحضرتی [illegible] که بحضرت اشرف [illegible] اطلاع بدهد شروطی را که بموجب آن شروط دولت اعلیحضرتی حاضر است که قبول خواهش دولت علیه ایرانرا راجع به توقیف وجه استهلاک سه ساله قرضه ۱۹۰۳ و ۴ نماید

جوابی به [illegible] مذکور داده شده ولی وجهی هم [illegible] قرضه [illegible] پرداخته شده و علاوه در پرداخت فرع هم [illegible] حاصل گردیده است

دولت اعلیحضرتی بجهت مذکوره [illegible] که شروط [illegible] دولت [illegible] لهذا [illegible] دستور العمل [illegible] خود [illegible] خود مطلع سازم

در جواب [illegible] ۲۴ [illegible] که [illegible] مطلب مذکور مندرج بود

[illegible] اطلاع [illegible] خواهد [illegible] که [illegible] که [illegible]

[illegible] و نظر باینکه [illegible] بتاریخ ۴ ماه آوریل ۱۹۰۹ [illegible] لهذا دولت امپراطوری [illegible]

نمره ۲۲۶

[illegible] ۱۲ [illegible] (امضا) [illegible]

ملفوف در نمره ۲۲۶

مجمل حوادث ماهیانه ایران

اوضاع عمومی

[illegible] برای موقف [illegible] ۲۲ [illegible]

عساکر [illegible] و رعیت ها رأی داده و هرچند که تلگرافات آنها توقیف [illegible] مردم عموما مطلع اند

[illegible]

(امضا) [illegible]

رودبار

[illegible]

مشهد

[illegible]

تربت حیدری

[illegible]

اصفهان

ظاهراً شاه هیچ طرفداری در اصفهان ندارد ولی با وصف این رؤسای ملیین حتی در وحشت هستند

[illegible] الدوله که بجای علاء الملک بحکومت معین گردیده هنوز وارد نشده است ممکن است که اشخاصیکه برای خود خطری متصور میشدند در موقع ورود او بژنرال قونسولخانه متحصن شوند

ظاهراً [illegible] برای شاه کارمیکند ولی برادر او آقانورالله [illegible] اظهار داشت که یکی از دستخط های شاه برخلاف مذهب و [illegible] است

[illegible] الحکومه اقبال الدوله در ۱۹ ماه ژوئن به اصفهان [illegible]

در ۸ ماه اوت [illegible] اورنتس خود درطهران تلگراف مخابره نمود که تلگرافی ازرؤسای علمای نجف واصل گردیده وآن تلگراف را بدرب یکی از مساجد چسبانیده بودند مفاد تلگراف مذکور این است که هرکس در [illegible] آزادی و مشروطیت کشته شود مثل شهدای کربلا میباشند [illegible] تلگرافرا سربازان ازدرب مسجد پاره نمودند ولی نایب الحکومه علمای استبداد نموده بود بواسطه اینکه اومیترسید که شاید طوائفی فراهم آید

آقا نورالله از روی منبر مردم را اصرار نمود که دکانهای خود را ببندند ولی نایب الحکومه بتوسط جارچی بمردم اخطار نمود که هردکانی که بسته باشد سربازان او [illegible] غارت خواهند نمود

یزد

نظام الملک از حکومت معزول گردید ولی او دو مرتبه بواسطه استدعای مردم [illegible] بحکومت برقرار گردید از تاریخ اواخر ماه ژوئن راه یزد به [illegible] ناامن بوده دزدی از قوافل و پست شده و راه بواسطه عده از سارقین سواره مسدود شده است که رفت و آمد پست بهم خورده است و حکومتهم ظاهراً هیچ اقدامی نمیکند

سلطان آباد

وایس قونسول اعلیحضرتی در ۶ ماه ژوئن راپورت داد که [illegible]

[illegible]

شیراز

دراول ماه ژوئیه یازده نفر توپچی برای دریافت حقوق یک ساله عقب افتاده خود ازدولت ایران به قونسولخانه اعلیحضرتی متحصن شدند بعد پس ازاینکه قول به آنها داده شد که مواجب آنها پرداخته خواهد شد ما آنها را وادار نمودیم که از قونسولخانه خارج شوند

سرتیپ فوج چهار محال هم به قونسول اعلیحضرتی اظهار نمود که ممکن است فوج او هم برای همین مقصود در قونسولخانه تحصن اختیار نمایند

جهت [illegible] ده کمارج و دالکی که در موقع حکومت ظل‌السلطان موقوف شده بود مجدداً در ۶ ماه ژوئن شروع گردید

هیچ امید نظم در این راه برده میشود مگر در تحت فرمانفرمای مقتدری

هرچند که شیراز خاموش مانده است ولی کلیه ایالت فارس در حال بی‌نظمی است و از هرطرف [illegible] سرقت [illegible] مسدود کازرون در حال محاصره است [illegible] کمارج و [illegible] کازرون [illegible] نائب الحکومه سابق [illegible] شخص [illegible] به قونسولخانه [illegible] در شیراز متحصن شده است

درعرض مدت ۴ الی ۲۵ ماه ژوئن [illegible] طهران را چهار مرتبه سرقت نمودند وراه اصفهان هم خالی از امن نیست

شیرازیها تعیین آصف الدوله را بحکومت بواسطه عدم موفقیت او سابقاً در حکومت شیراز استهزا مینمایند [illegible] سردار [illegible] نائب الحکومه در ۱۶ ماه ژوئن وارد گردید

(امضا ماژور استوکس آتشه ملیتر)

نمره ۲۲۷

مراسله مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۱۲ اوت ۱۹۰۸ از قلهک

آقا

در ضمن مراسله نمره [illegible] خود افتخار دارم از راپورت اینکه در ۹ [illegible] مسیو بیزو باغ شاه احضار گردید [illegible]

اینکه طرحی را که او برای اصلاح وزارت مالیه پیشنهاد نموده بود صدر اعظم خالی ماند

نتیجه ملاقاتی که بیش از دو ساعت طول کشید بی‌ثمر بود غیر از مشیر السلطنه دو سه وزیر دیگر در این ملاقات حضور داشتند امیر بهادر جنگ هم که شخص او دارای دو شغل عمده که یکی آن سپهسالاری و دیگری وزارت جنگ بود گاهی حضوراً بهم می‌رسانید

و بیش از اینکه [illegible] وجوهات فوری [illegible] هر کسی در مذاکرات نداشت

باعث [illegible] است که من تمام جزئیات حکایتی را که مسیو بیزو برای من نقل کرده برای شما [illegible] کافی است که [illegible] علاء السلطنه که در آخر مذاکرات وارد شد تمام وزرا و درباریانیکه حضور داشتند [illegible] معلوم میگردید که آیا فقط از مسیو بیزو [illegible] که وجه وسیله پولی فراهم نموده [illegible]

[illegible]

صورت از قرار ذیل است

[illegible]

[illegible] ۵۰۰۰۰۰ تومان

[illegible] و حقوق [illegible]

[illegible] ۵۰۰۰۰۰

[illegible] سرحدات [illegible] و کرمان

سیستان و بلوچستان ۳۰۰۰۰۰ تومان

پرداخت حقوق دیوانی [illegible] بواسطه انقلابات اخیره

پرداخته نشده ۲۰۰۰۰۰

[illegible] که مرحوم [illegible]

خریده و خرید [illegible] ۵۰۰۰۰۰

جمع کل (۱۲۰۰۰۰۰)

[illegible]

[illegible]

دولت [illegible] که مبلغ [illegible]

در صورتی که مبلغ کثیری [illegible] بدون

هیچ نوع [illegible] صحیح مصارف آن داده خواهد شد

وقتی [illegible] حقوق [illegible] صرف شود

من کمال اطمینان را دارم که در صورتیکه من [illegible]

[illegible] برای دولت مشروطه خود [illegible] ندارم دولت من بر آن [illegible]

[illegible] و هیچ نخواهد گذشت درصورتیکه من ابدا حاضر [illegible]

[illegible]

[illegible] و رقابت میخواهند که خود را [illegible]

[illegible] وزیر [illegible] آگاه باشد که دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] دهندگان دولت ایران در جزیره که از قراریکه می گفت [illegible] محروح است برده شده است

مسیو [illegible] مطالب [illegible] همراهی تامی نموده و اظهار [illegible] که [illegible] هیچوقت [illegible] که همچو [illegible] قبول [illegible]

[illegible] که [illegible] که هیچ [illegible] جنگ [illegible]

[illegible] که [illegible] دهندگان [illegible] دولت [illegible] نموده [illegible] گمان نموده [illegible] اطلاع حاصل نموده و [illegible]

[illegible] ملاقات گردید [illegible] که [illegible] ملاقات [illegible] است که [illegible] دیگر [illegible] خواهد رفت

(امضا) [illegible]

نمره ۲۲۸

مراسله مستر [illegible] مورخه ۱۳ [illegible] ۱۵ ژوئن [illegible] و [illegible] قشون [illegible] و

متمردین در [illegible] ۹ [illegible] هیچ طرف
مداومت داشت

در ۱۵ ماه ژوئن [illegible] محلیکه تصرف متمردین بودند نمودند که بتوسط قونسولخانه فرانسه تلگرافی شده فرستاده اظهار نمایند که آنها حاضر تسلیم هستند ولی فقط ترس آنها [illegible] که قشون دولتی خانه‌های آنها را غارت خواهند کرد

در [illegible] جنگ متروک شده [illegible] محله‌ی محصوره شروع بمذاکرات برای صلح [illegible] و متمردین نمودند

[illegible] مذاکرات بواسطه حرکات مجتهدین معروف [illegible] صلح [illegible] نمیگردید چونکه رؤسای متمردین [illegible] نموده و طلب عفو [illegible]

هرچند [illegible] مجتهدین که سیم تلگراف [illegible] که همچو تلگرافی شود این حوادث و حرکات دیگر مجتهدین [illegible] گردیده و مصمم شدند که هیچ نوع عفو و بخشش [illegible] شاه بدون ضمانت قونسولخانه‌های خارجه قبول ننمایند

در ۱۸ ماه ژوئن مستراسمیس تلگراف نمود [illegible] ژنرال قونسول [illegible] مرتجعین و علما جنگ [illegible] مسلح است و سوارهای دولتی هم فرار نموده‌اند

در ۱۸ ماه ژوئن مشروح [illegible] که مرکب از ۸۰۰ [illegible]

بود بمحض اینکه بتبریز وارد شدند فوراً ازهم متفرق شده [illegible]
[illegible]
[illegible] و
[illegible] در شب ۲۱ و ۲۲ ماه ژوئیه [illegible]
[illegible] استعداد قشون [illegible] آنها رولوسیونرها را مجبور نمودند
که به خط اوّلیه خود عودت نمایند

در صبح ۲۳ [illegible] جنگی [illegible] که رولوسیو[illegible]
[illegible]
[illegible] نمودند در این حمله قشون دولتی یک توپ [illegible]
بکار برده و مقدار زیادی خسارت هم رساندند

در ۲۷ [illegible]
[illegible]
[illegible]

در ۲۸ ماه [illegible] شهر در
[illegible] شرط
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قونسولها پیشنهادات مذکوره را تصویب نموده واظهارنمودند
که خوبست اجازه برؤسای رولوسیونر داده بشود که بدون هیچ

اذیتی از ایران خارج شوند

درعرض مدتی که [illegible] و [illegible] دیگر [illegible]
طرفین [illegible] بود [illegible]
[illegible]
مجدداً شروع گردید

دولتیها ارگ را که همیشه در دست رولوسیونرها بود
[illegible] در ۲
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] که هیچ
[illegible] دولتی محصوره شود

در ٥ ماه اوت خبر برقراری مشروطیت عثمانی توسط [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در ۷ ماه اوت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در ۲ ماه اوت [illegible]

استونی کاغذی به ژنرال قونسولگری نوشته و اظهار امیدواری
نمودند که خوب است دولت اعلیحضرتی دولت ایران را مسئول
هر نوع خسارتی که ممکن است بدایشان وارد بیاید دانسته چونکه
آنها میترسیدند از اینکه غارت خانها ممکن است ببازارها هم سرایت
نماید من باین جهت یادداشتی بدولت ایران فرستاده و تقاضا نمودم
که اقدامات کافیه برای محافظت منافع اتباع انگلیس بعمل آید و در
آن یادداشت اظهار نمودم که دولت اعلیحضرتی مجبور خواهد شد
که دولت اعلیحضرت شاه را مسئول هر نوع خسارتی که بواسطه
قشون مستخدم دولت ایران وارد می آید قرار دهد

در ۹ ماه اوت جوابی از وزیر امور خارجه برای من رسید
مشعر براینکه همان یادداشت را بصدر اعظم ابلاغ داشتم و از ایشان
مخصوصا خواهش نمودم که احکام لازمه برای محافظت تجارتخانها
واتباع انگلیس فرستند

خیلی معلوم نمودن [illegible] مشکل است که تا چه اندازه
[illegible] که [illegible] کودتی [illegible] رخ داده مربوط به
[illegible] و اگر هم [illegible]
ی زدو خورد اساسا شکل زدو خورد سیاسی را دارا خواهد بود
من شخصا گمان میکنم که جنگ بارحیمخان بیشتر بواسطه عداوت
شخصی رؤسای ملیین باوست و همچنین تصور مینمایم که بدون
تردید ملتیان حس مینمایند که برای آنها جز جنگ هیچ راه دیگری
باقی نیست و اگر آنها بی شرط یا باشرط تسلیم شوند جان و خانواده
ومال آنها از دست قشون دولتی که بواسطه مقاومت طولانی وطن

پرستان آذربایجان خشمگین شده اند مأمون نخواهد بود احتمال هم
داده میشود که ترس آنها بی اصل باشد

نمره ۲۲۹

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۳۱ ماه اوت (از پطرزبورغ)
راجع بتلگراف ۲۳ ماه اوت من

سواد مراسله متحدالمآلی که پیشنهاد شده است نمایندگان
روس و انگلیس بشاه ارسال دارند از قرار ذیل است

چونکه اعلیحضرت شاه قصد خودرا آشکار نموده که بهمین
زودیها قواعد جدیدی برای انتخابات آتیه منتشر نماید وزیر مختار
روس (شارژدافر انگلیس) بروفق تعلیمات واصله از دولت متبوعه
خود وبدون اینکه بهیچوجه مایل بدخالت در امورات داخلی ایران
باشد عقیده براین است که برای آرامی مملکت و تجارت و آسایش
عموم خیلی مستحسن و بجا خواهد بود که اعلیحضرت شاه در
همانموقع اعلان نمایند که بهیچوجه در عزم خود برای نگاه داری
قوانین اساسی که خود آن اعلیحضرت سلطنتی خود عطا نموده
تغییری حاصل نشده است و مجلس شورای ملی انتخاب شده در ۱۴
ماه نوامبر در طهران منعقد خواهد گردید

مسیو چریکف بمن اظهار نمود که شاه در همین ایام اخیر
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نمره ۲۳۰

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۱ سپتامبر ۱۹۰۸ از طهران

وایس قونسول انگلیس مقیم تبریز تلگرافاً راپرت میدهد که اولیاء امور در طهران اهمیت اوضاع تبریز را درک ننموده اند رولوسیونرها گوش بهیچ نوع مصالحه نخواهند نمود مگر آنکه مشروطیت و یا انتخابات شروع شده مجلس دومرتبه منعقد گردد آنها ابداً اطمینانی بدولت ندارند

قوای مشروطیین فعلا ۱۰۰۰۰ نفر است دیروز انجمن محلی کمیته برای تحصیل وجوهات از عیسویان برای کمک در مصارف حربیه انتخاب نمود [illegible] برولوسیونرهای ارمنی فشار آورده میشود که آنها هم اقدامات جدی نمایند

بطور خصوصی بمستر [illegible] اخطار شده است که تهیه [illegible] چونکه رولوسیونرها تنگ آمده و مصمم شده اند که [illegible] مقتول سازند تا آنکه اروپائیها دخالت نمایند

وایس قونسول اظهار میدارد که اگر شاه واقعا خیال استحکام [illegible] هر چه زودتر بانجمن مقصود خود را اطلاع بدهد بهتر خواهد بود چونکه طوری رؤسای رولوسیونرها خود را آلوده نموده اند که دست برداشتن از زدوخورد حالا خیلی مشکل است

عقیده وایس قونسول براین است که ممکن است هر دقیقه اروپائیان و عیسویان عموما خود را در خطر عظیمی مشاهده نمایند چونکه در این دو سه روز اخیر هیجان مردم خیلی بالا گرفته است

نمره ۲۳۱

تلگراف سر ادوارد گری بسر نیکلسن مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۸

از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف نمره [illegible] مستر مارلینگ و تلگراف ۳۱ ماه گذشته شما معلوم است که موقع اقدام رسیده است خواهش میکنم که شما دولت روسیه‌را فشار بیاورید که بنماینده خود درطهران تعلیمات درباب [illegible] بفرستند

[illegible] که بشاه اظهار شود که دولتین اهمیت زیاد بوضع تبریز میدهند ودولت ایرانرا مسؤل هر نوع خسارت وارده باتباع روس و انگلیس خواهند نمود [illegible] شاه فشار آورده شود که حکم انتخابات جدید صادر نموده مجلس مجدداً منعقد گردد [illegible] عمومی شود که شاه قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت

شما خوب است که از دولت روسیه [illegible] جواب فوری بخواهید

نمره ۲۳۲

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۴ سپتامبر [illegible]

راجع بتلگراف ۱۲ [illegible]

کفیل وزارت امور خارجه [illegible] تلگراف [illegible] که [illegible] و علاوه [illegible] وضع تبریز [illegible] در تبریز مصمم خود را [illegible] علی [illegible] و شروع بانتخاب نموده مجلس‌را در ۱۴ [illegible]

نمره ۲۳۳

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۴ سپتامبر از
وزارت خارجه لندن

خواهش میکنم که بتلگراف امروز بطرزبورغ مراجعه نمائید
نظر بتلگراف فوق شما مجاز هستید که باتفاق مسیو
هارتویك مراسلهٔ باعلیحضرت شاه بفرستید اقدام مذکور را هرچه زودتر
ممکن میشود بعمل آرید

نمره ۲۳۴

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ مورخه ۵ سپتامبر از
وزارت خارجه لندن

راجع بمراسله غره ماه اوت شما
دولت اعلیحضرتی حاضر است بمحض اینکه مسیو بیزو موقع
مناسب بداند پیشنهادیکه در ۱۹۰۶ شده بود موقع اجرا بگذارد
یعنی بانک بریتانیه عظمی وروسیه مبلغ ۴۰۰۰۰۰ لیره بدولت
ایران قرض مساعده خواهند پرداخت ولیکن پرداخت این قرضه
منوط بشروط ذیل خواهد بود

(۱) این قرضه برای قلع وقمع مشروطیت بکار برده نشود
بلکه طوری مصرف شود که در واقع کمکی برای مشروطیت
باشد مقصود ممکن است بدین ترتیب عمل آید که رسماً [illegible]
معین گردیده شرط شود که بتوسط مجلس بعد قرضه را تصویب
نمایند و بانکها [illegible] وجه را از طرف دولت ایران بدولتین
سپرده گردد

(۲) ضمانت مناسبی برای مصارف این قرضه باید داده شود
دولت اعلیحضرتی ترجیح میدهد که قرضه لازم شود و
پیش از اینکه قبول نمایند باید که بدقت تمام شرح شرائطی نماید
که مقصود مذکور فوق بعمل آید
مطالب فوق فقط برای اطلاع شما است

نمره ۲۳۵

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۹ سپتامبر از طهران

راجع بتلگراف ۴ اینماه شما
سفیر روس و من خیال داریم که ترجمهٔ ایرانی مراسله را
بشکل یادداشتی برای شاه ارسال داریم چونکه آن اعلیحضرت سه‌چهار
روز است بواسطه تب ناخوش شده‌اند
ترجمه‌های ما در روز سه شنبه با یادداشت مذکور [illegible] فرستاده
شده خواهد برد و درصورتیکه شاه [illegible] نشود آنرا نپذیرد قرار
داده خواهد شد که وزیر امور خارجه آنجا حاضر باشد که یادداشت
را باو ارائه دهند

نمره ۲۳۶

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینگ مورخه ۷ سپتامبر از
وزارت خارجه لندن

من ترتیب را که شما در تلگراف دیروز خود در خصوص
مکاتبه متحد الشکل [illegible] جمع دو وضع [illegible] ترتیب [illegible] نموده بودید
تصویب مینمایم

نمره ۲۳۷

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری مورخه ۸ سپتامبر از طهران
راجع بتلگراف ۶ اینجانب

شاه بواسطه کسالت خارجه نتوانستند که امروز صبح ترجمانها را بپذیرند نسخهٔ مراسله متحدالمآلی بوزیر امور خارجه دراردوگاه شاه داده شد که تسلیم آن اعلیحضرت نماید

نمره ۲۳۸

مراسله سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۶ سپتامبر از پطرزبورغ

آقا افتخار دارم که سوادی از مراسله متحد المآلی را دولت روسیه پیشنهاد مینمایند نمایندگان روس و انگلیس در طهران [illegible] ارسال [illegible] دارم

مسیو چریکف پس اظهار نمود که چند روز قبل شاه بمسیو هرتویک اطلاع داده است که قوانینی برای انتخابات جدید بهمین زودیها منتشر خواهند گردید این اظهار شاه موقع مناسبی را بدولتین میدهد که باو بفهمانند که بهتر آنست اعلیحضرت شاه تکلیف [illegible] خود [illegible] نموده و [illegible] و بعکس ایشان بهتر آن است که [illegible] و [illegible] شده ترتیب و موقع فرستادن مراسله مذکور بمسیو هرتویک و مستر مارلینگ واگذار شود

من بمسیو چریکف گفتم که مضمون مراسله را بشما تلگراف نموده و انتشار آن از عقیده شما منحصر خواهم نمود

(امضا) نیکلسن

سواد مراسله متحد المآلی است که نمایندگان انگلیس و روس

در طهران بشاه تسلیم خواهند نمود (در ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۸ از طرف مسیو چریکف برای سر نیکلسن ارسال گردیده است

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده اند که بهمین زودی قوانین جدید انتخابات را که بهمین زودیکی [illegible] خواهد آمد انتشار دهند سفیر روس (شارژدافر انگلیس) بر وفق تعلیمات دولت متبوعه خود بدون اینکه مایل بمداخلت در امور داخله ایران باشیم نظر بمصالح آزادی مملکت و تجارت و آسایش عمومی خیلی مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایند که تصمیم خود راجع باستقرار این اساسی که بمملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده و مجلسیکه فعلا در صدد انتخاب اعضای آن هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) امسال انعقاد خواهد یافت

نمره ۲۳۹

مراسله سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۴ سپتامبر از پطرزبورغ

آقا من مضمون تلگراف ۲ ماه جاری شما را برای مسیو چریکف [illegible] رسیده لفا ارسال دارم

(امضا) نیکلسن

منضمه در نمره ۲۳۹

مراسله مسیو چریکف به سر نیکلسن

[illegible]

توسط همین تلگراف سفیر خود در طهران دستور العمل فرستاده شده که باتفاق مستر مارلینک عبارت ذیل‌را بمراسله مذکور اضافه نماید دولتین روس و انگلیس اهمیت فوق العاده بوضایع تبریز داده و دولت ایران را مسئول هر نوع خسارت وارده بر اتباع روس و انگلیس خواهند شناخت برای آرام نمودن اهالی شهر مذکور از شاه دعوت میشود که اعلانی در تبریز منتشر نموده مبنی براینکه مقصود آن اعلیحضرت این است که از قوانین اساسی نگهداری‌شده انتخاب شروع شود ودر ۱۴ ماه نوامبر مجلس را باز خواهد نمود (امضا) جریکف

نمره ۲۴۰

تلگراف مستر مارلینک بسرادوارد گری مورخه ۱۹ سپتامبر از طهران

راجع به تلگراف ۸ اینماه من

مراسله متحد المآل روس و انگلیس بشاه

دیشب وزیر امور خارجه جواب شاه را برای من فرستاد مضمون آن از قرار ذیل است

من مشغول اقدامات برای تشکیل مجلس هستم چنانکه موافق مقتضیات مملکتی و مذهبی بوده وشکلی باشد که مجدداً باعث اغتشاشات نگردد و باین ترتیب من بقول خود رفتار خواهم نمود

من امیدوارم که بتوانم اعلانی برای انعقاد مجلس در روزیرا که دولتین در مراسلهٔ خود ذکر نموده‌بودند صادر نمایم ولی تازمانی که نظم درتبریز برقرار نگردد تااینکه دولت ایران بتواند بطورراحت بعضی ترتیب لازمه را بدهد مجلس باز نخواهد شد

مسیو هرتویک بمن اطلاع میدهد که مذاکرات در تبریز در جریان است وخلق متروک شده خبر تازه برای خود من نرسیده است نظر باینکه بوجود نصیحت دولتین شاه چنانکه رفتار خود را نسبت به تبریز مصلحانه نماید آن اعلیحضرت در هم اخیره باکراد ماکو داده است که حمله بشهر بیاورند جواب شاه بنظر من مخصوصاً بطور دلخواه نیست علاوه آن اعلیحضرت بهیچوجه اطمینان میدهد که قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت

نمره ۲۴۱

تلگراف مستر مارلینک بسرادوارد گری مورخه ۲۱ سپتامبر ازطهران

راجع تلگراف ۱۹ اینماه من

شاه و مشروطیت

مسیو هرتویک بمن اطلاع میدهد که عقیده ایشان جواب شاه نامساعد بوده وملت اضطرار سختی به آن اعلیحضرت خواهدنمود وعلاوه [illegible] خواهد کرد که [illegible] بدون انتخابات‌را منتشر نماید [illegible] من نظر به آثار وعلائم نارضایتی [illegible] که [illegible] مسیو هرتویک همرأی‌شدم که [illegible] مشروطه [illegible] مجلس [illegible]

نمره ۲۴۲

تلگراف [illegible] مورخه ۲۱ [illegible]

[illegible] خارجه [illegible]

[illegible] و مشروطیت [illegible] که [illegible] تلگراف

۱۹ اشمه از طهران بستند

مقصد من جواب شاه ابداً بطور دلخواه نیست ابداً ذکری در آن جواب نشده است که نگه داری از قوانین اساسی خواهد شد شما خوب است که اطلاع حاصل نمائید که چه اقدامات دیگری دولت روسیه برای رسیدن بمقصود مطلوبه حاضر است بنماید

نمره ۲۴۳

تلگراف سر بیکس بسرادوارد گری مورخه ۲۲ سپتامبر از پطرزبورغ

راجع بتلگراف دیروز شما

مشروطیت ایران

کفیل وزارت امور خارجه بمن اطلاع میدهد که سفیر روس در طهران علاوه جواب کتبی شاه اطمینانات شفاهی باو داده است که بطوریکه نمایندگان روس وانگلیس باو نصیحت نمودهاند بقول خود رفتار خواهد نمود

مسیو چریکف گمان میکند که شاه محض حفظ شئونات خود و همچنین محض اینکه مردم تصور نکنند که او به نصیحت و فشار خارجه تسلیم شده است ترجیح داده است که اطمینانات خود را شفاها اظهار نموده نوشته ندهد

ایشان (چریکف) پیشنهاد مینماید که بالنتیجه خوب است ما چند روزی باو (شاه) مهلت بدهیم اگر باطمینانات شفاهی خود عمل ننمود آنوقت فشار دیگری خواهیم آورد

نمره ۲۴۴

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری مورخه ۲۳ سپتامبر از طهران

شاه ومشروطیت

شاه بمسیو هارتویک چنین قولی داده است که فوراً اعلانی صادر خواهد گردید که در ۲۷ ماه اکتبر انتخابات شروع شده و در (۱۴) نوامبر مجلس منعقد گردد

وزیر امور خارجه که امروز برای ملاقات من آمده بود بهمین مضمون بمن اظهار نموده و سؤال نمود که آیا این پیشنهاد را من تصویب وهمراهی مینمایم یا خیر

وزیر امور خارجه بمن اظهار نمود که شاه مایل بملاقات من است بالنتیجه قرار ملاقات آن اعلیحضرت فردا گذارده شد

نمره ۲۴۵

تلگراف سرادوارد گری بسر بیکس مورخه ۲۳ سپتامبر از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف دیروز شما

شاه ومشروطیت

ما به پیشنهاد درتعویق انداختن اقدامات موافق هستیم

نمره ۲۴۶

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری مورخه ۲۴ سپتامبر از طهران

شاه ومشروطیت

راجع بتلگراف دیروز من

ملاقات امروز صبح من با شاه خیلی دوستانه بود اعلیحضرت شاه خیلی اظهار میل برای اصلاحات در امور و مخصوصا در مالیه نمودند آن اعلیحضرت بمن قول داد که اعلان قانون انتخابات

جمعه امروز طبع خواهد رسید

نمره ۲۴۷

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۲۵ سپتامبر از طهران

اوضاع در تبریز

فرمانفرمای آذربایجان ۴۸ ساعت برولوسیونرهای شهر مهلت داد که اگر بعد از آن تسلیم نشوند شهر را بمباردمان خواهد نمود مدت مهلت در موقع طلوع آفتاب در روز ۲۴ اینماه منقضی گردید سپس در عصر آنروز بمباردمان شهر شروع گردید

من یادداشتی بدولت ایران فرستاده متذکر شدم که در صورتی که خساراتی به اتباع خارجی وارد شود دولت مسئول آن خواهد بود

نمره ۲۴۸

تلگراف سر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۲۶ سپتامبر از طهران

ویس قونسول تبریز راپورت میدهد که دولتیان دیروز با ۵ عراده توپ خط ملتیون را بمباردمان نموده کلیه سوارهای ماکوئی هم در این حملات شرکت داشته ملتیون خط خود را نگاهداشته و با ۴ عراده توپ جواب آتش دولتیان را دادند

نمره ۲۴۹

مراسله مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۱۰ سپتامبر از طهران

افتخار دارم که مختصری از حوادث ماهیانه از ۳۰ ماه ژوئن لغایت ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ ملفوفاً معروض بدارم

(امضا) مارلینگ

ملفوفه در نمره ۲۴۹

حوادث ماهیانه

اصفهان

در روز آخر ماه ژوئن دو پست را در راه شیراز سرقت نمودند سارقین راههای کرمان به یزد و اصفهان را مسدود نموده وعبور ومرور پست بمهلکه تعویق می افتد

در ۳۰ ماه ژوئن دزدان به نایب‌الحکومه کرمان در بین . حمله نموده واورا غارت کردند چونکه جمعیتی ازایرانیان مزاحم ودخالت مکارهای مسیحی مدرسه دعاوی مینمودند دکتر آلکتور چهار نفر از مستحفظین قونسولخانه بمدرسه فرستاده رفع زحمت آنها را نمودند

هرچند که اخبار مشروطیت در عثمانی و تلگرافات علمای نجف وکربلا در تقویت مشروطین ایران علمای اینجا را ترغیب نموده که مکارهای نایب الحکومه قدری دخالت نمایند ولی ضدیت جدی به اوضاع کنونی هویدا نیست

یزد

حکومت بالنسبه جدیدیکه در دوماه قبل باعث هیجان شده بود جمع آوری مساعدت نقدی قهریه از مخالفت مردم جلوگیری شده و سربازهای حکومت چندین نفر از اشخاصی را که تحصن میخواستند رعیه بالنسبه مذکور تحصن اختیار نمایند کتک سختی زدند

کرمان

در بعضی از نقاط ایالت کرمان از قبیل رومار و جیروفت و رودبار هیجانی برای مشروطیت ظاهر شده است قشون برای جلوگیری فرستاده شده است

شیراز

پس از حرکت ظل السلطان شهر شیراز و ایالت فارس فوراً بحال انقلاب عودت نموده سرقت پست مکرر میشود وازقرار معلوم ایلات بهیچوجه اطاعت از کسی ندارند

خلیج فارس بوشهر

پس از مراجعت ظل السلطان اغتشاش در فارس شروع شده در بین راه شیراز مابین رؤسای کنار تخت وکمارج و همچنین مابین رؤسای کمارج و کازرون جنگ در گرفته است

حکومت سربازهای قدیم را که سابقا در بوشهر و سایر بنادر فارس ساخلو بودند خارج نموده و در عوض آنها چریك محلّی جمع نموده است

بندر عباس

اقتدار نظام نایب الحکومگی منصوب گردیده است و در ۲۸ ماه ژوئن مشغول کار خود گردید

محمره

[illegible]

[illegible] ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

جواب اظهار داشتم بطوریکه بر من مفهوم است این پیشنهاد باید مستقیما بشاه بشود و تصوّر میکنم باید درخواست شرفیابی حضور اعلیحضرت را بنمائیم [illegible] سفیر مزبور مرا متذکر نمود که چون شاه [illegible] روزی است از اندرون بیرون نیامده‌اند خیلی احتمال میرود که آن اعلیحضرت نتواند مارا حضور دهد و شاید بهتر آن باشد که مشیرالدوله شرحی بمضمون را بباغ شاه فرستاده مراتب مرا در اینخصوص باو برساند من اینرا قبول کردم چراکه ظاهراً میل بودکه بعلت عدم صحت مزاج شاه شرفیابی ما بتأخیر انداخته شود تا برای اینطور قرار شد که مکتوب مزبور را بفارسی ترجمه نموده و سواد آنرا مسیو دوهارتویک وس امضا کرده وتوسط مسیو [illegible]سکی و مستر چرچیل صبح روز هشتم شهر جاری بشاه تقدیم نماید و در صورتیکه آن اعلیحضرت بتوانند [illegible] حضور [illegible] علاء السلطنه [illegible] شود که [illegible] حضور [illegible] کرده [illegible] [illegible] که [illegible] شود

[illegible] تقدیم شهر جاری [illegible] [illegible] [illegible] بتوسطه [illegible] [illegible] مرخص مذکور [illegible] و مستر چرچیل و مسیو [illegible]سکی [illegible] [illegible] محمد [illegible] ترجمه داده [illegible] که [illegible] اعلیحضرت تقدیم [illegible]

[illegible] مراسله مذکور در جوف [illegible]

(امضاء) چارلز مارلینگ

ملفوف نمره ۲۵۰

[illegible] محمد [illegible] که توسط مشیرالدوله [illegible] انگلیس وروس بشاه تقدیم شده در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۰۸

چون اعلیحضرت [illegible] خود را [illegible] نموده‌اند که [illegible] [illegible] [illegible] خود و [illegible] اینکه بهیچوجه مایل بمداخله در امور داخله ایران نباشیم اقتضا دارد نسبه خطر [illegible] آرامی مملکت و تجارت [illegible] عمومی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] (۱۴) [illegible] (۱۹) [illegible]

[illegible]

(امضاء) [illegible]

نمره ۲۵۱

[illegible]

تلگراف ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ — آقای [illegible] در تعقیب مراسله ۱۳ ماه گذشته خود افتخارا راپورت میدهیم که پس از جنگ سختی که در ۷ ماه اوت و دوروز متعاقب آن در تبریز وقوع پیوست مخاصمات آشکار تا روز ششم ماه جاری از نو شروع شد

اگر چه در مخالفت مستأصلین بر ضد هشت حکومت [illegible] داده و مساعی مخابر مصر شهر و فرمانفرمای [illegible] و [illegible] وسی قونسول اعلیحضرتی برای رفع اشکالات موقع ظهور [illegible]

روز ۱۵ اوت هیئتی از طرف فرمانفرما بقصد رسیدگی بوضع امور و راپورت دادن آن بفرمانفرما به تبریز وارد گردیدند خود فرمانفرما هم باتفاق سپهسالار قشون روز ۲۰ شهر ماضی [illegible] [illegible]

[illegible] ۲۳ شهر گذشته انجمن محلی عریضه به اعلیحضرت تقدیم [illegible] عریضه داشتند مختصر تقاضای آنها این بود که [illegible] مشروطه [illegible] دارد آنها خودرا [illegible] فرمانبردار شاه خواهند داشت ولی تاپارلمان مفتوح نگردیده و [illegible] خواهند از خود خلع اسلحه نخواهند نمود دیگر [illegible] سرکردگان طرفین [illegible] که دریك قطعه شهر مسکون [illegible] و پس از محاکمه مجازات شوند و امور [illegible] انجمن [illegible] محلی [illegible] محلی [illegible] فسخ شود [illegible] وعده فرمودند که [illegible] به [illegible]

در اواخر ماه چون از اولیاء امور طهران جوابی رسید در بین طرفین بطور محسوس کسب شدت نموده وملیین [illegible] هرگونه شرائط صلح امتناع ورزیدند مگر آنکه مشروطیت [illegible] شده و امر بانتخابات داده شود و پارلمان منعقد گردد عده قشون ملیین در اینموقع بده هزار نفر میرسید و مساعی عمل میاید که از رولوسیونرهای ارامنه هم جزو قشون بشوند انجمن محلی کمیته تشکیل داد که از تمام مسلمان برای مصارف مداومت دادن [illegible] و حوزه وجوهات بطور مساعدت وصول نمایند و [illegible] قونسول [illegible] رولوسیونرها تصمیم نموده [illegible]

[illegible]

[illegible] حضور [illegible]

[illegible] قونسول [illegible]

[illegible] مگر آنکه [illegible] که [illegible]

[illegible]

نمود و علاوه مستر استوزرا دعوت کرد که در صورتیکه بخواهد همراهی آنها نزد او بیاید

[illegible] از رفتن ملاقات فرمانفرما بیمیل بودند واز احساسات [illegible] ولی راضی شدند که آنحضرت اشرف را در محل بیطرفی ملاقات نمایند

مستر استوزر [illegible] ترتیب چنین ملاقاتی را بی شرایط موفق گردد و [illegible] شد که هیئتی ازطرف اهالی برای مذاکرات ملاقات [illegible] عرض مدت این مذاکرات و قرار مدارها [illegible] هر قسم اعمال شورش کارانه احتراز نمودند ولی [illegible] دولتی داخل کاروانسرای بزرگی شده و دکاکین تجاری که در محله ملیین سکونت داشتند غارت نمودند [illegible] طرف قشون دولتی ظاهرا در بین رولوسیونرها هیچ حشمتی [illegible] نموده و دلیل عدم امکان اعتماد برخی [illegible] مأمورین [illegible] مجروح شد [illegible]

[illegible]

نمره ۲۵۲

[illegible] (وصله ۲۸ سپتامبر)

[illegible] ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ ـ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۲ [illegible] رولوسیونرها [illegible]

نایب الحکومه که تاورود آصف الدوله فرمانفرما کفالت امورایالت متعهد او عوض است در مورداو نمود ناچار به دست اختیار نمودن شدهاند میرزا کاظم خان برادر معتمد دیوان مرحوم [illegible] حسین وارد آنجا شد این اشخاص اظهار داشتند که باوجود اعلان عفو عمومی که شده در مورد تمام مجرمین پلتیکی صادر نموده میترسیدند سردار فیروز اقدامی برعلیه آنها نماید و کاظم خان پس از آنکه نایب الحکومه باو وعده داد که در صورت تأدیه تکهزارو هشتصد تومان برسم رشوه و چند اسب که قیمت آن معادل [illegible] تومان میشود سپس دست سواران قوام سپردند [illegible] [illegible] گرفته [illegible]

[illegible]

[illegible] دیگر هم در عرض [illegible] ورود نمودند ولی [illegible] که [illegible] هم [illegible] مجروح [illegible]

[illegible] کاظم خان [illegible] همه [illegible] که [illegible] و در رولوسیونرها [illegible] الحکومه [illegible] نموده [illegible] جدول نمودند

[illegible] عدم [illegible] طمعی [illegible] نایب الحکومه [illegible] که کاظم خان [illegible] کند و حالا [illegible] خارج نمود و [illegible] که [illegible] مرخص خواهد کرد [illegible]

واضح است که تا زمانیکه نایب الحکومه که شخص وحشی بد اخلاقی است در شیراز متوقف است هیچ موقعی را از دست نخواهد داد که بواسطه تهدید و غارت اشخاصی که از روی دلیل مقرر میکند تهدید بنیکی آنها ممکن است اثر را در خطر اندازد کیسه خود را پر نماید

من مکرراً دولت ایرانرا از وخامت تاثیرات حضور چنین مأمور غیر محتاط بیکفایت مثل سردار عیرورکه … … … در مدت کفالت امور این … شوت رسانیده … … و بطور سخت اصرار نموده ام که او را معزول نموده و آصف الدوله حتی الامکان بلا تأخیر بمقر خود فرستاده شود دوجود اطمینان … … … … … گرچه برای شیراز حرکت کرده و … … … … … … … نموده …

(امضا) … …

نمره ۲۵۳

… … … … … … — (واصله ۲۸ سپتامبر)

طهران ۱۰ … ۱۹۰۸ — آقا … اخیراً وصول تلگراف … … … … … … … … در آن … …

… … … … که … … … … و در تحت چه نوع شرایط … … … سال ۱۹۰۶ در مد نظر … …

… … … … … … … … … … … …

بطور مساعده … … …

… … حتی که … … … …

نماند که درهمین نزدیکی چنین مساعدۀ را تصویب کند

قریب دو ماه قبل هنگامیکه در باب امکان حصول مساعده از دولت بریطانیای عظمی وروسیه مذاکره در میان بود … … شده که خیال بدست آوردن مبلغ … در ادهان قوت گرفته بود حاضر بودند وعده دهند که هرگونه شرایطی که مقرر شود قبول دارند بنای عقیده که هرطرف نخواهد میتواند آن شرائطرا رد نمایند وحتی وانمود کردند که میخواهند اصلاحاتی را که مسیو بیزو پیشنهاد نموده بود بانجام رسانند و بمقصود کمیتۀ را … او مایل بود برای نظارت وزارت مالیه ایجاد … تعیین نموده چندین جلسه هم برای مذاکرات نشسته واوامر صادر شد — اگرچه اجرا نگردید — که هریك از ادارات بودجه مصارف سالیانه خودرا تهیه نموده وعرضه دارد ولی بهیچوجه من الوجوه قصد اجرا نداشتند که دستشان از خزانه کوتاه شود و علیحدا … آخری برای تعیین خزانه داری که مستقیما در تحت امر وکنترل وزیر مالیه باشد … داده شد وبرعکس خزانه دار جدیدی که ناصر السلطنه بد اخلاق مشهور باشد تعیین گردید و از زمان تعیین او اتلاف و دزدی وقلب دروجوهات دولتی که بدست او میرسد بسهولت روز افزون در کار است مسیو بیزو که در ابتدای امر اعمال … دولت اورا تشویق نمایند انجام رفورم … … … از امید اینکه نتواند در تحت اوضاع موجوده کاری صورت بدهد … … در غره شهر جاری حضور شاه مشرف گردیده ومقصودش از این ملاقات این بود که از اعلیحضرت بپرسد … بچه نحو … …

عقب و ائتلاف میشود ولی شاه بطور سرد اورا پذیرائی نموده ودر حق او اظهار ملاطفت ننموده واو هم انجام مقصود خودرا بی‌فایده تصور نمود

گمان میکنم مسیو مرنو اشکالی نخواهد داشت در انتخاب صورت وجوهی را که لزوما باید از خزانه دریافت شود ارائه نماید از قبیل حقوق عقب افتاده نمایندگان دیپلوماسی و قونسولات ایران مقیم ممالک خارجه ومامورین وزارت خارجه ولی تصور می‌کنم مادامیکه هشت حاله در تحت امیر بهادر جنگ بر سر کار [illegible] مستبد خوب است ما حتی از این معاونت هم امتناع ورزیم چرا که در صورتیکه از این راه همراهی کنیم در وجوهات [illegible] تصور نمیشود مگر آنکه ابواب هرگونه منابع عایداترا که میتوانند غارت نمایند برروی آنها مسدود گردد

ما دربات دو شرایطی که در تلگراف خود شرح داده بودید از قرائن چنین ظاهر میگردد که قبل از آنکه مستشار مالیه بتواند توصیه اخذ مساعده نماید محصور بافتتاح پارلمان خواهد

گردد و تصور میکنم که هرگاه در موقع مذاکره دربات این مساعده مجلس منعقد باشد دولت اعلیحضرتی اقتدار مجلس را صاحب کافی خواهد بود که وجوهات این قرضه برای قلع وقمع مشروطیت صرف نخواهد شد وهمیشه امکان حدوث اینکه را باید در نظر داشت که ممکن است مجلس جدید ازطرف شاه چنین هدف انتخاب گردیده باآنکه مؤخراً مجبور شده باشد که حتی از حیث حدود هم نتواند دفاع نماید

از طرف دیگر که ونیقه های عمده دیگررا برای کنترل مصرف پول مستلزم میدارد ممکن است برای توسعه اختیارات مستشار مالیه استفاده شود [illegible] تدابیر وسایل مؤثری برای قوت دادن به کنترولی که بنا بود در مورد مساعده ۱۹۰۶ عمل آید در دست دارند ولی هرگاه بانها حقیقت برسد که اصرار داشته باشند براینکه نظارت لازمه مسیو بیزو واگذار شود درموقع ایشان یك نوع نفوذ واقتداری که فعلا معدوم است ایجاد خواهد شد

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره ۲۵٤

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ ـ آقا در اوضاع عمومی ایران چندان تغییر ظاهری در عرض ماه گذشته پیدا نشده که قابل ذکر باشد [illegible] گرفتاریهای تبریز هنوز دوام دارد و ظاهراً امید زیادی میرود که ورود عین‌الدوله فرمانفرمای جدید بهمراهی قشون امدادی درتحت سپهدار حل آنرا سهلتر نموده باشد و گرچه در موقعی که

مذاکرات صلح در میان بود قرار یکماه جنگ موقوف بود مجددا در تاریخ ۶ شهر جاری علت یك اقدام بسیار بیموقع جنگ توسط عساکر دولتی از روی عدم اعتماد سبل آمده مخاصمت شروع گردید مرا عقیده براین است که اسکات هیجان ملی تبریز بقوه قهریه از قوه شاه خارج است اوضاع امور پایتخت کمافی‌السابق در نقاط مغشوش مملکت انعکاس یافته و طرق اطراف شیراز ومابین یزد واصفهانرا سارقین اشغال نموده اند و در کرمان یکی از [illegible] آشخاص موسوم برضا علم در بهرج که در یکطرف بیابان است علم طغیان برافراشته وباقدری اشکال منکوب گردید و همراهان طرفین نواحی اطرافرا الی بم غارت نموده خسارات وارد آوردند و مستر استوکس راپورت میدهد که یك دسته قوی سارقین ترکمن در سبزوار در شمال میدهند که در عرض راه طهران الی مشهد واقع است بوده‌اند

از جهات دیگر اوضاع مملکت بطریق معمول است ولی غیر معمولی بورات در آینده باعث فقدان تجارت از راه بوشهر شده و بواسطه این نقصان در عایدات گمرکی هم تخفیفی حاصل شده است غیر از تبریز در هیچیك از ایالات وولایات آثار هیجان در میان ملیین هویدا نیست و از قراریکه ظاهر است مملکت روبهمرفته مهموماً بابن اوضاع امور ساخته است واستحضار عموم ازابراز غیرت رؤسای روحانی شیعه مقیم نجف برعلیه کودتای شاه تأثیر بینی تاکنون ظاهر ساخته است

در طهران سکون و آرامی تام حکمفرما بوده و تفتیش

جاها وادت وآزار جزئی که بمردم میشد واکنون قدری موقوف شده تااندازه باعث اعاده اطمینان گردیده است در بعضی جاها بعضی از سرکردگان بی ترس ملیین دوباره شروع بداشتن اجلاسات سری نموده وچند تن از سران احزابی که در طهران باقی مانده‌اند گاه گاهی در خانه صنیع الدوله اجتماع مینمایند ولی شك می رود از اینکه در ضمن مذاکرات خود جدا ن مأمور بشبکی اهمیت داده شود چرا که شاه مخالف اجتماعات بود وکارگذاران او وقوع آن دقت مواظب میباشند ظاهرا در خصوص تغییراتی که از قرار مذکور شاه میخواهد در قانون اساسی وقانون انتخاب بدهد [illegible] است ولی غیر از تشکیل یك شورای مملکتی که از احتمالات و کیفیات آن ظاهراً کسی هیچگونه اطلاع قطعی ندارد و جنبه معلوم است آشکار گردیده همه چیز دیگر درپرده خفا مستور است مسیو دوهارتویك اظهار میدارد که قرار است مجلس سنا که رجب قوس [illegible] گردد مفتوح شود ولی علاء السلطنه جنک سفیر روس تصور میکند او مراتب آن [illegible] خواهد شد می اظهار میدارد که در اینباب اطلاعی نداشته و آگاه نیست که آن در خصوص تغییر وتبدیل مواد قانون اساسی هم مذاکره جدی درمیان باشد شکی نیست نوت متحدالمآلی که سفارتین انگلیس و روس در ۸ شهر جاری برای شاه فرستاده [illegible] خود را [illegible] یك خبری در خصوص اینکه خواهد رسید وهنوز زود است در باب اثری که مراسله مزبور در اهالی پایتخت نموده چیزی گفت شود ولی امید است که بواسطه در حالت روحیه مبنی بهبودی

حاصل گردیده ودر مسئله امتحانات اقدام خواهند کرد ولی هرگاه
شاه از روی عقل عمل نموده ونصایح دولتین درباب افتتاح پارلمان
عملی نشاید محتمل نیست که ملتیین حرکت اقدامی دیگری مگر سختی
درباره [illegible] پروتست نمایند

فهمیدن اینکه آیا در باغ شاه در حقیقت چه میگذرد یا
آنکه چه قسم اشخاص در هر دفعه نزد شاه دارای نفوذ هم هستند
سهل نیست ولی نظر هم میآید که امیر بهادر جنگ سپهسالار اعظم
و وزیر جنگ در حقیقت وکشور ایران است و در مجلس وزراء که
هر روزه دریکی ازچادرهای باغ منعقد میشود رأی او در مذاکرات
[illegible] شمرده شده و او است که عقاید شخصی خود را عرض شاه
رسانیده و وانمود میکند که عقاید مذکور از همکاران اوست
علاء السلطنه نیز اظهار داشت که هر زمان بخواهد شاه را ملاقات
نماید سپهسالار هم آنجا حضور خواهد داشت ودر هر مسئله هرقدر
هم از آن بی اطلاع باشد مذاکره نموده و رأی او برتری دارد
رقیب سردار مقتدر امیر بهادر عین الدوله است و محتمل بواسطه
نفوذ او بود که عین‌الدوله برای مطیع ساختن رولوسیونرهای تبریز
که ظاهراً کار یأس آمیزی بود تعیین گردید و عموم را عقیده
براین است که حتی حالاهم سعی میکند که فرمانفرما را بواسطه
مخالفت با اقداماتیکه او برای اصلاح میکند بی‌اعتبار سازد

از قرار معلوم امیر بهادر دو مقصود در مد نظر دارد اوّل
آنکه شاه را بعدم افتتاح مجلس ترغیب نماید و ثانیاً اینکه خود را
متموّل سازد و برای تحصیل پول که اسما برای اداره امور دولت

بمصرف برسد بهر وسیله متمسک گشته اند ولی در واقع این پول
برای پر کردن کیسه وزیر جنگ و رفقایش لازم است و برای
انجام این مقصود شروع بهر گونه اجحافات و اعطای حکومت‌ها والقاب
و اعمال دسیسه های مختلف که در شرق معمول است کرده و
گمان میکنم اغراق نشد اگر بگویم که از ابتدای ماه ژوئن قریب
یکملیون ویانصد هزار تومان باشد [illegible] درباب شده
[illegible] محتمل زیادتر ازیک ثلث این وجوهات نشده و با آنکه بمصرف
آنچیزی که اسمش را مقاصد دولتی گذارده اند میرسد و [illegible] در
[illegible] میگویند که پول
بدست نمی آید و [illegible] او اقدامات جدید میکند که از هرقطعه که
[illegible]
[illegible]

[illegible]

نمره ۲۵۵

([illegible] نیکلسن بسر ادوارد گری [illegible] ۲۸ [illegible])

سنت پطرزبورغ ۲۸ سپتمبر ۱۹۰۸ [illegible]

[illegible]

مسیو چاریکوف اظهار داشت که کاملا حاضر خواهد بود

در هرگونه اقدامی که دولت اعلیحضرتی بخواهد برای توضیح مواد اعلان مذکور بنمایند همراهی نماید

نمره ۲۵۶

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری . — (واصله ۳۰ سپتامبر)

طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۸ — راجع بتلگراف ۲۸ شهر جاری که سر آرتر نیکلسن مخابره نموده عقیده من تعیین موقع افتتاح مجلس و تاریخ انتخابات واجب است

نظر بورود سفیر اعلیحضرتی فردا من درباره طریق عملی در خصوص قانون انتخابات که مسوده نمودن آن اشکال زیاد دارد تردید دارم

نمره ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری . — (واصله ۲ آکتوبر

طهران ۲ آکتوبر ۱۹۰۸ شاه و مشروطیت — راجع بتلگراف ۳۰ شهر ماضی مستر مارلنگ شاه دستخطی صادر نموده مفهوم آن مبهم است ولی ظاهراً اشاره شده است بانکه در مشروطیت سابق تغییرات داده خواهد شد پارلمان روز ۱۴ نوامبر مفتوح گردد و قانون انتخابات باید روز ۲۷ شهر جاری برای اعلان حاضر باشد و نیز اشاره رفته است که مجلسین منعقد خواهد شد ولی تفصیل آن مذکور نگردیده است

تا زمانیکه انتظامات تبریز اعاده شود انتخابات در آنجا عمل نخواهد آمد

نمره ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری . — (واصله ۹ آکتوبر)

طهران ۹ اکتوبر ۱۹۰۸ — دیروز کفیل جنرال قونسولگری تبریز راپرت داد که فرمانفرمای آذربایجان از ورود مایحتاج زندگانی شهر جلوگیری نموده و ابواب دخول شهر را تماما مسدود کرده است

درحقیقت همه و مصیبت اهالی بسیار است ملتین پول ندارند و ممکن است بلا واسطه اقدامات خطرناک بنمایند مستر استونز می ترسد که ازدحام قونسولخانها رخنه و مزاحم احساس شود و شایع وجهه داشته باشد اوضاع بحدی نازک گشته

مردم دستخط شاه را عموما آلت سخریه میپندارند و بآن اندازه که بر من معلوم گردیده اقدام جدی برای ترتیب قانون انتخابات که در آن ذکر شده نشده است

من مجدداً وزیر امور خارجه را در باب جان و مال تبعه انگلیس مقیم تبریز متنبه نموده‌ام و امروز بعد ازظهر مسیو دوهرتویک را ملاقات خواهم نمود

نمره ۲۵۹

تلگراف سر ادوارد گری بسر لوثر

وزارت خارجه ۹ اکتوبر ۱۹۰۸ — اغتشاش تبریز — اوضاع تبریز خیلی سخت است آیا در مراجعت جنرال قونسول به آنجا اعتراضی دارند ؟

نمره ۲۶۰

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۰ اکتوبر)

طهران ۱۰ اکتوبر ۱۹۰۸ ـــ اوضاع تبریز کفیل جنرال قونسولگری دیروز راپرت داد که در ساعت یک بعد ازظهر قشون ملی دریک موقع براردوی قره‌داغیها وسوارهٔ ماکوئی که پل آجی‌را در تصرف خود داشت حمله نمودند وبطلوع صبح شلیک توپ و تفنگ دوام داشت در اردوی عین الدوله بهم خوردگی زیاد واقع گردید وجنگ باسواره ناظهر طول کشید پس از آنکه سواره ماکوئی منهزم گردیده و مهمات خود را از دست دادند عساکر ملی پل آجی را دربحت تصرف خود درآوردند

تلفات ـ روبهم رفته صدوپنجاه نفر مردند

نمره ۲۶۱

تلگراف سرلوثر بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۰ اکتوبر)

اسلامبول ۱۰ اکتوبر ۱۹۰۸ ـ راجع بتلگراف دیروز شما من تصور نمیکنم دلیلی برعدم مراجعت سفیر ایران فعلا بدربار باشد

نمره ۲۶۲

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۱ اکتوبر)

طهران ۱۱ اکتوبر ۱۹۰۸ ـــ ت. و مشروطیت و اوضاع تبریز ـ مسیو دوهارتویک ومن درباب اوضاع حالیه مذاکره نمودهایم وقرار دادهایم که مذاکره شفاهی متحدالمالی درموقع ملاقات هفتگی روز چهارشنبه بوزیر امور خارجه بنمائیم وازاو استدعا کنیم که مطالب مارا باعلیحضرت برساند مطلب متحدالمالی که میخواهیم باو

عنوان شاه شفاها گفته میشود : ـ

چون ازدستخط اخیر صدراعظم استنباط شده چنین مطلوب است که شاه نظر بمنافع خویش انتظار دیکتاتوری جامع و منتشر نموده عموم اهالی نشان دهد که بهیچوجه من‌الوجوه قصد اینکه هیچیک از امتیازات ووعدهائی را از حقوقی که بآنها اعطا نموده مسترد دارد نداشته ولی امیدوارایست که آنچنانکه در تحت فرمان مشترحان محلی منظوره برای مهمل استقرار حکومت مشروطه اسمیه خود را رسمی خواهد گذارد

علاوه نظر بنزدیک شدن ۲۷ اکتوبر مفید خواهد بود که قوانین انتخابات که در دستخط مذکور گردیده بزودی زود طبع ومنتشر گردد محض آنکه انتخابات در تاریخی که تعیین شده بعمل آید (۱۴ نوامبر)

واز آنجائیکه عده‌ای از آنهائیکه بخارج البلاد تبعید شده‌اند گذشته‌اند مطلوب خواهد بود که شاه قصد خود را اعلام نماید که آنهائیکه حالا جنگ میکنند هرگاه تسلیم شوند معاف خواهند بود

نمره ۲۶۳

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۲ اکتوبر)

طهران ۱۲ اکتوبر ۱۹۰۸ ـ تبریز دسته چهارصد نفری قزاق از طهران بطرف تبریز حرکت کرده چهار عراده توپ هم با خود بردند یکی یا بیشتر از صاحبمنصبان روس هم همراه این استعداد خواهند رفت

مسیو دوهارتویک مرا اطلاع میدهد که وظیفه صاحب‌منصب روس جلوگیری از غارت خواهد بود و تا آنکه مجادلات موقوف شود به تبریز ورود نخواهد نمود

نمره ۲۶۴

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسر ادوارد گری . — (واصله ۱۳ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۱۳ آکتوبر ۱۹۰۸ — تبریز — راجع تلگراف دیروز سرجورج بارکلی مسیو چریکوف مرا اطلاع میدهد که ملاحظه قتل سفیر طهران سبب دادشده است که صاحب‌منصب [illegible] و آرامی در تبریز بستی در طهران شدند و همچنین از آنها نیست همراه قزاقهائی که بدنجا فرستاده میشود بروند صاحب‌منصب روس محتمل مسطر خواهد بود که هنگامیکه سکون و آرامی در تبریز اعاده گردد قزاقان مراجعت نمایند

مسیو چریکوف علاوه [illegible] مراجعت [illegible] [illegible]

نمره ۲۶۵

تلگراف سرجورج بارکلی بسر ادوارد گری . — (واصله ۱۶ آکتوبر)

طهران ۱۶ آکتوبر ۱۹۰۸ — تبریز و مشروطه و اوضاع تبریز — در ۱۴ شهر جاری کنسل جنرال قونسولگری اطلاع داد که [illegible] عمده [illegible] را حزب مخالف سوزانده و غارت نمودند و [illegible] دکاکین بازار را هم غارت کردند

روز چهارشنبه من و مسیو دوهارتویک بنابر قراری که داده بودیم مطالب محاکمات خود را برای وزیر امور خارجه بیان نمودیم

(وقوع تلگراف ۱۱ شهر جاری من لطفاً) و حضرت اشرف وعده اجلاع آنرا شده دادند و نیز اظهار داشتند که قانون اساسی حاضر است ولی از حقیقت آن قانون نتوانستم چیزی از او کسب نمایم

نمره ۲۶۶

تلگراف سر ادوارد گری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸ [illegible]

اطلاعی که بمن رسیده دو دسته پیاده نظام روس و یکصد نفر قزاق از جلفا حرکت کرده و بسمت تبریز میآیند — این خبر باعث تأثر [illegible] در اینجا خواهد شد [illegible] نمود

نمره ۲۶۷

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسر ادوارد گری . (واصله ۱۸ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸ — امروز از مسیو چریکوف شنیدم که دیروز عصر در شورای کابینه تصمیم شده دو دسته پیاده نظام و هشتاد قزاق مستحفظین قونسولخانه علاوه [illegible] اهالی تبریز خراب نموده اند و [illegible] برای حفظ جان خود باشکال [illegible] نموده [illegible] ورا نصب داده است [illegible]

کار همراهان شاه و ملّیین بوده است از قراریکه مسیو چاریکوف
نقل نموده عساکر دولتی ملّی شکست خورده‌اند

نمره ۲۶۸

تلگراف سر آرتور نیکلسن به سر ادوارد گری. — (واصله ۱۸ اکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۱۸ اکتوبر ۱۹۰۸ — قزاق روسی برای [illegible] راجع بتلگراف ۱۷ شهر جاری شما امروز در ضمن مذاکرات مفصل با مسیو چاریکوف او چند فقره تلگرافاتی که مابین خود و مسیو دوهارتویک رد و بدل شده بود قرائت نمود از قراری که جناب معظم الیه توضیح نمود غارت و خرابی اموال روسی در منزل یعنی کار مخالفین طرفداران سلطنت بوده و چنانچه در ورود می فهمیده بودم از طرف عساکر ملّی و شاه منحل مانده است واو اظهار هم نمود که جان اتباع خارجه مقیم تبریز و تأسیسات روسی آنجا از قبیل قونسولخانه و بانک وغیره در خطر بوده وفعلا امنیت صحیح در آنجا صورت وجود ندارد و علاوه مذکور داشت که این استعدادیکه فرستاده شده کمترین عده بوده است که امکان داشته است فرستاده شود — و همینکه عساکر مزبور از جلفا حرکت نمودند در هر نقطه اخطار خواهد شد که این استعدادی که به تبریز میرود قصد آن است که در صورت لزوم از اتباع خارجه و تأسیسات آنها محافظت نماید مسیو چاریکوف اظهار داشت که اوامر مؤکده صادر خواهد گردید برای آنکه این استعداد بهیچوجه باید در امور داخلی ایران مداخله ننماید و همین حکم ونیّه برای حصول امنیت بدست آید عودت داده خواهد شد

مسیو چاریکوف در موقعیکه مضمون تلگراف فوق الذکر شمارا برای او بیان نمودم بطور حتم مرا اطمینان داد اگر تصور شود که اقدامی از طرف دولت شده چنین مقاصدی در بر داشته این تصورات بکلی باحقیقت مسئله مباینت دارد برای دولت روس امکان نداشت صبر کند تا آنکه تبعه روس در آنجا کشته شوند و هرگاه چنین واقعی رخ دهد اقدامات بسیار سخت‌تر باید بعمل آید و جناب معظم الیه عنوان نمود که اقداماتیکه دولت روس فعلا نموده‌اند فقط از برای احتیاط بوده وقتی بود ازاینکه هرگاه چنین حادثه در جنوب ایران عرصه وقوع رسد دولت اعلیحضرتی هم در این قسم موارد همین گونه اقدامات خواهند نمود دولت روس بهیچوجه من الوجوه میل ندارد مداخله در امور [illegible] و استقرار امنیت تبریز توسط هرحکمه [illegible] برای آندولت تفاوتی نمیکند وآنها میل باستقرار امنیت میباشند تصور اینکه دولت روس میخواهد حکمرانی شاه را رجعت داده بآنکه مشروطیین را سرکوبی دهد خارج از موضوع است من بجناب معظم الیه اظهار داشتم که آنچه تاکنون بیان نموده‌ام عقیده دولت اعلیحضرت نیست ولی گمان عقیده اهالی بسیار نقاط انگلستان ممکن است این باشد مسیو چاریکوف در جواب اظهار نمود که مشتاقانه امیدوار است سرانکه دولت اعلیحضرتی حتی المقدور رفع اینگونه سوء تفاهمات را نموده و عموم را ازحقیقت ومقصود این اقدام که دولت روس برای امداد مستحفظین قونسولخانه نموده که در موقع خطر تبعه و تأسیسات آن دولت را محافظت نمایند واقف خواهند نمود

جناب معظم الیه علاوه اظهار داشتند که ۳۰۰ الی ۵۰۰ نفر از ولونتورهای عثمانی درخوی و قشون ستار خان مستحفظ وحشی شرارت میکنند من تحقیق نمودم چرا مامورین روس آنهارا در محلات خود نگاه داشته اند جناب معظم الیه در جواب گفتند غیر ممکن است یك سرحد طویل کوهستانی را بتوان محافظت نمود طوری که کسی نتواند خارج شود وقرار است که مقصود محدود اعزام ان قشونرا وعدم قصد مداخله درامور داخلی ایرانرا درگازت رسمی اعلان نمایند درجواب سؤال من که آیا قونسول جنرال مقیم تبریز خطررا سخت وآجل می پندارد جناب معظم الیه اظهار داشتند بلی همینطور است گمان میکنم غیر ممکن باشد دولت روس را رعب شدید نصیحتمان نمائیم و منظر نمایند آن دولت را هم حاصل است که هرگاه خطرات منتظره را اهمیت ندهد پس خطراتی که آن دولت از وجود آن ظاهراً یقین دارد مسئولیت بسیار مهمی بگردن گرفته اند

نمره ۲۶۹

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۹ اکتوبر)

طهران ۱۹ اکتوبر ۱۹۰۸ ـ کفیل جنرال قونسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت میدهد که فعلا مشغول تنظیم پلیس هستند وبازارها محتمل تاآخر ماه مفتوح خواهد گردید مردم هم مشغول انبار کردن گندم برای موقع محاصره شهر میباشند و نهایت بسیار برای ورود قشون امدادی می بینند

نمره ۲۷۰

تلگراف سرآرتور نیکلسن بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۰ اکتوبر)

سن پطرزبورغ ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸ ـ تبریز ـ مسیو [illegible]

نمره ۲۷۱

تلگراف سرادوارد گری بسر آرتور نیکلسن

وزارت خارجه ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸ [illegible]

نمره ۲۷۲

تلگراف سرادواردگری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۱ آکتوبر ۱۹۰۸ – راجع بتلگراف دوّم شهر جاری سرجارج بارکلی – بنظر مطلوب میاید که شما با کفیل وزارت امور خارجه درباب اینمسئله مشورت نمائید که آیا حالا موقع مناسبی است برای آنکه سفرای روس و انگلیس مقیم طهران بشاه پیشنهاد نمایند که تبریزرا ازاین قید و دست و پا بستگی آزاد ساخته واز حکومت مشروطه محروم‌نسازند ظاهراً این بهترین وسیله‌حصول و تأمین امنیت و آرامی تبریز است که در آنجا منافع تجارتی روس آنقدر دارای اهمیت است

نمره ۲۷۳

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادواردگری . – (واصله ۲۳ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸ – مشروطیت و انتخابات راجع بتلگراف ۲۱ شهرجاری شما مسیو چاریکوف قابل پیشنهاد موافقت دارد که حالا در باب این مسئله و توسعه قانون تا تبریز بشاه پیشنهاد شود و چنانچه ارائه طریق مینماید شکل و طرز پیشنهادات بایستی بمشورت نمایندگان روس و انگلیس مرتب شود

نمره ۲۷۴

تلگراف سرادواردگری بسرجارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸ – مشروطیت ایران – . لطف نموده رجوع بتلگراف امروز سرآرتر نیکلسن بنمائید من شما را مختار میکنم که چنانچه پیشنهاد نموده اید باتفاق مسیو

دو هارتونك حمل میشد

نمره ۲۷۵

تلگراف سرادواردگری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸ – مشروطیت ایران – . تلگراف امروز شما واصل گردید و بر طبق آن سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیمات فرستادم

شما باید کفیل وزارت امور خارجه روس را از اینمسئله مستحضر دارید

نمره ۲۷۶

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادواردگری . – (واصله ۲۴ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۲۴ آکتوبر ۱۹۰۸ – مسیو چاریکوف مرا اطلاع میدهد که بمسیو دوهارتونك تعلیمات رسیده که به او و به قونسول روس مقیم تبریز بایستی مستقیما قشون روس که سرحدی حفظ هستند برای معاونت رجوع ننمایند ولی هرگاه جان اتباع روس در خطر باشد بایستی دولت روس را از آن مستحضر ساخته آندولت اوامر لازمه را حکم مقتضی و مناسب دارد صادر خواهند نمود عقیده مسیو چاریکوف نظر به بهبودی وضع سرحد بنظر بهتر میاید که عمل کنترل حرکات قشون روس بدست خود آن دولت باشد من اظهار داشتم با این عقیده که تصمیم اینکه درهر موردی آیا کمك لزوم دارد یا ندارد با دولت مرکزی بماند و نه کارگذاران مقیم ایران همراه هستم

نمره ۲۱۷

[illegible] ۱۹۰۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره [illegible]

[illegible]

[illegible]

این جواب که آخرالامر فرستاده شده در حقیقت امتناع صرف و ساده‌ایست از اعتنا بنصایح دولتین و نمیتوان چیز دیگری از آن بدست آورد. این جواب حقیقتاً آنقدر مخالف مأمول بود که سفیر روس خود را مجبور دانست پیغامی برای شاه فرستاده به آن اعلیحضرت اصرار نماید که برای اصلاح و رفع تأثیر بدی که در اذهان لندن و سنت پطرزبورغ پدیدار خواهد گردید یک اقدام فوری نماید و بگذارند که سفیرتین در این باب بیشتر دلیل کنند. در ۱۱ شهر جاری مسیو هرتویک بحصول بیم وعده از شاه درباب طبع وانتشار قانون جدید انتخابات در ۲۴ شهر جاری و افتتاح پارلمان درغره نوامبر (۱۴) یعنی در تاریخیکه درمکتوب مشترک‌المآل تعیین گردیده بود موفق گردید و روز ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه ازمن ملاقات نموده ودرضمن یک مراسله شخصی که من نوشته و حضرت اشرف ایشانرا متنبه ساخته بودم که دولت اعلیحضرتی جواب شاه را قبول نخواهند نمود رجوع کرده و از من استفسار نمودند آیا اعلانی که شاه وعده داده است منتشر نماید [illegible] چطور میشد من بحضرت اشرف ایشان اظهار داشتم یقین دارم [illegible] از روی عقل است وچنانچه از مکتوب سفیر روس هم که برای من رسیده عقیده شان هم همین [illegible] علاءالسلطنه [illegible] که آن [illegible] درباب وضع پلتیکی [illegible] [illegible] من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت [illegible]

نموده بود واگر حالا بخواهد مرا بپذیرد اشتباه غریبی است ولی باکمال [illegible] اوامر آن اعلیحضرت را اطاعت مینمایم وبنابراین قرار شد که روز ۲۴ شهر جاری بحضور شاه شرفیاب شوم

وقتیکه بحضور شاه رفتم آن اعلیحضرت* در چادر دورونی که اطراف آن باز وسقف آن بامخمل زر دوزی شده پوشیده بود جلوس فرموده پس از احوال پرسی آن اعلیحضرت اظهار تأسف نمود ازاینکه چرا درامتداد مدتی مرا ندیده بودند! طولی نکشید که آن اعلیحضرت درباب مطالب پلتیکی شروع صحبت نمود و همینکه من شروع باصرار در اینکه کردم که نظر بمصالح منافع خود برای او مناسب خواهد بود که نصایح دولتین انگلیس وروس را قبول نماید آن اعلیحضرت مرا اطمینان داد که دستخط حاوی قانون انتخابات جدید واعلان اجرای انتخابات همین روزها و عهد پارلمانرا در همان روز طبع ومنتشر خواهد نمود من اظهار داشتم از استماع این تصمیم عاقلانه آن اعلیحضرت که البته اسباب رضایت دولت اعلیحضرتی خواهد بود مشعوف هستم سپس شاه در [illegible] مجلس [illegible] صحبت کرده و اظهار فرمودند مجلس سابق مرکب بود از [illegible] جاهل و همه [illegible] بود که [illegible] فراهم آورند و [illegible] که [illegible] بودند [illegible] و در هر گونه [illegible] که [illegible] و [illegible] در [illegible] قانون جدید [illegible] که در حقیقت [illegible] گردد من اظهار داشتم [illegible]

اعلیحضرت مخالفت دارد و آن این است که خانه اعضای مجلس
[illegible] داخل بوده و در امورات خارج از وظیفه خود دخالت مینمودند
ولی حس دارم که آنها در میل خود در بهبودی اوضاع مملکت
صمیمیت داشتند و البته ترقی آن امکان داشت ولی امید دارم که
قانون انتخاباتی که در شرف طبع و نشر است انجمنها را [illegible]
[illegible] و در هر صورت بواسطه افتتاح پارلمان جدید آن شخصی
که وانمود میکردند اعلیحضرت میخواهد مشروطیت را معدوم سازد
دروغگو خواهند درآمد و حس اقدام عقلایی که شیرازه مملکت را
از هم گسیخته و دولت را هم مبهوت [illegible] خواهد داد [illegible] در
ابتدا بواسطه میل مردم نداشتن حکومت خوبی بود که برای اعطای
مشروطیت [illegible] داد و [illegible] گذاردند وحالا برای شاه مقتضی است
که علت طرفی بمصلحت نماند شاه در جواب خود فوراً اظهار
داشت من [illegible] ثابت مصمم هستم که هریک از ادارات دولتی را
اصلاح [illegible] وابتدا از وزارت مالیه شروع کرده واز خدمات مستشار
مالیه که از [illegible] و صفات حمیده او حس کامل دارم استفاده [illegible]
خواهم نمود [illegible] من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت میتواند مستشاری
[illegible] ماند ولی از مخالفتی که تاکنون با او شده
میتوانیم بگوئیم که حکومت حاضره [illegible] با او کمک و همراهی
زیادی خواهد نمود [illegible] درجه اهمیت را دارد که در اطراف
شاه وزرائی باشند که مثل اعلیحضرت همینطور میل بعمل واجرای
رفورم داشته باشند در اینصورت هیچ گونگی [illegible]
[illegible] آن اعلیحضرت [illegible]

یزد

تمام راههای از یزد بدست سارقین است و تجارت تقریبا از میان رفته است

تجار تلگرافی بشاه مخابره نموده و استدعای کمک نمودهاند ولی بدون هیچ نتیجه

هیچ نوع اقدامی برای استقرار نظم بعمل نمی آید و اگر شکایتی از سرقت بحاکم شود جواب معمولی او این خواهد بود که نقطهٔ که سرقت روی داده از قلمرو من خارج است

ترتیب پست تلگرافی هم خورده است در این اواخر پنج پست دریکدفعه برای مستحفظ معطل مانده بودند

کرمان

اهالی بحال بی نظمی سابق عودت کرده رفت و آمد در راههای عمده تلگرافی موقوف و ترتیب پست هم وجود خارجی ندارد

فرمانفرمای جدید صاحب اختیار در اواخر ماه اوت ببلوچستان وارد گردید

شیراز

بی نظمی در فارس در ماه اوت و سپتامبر روز افزون بود بستها و عده زیادی از قوافل بسرقت برده شد

اوضاع کازرون بحال بی نظمی دائمی باقی است

ایل عرب سیوند را تاخت و تاراج نمودند نایب الحکومه

استعدادی برای سرکوبی حرکت داد ولی هیچ نتیجه نگردید

فرمانفرمای جدید آصف الدوله در ۲۱ ماه سپتامبر وارد شد

قبل ازورود او نایب الحکومه بطوری بی احترامانه با قونسول انگلیس رفتار نموده بود که اقدامات سخت لازم بود در طهران بعمل آید پس از ورود فرمانفرما نایب الحکومه (سردار مرور) شخصا بقونسولخانه آمده و کاملا از رفتار خود معذرت خواست

(امضا) ماژوراستکس اتشه میلیتر بتاریخ ۷ اکتبر ۱۹۰۸

نمره ۲۸۱

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری . ـ ۸ اکتبر ۱۹۰۸ ازطهران

آقا درتعقیب مراسله ۳۰ ماه گذشته مستر مارلینگ وتلگراف دوم اسبق خود افتخار دارم که ترجمه دستخط شاه را بطوریکه منتشر گردیده انفاذ دارم

می باید شما را متذکر سازم که اصل این دستخط بسیار مغلق ومستر اسمارت برای ترجمه مجبور شده است که بحدسیات معنی بعضی عبارات آنرا بفهمد

دستخط مذکور مجلس آتیه را توضیح مینماید که مجلس با شرایط معلوم و محدود خواهد بود

وعقیده ایرانیهای مطلع بر این است که شاه بهیچوجه قصد ندارد که مجلس مستقلی انتخاب شود

ولی دستخط وصریحا قول میدهد که قانون انتخابات در غره ماه شوال (۲۷ اکتبر) برای اعلان حاضر خواهد شد وانتخاب مجلس در ۱۴ ماه نوامبر شروع خواهد شد نظر بجهات فوق الذکر

جنوب محله که مسجدی در آن سکنی داشته بدست روسها و سوزانیده
شد و در جزو آن قسمتی است که تهدید به سوزاندن آن شده
بعد تکلیفی اگر چه جزو جنگ نبوده‌اند طوری شده که مجبور
بودن در حین سوختن شده اند و ... عده مشغول دزدی
بودند در باب امنیت حق و ... قبول شده

مدت مهلت در طلوع صبح ۲۴ شهر معنی منقضی گردید
بدون آنکه از طرف ... تسلیم ظاهر گردد و بعد از ظهر همان
روز بمباردمان شروع شد از طرف قشون شاه تا دو روز ... شد
اگر چه عمارات شهر چندان صدمه نخورده است ولی ... و سوزانده
ماکوئی هم در این حمله شرکت داشت ملیّین مقامات خود را حفظ
نموده و اقداماتی که برای سرکوبی آنها شده بود موفقیت حاصل ننمود

سپس مذاکرات دومرتبه مابین طرفین جاری گردید و جنرال
قونسول روس هم در این مذاکرات شرکت داشت ولی بنظر میرسد که
طرفین مفهوم گردیده نتیجه قطعی از آن بدست نیامده

(امضاء) جرج بارکلی

نمره ۲۸۰

مراسله سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری مورخه ۱۷ اکتبر ۱۹۰۸ از طهران

آقا افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته اخیر
در ایران را بطور معمول انفاذ دارم

جرج بارکلی

ملفوف در نمره ۲۸۰

مجمل حوادث ماهیانه ایران

طهران

سر جرج بارکلی در غره ماه اکتبر وارد طهران گردید و
در ۳ ماه اکتبر نامه خود را بشاه تقدیم نمود مستر مارلینگ در ۶
ماه اکتبر از طهران حرکت نمود

در ۲۴ ماه سپتامبر سر جرج بارکلی و مستر مارلینگ خدمت
اعلیحضرت مشرف شده مسائل سیاسی جاریه مورد مذاکره
قرار گرفت

(امضاء) چرچیل منشی شرقی

رشت

هرج و مرج هنوز هم در تالش حکم فرما است
در این ایام نایب الحکومه تالش دولاب را مبنی سوار به
جنگ از آنجا بیرون نمودند

حاکم گیلان در اواخر ماه سپتامبر باعده سرباز برای اعاده
نظم بطرف طالش حرکت نمود ولی بواسطه باران شدید نتوانست
چندان پیش رود

سرباز بواسطه نداشتن غذا و پوشاک دچار زحمات شده‌اند

هیچکس در گیلان جرئت ندارد که برای همراهی
مشروطیت اقدامات جدی نماید و جز اینکه اغتشاش در طهران روی
دهد ایالت گیلان خاموش خواهد ماند

شد ومجلس عام اعلان شده ولی قانون انتخاب برای انتخاب اعضای مجلس عمداً طوری مرتب نموده بودند که مجلس بهیچوجه صورت نمایندگی ملی نداشته و در حقیقت از طرفداران شاه محسوب میشدند

(امضاء) چارلز مارلینگ

ملفوف نمره ۲۷۸

ترجمه مکتوب علاء السلطنه بمستر مارلینگ

۱۸ سپتامبر ۱۹۰۸ – آقا مکتوب ۸ شهر جاری شمارا تقدیم نموده اکنون حسب‌الامر آن اعلیحضرت جوابی که فرموده‌اند بجناب شما ابلاغ مینمایم :–

چنانچه اهالی مملکت ونمایندگان دولتین را به تاسیس مجلسی که مناسب مقتضیات مملکت ورونق قوانین مذهبی ومقام مقدس شاه بوده مجدداً باعث هرج ومرج واغتشاش باشد وعده داده‌ام الحال درصدد تهیه ملزومات آن هستیم اکنون که ایشان دراطراف شرحی نوشته‌اند امید است که در تاریخیکه تعیین نموده‌اند اعلانی برای افتتاح مجلس مبعوثان صادر شود ولی چنانچه نوشته میشود افتتاح این مجلس پس از اعاده نظم آذربایجان خواهد بود وآنوقت اولیاء امور ایران فرصت خواهند داشت که ترتیبات تاسیس و اجتماع نمایندگان وافتتاح آنرا فراهم آرند

محض استحضار شما بمراتب فوق زحمت افزا شدم

(امضاء و مهر) محمدعلی علاء السلطنه

نمره ۲۷۹

مکتوب سر جارج بارکلی بسرادوارد گری . – (واصله ۲۶ آکتوبر)

طهران ۲ آکتوبر ۱۹۰۸ – آقا درتعقیب مکتوب ۱۰ شهر ماضی مستر مارلینگ افتخاراً عرض مینمایم که در عرض ماه گذشته چندان در مذاکرات که فیمابین نمایندگان طرفداران ملت و فرمانفرما در تبریز شروع شده بود و در طی مراسلات فوق‌الذکر راپورت آن داده شده پیشرفتی حاصل نگردید در موقعیکه در ۱۱ ماه گذشته اجلاسی منعقد گردید و فرمانفرما بطور وضوح اظهار عدم میل نمود بر اینکه تا زمانیکه شورشیان سر تسلیم پیش نیاورند با خواهشات آنها موافقت نخواهد نمود یکدسته از اکراد ماکوئی با چند عراده توپ حمله شدیدی بطرف شمال غربی شهر نمودند ملیّین اکراد را عقب نشانده آنها اردوی خود را با یك عراده توپ و دوازده بار آذوقه و مهمات جنگی ترك نمودند تلفات طرفین به دویست نفر محسوب شد

درعرض هفته بعد طرفین اقدامی ننموده تا ۲۲ شهر گذشته فرمانفرما اولتیماتومی صادر نموده ملیّین را ۴۸ ساعت مهلت داد که تسلیم شوند و در صورت عدم آن تهدید به بمباردمان شهر نمود حضرت اشرف ایشان قصد خود را بقونسولخانها اعلام نموده و از آنها درخواست نمود که چون میخواهد مسئولیت قطعه‌جات اتباع خارجه که جزو شورشیان بوده‌اند بعهده گیرد آنها را از میان شورشیان خارج سازند

مستر استونز بر حسب تعلیمات مستر مارلینگ جواب داد که

که چون خدا شخص مقدس مارا حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج وتخت وحامی مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودی جز صلح وآسایش مردم واجرای قوانین عدالت نداریم و چون وظیفه ما است که طریقه و عادات پیغمبر را سرمشق خود کنیم بامتحبت [illegible] دستخط اهالی مملکت را مسرور وامیدوار میسازیم و ما امر [illegible] میدهیم که مجلس مرکب از اشخاص متدین و عاقل بتوفیق خدا و توجه امام دوازدهم در ۱۹ ماه شوال منعقد خواهیم نمود

بوسیله این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود مردم در آسایش خواهند بود وقوانین اسلام محفوظ وموقع اجرا گذارده خواهند شد و تمام آثار اغتشاش باطنی و انجمنها محو خواهند شد

[illegible] مقدس ما موقع اجرا گذارده خواهد شد [illegible] [illegible] و مرحمت [illegible] نموده خواهند گردید [illegible]

[illegible] خواهند گردید

و [illegible] حکم میکنیم که [illegible]

[illegible] گردد

[illegible]

[illegible]

لیکن یاغیان تبریز طوری از فساد و خونریزی مصرند که دولت نمیتواند از تقصیر آن اراذل بگذرد بهمه اعلان میشود که مادامیکه نظم در تبریز برقرار نگردیده یاغیان قلع و قمع نشوند واهالی بدبخت آن شهر از شر این اشخاص خلاص نگردند تبریز از حکم این دستخط خارج خواهد بود ۲۷ شعبان ۱۳۲۶

محمد علی شاه قاجار

نمره ۲۸۲

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۲۰ اکتبر از سن پطرزبورغ

مسیو چریکف امروز عصر بمن اطلاع داد که خبر خوشی برای شما دارم آن خبر مشعر براین بود که راپورتهای واصله از تبریز امید بخش تر از سابق بوده و احتمال برده میشود که یك اندازه امنیت برقرار گردیده است در اینحال دولت روسیه مصمم شده است که دسته قشون روس بطرف تبریز حرکت نکرده ودر جلفا توقف نماید

این تصمیم دولت روسیه را توسط تلگراف باطلاع مسیو هارتویك رسانیده وباو گفته اند که دسته قشون مذکور در جلفا توقف خواهند نمود مگر اینکه ازطرف ژنرال قونسول روس مقیم تبریز بآن سو احضار گردد

علاوه دستور العمل به ژنرال قونسول روس مقیم تبریز فرستاده شده است که دسته قشون را احضار نکند مگر اینکه براو معلوم گردد که جان اتباع روسی یا اروپائیهای دیگر مقیم تبریز در معرض خطر فوری باشد ودرصورتی که حضور دسته قشون لازم

گردد او (ژنرال قونسول) باید اقدامات نموده و وظیفه قشون را فقط بحمایت اتباع روس و سایر اروپائیان مقیم تبریز محدود نماید و نباید که بهیچوجه بامورات داخلی یا نفاق بین مردم دخالت نمایند

مسیو چریکوف مخصوصا ذکری از اروپائیان مقیم تبریز نموده بجهت اینکه از صحبت شما باکنت شکل درف براو چنین مفهوم گردیده بود که دولت اعلیحضرتی مایل است که در موقع لزوم حمایت از کلیه اروپائیان کرده شود

من اظهار نمودم که یقینا قونسول بدون اینکه سابقه مراتب به سن پطرزبورغ رجوع نماید دسته قشون را احضار نخواهد نمود

مسیو چریکف در جواب گفتند که این اقدام تقریبا غیر ممکن خواهد بود بجهت اینکه مسئولیت را باید برگردن آن شخصی گذاشت که در محل حاضر است ودر صورتیکه او قشون را احضار نماید ناچار اقدام فوری در پیش است و در آن صورت تعویق در کار بسیار خطرناك و موقع بسیار مهم خواهد بود مسیو چریکف گفتند که ژنرال قونسول سی سال در ایران توقف نموده و مطمئن بو میشود گرد که قبل ازهر اقدامی امورات را بآرامی ودقت لازمه مداقه خواهد نمود

من بمسیو چریکف گفتم که این خبری را که شما بمن نقل نمودید بسیار اسباب راحت خیال من و بالنتیجه باعث امتنان دولت اعلیحضرتی خواهد گردید

نمره ۲۸۳

تلگراف سر جرج بارکلی بسر ادوارد گری مورخه ۲۶ اکتبر از طهران

شده و مشروطیت

در پنجشنبهٔ گذشته سفیرین اقدامات خود را در خصوص محروم نمودن از انتخابات طورهائیکه مستحفظ شاه مقرر میداشت تجدید نمود

الحال مسیو هرتویک و من پیشنهاد مینمایم که درصورت تصویب دولتین متبوعتین یادداشت متحد المآل ذیل را توسط وزیر امور خارجه شاه ارسال داریم ما مخصوصا این ترتیب را پیشنهاد مینمائیم محض اینکه شیوع پیدا نکند که اقدامات ما همیشه مستقیم با شخص شاه است

از اطلاعاتی که برای سفارت انگلیس و روس واصل گردیده همچو معلوم میگردد که دراین ایام اخیر نسبتاً آرامی در آذربایجان برقرار گردیده است

اهالی تبریز بواسطه تنگ آمدن از بی نظمی و آرزوی صمیمانه که آنها برای استفاده از مراحم ملوکانه شما دارند اخیراً باعلیحضرت شما تلگرافی عرض نموده و تمنا نموده اند که بانها هم مثل سایر نقاط ایران قانون مشروطیت عطا گردد و اجازه بانها داده شود که شرکت در انتخاباتی که برای ۲۷ ماه اکتبر معین گردیده نمایند

سفیر اعلیحضرتی (روس) به اطاعت تعلیمات از دولت متبوعه خود افتخار دارد که جلب دقت نظر اعلیحضرت شما را به مطالب ذیل نماید

نظر باوضاع حاضره برای اینکه بالاخره این ایالت آرام

گردد خیلی مقبول خواهد بود که آن ایالت را از انتخاباتی که در ۲۷ ماه اکتبر قول داده شده است خارج ننموده و این موقع و مغتنم شمرده بتمام اشخاصی که در این چند ماه اخیر در تحت سلاح رفته بودند عفو نمایند

نمره ۲۸٤

تلگراف سرادوارد گری بسرمارکلینگ مورخه ۲۷ اکتبر از وزارت خارجه لندن

راجع تلگراف دیروز شما

مراسله متحد المآل بشاه

در صورت قبولی دولت روسیه من مضمون مرقومه شما را تصویب مینمایم

نمره ۲۸۵

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری مورخه ۲۹ اکتبر از طهران

اوضاع تبریز

راپورتی از جنرال قونسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز بمن واصل گردیده مشعر براینکه در ۲۷ [illegible] شده و شهر هم کاملا آرام نیست علاوه [illegible] میدهد که

هرچند که شجاع نظام بواسطه بمبی که توسط پست برای او فرستاده شده بود مقتول گردیده است

راه جلفا هنوز هم مسدود و خسارت زیادی به تجارت وارد می آید

نمره ۲۸٦

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری مورخه ۲۹ اکتبر از طهران

شاه هنوز قانون انتخاباتی که وعده داده بود در ۲۷ اینماه
طبع نرسانده طبع نرسانیده است همچو میفهماند که برای دولت ایران
از ولایات تلگراف رسیده که آنها مایل نیستند حتی در انتخابات
مجلس شرکت نمایند

نمره ۲۸۷

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن مورخه ۳۰ ماه اکتبر
از وزارت خارجه لندن

رجوع بتلگراف ۲۹ اینماه سربارکلی نمائید

مشروطیت ایران

شما خوب است حتی برای دقت نظر وزیر امور خارجه
پیشنهاد نمائید که عبارت ذیل بمراسله متحد المآلی که دولتین قصد
ارسال بشاه دارند الحاق گردد

خیلی اسباب تعجب دولتین گردیده است که شاه هنوز بقول
خود در خصوص انتشار قانون انتخاب رفتار ننموده است دولتین
امیدوارند که بیش از این تعویق در این اقدام حاصل نگردد

نمره ۲۸۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادوارد گری مورخه ۳۱ اکتبر از سن پطرزبورغ

خبر واصله برای وزیر امور خارجه روس بهیچوجه بطور
دلخواه نیست و مشعر بر آن است که خسارت مهمی بتجارت روس
وارد آمده و مسیو ایزولسکی بمن دیروز چنان فهماند هر چند
که او بیمیل است که در امورات داخلی دخالتی نماید ولیکن
خیلی مشکل است که اجازه داد اوضاع برای مدت غیر معینی باین

ترتیب باقی بماند

من اطلاعی که سرجرج بارکلی در تلگراف ۲۹ اینماه خود
داده بود بایشان نقل نموده واظهار داشتم که بنا بر تلگراف مذکور
هرچند که راه حتما خراب است ولی خود تبریز کلی خاموش است

نمره ۲۸۹

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن مورخه ۳۱ ماه اکتبر
از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف ۳۱ اینماه شما من امیدوارم که درعوض
مداخله روس طریق دیگری فکر بشود چونکه این اقدام اثر بسیار
بدی در انگلستان خواهد بخشید

در صورتیکه من کاملا از اشکال اوضاع مستحضر هستم
ولی عقیده من استقرار نظم فقط وا داشتن شاه است حتی بقول
خود رفتار نماید

شما خوب است که بوزیر امور خارجه اطلاع بدهید که
من حاضرم دستورالعمل برای مستر رتیسلو فرستاده که او نفوذ خود را
برای استقرار نظم در تبریز بکار برده و مردم را از بعضی اقدامات
که مخالف منافع تجارت روسیه است منع نماید

شما خوب است که همچنین از جناب ایشان سؤال نمائید که
مراسله متحد المآلی که سرجرج بارکلی تلگراف نموده بود باضمام
جمله را حتی که من در تلگراف ۳۰ اینماه خود به آن ملحق نموده
بودم تصویب نماید

نمره ۲۹۰

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه غره نوامبر ۱۹۰۸ از پطرزبورغ

راجع بتلگراف ۲۶ اکتبر از طهران

یادداشت متحد المآل

دولت روسیه پیشنهاد مینماید که پس از جمله (اجازه داده شود که شرکت در انتخابات) عبارت (که برای ۲۷ اکتبر معین گردیده) در مراسله متحد المآل نوشته شود

علاوه دولت روسیه پیشنهاد مینماید که پس از جمله (برای اینکه بالاخره این ایالت آرام گردد) یادداشت عبارت ذیل تمام شود (و اجازه اعطای عفو عمومی را که اهالی آنجا استدعا مینمایند داده شود ودر آنموقع تمام رعایای آن اعلیحضرت که آلوده در فتنه خیره رولوسیونرها بودند عفو عمومی عطا گردد)

وزیر امور خارجه کاملا بعبارتی که شما در تلگراف ۳۰ اکتبر خود به یادداشت اضافه نموده بودند موافقت دارند وپیشنهاد مینمایند که مفاد آن باین طریق انشاء گردد (ودر همین موقع از طرف دولت روس (بعکس) بسفیر خود اجازه داده شده است که [illegible] موقعی که در اثر قانون اساسی روی داده بوده و امیدوارند که اعلیحضرت شاه بدون فوت وقت بخواهشهای خود عمل خواهند نمود)

نمره ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری بسر بارکلی مورخه غره نوامبر از وزارت خارجه لندن

خواهش میکنم که بتلگراف ۳۱ ماه گذشته من به پطرزبورغ رجوع نموده ودر هر موقعی که شما باژنرال قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز (مستر رتیسلو) در خصوص اقداماتیکه بنظر شما میرسد مشورت نمودند مرا از آن مطلع نمایند

نمره ۲۹۲

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۲ نوامبر از پطرزبورغ

راجع بتلگراف ۳۱ ماه گذشته شما

شب دیگری از اوضاع تبریز با مسیو ازولسکی [illegible] نمودم

جناب ایشان میگویند که قوه به تبریز نخواهند فرستاد مگر اینکه حکما لازم گردد وقول می دادند که اگر همچو موقعی روی دهد مرا پیش ازاجرای آن اقدام مطلع خواهند ساخت

جناب [illegible] گفتند که نظر بتجارت مهمی که [illegible] [illegible]

[illegible]

نمره ۲۹۳

تلگراف سر ادوارد گری بسر نیکلسن مورخه ۲ نوامبر از وزارت خارجه لندن

خواهش میکنم که بتلگراف ۲ [illegible] خود رجوع [illegible]

[illegible]

دولت [illegible] مخصوصاً [illegible] است که دولت روسیه مجبور به عقب [illegible] نگردد و [illegible] قوی [illegible] اطلاع حاصل نموده‌ام که وزیر امور خارجه روس قول داده است که اگر [illegible] حتما لازم گردد شما را مطلع سازد

نمره ۲۹۴

تلگراف سرادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۲ نوامبر از وزارت خارجه لندن

در موقعی که [illegible] روس [illegible] همینطور دستور [illegible] رسید شما میتوانید که یادداشت متحد المآل بطوریکه مضمون آن در تلگراف ۲٦ ماه گذشته شما مندرج بود علاوه [illegible] تلگراف [illegible] بطوریکه به آن داده شده بود [illegible] شده باشد

نمره ۲۹۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی مورخه ۲ نومبر از وزارت خارجه لندن

راجع بوضع تبریز

من [illegible] میدهم که به ژنرال قونسول [illegible] آن شهر بطوریکه [illegible] آخر تلگراف ۳۱ ماه گذشته [illegible] میرسد دستور العمل [illegible]

نمره ۲۹٦

تلگراف سر [illegible] به سر ادوارد گری مورخه ۴ نومبر [illegible]

راجع به یادداشت متحد المآل

بهمان ترتیبی که شما بموجب تلگراف ۲ ماه نوامبر برای سر [illegible] در خصوص [illegible] متحد المآل دستور العمل فرستاده‌اید دولت روسیه هم برای سفیر خود در طهران [illegible] فرستاده است

نمره ۲۹۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۸ نومبر از طهران

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکم [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] شهر [illegible] که [illegible] کرده است

نمره ۲۹۸

تلگراف سر جرج بارکلی بسر ادوارد گری مورخه ۸ نوامبر از طهران

راجع بتلگراف ۲ انشاء شما

شاه و مشروطیت

دیروز عصر مسیو هارتویگ و من [illegible] [illegible]
شده بود بوزیر امور خارجه [illegible] دادیم

نمره ۲۹۹

تلگراف سر بارکلی بسر ادوارد گری مورخه ۹ نوامبر [illegible]

دیروز صبح مسیو ایزولسکی را ملاقات نموده و من اطلاع دادم که هیچ خبری راجع بمشروطیت اخیره در طهران بسفارت انگلیس نرسیده است ولی سفیر روس مقیم طهران تلگرافاً اطلاعات فرستاده راپورت نموده بود

چونکه شاه پس دیروز یادداشت متحد المآل را فرستاده و [illegible] هم شده فی الواقع مشروطیت را بر هم زده فقط بصدر اعظم خود دستور العمل داده است که برای رضایت امضا کنندگان عریضه عجالتاً اقدامی برای اشتغالات بعمل آورده شود لهذا ممکن است امیدوار شد که در هم شاه قطعاً اقدامی برای برهم زدن مشروطیت نمینماید

من بمسیو ایزولسکی اظهار نمودم که اگر [illegible] برخلاف قول خود رفتار نماید بنظر من دولتین باید قدم مهمی برای جبران رفتار او بنمایند

ایشان سؤال نمودند که بچه شکل ممکن است که این اقدام

را نمود من اظهار داشتم که شاید ممکن شود دولت روسیه صاحب‌منصبان خود را [illegible] تا اینکه بدین وسیله دولت روسیه بشاه حالی نماید که او نباید منتظر کمک از روسیه باشد

مسیو ایزولسکی خاطر نشان نمودند که چنین اقدامی [illegible] مهم میشود [illegible] بریگاد قزاق بدون صاحب‌منصب اروپائی ابداً نخواهد توانست امنیتی برقرار نماید و بجهت اینکه [illegible] امید است که شاه دقت بطوری از قبولیکه بامضا کنندگان عریضه داده است [illegible]

مسیو ایزولسکی [illegible] کاملاً موافق بودند که [illegible] عریضه [illegible] محکم در [illegible] روسیه [illegible] گردیده است ولی [illegible] در خصوص [illegible]

نمره ۳۰۰

تلگراف سر ادوارد گری بسر جرج بارکلی مورخه ۹ نوامبر

وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف ۸ نوامبر شما

مشروطیت ایران

[illegible]

[illegible] شما خوب است سعی [illegible] نموده [illegible] که سفارت انگلیس برای محل تحصن استعمال گردد

نمره ۳۰۱

تلگراف سر جرج بارکلی بسر ادوارد گری مورخه ۱۰ نوامبر از طهران

راجع تلگراف دیروز شما

بست در سفارت اعلیحضرتی

[illegible] ری مشاهده میشود که مردم قصد تحصن در سفارت [illegible]

نمره ۳۰۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ نومبر از طهران

راجع تلگراف ۸ [illegible]

[illegible] و مشروطیت

مسیو هارتویک و من [illegible] شرفیابی خصوصی [illegible]

برای اینکه توضیحی در مراسله متحد المآل ۸ اینماه خود داده و

به آن اعلیحضرت [illegible] که قولهای خود [illegible] نموده و

قطع نظر از [illegible] ۷ اینماه مشروطیت را برقرار سازد

در ۱۲ اینماه [illegible] من و مسیو هارتویک حضور شاه مشرف

خواهیم شد (جرج بارکلی)

نمره ۳۰۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی مورخه ۱۱ نومبر

از وزارت خارجه لندن

راجع تلگراف ۱۰ اینماه شما

[illegible] و مشروطیت

دولت اعلیحضرتی [illegible]

نظر بمنافع خود [illegible] مملکت خودش صلاح نیست

که آن اعلیحضرت قولهائی که بمردم [illegible] داده است عمل [illegible]

[illegible] طریق [illegible] و صلح [illegible] خواهند

گردید [illegible] خوب است که [illegible] آن اعلیحضرت [illegible]

نمره ۳۰۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳ نومبر از طهران

[illegible] و مشروطیت

[illegible] خصوصی

[illegible] خودشان [illegible]

[illegible] تلگراف ۱۱ اینماه [illegible]

با شاه اصرار نمودم که برای خاطر [illegible] که [illegible]

گفته [illegible] مشروطیت ترتیب داده شده بود شاه [illegible] برخلاف

[illegible] که مردم ایران و دولتین متحابتین [illegible]

در جواب شاه گفتند که قسمت زیادی از مردم مشروطیت

را برخلاف مذهب خود می‌پندارند و [illegible] آن مجلس

هستند شاه [illegible] بودن [illegible] نموده ولی

[illegible] اطمینان دادند که در آن موقع [illegible] هیچ

[illegible]

آن اعلیحضرت اظهار نمودند که مجلس [illegible]

[illegible] در صورتیکه [illegible] مجلس [illegible]

[illegible] خاطر نشان نموده که عقیده عموم [illegible]

اعلیحضرت [illegible] که قولهائی که [illegible] و

در صورتی که [illegible] مشروطه [illegible] مردم [illegible]

در [illegible]

در خصوص حیات اغلب مردم من با اعلیحضرت هم‌عقیده بوده و جداً تأکید نمودم که نظر به منافع خود آن اعلیحضرت و اعاده نظم در آذربایجان و رفع اشتباه اذهان مردم بهتر آنست که فوراً بقولهائی که داده اند رفتار نمایند

نمره ۳۰۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۱۴ نوامبر از سن پطرزبورغ

دیشب من با مسیو ازوالسکی در خصوص اوضاع ایران صحبت داشتیم

جناب ایشان گفتند که در دو نکته ایشان مصمم شده اند و آن دو نکته این است که روسیه بی مداخله بماند و به شاه کمک کند

قدمی که بعد آنرا مصمم شده‌اند معلوم است ولی نگرانی [illegible] این است که چه اقدامی برای علاج اوضاع باید کرده شود تا اینکه اوضاع منجر به اغتشاشی شود که دخالت دولتین حتمی گردد نظر [illegible] اینطور رسیده است که طرح اصلاحاتی با موافقت دولتین اعلیحضرتین ترتیب داده شود شاه را مجبور به اجرای آن [illegible]

جناب ایشان گفتند که در خصوص احضار صاحب‌منصبان قزاق روسی که من پیشنهاد کرده بودم غور نموده و نظر ایشان این اقدام در موقع خطر [illegible] می آید

مسیو هارتویک از طهران حرکت نموده و جانشین مسیو [illegible] که [illegible] داری برای رسیدگی به اوضاع ایران و ترتیب [illegible] اصلاح [illegible] ممکن [illegible] دهد

من مسیو ازوالسکی قول دادم که مجملی از مفاد صحبت خودمان را برای شما تلگراف نموده و گفتم که شما قطعاً بعد از تبادل افکار با اشخاصی که در ایران هستند خواهند بعضی پیشنهادات برای بهبودی اوضاع جالبه نمائید

نمره ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری . — (واصله ۱۴ نوامبر)

طهران ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸ — مسیو دوهارتویک بعد الظهر دعت که فردا برای انجام امورات رسمی از طهران برای سن پطرزبورغ رهسپار خواهد شد

مسیو سابلین منشی اول روز پنجشنبه وارد شد و پس از حرکت مسیو دوهارتویک مشغل اورا متعهد خواهد گرفت

نمره ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری . — (واصله ۱۵ نوامبر)

طهران ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸ — شاه و مشروطیت — در موقع [illegible] حضور [illegible] در روز پنجشنبه [illegible] نموده [illegible] اعلیحضرت توضیح نموده [illegible] مخصوص [illegible] مجبور [illegible]

[illegible]

موقعیت داشته در جلو این هیئتی که حالا بر سر کار هستند سدی خواهد بود

نمره ۳۰۸

مکتوب قونسول استوتز به سر ادوارد گری. — (واصله ۱۶ نوامبر)

باطوم ۶ نوامبر ۱۹۰۸ — آقا چون اخیراً راپورتهای منتشره در روزنامجات مختلفه انگلیسی وسایر ممالک اروپا درباب اعزام قشون ازطرف دولت روس بشمال ایران دمدم من مخصوصاً زحمت کشیده تحقیق صحت این خبر را نموده ام وامروز برحسب اطلاع تلگرافی که از جاهای روس برای من رسیده متواتر شد اطلاع دهم که برقراولهائی که دائما سرحدی آنجا هستند تازگی علاوه شده و هیچ قشون روس از سرحد برای آذربایجان عبور ننموده و در راه هم نیستند که بطرف تبریز بیایند

(امضا) استوتز

نمره ۳۰۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری. — (واصله ۱۶ نوامبر)

طهران ۱۶ نوامبر ۱۹۰۸ — شاه ومشروطیت — اززمانیکه در باغ شاه در روز ۷ شهر جاری بنای نمایشات بر علیه مشروطیت گذارده شد در میان مشروطیین تا اندازه جوش وخروشی پیدا شده و ملیتان چندین اجلاسات داشته اند

دیروز عریضه راکه رئیس سابق مجلس صنیع الدوله وسایر نمایندگان معتبر و بعضی از علما و تجار امضا نموده بودند بتمام سفارتخانها فرستاده شد صاحبان امضای این نوشته برعلیه این نمایشات

مصنوعی برضد مشروطیت درباغشاه پروتست نموده وبیان نموده اند که ملت منتظر معاونت سفارتخانها برای تحصیل مشروطیت بوده و باکمال اشتیاق انتظار آنرا دارد

نمره ۳۱۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری. — (واصله ۱۹ نوامبر)

طهران ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ — شاه ومشروطیت — وزیرامور خارجه مرا اطلاع داده است که شاه در نظر دارد خود یک مجلس شورائی تأسیس نماید مراتبیکه شاه باینطریق درصدداست ازمواعید خود دوری جوید اظهار یأس نموده و خاطر نشان نمودهام که انتخاب اعضاء وتشکیل مجلس توسط ملت یکی ازخصوصیات هرنوع حکومت مشروطه است دوسه نفر از وزرائیکه بواسطه نفوذ واقتدار مشئوم خود باعث این اوضاع اندوهگین مملکت شده اند برمجلسی که تشکیل آن پیشنهاد شده کنترل تام خواهند داشت

گمان میکنم هرگاه درظرف این دوسه روزه اعلان اقدام موافق دلخواهی نشود سفارتین باید اقدامات دیگری در باغ شاه نمایند و عقیده من این است که سفارتین متفق عمل نمایند

ممکن است از شاه استدعا نمائیم ترجمانهای مارا که باآنها بهتر بطور آزادانه و آشکارا صحبت میکند تا آنکه نمایندگان بپذیرد و مطالب را بطور صحبت صاف وساده بعنوان یک اعلیحضرت بیان نمود

وظیفه ترجمانها این خواهد بود که کوشش نموده باعلیحضرت بفهمانند که دولتین هردو بیک اندازه مایل هستند اعاده

ملت ایران و تأمین سعادت آن بوده اصرار آنها در تأسیس حکومت مشروطه بهترین همراهی و معاونت آن اعلیحضرت خواهد بود دربین باب مقصد ورحمت‌های مذکور درضمن صحبت خود رشته مذاکرات سابقه باآن اعلیحضرت‌را تعقیب نموده وبآن اعلیحضرت اصرار خواهد نمود که باچند نفر مردمان کار آمدی که بتوانند نصایح حسنه بدهند در باب شکل و طرز مجلسی که با احتیاجات مملکتی مناسبت تام داشته باشد مشورت نماید

مسیو سابلین هم که من اورا از طرفه صحبتی که پیشنهاد شده است مستحضر داشته ام باین موافقت دارد و بروفق آن بدولت متبوعه خود تلگراف میکند

نمره ۳۱۱

تلگراف سرادوارد گری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ امید وارم نماینده دولت روس تعلیم داده شود که بروفق مفاد ارائه طریق سرجارج بارکلی که در تلگراف دیروز خود نموده بود ومن کاملا باآن موافقت دارم عمل نماید

نمره ۳۱۲

تلگراف سرآرتر نیکلسن بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۲۲ نوامبر)

سن پطرزبورغ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ـ راجع بتلگراف ۲۰ شهر جاری شما ـ بنماینده دولت روس مقیم طهران تعلیمات داده شده بود که برطبق ارائه طریق سرجارج بارکلی عمل نماید

نمره ۳۱۳

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۲ نوامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ صدر اعظم مرا دیروز اطلاع داد که شاه تا رسمیتی که روز پنجشنبه در باغ شاه برضد مشروطیت داده شد دستخطی برای طبع فرستاده در آن مذکور است که مجلسی که مخالف اسلام است اعطا نخواهد شد اگرچه عبارت این رشته بطور مبهم نوشته شده عموم اینطور میفهمند که مقصود آن اعلیحضرت این است که از اعطای هرگونه مجلس منتخبین امتناع میورزد

لهذا کمال لزوم را دارد که بایستی فوراً اظهارات متحدالمآل بشاه بشود ومسیو سابلین ومن بیادداشت متحدالمآلی امروز برای وزیر امور خارجه میفرستیم ودرآن اظهار تعجب وافسوس میکنیم از اینکه آن اعلیحضرت مواعید خود را نقض نموده وچنین تصمیم تاسف انگیزی نموده است که نصایح مشورتی مذکور را تعقیب ننموده وبمراسمی که منافی احساسات حقه ملت است گوش میدهد ودر حالتیکه اظهار هم نخواهیم نمود که فقط طریقی که برای آرام نمودن اهالی که در آذربایجان بنای شورش گذارده و در پایتخت و سایر ایالات وولایات مملکت در حال غلیان و هیجان هستند منحصراً اینست استقرار مشروطیت میباشد اظهار خواهیم داشت که از دولتین متبوعتین خود منتظر تعلیمات هستیم که مطالب دیگر اظهار نمائیم

نمره ۳۱٤

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۲ نوامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ راجع بتلگراف امروز من بایستی راپورت دهم که دستخط شاه اکنون منتشر گردیده مضمون این دستخط مصالحت آمیز نیست و در آن مذکور است که اعلیحضرت بکلی از خیال تاسیس پارلمان منصرف گردیده اند چرا که علما چنین مجلسی را مخالف اسلام میدانند

نمره ۳۱۵

مکتوب سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ۴ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا افتخاراً خلاصه راپورت ماهیه وقایع چهار هفته گذشته ایرانرا بطریق معمول لفا انفاد میدارم

ملفوف نمره ۳۱۵

خلاصه ماهیانه وقایع ایران ـ طهران

شاه هنوز در اردوئی که در ۴ ژون در باغ شاه تشکیل داده سکونت دارد امیر بهادر سپهسالار هنوز اول شخص مقتدر محسوب است وحکومت استبدادی جریان کامل دارد

کلنل لیاخوف هنوز حاکم نظامی طهران وقوای پلیس در تحت امر اوست وحقوقشان را او مرتبا میرساند شاهزاده مؤید الدوله که نشان ک سی ام جی را دارا و بحکومت طهران منصوب است اظهار نفرت برعلیه دخالت کلنل لیاخوف درامورات که او ازحدود رسمی آن صاحبمنصب خارج میداند نموده است

چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت دادم عموم چنین حس نموده بودند که دستخط شاه که وعده انتشار قانون انتخاباترا برای ۲۷ اکتبر وافتتاح مجلس ملی ثانوی را داده بود (در دستخط مجلس نوشته شده) از روی صمیمیت نبوده همینکه موعد انتشار قانون انتخابات موعود نزدیک گردید در مقام تحقیقات برآمدم ببینم آیا برای تنظیم چنین نوشته اقداماتی بعمل آمده یا نه واگرچه وزیر امور خارجه بسفیر اعلیحضرتی اظهار داشت که نوشته مزبور آماده شده محرمانه واضح بود که او شخصا چنین نوشته را بچشم ندیده وفقط امر داشته است اینطور اظهار بنماید و نه او و نه کسی دیگر نمیتوانست اطلاع صحیحی دراینباب بدهد دراین اثنا همینکه وقت انجام وعده شاه نزدیک گردید راپورتهای مختلفه که معلوم بود منشاء آن دربار است شروع بآمدن کرد که از ایالات و ولایات تلگراف برضد تشکیل مجلس بمرکز مخابره شده در ۲۸ اکتوبر رئیس مطبعه شاه خبر داد که قانون انتخابات در تحت طبع وروز دیگر منتشر خواهد شد ولی سپس شهرت داد که انتشار آن تامدت غیر محدودی بعهده تعویق افتاده است از وزیر امور خارجه در اینباب استفسار شد جواب دادند که خود وهمکارانشان تمام روز ۲۹ اکتبر را صرف تنظیم قانون انتخابات نموده وآنرا تمام کردند ولی دوباره بعضی تغییرات درآن میدهند

علمای نجف تلگراف بسیار تندی بشاه مخابره نموده در آن مذکور است اعمال شاه قلوب مؤمنین را مجروح وامام غائب را مکدر نموده است برای تحصیل حکومت مستبدی از هیچ نوع

ندانی فروگذار نخواهیم نمود در انتهای تلگراف مزبور این عبارت مذکور است ظالمین ممنون خدا هستند حالا [illegible] دارند ولی همیشه اینطور نخواهند ماند ترجمه این تلگرافرا شاهنده اعلیحضرتی مقیم بغداد برای من فرستاده و از قرار معلوم درطهران آنرا انتشار داده اند

مسیو سابلین مستشار جدید روس باید در ظرف یك هفته بطهران وارد شود

(امضا) جرجیل ٤ نوامبر ١٩٠٨

مشهد

اخیراً بسیاری ازمشروطه خواهان ازجنرال قونسول اعلیحضرتی استدعای رخصت پناه گرفتن در جنرال قونسولگری نموده‌اند ولی مستدعای تمام آنها رد شده است

اصفهان

تمام راههای از اصفهان بسایر نقاط باستثنای راه طهران [illegible] وقوافل را غالبا میزنند

یزد

[illegible] قونسول اعلیحضرتی ظاهراً در [illegible] هر روزه واقع میشود حکومت [illegible] عدم [illegible] اصلاح موقع نموده [illegible] و [illegible] که [illegible]

رسیده اند آنهائی بوده اند که خود را تبعه دولتهای [illegible] پنهان کرده و از عبور اهالی حاکم جدید کرمان استفاده نموده و همراه او بیزد رفته اند

کرمان

در اوایل سپتامبر ناظم التجار در قونسولگری انگلیس پناهنده گردید پس از چند روزی خارج شد

صاحب اختیار حاکم جدید در ۲۱ سپتامبر وارد شد [illegible] الدوله را بسمت نایب حکومت معین وسعدالسلطنه را وزیر خود نموده است

دستجات راه زنان فارس چندین ده را در ناحیه کرمان زده و [illegible] طرف [illegible]

شیراز

آصف الدوله فرمانفرمای جدید [illegible] وارد گردید [illegible] قونسول مقیم اعلیحضرتی [illegible] قونسول [illegible] آن بطور [illegible] سلوك نموده وبطور [illegible] خود را [illegible] مذاکره در امورات معوقه نشان داد

روز ۱۳ اکتبر او از قونسول مقیم وقونسول ملاقات نموده و [illegible]

از عهده اعاده انتظامات فارس برنیامده و عقیده قونسول [illegible]
راین است که فقط علاجی که متصور میشد تعیین [illegible]
تری است در ۲۶ اکتبر مستر بیل تلگراف نمود که از [illegible]
را مفهوم شده هفته برای اخراج فرمانفرما و [illegible]
وسخته شده است از قراریکه راپورت داده شده عساکر از [illegible]
طرف قتل اعراب بعلت عدم خوراک وفشنگ امتناع و [illegible]

همینکه فرمانفرما اطمینان بسمت پناهندگان داد [illegible]
آنها از قونسولخانه خارج گردیدند ولی چهار نفر آنها
در آنجا توقف نمودند

راپورت سرقتهای بسیار در راه بوشهر و اصفهان
مابین اصفهان وشیراز چندین مرتبه پست را زده اند

در ۸ اکتبر فوج جهرم محل مختصا در اداره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز ۱۰ [illegible]

(امضا) [illegible]

نمره ۳۱۶

مکتوب [illegible] — (وصله ۲۳ نوامبر)

طهران ۵ نوامبر ۱۹۰۸ — آقا در تعقیب مراسله ۲ [illegible]
ماضی خود اختصاراً راپورت میدهم که در عرض هفته اول ماه
اکتوبر در مناسبات مابین فرمانفرمای تبریز و ملتیان [illegible] و علائم
بهبودی هویدا نگردید واقدامات مختلفه که برای حل اشکالات موقع

آمد بشهر بود وانیسکه واضح بود که عین الدوله آنقدرها
[illegible] که بواسطه امتزاجات موقع بستن از در اصلاح داخل
[illegible] بواسطه مسدود نمودن ابواب دخول بشهر هم بر
[illegible] شهر افزوده و هم تمام طبقات مردم را بخشم
[illegible]

در همین ملتمس در یك موقع بر اردوی فرمانفرما وسواره
ماکوئی که پل آجی را در نزدیکی یکی از دروازه‌های شهر در
[illegible] داشتند حمله بردند نتیجه این جنگ که [illegible] ساعت دوام
[illegible] این شد که قشون ملی [illegible] مظفر گردیده و سواره ماکوئی
[illegible] اختلال [illegible] روی داد در این جنگ
[illegible] پل آجی دستگاه بزرگی بود و [illegible]
[illegible]

روز ۱۲ محله دواجی شهر که با [illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible] آنها را [illegible]
سلامیه مشهور را که [illegible] بود غارت نموده [illegible]
[illegible]
[illegible]
در [illegible] توقف نمودند [illegible] عین الدوله معزول و فرمانفرما [illegible]
شد [illegible] و منصوب گردد ولی چون او ازاول این عهده امتناع
[illegible] عین الدوله [illegible] عهده خود برقرار است

[illegible] ۱۸ اکتوبر دولت روس تصمیم نموده بود ۸۰ الی

مفطر قزاق ایرانی و دو دسته پیاده نظام نداشت اعزام شدند ولی آخر الامر ترك عزیمت نمود

از زمان طغیانی ملتیان اوضاع تبریز روبهم رفته خوب بودی نموده وروز ۲۸ آکتوبر بازارها مفتوح گردید ولی بواسطه اقدامات شجاع نظام برتجارت شهر خسارت زیاد وارد آمد وشجاع نظام پس از فرار مرند مراجعت نموده و راه جلفا را اشغال نمود تا روز ۲۸ بارمبحکی توسط بسته برای او ارسال گردیده خود و یکی از پسرانش را مقتول نمود ازرمان قتل او یکی از پسرانش که زنده مانده است وخود را حاکم مرند میخواند راه تجارت را مسدود نموده و راه ارزروم هم بواسطه حضور دزدان ماکوئی خیلی ناامن بوده است

مرا باید مذکور دارم که از زمان آخرین شکست دولتیان رؤسای ملتیون تلگرافات بشاه ووزیر امور خارجه مخابره نمود اظهار ضدیت و اتحاد بان اعلیحضرت نموده و بوزیر امور خارجه اعلام کرده اند که باسعی قوا منافع اتباع خارجه را که در شهر سکونت دارند حفظ خواهند نمود و سواد این تلگرافات را برای اکثر نمایندگان خارجی طهران فرستادند

(امضا) جورج بارکلی

نمره ۳۱۷

مکتوب سرآرتر نیکلسن بسرادوارد گری . ــ (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۹ نوامبر ۱۹۰۸ ــ آقا امروز صبح از مسیو ایسولسکی ملاقات نموده ازاو درباب اخبار طهران درخصوص

تصمیم شاه بفسخ مشروطیت استفسار نمودم چون از قرار تلگراف ۸ نوامبر سرجارج بارکلی اسعم چنین اقدامی قریب الوقوع بنظر میامد ولی اینطور معلوم گردید که مسیو ایسولسکی دراین باب ازطرف مسیو دوهرتوبك خبری نرسیده بود وبنا برای مضمون تلگراف فوق الذکر سرجارج بارکلی را برای او قرائت نموده و بجناب معظم الیه اظهار داشتم که متعاقب وصول آن مکراف تلگراف دیگری از طهران برای من رسیده مشعر براینکه بدداعت متحدالمآل دیروز بوزیر امور خارجه داده شد و چون شاه ظاهراً قطعاً وعده داده بود که صدر اعظم امر دهدکه بروفق عرضحالی که اظهارات برضد مشروطیت نموده بودند عمل نمایند حالا امکان داشت که شاه مجدداً ملاحظه و صحبت خود را بنمایند وهرگاه درفسخ مشروطیت اصرار شود نتایج وعواقب آن احتمال کامل میرود بسیار وخیم باشد و در هر صورت نظر بنصایحی که دولتین روس و انگلیس مکرراً بشاه دادهاند دولتین باید چنین اقدامیرا از طرف او بنظر بسیار جدی ووحشت نگرند بنظر من چنین میاید دستی بیك نحوی بشه فهمانید که باینطور سهل و ساده میتواند بنصایحی که باو شده بی اعتنائی نماید

مسیو ایسولسکی اهمیت موقع را بخوبی شناخته است ولی اظهار داشت تا زمانیکه از مسیو دوهرتوبك راپورتی برسد میتواند عقیده قطعی خود را اظهار نماید و برای کسب [illegible] در خصوص حقیقت موقع تلگراف کرده است او نمی کند میخواهم بدانم شما چه اقدامی ر میتوانید ارائه نمائید که عدم قبول [illegible]

صحه نمیدهد من دیشب اظهار داشتم مشکل است اقداماتیرا که بسیار مهم و مناسب بنظر میرسد [illegible] البته پروتست فقط چندان اثری نخواهد داشت ولی شاید اخطار دولت روس صاحبمنصبان خود را تا مدت محدودی بار حواسه نگذارد نزد او مانند شاه ممکن است بفهمد که [illegible] دولت روس [illegible] کمکی داشته باشد

مسیو ایسوولسکی [illegible] ولی [illegible] که [illegible] است صبر شود تا اطلاعات کاملتری در خصوص آنچه حقیقت واقع شده بدست آید واز تلگرافات عمومی اینطور مفهوم میگردید که عریضه هائی که بشاه تقدیم شده بود فقط مقدمه اقدامی ازطرف آن اعلیحضرت بود و ذکر شده بود که شاه به فسخ مشروطیت رضا داده باشد

نمره ۳۱۸

مکتوب سر آرتور نیکلسن بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

سن پطرزبورغ ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا مسیو ایسوولسکی امروز چند قسمت از تلگرافات مفصلی که از طهران رسیده بود برای من قرائت نمود واظهار داشت این تلگرافها را سفارت فرستاده و اوضاع پایتخت ایران را بسیار تیره و تار شرح داده اند

من باو اظهار داشتم مجلس تشکیلی اصلی لازم است مجلس تشکیل گردد و شاید آنوقت بتوان [illegible] در اوضاع بهبودی داده شود مسئله عمده [illegible] که شروع انتخابات شده و مجلس منعقد گردد اطمینان دارم درایی ملاقاتی که [illegible]

انگلیس و روس از شاه میکنند تا طوری بکنیم که از مساعی و اقدامات مستمدن فقط حاصل شود

(امضا) آرتور نیکلسن

نمره ۳۱۹

مکتوب سر آرتور نیکلسن بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

سن پطرزبورغ ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا دیشب مسیو ایسوولسکی شرحی در خصوص اوضاع ایران که هنوز خیالات او را مضطرب میدارد بیان نموده حقیقت من در دو مسئله تصمیم رأی نموده ام یکی عدم مداخله و دیگری عدم تقویت شاه اینرا ممکن است [illegible] ولی ازجهت [illegible] آن در مضطرام [illegible] که [illegible] واضح از آنچه [illegible] منحصر است ولی درست نمیداند چه دستی بکند احتمال [illegible] مملکت دومرتبه دوچار هرج و مرج شود و باعث حدوث اتفاقی گردد که [illegible]

[illegible]

و آخرین دقیقه از هرگونه مداخله دوری جویند با او موافق بوده
در واقع این مسئله صبر و تحمل دولت روسیه را در مورد امتحان
گذارده است او نیز درباب ارائه طرقی که من نمودم برای اینکه
متخصصان روسی را بپذیرند تا آنکه علامت نارضایتی دولت
روس باشد مشغول فکر بوده ولی میترسیده است باین اوضاع چنین
اقدامی بسیار خطرناک باشد چرا که در غیاب آنها هیچ نمیتوان اعتماد
نمود بر اینکه بریگاد قزاق اصلا از روی نظم و ترتیب حرکت کند
و برای تسکین اوضاع حالیه اقدامی بایستی عمل آید از قرار معلوم
شاه از انتشار قانون انتخابات و انعقاد مجلس سرپیچی مینمود

امروز بعد از ظهر مسیو ایزولسکی مجدداً در باب وضع
امور ایران ومخصوصا احوال آذربایجان بیاناتی نموده اظهار داشت
که ستار خان درجه‌ی ایران حاکمی تعیین نموده واو بیرق قرمزی
برافراشته وفوراً یکصد الی یکصدو پنجاه نفر از رولوسیونرهای
خاک روسیه بوی ملحق گردیده‌اند راست است که طرق تجارتی
حالیه مفتوح میباشند ولی اتباع روس مقیم تبریز اصلا مورد تهدید
واقع شده بسبب وحشت آنها فراهم میاید واز اینکه او دست روی
دست گذاشته وهیچ اقدامی ننموده است اورا ملامت وسرزنش می
کنند مسیو دوهارتویك راپورت داده بود که نصایح او و سر
جورج بارکلی در شاه تاثیری پیدا ننموده ولی هنوز آن اعلیحضرت
[illegible] قطعی برای قبول [illegible] عمل [illegible] بعلاوه
هرگاه مجلس منعقد گردد مجری هیچ [illegible]
[illegible]

مجلس معمولی وعده‌ی اعاده دهد

من بمسیو ایزولسکی اظهار داشتم که با صبر وتحمل زیادی
که دولت روس بخرج میدهند ودر مواقع بسیار سخت و مشکل
بخرج داده است کاملا در نظر دارم و ایشان بلا شك فهمیده اند
که صدر اعظم از صبری که روسیه بخرج داده وادای معهود خود
در مراعات معاهده شهادت کامل داده‌اند فکر من این بود که
ما بایستی اصرار باعلان قانون انتخابات و تشکیل مجلس نمائیم و
هرگاه این اقدامات بانجام رسد ممکن است درموقع تسکین حاصل
گردد من بایشان اظهار داشتم که خلاصه نظریات اورا که دیشب
برای من اظهار داشت بشما تلگراف نموده‌ام و همینکه جواب از
طرف شما رسید فوراً اورا مستحضر خواهم داشت

اوضاع آذربایجان ملاحظه اسباب تشویش دولت روس گردیده
مخصوصا بواسطه آنکه ستار خان مستقلا و باراده شخصی عمل
مینماید ورولوسیونرهای قفقازیه هم سبب او وآنچه اودرپی حصول
آنست همدردی و اقدامات مینمایند

(امضا) سر آرتر نیکلسن

نمره ۳۲۰

مکتوب سر آرتر نیکلسن بسر ادوارد گری . — (واصله ۲۳ نوامبر)
سنت پطرزبورغ ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸ — آقا بایستی راپورت
دهم که مسیو ایزولسکی امروز چنانچه تقریبا در هر موقعی که
[illegible] ملاقات میکنم مجدداً از اشکالاتی که درمسئله خواهشات عامه
برحفظ منافع روس در آذربایجان دوچار گردیده است شرحی

اظهار داشت ومن گفت که بتجارت روس بطور سخت تضییق شده وتابع روس تهدیدات ومزاحمت میشود و او نمیداند دیگر تواند بیش از این از اقدامات خودداری نماید مطبوعات روسیه در اینباب مقالات نوشته و از دولت درخواست مینمایند اقدامی بنماید ستار خان در معنی عامل بیناه است ولی درواقع بحرف رولوسیونرهای قفقازی که برای هرگونه شرارت کاری حاضر بودند گوش میداد

امروز صبح هم روزنامه نوویه‌وریمیا و هم نوورس گازت درباب اوضاع واحوال امور آذربایجان مقالاتی چند درج و منتشر نموده اند روزنامه اولی چنین مینویسد علت عدم مداخله روس در آذربایجان وبقدرتی شاه موقع ستار خان در تبریز محکم تر میشود وهرج ومرج بیشتر میگردد هرگاه این وقایع سابق روی میداد دولت روس یقینا طور دیگری عمل مینمود خوی ومحمد و ترکمانیه برای آنکه برقوافل روس حمله نموده بودند آزادی خود را از دست دادند ولی حالا دوره تغییر کرده تجارت روس اصلا خسارت کشیده وآیا این وضع تاکی طول خواهد کشید هرگاه انگلستان بجای روس بود البته اینطور صبر و تحمل بخرج نمیداد بعلاوه خسارات مالی که دولت روس ناچار تحمل نموده خسارت معنوی هم متحمل شده است هرگاه ستار خان عوض آنکه یك مسلك ثابت خصومت کارانه نسبت بروس اتخاذ کند فقط مشغول منازعه باشاه بود هیچکس شکایتی نداشت بعلاوه خطری که برای روس متصور است از بابت قبایل تاتار ماوراء قفقاز میباشد که بادقت تمام حوادث تبریز را مراقب بوده و ستار خان را یکی از

قهرمانان می پندارند

نوورس گازت مینویسد چه مسیو دوهارتویك طهران بیاید یا نیاید شکی نیست که از منافع و اهمیت مقام روس بطور کفایت دفاع بعمل نیامده ونویسنده از درك اینکه چرا دولت روس مثل یك تماشاچی بر حوادث ایران نگریسته و اقدامی نمیکند قاصر است و میگوید امروز یا فردا آذربایجان اعلان استقلال خود را داده و آن وقت روس یك همسایه بی نظم تازه خواهد داشت نوورس گازت این طور صلاح میداند که دیپلوماسی روس بایستی صریحا اتحاد مخفی را نقض نموده وبتصدیق دولت انگلیس آرام نمودن ایران را بعهده گیرد وهرگاه دولت روس میخواهد که دولت عثمانی از اینموقع استفاده ننماید بایستی بپلتیك مجدانهٔ درایران اتخاذ نماید

(امضاء)   سرآرتورنیکلسن

نمره ۳۲۱

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ ـــ شاه و مشروطیت ـــ راجع بتلگراف دیروز من ـ با مسیو سابلین آخر الامر درباب اوضاع مذاکره نمودم وتصور میکنم خوب است نمایندگان دولتین استدعا نمایند شاه هردو آنهارا بحضور خود بپذیرد آنوقت تقاضای ذیلرا بنمائیم اول آنکه صدر اعظم وامیر بهادر جنگ را که بپلتیك مستبدانه آن اعلیحضرت را تقویت مینمایند از کار خارج نمایند ثانی آنکه اعلانی راجع بتقرر مشروطیت صادر ومنتشر نماید

نمره ۳۲۲

تلگراف سرادوارد گری بسر آرتور نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ — اقدامی که بر حسب راپرت مندرجه تلگراف دیروز خود درباب دستخطی که شاه اخیراً صادر نموده کرده اید صحیح است

نمره ۳۲۳

تلگراف سرادوارد گری بسر آرتور نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ — از آنجائیکه شاه بر حسب دستخط آخری خود مشروطیت ایرانرا معدوم نموده است دولتین روس وانگلیس بایستی موقعیرا که بواسطه این اقدام حادث گردیده باکمال دقت مراقب باشند

من اهمیت اعتراضات وعقیده در خواستن صاحبمنصبان روسی را از طهران خوب درك میکنم وبهمرفته بنظرم چنین میآید که بهترین کاری که کرده شود این است که [illegible] ایرانرا [illegible] خود بر شاه فشار آورند هرگاه نمایندگان دولتین شاه بطور متحدالعمل نمایند بامضمون که حالا که دعوای شاه در حکمفرمائی بر سریر ثبوت رسیده وبواسطه عدم ایفاء عهود خود درباب مشروطیت دیگر هیچ احتمال اینکه بتواند خود آن صفحه [illegible] پیش برود وعلاوه هرگاه بخواهد دومرتبه وضعیت خودرا درآن نقطه محکم نموده واغتشاشی بواسطه این اقدام بظهور رسد درصورتیکه مشروطیت که فقط وسیله علاج هرج ومرج [illegible] وولایات شمرده میشود وجود ندارد ما اورا مکلف مسئول خواهیم دانست ما ممکن

است بانقصود نائل گردیم

بهترین طریق که بنظر من میرسد این است که از هرگونه مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده بگذاریم اهالی خود بحل مسئله بپردازند ولی هرگاه هیئتی که امروزه در آذربایجان بیشتر قدرت دارد بطور غیر دوستانه بادولت روس سلوك نماید آن وقت مداومت پای بندی به پلتیك عدم مداخله بسی دشوار خواهد بود

شما باید این نظریات را باستحضار مسیو ایزولسکی رسانیده ازاو خواهش کنید که هرگاه تصویب مینماید به نماینده دولت روس مقیم طهران روس آن تعلیم دهد

نمره ۳۲۴

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری (واصله ۲۴ نوامبر)

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ — عطف بتلگراف ۲۲ نوامبر [illegible] دستخط خود داده است [illegible] ۱۹۰۸ [illegible] که [illegible] ۲۰ نوامبر [illegible] خواهد [illegible]

نمره ۳۲۵

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری (واصله ۲۵ نوامبر)

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸ — [illegible]

بسیار اسباب رنجش خاطر شاه گردیده است

علاء السلطنه سپس شروع بتوضیح دستخط اخیر شاه نموده ظهور داشت از دستخط فقط جوابی است بمرقومه عمده نوشته رسمی سفارتین و تا اندازهٔ که برحضرت ایشان معلوم گردیده طبع آن بامر شاه عمل نیامده است و علاوه در آن دستخط مسئله تشکیل مجلسی مثل مجلس سابق رد شده و آن اعلیحضرت هنوز مصمم میباشند که مجلسی که مناسب مملکت و موافق با قوانین اسلام باشد اعطا نمایند چنانچه در دستخط دوم اکتوبر وعده آن داده اند

علاء السلطنه سعی داشت مرا ترغیب نماید در عوض آنکه ترجمانها حضور اعلیحضرت بروند من خود خواهش شرفیابی بطور غیر رسمی نمایم ولی من بایشان اظهار نمودم که دفعه آخری که خود بطور غیر رسمی حضور شاه رفتم از ملاقات نتیجه مطلوبی نرسید و بایشان فهماندم که دفعه دیگری که شرفیاب میشوم باتفاق همکار روسی خود و در تحت تعلیمات دولت متبوعه خود حضور خواهیم رفت و محض آنکه کاری نکنیم که دیگر این ملاقات رسمی لازم باشد میخواهم ترجمانها حضور شاه مشرف شده وبی پرده باو صحبت نمایند حضرت اشرف ایشان راضی شدند که برحسب میل و اراده آن اعلیحضرت عمل نمایند

علاء السلطنه مجدداً در باب شورای مملکتی که بهمین زودیکی تأسیس خواهد شد صحبت نمود

نمره ۴۲۶

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۷ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸ ـ اوضاع آذربایجان ـ راجع بتلگراف ۲۳ شهر جاری شما ـ مسیو ایزولسکی دیشب در باب اوضاع امور این ایالت بمن صحبت داشت و گفت از ماه ژوئیه تاکنون دوراه جلفا الی تبریز که مخارج ساختن آن ده ملیون منات شده باج گرفته شده و اتباع روسی معادل صد و پنجاه هزار لیرا خسارت ادعا نموده اند این اوضاع خیلی وزیر مالیه را پریشان نموده واصرار دارد براینکه منافع روسیه بدستی یک قسمی محافظت شود هرج و مرج این ایالت عوض آنکه رو بتقلیل بگذارد روز افزون است

اما درباب مطالبی که در تلگراف فوق الذکر خود اراده طرق فرموده اید شاه عنوان شود مسیو ایزولسکی چنین اظهار عقیده نمود که نظر باینکه شاه دستخط خود را نسخ نموده چنین جوابی دیگر لزومی ندارد

نمره ۴۲۷

تلگراف سر جرج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۸ نوامبر)

طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ گمان میکنم خوب است قبل از آنکه مجدداً عنوانات رسمی متحد المآل دیگر بشاه نمائیم بگذاریم یک مدت کمی بگذرد محض آنکه اثرات اقدامات متحد متفقه ۲۲ شهر جاری ما و نتیجه ملاقات دو ترجمانهای ما که امروز بوقوع پیوست کاملاً مشهود گردد نتیجه ملاقات ترجمانها چندان غیر مطلوب نبود اعلیحضرت شاه درجواب اظهارات آنها تکرار نموده اند که بی موجب دستخطی که اخیراً بطبع

رسیده شد عدم افتتاح یک قسم مجلس را در نظر داشته‌ام وحالا
و در حال است منتظر چه نامیتی کرد و در تفکرات خود غلطه
خواهد شد وزیر امور خارجه سفارتین را از نتیجه این تفکرات
مستحضر خواهد داشت ولی همینقدر میتواند بگوید که شورائی
تشکیل گردیده وفردا منعقد خواهد شد ترجمه‌ها اشعار میشود که
خبری که خیلی لازم است تشکیل یک هیئت منتخبین است واصرار
میشود که طرح ریزی برای یک هیئت نمایندگی باید بعهده شوری
محوّل باشد

شکی نیست که برای راضی نمودن شاه بطوری که راضی
شده اینکار را بعهده شوری محول نماید فشار لازم است ولی بنظر
من اگر از این شورای مملکتی استفاده نموده وآنرا اول قدم برای
حصول مجلس شورای ملی بدانیم اسهل طرق خواهد بود اگرچه
البته پیشرفت این اقدام بیشتر بسته بانتخاب اعضای این شوری است

در مطبعه « طهران » طبع رسید

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۱۱	دعور	دعور
۳	۱۳	بتوسطه	بتوسطه
۵	۱۰	فروده	فروده
۶	۸	فانه	عانه
۹	۲	بحور	بحرت
۱۲	۸	۲م	سدم
۱۵	۱۱	سکه	بسکه
۲۱	۲	مخصصین	مستحقین
۳۲	۱۸	مرنی	مرعی
۳۶	۷	عالمی	عمومی
۳۶	۸	حمله) وعمر مامیب حب)	(زیلا زحشمر حمره رمدلسی
۳۷	۳	رسمی	معموله
۸۳	۷		
۸۳	۱۱	ارا	ایران
۸۰	۹	دن	زمان
۹۹	۱۳	بشاه	بدشاه
۱۰۵	۱۹	اجبار	انحصار
۱۰۷	۴	رنجور	رنجور
۱۲۷	۱۴	بیست وچهار	سی وچهار

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۱	۱۸	سبیل	سر
۱۴۱	۱۲	رق	رق
۱۴۰	۳	سبیل	سر
۱۴۷	۲۰	ستارا	آستار
۱۴۸	۷	رم	آرم
۱۴۹	۴	رام	آرم
۱۴۹	۱۵	راه	راهها
۱۵۰	٦	۱۹۱۷	۱۹۰۷
۱۵۳	۳	علاء الدوله	علاءالسلطنه
۱۵۹	۸	مد	آمد
۱۵۹	۱۱	درده	آورده
۱٦۰	٦	فرص شود	مطبوعه
۱٦۰	٦	مسمد	بمد
۱٦٦	۷	پیوسطه	پیوسته
۱٦۷	۱۳	سح	آلس
۱٦۷	۱۵	رف	رفسد
۱۷۳	٤	وصیله	وثیقه
۱۸۱	۱۹	بردارزده	بر درزاده
۱۸۳	۱۳	باشد	مشاهد
۱۸۴	۳	باشد	مشاهد
۱۸٤	۵	باسحب	بمنحب

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۸۴	۱۲	صندل	[illegible]
۱۸٦	۱۸	وری	وردی
۱۸۷	۵	باشد	مشاهد
۱۸۷	٦	وطید	وجه
۱۸۷	۱۲	وسمه	وسمه
۱۸۹	۱۸	بمحب	بی‌محب
۱۹۳	۷	رهنی	رهنی
۱۹٦	۱٦	حساب	حنداط
۱۹۸	۹	عراس	عرمس
۲۲۵	۱۸	عمش	لمش
۲۲۷	۱۵	باشد	مشاهد
۲۳۰	۱۸	بلاهب	نهب
۲۳٦	۷	برادردیگر	بر دردیگر او
۲۳۹	۲۰	بافه	بافه
۲۴۰	۳	منفا	منفعا
۲۴۵	۹	حشی	وحشی
۲۵۱	۱۴	محبوب	محبوب
۲۵۲	۵	اکس	آژنس
۲۵۳	۱٦	اروپائی	روپ
۲۵۴	۱٦	اون	مه
۲۵۵	۷	وکر	وکرش

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۶۲	۱۸	توقیف گردیدند	مشغول بوده توانسته بمجلس حاضر شوند
۲۶۶	۱۶	رایوتهای	رایورتهای
۲۷۵	۱۳	مازو	مازور
۲۸۰	۱۰	انجاب	آنجناب
۲۸۱	۱۲	وررازا	وزرا
۲۸۷	۸	دهارت‌ویك	دوهارتویك
۲۸۸	۱۶	ترعیت	ترعیب
۲۹۳	۳	کردم	گردیدم
۲۹۵	۲۲	۲۵۰۰۰۰تومان	۸۰۰۰۰۰تومان
۲۹۹	۱	عراق	اعراق
۳۰۰	۱۵	اوایل	اوایل‌ماه
۳۰۸	۹	اتفاق	تعاق
۳۲۰	۶	بادر	تادر
۳۲۳	۱۲	که	در
۳۲۹	۹	آژانس	کارگذار
۳۳۸	۲۰	آوردند	آورم
۳۴۱	۱۸	آواره	آرواره
۳۴۶	۱۷	پرونیك	پتروسك
۳۴۷	۶	نفور	نفوذ
۳۵۰	۱	شیراز	تبریز

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۵۱	۱	کردد	کردند
۳۵۵	۱۱	نصایح	صحیح
۳۵۶	۱	همجو	همیشه
۳۶۱	۱۶	چهارماهه	چهارهفته
۳۶۷	۱۴	اسم	اسم‌من‌را
۳۶۸	۱۵	گمانمیکنم	گمان نمیکنم
۳۷۵	۱۰	باهد	باشد
۳۸۲	۱۲	قبول دارند	قبول دادند
۳۸۲	۱۷	عمل	بعمل
۳۸۳	۲۲	تعلمات	تعلیمات
۳۹۱	۱۵	علاء الدوله	علاء السلطنه
۴۰۵	۲	گمانمیکنم	گمان نمیکنم
۴۱۷	۱۷	چهارماهه	چهارهفته
۴۲۲	۸	باجمار	باجهار
۴۵۰	۱۰	مؤیدالدوله	مؤیدالسلطنه
۴۵۶	۲	بریگاد	به‌بریگاد
۴۵۷	۹	موود	مورد
۴۶۶	۱۳	برقراراست	برقرارداشت
۴۶۷	۱۱و۱٤	سجر	مازور
۴۶۹	۱	۲۹۰۶	۱۹۰۶
۴۸۱	۶	مداخله	عدم‌مداخله

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٨٢	٤	تحملی راکه	تحملی نیز اکه
٥١١	١٩	ترتیب را	ترتیبی را
٥١٥	١٨	بشود	نشود
٥١٩	٩	دعوین	دعاة
٥٢٣	١٦	داشت	دانست
٥٢٥	١١	تعین	تعیین
٥٢٧	١٨	بوطع	بوضع
٥٢٧	٢١	مجر	مازور
٥٦٠	٢	نماید	نیامد
٥٦٧	١٦	نظم	نظم
٥٧٠	١٩	دستودالعمل	دستورالعمل
٥٧٧	٢٠	بطرریکه	بطوریکه
٥٨٦	١٤	مجر	مازر
٥٨٨	٥	شخاع نظام	شجاع نظام
٥٨٨	١٣	مخابره نمود	مخابره نمودند و

کتابخانه آیت الله بروجردی(ره)
55540257

کتابخانه آیت الله بروجردی(ره)
55540257